

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال چهاردهم
شماره پنجاه و چهار
بهار ۱۴۰۴
شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲



فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: کیومرث ایراندوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research
(Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): احمدی، محمدآزاد، پژوهان، موسی، حبیبی، فاتح، خاکزند، مهدی، خانی، سعید؛ دانش مهر، حسین؛ درویش، بهروز؛ سجادزاده، حسن؛ سعادت‌وقار، پوریا؛ عادل، زینب؛ عزیزی، محمد مهدی؛ فردوسی، سجاد؛ قره‌بگلو، مینو؛ کهزادی، سالار؛ ممدوحی، امیررضا؛ منوچهری، صلاح‌الدین؛ یزدان‌پناه شاه‌آبادی، محمد رضا.

۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

تلفن:

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه‌آرا: جواد ده‌ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برداران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۱۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با درجه علمی-پژوهشی منتشر می‌شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می‌شود.

مطالعات شهری

فهرست

- تبیین فرآیند مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی با تأکید بر قابلیت‌های محیطی
هاجر اسدپور، محمود قلعه‌نویی، آرمین بهرامیان
۳
- تحلیل فضایی صرفه‌های ناشی از تجمع در مقیاس کوچک: تخصصی شدن و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در شهر کازرون
غلامرضا مرادی
۲۱
- کنشگری ارتباطی در مدیریت پروژه‌های شهری
نمونه مورد مطالعه: مدیریت شهری زنجان | علیرضا دویران
۳۵
- تحلیل کیفی پایداری اجتماعی مسکن مهر شهر جدید گلستان ارومیه، حاشیه‌نشینی نو
افشار کبیری، جواد جهانگیرزاده
۴۹
- رهیافت فرا ترکیب در حوزه مطالعات مکان‌سازی با رویکرد بیوفیلیک
الناز خلیلی، سید مسلم سیدالحسینی، تکتّم خنایی، ساناز سعیدی مفرد
۶۳
- تبیین آثار شاخص‌های کالبدی، بصری و محیطی بر سلامت شهری در شهر قم
علی مهدی
۷۷

تبیین فرآیند مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی با تأکید بر قابلیت‌های محیطی

نمونه مورد مطالعه: محدوده زندیه شیراز

هاجر اسدپور - دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
محمود قلعه‌نویی^۲ - استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
آرمین بهرامیان - دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۹ آبان ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۰۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

کم‌توجهی به جنبه‌های بصری مناظر شهری تاریخی منجر شده تا تصویری مخدوش و ناخوانا از مناظر در ذهن شهروندان ثبت شود؛ بنابراین به فرآیندی برای مدیریت بصری مطلوب مناظر شهری تاریخی نیاز است تا مراحل آن با در نظر داشتن قابلیت‌های مناظر شهری به‌طور کامل طی شود. از این رو پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی مبتنی بر قابلیت‌های محیطی در نمونه مورد مطالعه و تدقیق مراحل انجام مدیریت مطلوب انجام شده است. دلیل انتخاب محدوده زندیه شیراز تغییرات این بخش در فرآیندهای توسعه و ساماندهی‌های اخیر است. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش که فرآیند مدیریت بصری چه مراحل دارد و در چه وضعیتی قرار دارد؟ و میزان قابلیت‌های محیطی در محدوده چقدر است؟ پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و شناسایی قابلیت‌های محیطی، با استفاده از تکنیک «شبه‌تصویری»^۳ محدوده مورد مطالعه شبکه‌بندی گردید. در گام بعد در قالب پرسشنامه تصویری از متخصصان خواسته شد تا به هریک از قابلیت‌های موجود در این محدوده، متناسب با تصویر و شناخت قبلی امتیاز دهند. علاوه بر این، وضعیت مراحل مختلف فرآیند مدیریت بصری در شیراز نیز ارزیابی شد. نتایج نشان داد که «چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی»، «چالش‌های مدیریتی» و «چالش‌های مرتبط با شناخت بستر» سه دسته مشکلات وضعیت فعلی بافت تاریخی شهر شیراز هستند. در فرآیند مدیریت بصری، مراحل «تدوین اهداف حفاظت بصری» و «ساماندهی منظر» از کمترین میزان برخورداری و دارای اولویت برای اقدام است. در انتها فرآیند مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی قابل کاربست در بافت تاریخی شیراز تبیین گردید و با تأکید بر مرحله چارچوب‌گذاری و قابلیت‌های محیطی مشخص شد که پهنه شماره ۵ محدوده زندیه (محدوده مجاور مسجد و حمام وکیل) تمامی قابلیت‌ها را در حد مطلوب دارد و پهنه شماره ۲ (محدوده دیوان‌خانه) از سایر بخش‌ها امتیاز کمتری را به خود اختصاص داده که نیازمند رسیدگی بیشتر است. نتایج پژوهش حاضر در اتخاذ تصمیمات بهینه و اولویت‌بندی اقدامات پیشنهادی برای مداخله در محدوده بافت تاریخی کاربرد خواهند داشت.

واژگان کلیدی: الگوی مدیریت بصری، ساماندهی و چارچوب‌گذاری منظر، منظر شهری تاریخی، قابلیت محیطی، محدوده زندیه (شیراز).

نکات برجسته

- قابلیت‌های توصیف‌کننده ویژگی‌های منظر شهری (عینی-ذهنی) شامل مؤلفه‌های ادراکی و مؤلفه‌های شناختی هستند.
- منظر شهری تاریخی به مثابه پدیده عینی-ذهنی به ارتباط مؤثر سیمای تاریخی با ذهنیت استفاده‌کنندگان اشاره داد. از آنجایی که مقیاس مدل مدیریت بصری منظر شهری کلان است، لزوم هماهنگ کردن آن با سیاست‌های خرد و محلی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است.
- «چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی»، «چالش‌های مدیریتی» و «چالش‌های مرتبط با شناخت بستر» سه دسته مشکلات وضعیت فعلی بافت تاریخی شهر شیراز هستند.
- در فرآیند مدیریت بصری، مراحل «تدوین اهداف حفاظت بصری» و «ساماندهی منظر» از کمترین میزان برخورداری بوده و دارای اولویت برای اقدام است.

۱ این مقاله از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تدوین یک مدل معناشناختی زبانی از منظر شهری؛ مورد پژوهی منظر شهری شیراز» استخراج شده و در دانشگاه هنر اصفهان به راهنمایی مشترک دکتر محمود قلعه‌نویی (راهنمای اول) و دکتر آرمین بهرامیان (راهنمای دوم) دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: m.ghalehnoee@aui.ac.ir

۱. مقدمه

توسعه‌های بی‌رویه و ساخت‌وسازهای نامناسب با بی‌توجهی به ارزش‌ها و هویت موجود در منظر شهری منجر به آشفته‌گی سیمای شهرها شده، از طرفی هم کم‌توجهی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به جنبه‌های بصری و ادراکی شهر در ذهن شهروندان، منجر به افت کیفیت زندگی در شهرها گردیده است. در سال‌های اخیر پروژه‌های زیادی در سطح شهرها اجرا شده که به دلایل زیادی، تأثیر عمده‌ای بر کیفیت قابل‌درک شهر و تصویر ذهنی شهروندان از آن، نداشته و این موضوع در طراحی فضاهای شهری، مشکلاتی از قبیل خطاهای ادراکی از جانب مردم و از دست رفتن هویت فضاها را به دنبال داشته و در پی وجود اغتشاشات بصری، دلپذیری فضاها نیز کاهش یافته و سردرگمی در تفسیر و خوانش محیط و تنزل کیفیت محیطی را رقم زده است. همین موضوع منجر شده است که امروزه، در برنامه‌ریزی و مدیریت محیطی، رویکرد محافظت از مناظر متنوع بصری، مؤلفه با اهمیتی در تصمیمات برنامه‌ریزی است (Maleki & Majidi, et al., 2021: 18) , Rastegar Jhaleh, Pedram, 2019: 1, Asur, Deniz, Ahmadi, 2013: 1, (Sevimli, & Yazici, 2020).

در ایران، ضوابط تدوین شده با عنوان «ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» (۱۳۸۷) بایدها و نبایدهایی را برای ساماندهی منظر شهرها مطرح می‌کند (Sarai, 2008) و در مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۵) به‌عنوان مرجع تمامی اقدامات در شهرها، توجه به منظر ورودی شهرها مطرح شده است. علاوه بر این به‌طور خاص در سند «جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» (۱۳۹۱) نیز با هدف تنظیم روابط بین مردم و محیط اطرافشان اشاره می‌شود که نقاط، گره‌ها، لبه، فضاها و پهنه‌ها بایستی مشخص شوند. در سایر مصوبات دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۵) نیز به ضوابطی برای حفظ و ارتقای مناظر شهری اشاره شده اما این ضوابط بدون مشارکت شهروندان و در نظر گرفتن ذی‌نفعان بوده است (Secretariat of the Supreme Council of Urban Planning, 2016 and Architecture of Iran, 2016). از طرفی به بعد نظارت و ارزیابی در مدیریت بصری که بر عهده شهرداری‌هاست کمتر پرداخته شده و نحوه عمل و معیار معتبری برای اجرا و انجام آن در نظر گرفته نشده است. علاوه بر اسناد، منشورها، طرح‌ها و مصوبات شهرسازی مرتبط با مدیریت بصری، پژوهش‌هایی به مدیریت و ارزیابی بصری مناظر با روش‌های متعددی پرداخته‌اند که با تکیه بر ابعاد زیباشناختی ادراک و ترجیحات افراد با تکنیک‌های پرسشنامه، مصاحبه یا روش‌های کمی و ابزارهای کامپیوتری صورت گرفته است (Ahmadi, et al., 2014), Tezel & Aziz, 2017, Ahmadi & Sadeghi, 2018, Golkar, 2013, (Myklestad & Wagar, 1977, Ahmed et al., 2019).

بحران وجود مناظر مخدوش و ناخوانا که شهرهای معاصر با آن روبه‌رو هستند، ریشه در توسعه شتابان و غافل ماندن از ظرفیت‌های بعد ادراکی در طرح‌ها دارد که لزوم توجه ویژه به مدیریت بصری را مطرح می‌کند. بافت تاریخی شهرها از مهم‌ترین بخش‌های هویتی هر جامعه محسوب می‌شود که مجموعه‌ای منسجم از معماری، فرهنگ، اقتصاد و تبادلات اجتماعی یک ساختار شهری را در بر دارد. بافت تاریخی که محصول رشد تدریجی و ارگانیک شهر در ادوار تاریخی بوده، در دوران

معاصر به‌ویژه در شهرهای ایران با تخریب گسترده و نوسازی‌های بزرگ مقیاس همراه شده است (Mahmoudzadeh & Saheli, 2019: 36, Roustaei & Nazeri, 2019: 124). بدین ترتیب مدیریت بصری این بخش از شهرها به‌عنوان «فرآیند برنامه‌ریزی، ساماندهی و نظارت بر فرم کالبدی شهر» به ادراک و تجربه منظر توسط تجربه‌کنندگان در فضا و ایجاد تصویر ذهنی مطلوب در ذهن آنها کمک می‌کند. وجود الگوی مدیریت بصری برای بهبود شرایط فعلی مناظر تاریخی و یا سنجش طرح‌های بازسازی و نوسازی قبل از اجرا، شکست مداخله‌ها و اقدامات را کاهش می‌دهد. بافت تاریخی شهر شیراز به‌واسطه اهمیت بسزایش در شکل‌گیری هویت شهری و نقش مهم آن در اقتصاد شهر مانند سایر بافت‌های تاریخی کشور نیازمند توجه است. منظر عینی (سیما) تاریخی شیراز با کاهش کیفیت روبه‌رو شده و میزان رضایتمندی کم ساکنان از شاخص‌های بصری در پژوهشی ارزیابی شده است (Zare, et al., 2019: 7). بنابراین ضرورت پرداختن به مدیریت بصری در آن مطرح است تا با به‌کارگیری فرآیند مدیریت بصری نقاط ضعف و بحران‌های ادراکی شناسایی و اصلاح شوند و کاربران رابطه ادراکی بهتری با فضاهای تاریخی به‌عنوان میراث شهری برقرار کنند. پژوهش کاربردی حاضر با هدف تدوین الگو و مراحل مدیریت بصری منظر تاریخی شهر شیراز پیش برده شد و در این مسیر از تکنیک پرسشنامه و شبکه تصویری استفاده گردید. پرسش‌های پژوهش در راستای دستیابی به هدف مطرح شده به ترتیب زیر عنوان می‌شوند.

۱. فرآیند مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی در شیراز شامل چه مراحل و اجزایی است؟
۲. از میان مراحل مختلف فرآیند مدیریت بصری کدام یک در برخورد با منظر تاریخی شهر شیراز دارای اولویت هستند؟
۳. از دید متخصصان با توجه به میزان قابلیت‌های مناظر شهری تاریخی (چارچوب‌گذاری) در محدوده زندیه شیراز کدام بخش دارای اولویت رسیدگی است؟

۲. چارچوب نظری

۲.۱. مفهوم منظر و منظر شهری تاریخی

«منظر شهری» از یک سو تأکیدی بر عناصر طبیعی در بستر شهری دارد و از سوی دیگر نقش سایر عناصر انسان ساخت را نیز نادیده نگرفته است (Asadpour, 2017: 30). در تعریف منظر شهری، تجربه و ادراک ناظر از شهر در طول زمان مطرح است (Esmaeeldokht, et al., 2021: 51). اما صرفاً یک تجربه ذهنی که دارای معنای هنری، زیبایی‌شناختی و وجودی است، قلمداد نشده و در واقع پدیده‌ای است که با روش‌های علمی تجزیه و تحلیل و توصیف می‌شود (Latifi & Paknezad, 2021: 2). و در واقع منظر، انسان و محیط را به یکدیگر پیوند می‌دهد و ترکیبی از دو واژه زمین (مکان) و مردم ساکن در آن است (Swaffield, 2011: 142). راپاپورت (۱۳۸۴) منظر شهری را قسمتی از محیط قلمداد می‌کند که به‌واسطه ادراک دریافت شده است (Rapoport, 1990). پل (۱۳۸۷) نیز منظر را فرآیندی بین فضای فیزیکی و غیرفیزیکی می‌داند. بنابراین میان الگو و فرایندهای سازنده زمین، ادراک ما از آنها و پیوند دائمی با زیبایی، ارتباط مستقیمی وجود دارد و منظر پدیده‌ای عینی-ذهنی

است (Bell, 2019: 11, Atashinbar, 2009: 48). در مجموع منظر در پژوهش پیش‌رو «به‌عنوان محصول تعامل انسان با محیط، مفهومی متکی بر ارتباط معنادار انسان با فضا و ویژگی‌های خاص مکان و کلیتی عینی-ذهنی» در نظر گرفته شده است. اصطلاح منظر پدیده عینی-ذهنی است که اشاره می‌کند این دو صفت در قالب یک کلیت یکپارچه و ترکیب اتحادی به نام وجود منظر ادغام می‌شوند (Mansouri, et al., 2021: 135, 150).

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ایالات متحده^۱ (۲۰۱۱) اشاره می‌کند که منظر حوزه گسترده‌تری شامل توپوگرافی سایت، ویژگی‌های طبیعی، محیط ساخته شده آن، تاریخی و معاصر، زیرساخت‌ها، فضای باز و باغ‌ها، الگوهای استفاده از زمین و سازمان فضایی، ادراکات و روابط بصری و سایر عناصر ساختار شهری و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فرایندهای اقتصادی و ابعاد نامشهود میراث مربوط به تنوع و هویت است (Mulet Gutiérrez, Oliver Torelló, & Sebastián Sebastián, 2020: 2). ریشه‌های مفهوم منظر شهری تاریخی در مباحث حفاظت شهری و در کنوانسیون‌های مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی و مدیریت شهری جا دارد. توصیه نامه یونسکو در سال ۱۹۷۶ درباره نقش محوطه‌های تاریخی و حفاظت از آنها از نخستین اسناد مربوطه هستند (Bahrami Hamedani & Taghvaei, 2021: 89). مفهوم منظر شهری تاریخی^۲ نیز رویکردی جدید به شهرهای تاریخی است که شهر را در ارتباط با بسیاری ویژگی‌های فرهنگی، طبیعی و تاریخی آن می‌بیند و به‌نوعی یک ابزار مدیریتی برای حفاظت از ارزش‌های شهری به‌صورت همه‌جانبه است؛ برای نخستین بار رسمیت یافتن اصطلاح منظر شهری تاریخی در یادداشت وین (۲۰۰۵) صورت پذیرفت. به‌این‌ترتیب، نگاه جامع به شهر تاریخی و محیط پیرامون آن در یادداشت وین با عنوان منظر شهری تاریخی مطرح شد (Bandarin and Bandarin, 2005: 53, 2012: XX Van Oers). این سند منظر شهری تاریخی را هرگونه ساختمان، سازه و فضاهای باز، در بستر طبیعی و زیست‌محیطی آنها شامل محوطه‌های باستان‌شناختی که شامل سکونتگاه‌های انسانی در یک محیط شهری در یک دوره زمانی خاص بوده معرفی می‌کند که دارای انسجام و ارزش شناخته‌شده از لحاظ باستان‌شناسی، معماری، ماقبل تاریخ، تاریخی، علمی، زیبایی‌شناسی، فرهنگی اجتماعی یا اکولوژیکی است (UNESCO World Heritage Centre and City of Vienna, 2005). توصیه‌نامه یونسکو (۲۰۱۱) نیز محدوده شهری که در نتیجه لایه‌بندی تاریخی از ارزش‌های فرهنگی و طبیعی تشکیل شده و شامل محدوده‌ای فراتر از مفهوم «مرکز تاریخی» و مجموعه‌ها و زمینه گسترده‌تری از شهر و محیط جغرافیایی را منظر شهری تاریخی می‌داند (UNESCO World Heritage Center, 2011).

منظر تاریخی شیراز با شروع فرآیند دگردیسی شهر به مانند بسیاری دیگر از شهرهای تاریخی کشور، همزمان با دوره پهلوی اول، دستخوش تغییرات ناگهانی در روند توسعه شهر شد. مرکزیت اجتماعی-اقتصادی زندگی شهری به لبه‌های خیابان‌های جدید حرکت کرد و بافت تاریخی

شهر، با فرآیند انتقالات سریع انسانی و فعالیتی روبه رشد. این برخورد سهولت محور، در کنار بی‌ارزش دانستن بافت کهن، موجب انهدام آن گردید (Mohammadi, 2003: 429). تنزل منظر عینی (سیما) در این بافت‌ها همراه با فقر دسترسی به استانداردهای زندگی منجر به کاهش سطح کیفیت زندگی در محلات این محدوده شده است (Zare, et al., 2019: 2). مفهوم مدیریت بافت‌های تاریخی و پرداختن به آن نیازمند توجه همزمان به چهار عنصر تشکیلات، منابع (انسانی، مالی، قانونی، اطلاعاتی) طرح و برنامه و آموزش و مشارکت شهروندان است (Taherkhani & Motavasel, 2006: 96). تا مطلوبیت فضایی را که برای ناظر از بین نرفته تأمین کنند، بنابراین امکانات و دسترسی‌ها باید به‌صورتی باشند که ناظر بتواند درک صحیحی از منظر داشته باشد (Hale and Coleman, 2011: 3).

۲.۲. مفهوم مدیریت بصری و فرآیند آن

همان‌طور که جامعه به سرعت تغییر می‌کند، با تبدیل ارتباطات فرهنگی از رویکرد زبانی به بصری، مدیریت بصری شهری شکل می‌گیرد (Sun & Zhu, 2015: 13). به‌طورکلی مدیریت بصری ریشه در استاندارد اندازه‌گیری بصری در پروژه‌های ساختمانی و نمودار گانت (مورد استفاده در ارزیابی زمان‌بندی پروژه در سال ۱۹۱۷ میلادی برای کنترل بصری تولید) دارد. میانه دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ میلادی نیز توسعه روش‌های مدیریت بصری در سیستم تولید تویوتا و از اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی جنبه‌های مختلفی از ساختارهای محل کار، کنترل بصری و خانه‌داری در ژاپن در حال توسعه مطرح شد (Tezel, Koskela, & Tzortzopoulos, 2009: 3). پس از آن سرویس جنگل‌های ایالات متحده^۳ (۱۹۷۳) برای برنامه‌ریزی و پایش پیامدهای دگرگونی منظر، نسخه نخست سیستم مدیریت بصری تدوین کرد (Bell, 2001: 202). بنابراین مدیریت بصری ابتدا به‌عنوان یک استراتژی مدیریتی، در صنعت تولید مطرح شد (Tezel & Aziz, 2017: 3). در حوزه شهرسازی و پس از نخستین کنفرانس «منظر بصری ما» پیشرفت‌های زیادی در زمینه مدیریت بصری و فرآیندها و تکنیک‌های طراحی وجود داشته است. نیاز به مشارکت همگانی نیز در درک منظر، به معنای گسترده، بسیار مهم شده و در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی در بریتانیا با رویکرد طراحی مثبت پیش‌گرفته شد و استرالیا نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی سیستم دیگر مدیریت بصری را گسترش داده است (Bell, 2001: 201). افزون بر این با ظهور خوانش تصاویر^۴، انتشار اطلاعات به‌صورت گرافیکی و تصویری به یک‌روند برگشت‌ناپذیر تبدیل شده و منجر به شکل‌گیری فلسفه مدیریت بصری شهری گردید (Sun & Zhu, 2015: 1331).

با بررسی تطبیقی اسناد و مدل‌های مدیریت بصری ارائه‌شده در جهان از جمله چارچوب مدیریت بصری شهر لندن (۲۰۱۲)، ارزیابی بصری منطقه پرت، برنامه مدیریت بصری شل هاربر (۱۹۹۷)، مدیریت بصری شهر امپوینت-استرالیا (۱۹۸۶)، سند چارچوب مدیریت بصری شهر تهران (۱۳۹۳) و برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران (۱۳۸۵) و غیره این نتیجه به دست آمد که در همه آنها چه به

3 USDA Forest Service

4 Reading Pictures

1 United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization

2 Historic Urban Landscape (HUL)

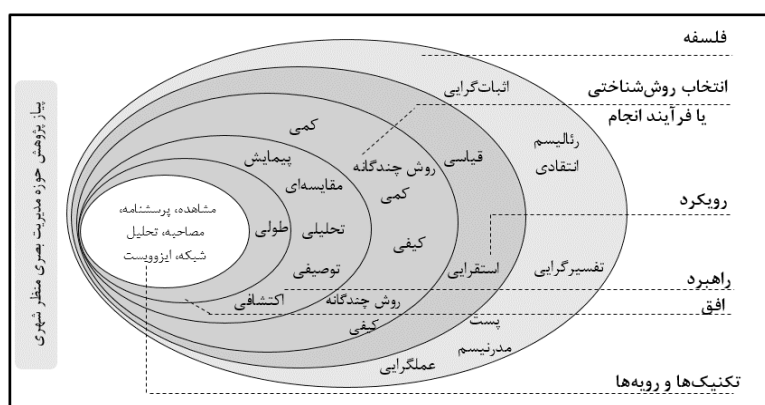
گلکار (۱۳۹۲) در بررسی منظر شهر تهران اشاره کرد که فقدان یک برنامه طراحی شهری و ضرورت لحاظ نمودن سرفصلی با عنوان مدیریت بصری شهر مطرح است (Golkar, 2013). آقابزرگ نیز در همان سال در مقایسه منظر کیوتو ژاپن با منظر طبیعی تهران به لزوم تهیه طرحی جامع برای منظر شهری تهران، تدوین سیاست‌های کنترل توسعه شهر و دستورالعمل‌های حفاظت منظر و چشم‌اندازهای فضای جمعی اشاره کرد (Aghabozorg, 2013). ارزیابی وضعیت منظر، آشفته‌گی بصری و عملکردی، تدوین راهکارهای برنامه‌ریزی منظر، تشریح نیازهای منظر و تدوین اهداف حفاظتی و توسعه‌ای به ترتیب در اولویت نخست تا ششم برای مداخله با برنامه‌ریزی در منظر قرار دارند (Ahmadi, et al., 2014). پژوهش‌های انجام‌شده با محوریت «مدیریت بصری منظر» به‌طور کلی در مقیاس کلان (شهر)، مقیاس میانه (مسیل و پارک) و مقیاس خرد (خیابان) صورت گرفته‌اند. در پژوهش‌های خارجی موضوع مدیریت بصری در حوزه‌های گوناگون مدیریت محیط زیست و جنگل‌ها، مناظر شهری و بزرگراه‌ها مورد بررسی و توجه بوده است (Bell, 2001, Myklestad & Wagar, 1977). این پژوهش‌ها با روش شبیه‌سازی و تحلیل تصاویر به کمک ابزار پرسشنامه و مصاحبه و با استراتژی اکتشافی انجام گرفته بودند. مدیریت بصری شهری با کنترل و تنظیم عوامل شناختی، بر هدایت رفتار فردی در هماهنگی با محیط تأثیر می‌گذارد (Sun & Zhu, 2015). در اغلب پژوهش‌ها از روش پژوهش پیمایشی و رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه به بررسی و تحلیل وضع موجود (Ahmadi & Sadeghi, 2018, Golkar, 2013, khalilnezhad & Aminzadeh, 2012) یا با تحلیل شبکه به برنامه‌ریزی منظر پرداختند (Khavarian Garmsir, et al., 2016). بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مدیریت بصری منظر در نهایت به «ارزیابی بصری» آن پرداخته‌اند. مدیریت بصری جنگل‌ها در پژوهش‌های خارجی پرکاربرد بوده است. آنها با برنامه‌های رایانه‌ای، داده‌های دیجیتالی از منظر طبیعی را مورد بررسی قرار داده‌اند (Myklestad & Wagar, 1977) یا به‌منظور کمک به مدیران برای مقابله با تغییر منظر جنگل‌ها الگوهایی را ارائه کرده‌اند (Bell, 2001). در پژوهشی دریافته‌اند که پیچیدگی بصری و اکولوژیکی ممکن است به‌طور مشترک برای ارتقای مناظر مقاوم و چندمنظوره استفاده شود؛ اما اقدامات آتی باید شاخص‌های عینی و قابل تکرار را توسعه دهند (Dronova, 2017). مدیریت بصری منظر رودخانه‌های شهری نیز در حوزه منظر طبیعی مدنظر بوده و به کمک تکنیک ایزوویست سه بعدی بررسی شده و چارچوب قانده‌مند و دقیق محاسباتی برای تحلیل منظر ارائه گردیده که در پژوهش‌های آتی قابل استفاده است (Chizfahmdaneshmandian, et al., in press). در زمینه ارائه چارچوب، برخی به تدوین چارچوب ارزیابی در نمونه تاریخی پرداختند و از مدل ارزش‌ها و عوامل سازنده منظر استفاده کردند (Bahrami Hamedani & Taghvaei, 2021). البته در پژوهشی به نقد مدل‌های تحلیلی مبتنی بر ارزش پرداخته شد و نشان داد که تصمیم‌گیری درباره مدیریت میراث شهری با رویکرد اقتدارگرا به علت نادیده گرفتن مردم فاصله زیادی را مابین اهداف و اقدامات ایجاد کرده است (Jafarpour Nasser, et al., 2022). در حوزه حمل و نقل و تأثیر کاربرد حالت جدید ارزیابی سیستم حمل و

ارزیابی، ارائه برنامه یا چارچوب پرداخته باشند یا این که به‌طور عام مدیریت بصری را مدنظر داشته باشند، مرحله‌های شناخت وضع موجود، تجزیه و تحلیل و ارزیابی، تدوین دستور کار و راهبرد و اجرا مورد تأکید بوده است. همچنین در طرح‌ها و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران نیز به لزوم ساماندهی منظر عینی (سیمای شهری) اشاره شده و ضوابطی برای این مهم تعیین گردیده است. تیبالدز (۲۰۰۲) مدیریت بصری شهری را فرآیند برنامه‌ریزی، ساماندهی و نظارت بر محیط و فرم شهر، به‌منظور کمک به ادراک و تجربه قوی‌تر ناظرین در فضا و ایجاد تصویر ذهنی منسجم و پیوسته از شهر در ذهن شهروندان تعریف کرد (Ahmadi & Sadeghi, 2018: 252). مدل مدیریت بصری مناظر تاریخی به‌طور خاص به ساماندهی چشم‌اندازهای تاریخی می‌پردازد و مجموعه‌ای از راهنماها و ضوابط و همچنین الگویی برای ارزیابی وضعیت فعلی مناظر تاریخی ارائه می‌دهد. چارچوب مدیریت بصری شهر به‌عنوان یکی از اسناد هدایت و راهبری وظیفه‌پایش و سمت‌دهی به نظم بصری، نگهداری و بهبود هویت بصری، برقراری ارتباط بصری میان نمادها و جاذبه‌های بصری با عرصه‌های همگانی را بر عهده دارد (Pourjafar, et al., 2009: 12). وظیفه مدیریت بصری شهر آن است که بستر دگرگونی‌ها را شناسایی کند، پیش‌نماید و به سوی فرآیند بهینه رهنمون نماید (Zekavat, 2006: 26). در نهایت «هدف نهایی مدل مدیریت بصری مناظر تاریخی حفظ و تقویت چشم‌اندازهای مطلوب تاریخی و هویت‌مند شهر» مطابق با نیازهای ذی‌نفعان و مردم است. در سال‌های اخیر بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مختلف شهری در سطح جهان در پی مطرح‌شدن بیانیه‌های یونسکو، برای نگهداری میراث ملی، هدایت روند پیشرفت و ثابت کردن موقعیت خود در رقابت با شهرهای جهانی، به تهیه «طرح‌های راهبردی مدیریت بصری» در تکمیل سایر اسناد شهری در راستای افزایش کیفیت و مدیریت بهینه مناظر شهری پرداخته‌اند (Chizfahmdaneshmandian, et al., in press). به‌طور کلی فرآیند مدیریت بصری شامل مراحل (۱) شناخت وضع موجود، (۲) تشریح نیازها، (۳) تدوین اهداف حفاظت بصری، (۴) برنامه‌ریزی منظر شهری، (۵) ساماندهی منظر شهری، (۶) تحلیل منظر شهری و (۷) ارزیابی منظر شهری است (Ahmadi & Sadeghi, 2018: 252). Ahmadi, et al., 2009: 12, Zekavat, 2006: 85, Pourjafar, et al., 2009: 12, 13, Tezel et al., 2009: 5, Khavarian Garmsir, et al., 2016: 17. در دل این مدل مدیریت بصری فرآیند برنامه‌ریزی منظر مطرح است که در واقع هنر یکپارچگی بخشیدن بصری-ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هاست که محیط شهر را می‌سازند. این فرآیند شامل مرحله تحلیل یکپارچه وضعیت کنونی، تحلیل و ارزیابی ابعاد در مقیاس منظر (ابعاد زمانی، فضایی، تغییر و اصلاح)، تحلیل و ارزیابی وضعیت منظر، آشفته‌گی‌های عملکردی و اختلالات بصری، تشریح نیازهای منظر و تدوین اهداف حفاظتی و توسعه‌ای کوتاه و بلندمدت است (Ahmadi, et al., 2014: 13, Khavarian Garmsir, et al., 2016: 17). گفتنی است که نمادهای بصری، به‌عنوان ابزاری برای مدیریت اطلاعات بصری شهری می‌توانند افراد شهری را با فعالیت‌ها ارتباط دهند و از طریق شناخت بصری و حافظه به مدیریت استاندارد رفتار فردی دست یابند (Sun & Zhu, 2015: 1333).

منظر شهری نقش دارند و موضوع پژوهش بوده‌اند (Naderi, 2015). پژوهشی دیگر با تأکید بر فضاهای سبز و دید مناسب به نشانه‌های تاریخی در چین، از مدل سه بعدی شهر برای مقایسه تغییرات اتصال بصری کوه‌های جنوب و غرب سوژو استفاده کرد و مرجعی برای ارزیابی و بهبود کیفیت بصری نشانه‌های تاریخی شهری فراهم کرده است (Zhang et al., 2023).

در مجموع پژوهش‌هایی که به طور مشخص مدیریت بصری منظر را موضوع محوری بحث قرار داده باشند، بسیار محدود هستند و اغلب در مقیاس کلان منظر و با تأکید بر منظر طبیعی انجام شده‌اند. در روند پژوهش‌ها رویکردهای تجربی و نظری دنبال شده‌اند. در رویکرد نظری، نظریه‌ای بین‌رشته‌ای مانند نظریه زیبایی‌شناسی یا نشانه‌شناسی و در رویکرد تجربی، تحلیل محتوا انجام شده بر پایه مصاحبه یا توسط خود پژوهشگر مورد استفاده بوده است. بررسی‌ها نشان داده که توجه به مدیریت بصری مناظر تاریخی کمتر بوده و اغلب به ارزیابی آنها پرداخته شده و الگوی مدیریت بصری و فرایند آن تشریح و تبیین نشده است. بنابراین پژوهش حاضر در پی تبیین این فرآیند و بررسی قابلیت‌های مؤثر بر آن است. نمودار شماره ۱ پیاز پژوهش در حوزه مدیریت بصری با بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و با انتخاب از زیرلایه‌های مدل اصلی پیاز پژوهش ساندرز تدوین شده و چارچوب روش شناختی پژوهش در این حوزه را نشان می‌دهد.

نقل هوایی، استفاده از مدیریت بصری مورد بحث بوده است. به نحوی که با روش ارائه شده کارکنان بتوانند خطرات امنیتی موجود را سریع‌تر درک کنند (Wang et al., 2023). درباره بزرگراه‌ها بیشترین استفاده از ابزار مدیریت بصری در تابلوهای عملکردی بصری بوده است (Tezel & Aziz, 2017). بررسی‌ها در بزرگراه قم نیز نشان داده که از نظر کاربران، چشم‌انداز زیبا با پوشش گیاهی متنوع همراه با فضای سایه‌دار، ترکیب رنگ مناسب و به دور از هرگونه اختلال بصری وجود دارد (Darabi, Razavi, & Vaeziheir, 2017). رویکردهای جدیدی مانند استفاده از زبان برنامه‌نویسی پایتون نیز اخیراً مورد توجه بوده است (Ahmed et al., 2019). در مرحله برنامه‌ریزی منظر با کمک مدل تحلیل شبکه نشان داده شد که مبلمان شهری در گروه ساختار فیزیکی کالبدی در اولویت‌های بصری برنامه‌ریزی قرار دارند (Khavarian Garmsir, et al., 2016). علاوه بر این خلیل‌نژاد و امین‌زاده (۱۳۹۰) اشاره کردند که توجه به معیارهای تنوع و تبیین در زیباشناسی منظر در کنار حفاظت از مناظر ضروری است (Khalilnezhad & Aminzadeh, 2012). در مجموع سازمان فضایی و بصری نقش مؤثری در مدیریت منظر شهری و ادراک محیطی دارند و در آسیب‌شناسی و ساماندهی منظر شهری بافت‌های فرسوده باید لحاظ شوند (Khodaei, Shahabzadeh, 2017). در بستر بافت‌های تاریخی برخی مسیرهای دید را از عوامل مؤثر بر مدیریت بصری دانستند. دیوار نگاشت‌ها نیز در ارتقای زیباشناختی



نمودار شماره ۱: پیاز پژوهش حوزه مدیریت بصری منظر بر اساس پیشینه پژوهش بررسی شده و انتخاب از زیرلایه‌های پیاز پژوهش ساندرز (Asadpour, et al., 2023: ۱)

۲.۳. رویکرد قابلیت محیط با تأکید بر جنبه‌های بصری

مفهوم «قابلیت» در فارسی ترجمه ناقصی از معادل انگلیسی Affordance است که به وسیله روان‌شناس آمریکایی «جیمز گیbson (۱۹۷۹)» مطرح شده است (Mottlabi, 2001: 62). گیbson اصطلاح «قابلیت» را برای نشان دادن رابطه میان موجودات و محیط استفاده می‌کند (Turner, 2005: 790 cited in Daneshgarmoghaddam & Eslampour, 2013: 76). او قابلیت محیط را آن چیزی تعریف می‌کند که برای انسان یا حیوان (خوب یا بد) فراهم شده است. در واقع قابلیت مکانی معین در محیط است که مشخص می‌کند چه عملی

در آنجا امکان‌پذیر است و عواقب آن چیست (Heft, 1989: 3). علاوه بر این قابلیت‌ها «ارزش‌ها» و «معانی» خارج از ادراک‌کننده محسوب می‌شوند؛ آنچه توسط ما درک می‌شود (Daneshgarmoghaddam & Eslampour, 2013: 76). از طرفی تمام قابلیت‌های بالقوه محیط توسط کاربران درک نمی‌شوند (Mottlabi, 2001). لنگ معتقد است قابلیت‌ها از طراحی و مصالح استفاده شده در محیط و همچنین انتساب طرح به گروهی از مردم به وجود می‌آید و در سطح نخست تشخیص قابلیت‌ها به ویژگی‌های زیست‌شناختی انسان بستگی دارد و در سطح معنای نمادین، قابلیت‌ها نتیجه تجربه جمعی مردم است (Lang, 1987: 91).

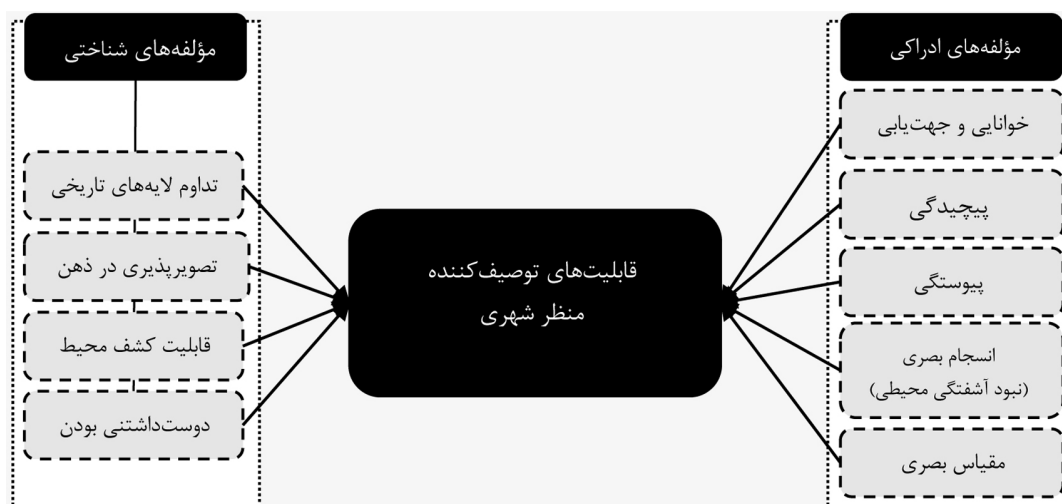
۱ پیاز پژوهش ساندرز از شش لایه تشکیل شده است: ۱) فلسفه تحقیق (اثبات‌گرایی، رئالیسم انتقادی، تفسیرگرایی، پست مدرنیسم و عملگرایی)، ۲) رویکرد توسعه تئوری (استقرار، استفاده و قیاسی)، ۳) انتخاب روش شناختی (کمی، روش چندگانه کمی، روش چندگانه کمی، آمیخته و پیچیده)، ۴) راهبرد (پیمایش، آزمایش، مطالعات اسنادی، بررسی موردی، قوم‌نگاری، اقدام‌پژوهی، نظریه زمینه‌ای و تحقیق روایی)، ۵) افق‌های زمانی (طول و عرضی) و ۶) تکنیک‌ها و رویه‌ها شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها (Melnikovas, 2018).

الگوها اشاره دارد و باید در نظر داشت که تنوع بیش از حد نیز خوانایی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. «مقیاس بصری» به گستره‌های دید، عمق دید و میدان نفوذ بصری اشاره دارد که با شاخص‌هایی از قبیل تراکم پدیده‌های مسدودکننده و میزان نفوذپذیری بصری قابل پیگیری است (Saeedi, 2017; Saeedi & Kaplan, 1989). «پیوستگی» با ایجاد وحدت در منظر از طریق تکرار الگوهای کالبدی و تطابق کاربری‌ها شکل می‌گیرد (Kaplan, 1989). «انسجام بصری و نبود آشفتگی محیطی» بر تناسب بین زمینه و اجزا و پیوستگی آنها تأکید دارد و حضور اغتشاشات بصری و عناصر آزاردهنده به آشفتگی دامن می‌زنند. «تصورپذیری در ذهن»^۳ خاصیتی در شی است که تصویری روشن را در ذهن ناظر به وجود می‌آورد. منظور شکل، رنگ و یا چیدمانی است که شناخت و درکی روشن و تصویرذهنی مطلوبی را ایجاد می‌کند (Asadpour, 2017: 102). لینچ در مواقعی که از ادراک صحبت می‌کند، به کل و روابط درونی میان اجزای آن اشاره دارد و آن را دربردارنده هویت و ساختار می‌داند. «خوانایی» کیفیتی است که به تشخیص، بازنمایی ذهنی و در نتیجه جهت‌یابی مربوط می‌شود (Lynch, 1960). مؤلفه «تداوم لایه‌های تاریخی» نیز میزان تداوم تاریخی که ناشی از حضور لایه‌های بصری مختلف است را شامل می‌شود (Tuan, 1974).

درنگاهی کلی اصطلاح منظر شهری تاریخی به مثابه پدیده عینی ذهنی به ارتباط مؤثر سیمای تاریخی با ذهنیت استفاده‌کنندگان اشاره داد. از آنجایی که مقیاس مدل مدیریت بصری منظر شهری کلان است، لزوم هماهنگ کردن آن با سیاست‌های خرد و محلی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. فرآیند مدیریت بصری مانند هر فرآیند دیگری از بخش‌های شناخت، تحلیل، برنامه‌ریزی، ساماندهی و ارزیابی تشکیل شده است که بایستی با در نظر گرفتن قابلیت‌های مناسب محیط برای استفاده‌کنندگان در نمونه‌های مورد مطالعه تدقیق شود. پژوهش پیش‌رو به دنبال تدوین الگوی کلی مدیریت بصری مناظر تاریخی و به طور مشخص تدقیق آن در مجموعه زندیه شهر شیراز است.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات، عدم درک کامل معماران از نیازهای انسانی و عدم شناخت قابلیت‌های محیط کالبدی است. به نظری می‌رسد که به منظور پاسخگویی صحیح به نیازهای کاربر و در نظر داشتن ویژگی‌ها و خصوصیات فضایی، تبیین نگرشی جامع از قابلیت در فضای ساخته‌شده ضروری است. قابلیت محیط دربردارنده جنبه‌های گوناگون عینی-مفهومی، فرمی-عملکردی و آشکار-پنهان است که هر یک در رابطه با نظام فعالیت‌های کاربران، بستر و زمینه هنجارها و ساختار کالبدی محیط سطوح مختلفی را در برمی‌گیرند (Goldstein, 192: 1981). گیبسون (۱۹۷۹) پیشنهاد کرد که افراد با درک قابلیت محیط، فرصت‌های رفتار و فعالیت در محیط را تشخیص دهند. بر اساس تئوری قابلیت گیبسون، برای این که یک محیط از نظر کاربران ترجیح داده شود، باید کارکردهایی را که برای افراد مهم و معنادار است، پشتیبانی کند (Clark & Uzzell, 2006). رویکرد قابلیت محیط گیبسون در نظر دارد که محیط را متشکل از ساختار و محرک‌های معنادار بداند. در این رویکرد قابلیت محیط نقش مهمی داشته، به این معنا که طراحان شهری می‌بایست به دنبال ایجاد قابلیت‌های مناسب محیط برای استفاده‌کنندگان باشند. بر اساس این رویکرد، حتی خوشایندی و زیبایی را می‌توان به عنوان امکانات محیطی در نظر گرفت (Grahm & Stigsdotter, 2010). قابلیت هر دو جنبه ظاهری و ذهنی را در برمی‌گیرد و به عبارت دیگر به طور برابر واقعیات محیطی و رفتاری را شامل می‌شود. در واقع قابلیت‌ها به محیط و ناظر همزمان اشاره دارند (Heft, 1989: 4; Gibson, 1979, 1986). مور^۱ و ماران^۲ قابلیت‌ها را به دو گروه تقسیم کردند: آنهایی که مربوط به انسان‌ها هستند و آنهایی که مربوط به خصوصیات اشیا هستند (Moore et al. 1997 cited in; Daneshgarmoghaddam & Eslampour, 2013: 74).

مطابق نمودار شماره ۲ می‌توان قابلیت‌های منظر شهری را در دو دسته قابلیت‌های «آشکار» و «پنهان» یا به تعبیری «ادراکی» و «شناختی» تقسیم نمود. مؤلفه «پیچیدگی» به تنوع اجزا، پدیده‌ها و پراکندگی



نمودار شماره ۲: قابلیت‌های توصیف‌کننده ویژگی‌های منظر شهری (عینی-ذهنی)

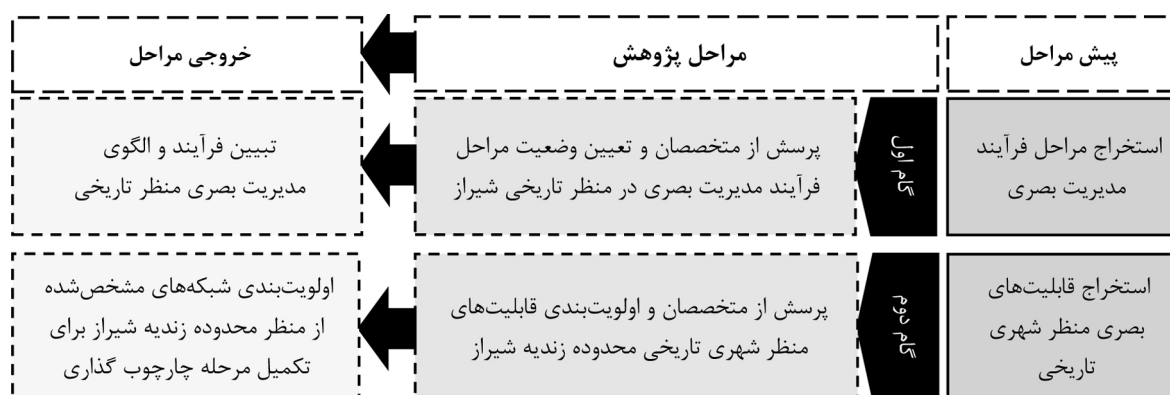
Saeedi, 2017: 73 Kellert & Wilson, Saeedi (1993), Kaplan & Kaplan (1982, 1989), Kellert & Wilson (1993), Nassauer (1995), Lynch (1960), Litton (1974), Bell (1999), & (

(Pourjafar, et al., 2009: 72 Tuan (1974), Appleton (1975), Lowenthal (1985), Fairclough et al. (1999

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف جزو پژوهش‌های کاربردی محسوب شده و در دسته پژوهش‌های تحلیلی جا می‌گیرد. فرآیند انجام کار کمی و کیفی بوده و با تکنیک دلفی پیش برده شده است. بدین ترتیب که در ابتدا مرحله‌های مختلف فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی با پرسش از کارشناسان در حوزه منظر، شهرسازی (طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری) و معماری، تدقیق و اهمیت هر مرحله در برخورد با بافت تاریخی شهر شیراز اولویت‌بندی (به کمک آزمون فریدمن) گردید. پس از آن مجموعه زندیه شهر شیراز با تکنیک «شبکه تصویری» شبکه‌بندی شد. از این تکنیک در استخراج شاخص‌های ترجیحات زیبایی‌شناختی برای سنجش کیفیت بصری منظر شهری در ساختمان‌های بلندمرتبه دراک شهر شیراز نیز استفاده شده است (Keshtkaran et al., 2017). در این تکنیک شبکه‌ای اختیاری بر روی نقشه پایه در نظر گرفته می‌شود، به گونه‌ای که پوشش مطلوبی از کل فضا را ارائه دهد. سپس از هر شبکه تصاویری که اطلاعاتی کامل از آن بخش را نشان دهد، گرفته می‌شود تا در مرحله بعد مورد ارزیابی قرار گیرد (Karimi Moshaver, 2014: 5). نتایج استفاده از این تکنیک از آن حیث که به طور مشخص و مکان‌مند به ارزیابی منظر می‌پردازد و با تصویر وضع موجود همراه است، قابلیت کاربست بیشتری نسبت به سایر روش‌ها را دارد. در نهایت ۱۲۵ تصویر گرفته شده از محدوده زندیه با بررسی اولیه به ۵۰ عدد کاهش یافتند و برای انتخاب تصاویر مربوط به هر شبکه نیز از پنج متخصص در زمینه‌های (معماری، معماری منظر، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری) خواسته شد تا برای هر شبکه تعیین شده صرفاً چهار تصویر که بیشتر از بقیه

ویژگی‌های آن بخش را نمایش می‌دهند، انتخاب نمایند. در گام بعدی پژوهش، قابلیت‌های منظر شهری تاریخی (مستخرج از ادبیات موضوع و رویکرد قابلیت محیط) در هر شبکه در قالب «پرسشنامه تصویری» به کمک تکنیک دلفی از ۴۰ نفر متخصص به کمک روش نمونه‌گیری گلوله برفی (رجوع به متخصصان شناسایی شده در مراحل اولیه و معرفی سایر متخصصان توسط آنها) مورد پرسش قرار گرفتند. گفتنی است که زیرمؤلفه‌های مؤلفه «تداوم لایه‌های تاریخی» با شاخص‌های عددی و کمی محاسبه شده (تعداد بناهای مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف) و ذهنیت و شناخت متخصصان از این تداوم در مجموعه زندیه نیز با طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. دو مؤلفه «پیچیدگی» و «مقیاس بصری» نیز به کمک شاخص‌های کمی (با بررسی تنوع اجزا و الگوها و عوامل مسدودکننده دید، میزان نفوذپذیری بصری) توسط نویسندگان پژوهش سنجیده شدند و سایر قابلیت‌ها از قبیل «پیوستگی»، «انسجام بصری و نبود آشفتگی محیطی»، «تداوم لایه‌های تاریخی»، «قابلیت کشف محیط»، «تصورپذیری در ذهن»، «خوانایی و جهت‌یابی» و «دوست‌داشتنی بودن» به کمک طیف لیکرت پنج تایی از متخصصان پرسیده شدند. روایی ظاهری پرسشنامه توسط متخصص حوزه منظر شهری صورت گرفت. میزان آلفای کرونباخ با بررسی پاسخ‌های ۴۰ شرکت‌کننده، ۰/۸۲۶ محاسبه شد که پایایی پرسشنامه را تأیید می‌کند. در نهایت میانگین رتبه هر بخش از مجموعه زندیه با آزمون فریدمن در SPSS مشخص گردید و در تکمیل فرآیند مدیریت بصری (مرحله چارچوب گذاری) مورد استفاده قرار گرفت. نمودار شماره ۳ مراحل پژوهش به همراه خروجی هر مرحله را نشان می‌دهد.



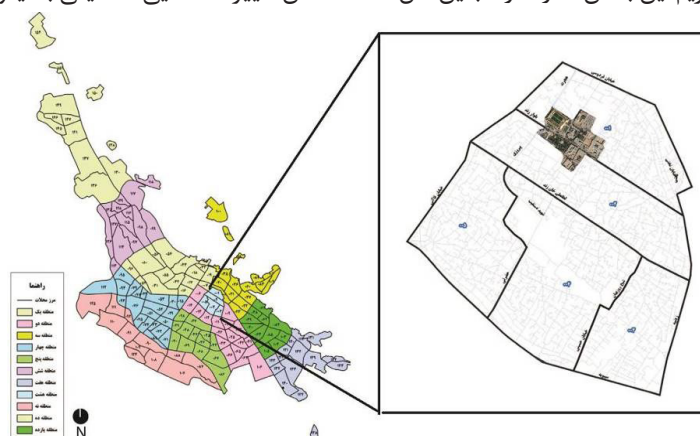
نمودار شماره ۳: مراحل پژوهش

۳.۱. شناسایی بستر پژوهش (مجموعه زندیه شهر شیراز)

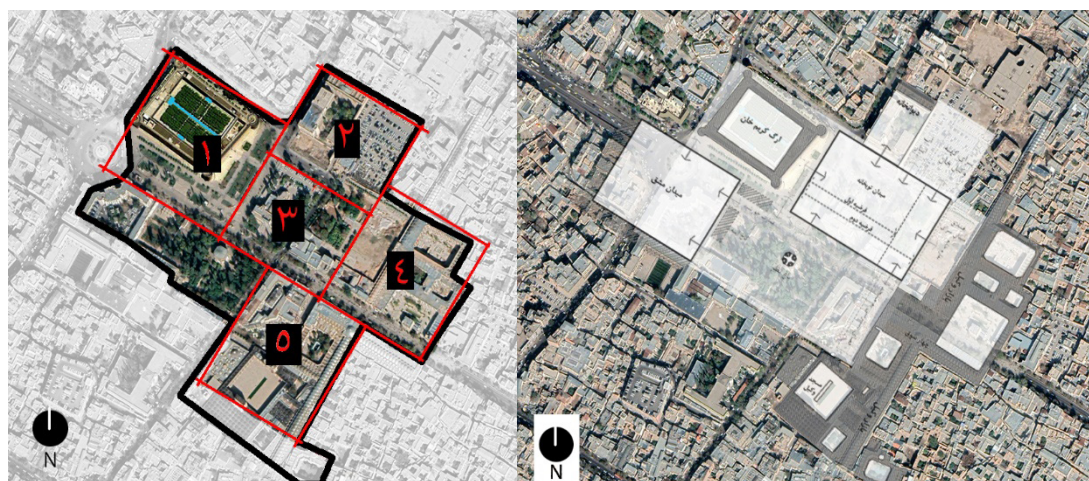
منطقه تاریخی شهر شیراز (منطقه هشت) در طی یک فرآیند تدریجی ۱۵۰۰ ساله از محله‌های مختلفی تشکیل یافته است. این منطقه ۲/۵ درصد از کل شهر را شامل می‌شود و نقشی ساختاری فعالیتی و خدماتی دارد (Shahabzade, 2016: 17). فضای جمعی اطراف ارگ کریم‌خان زند در حال حاضر شامل ارگ کریم‌خان (کارکرد مسکونی و نظامی)، عمارت باغ نظر و مسیر منتهی به بازار وکیل شیراز، مسجد وکیل و بقایای میدان توپخانه است (ن.ک تصویر شماره ۲). قابلیت‌های محدوده زندیه با تأکید بر جاذبه‌های گردشگری

در پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که (۱) قابلیت‌های تاریخی و یادمانی، (۲) قابلیت‌های فرهنگی، (۳) قابلیت‌های تفریحی و (۴) قابلیت‌های محیطی از قابلیت‌های گردشگری مطرح در محدوده هستند (Shahriari, et al., 2020). بررسی عوامل مؤثر بر تبدیل فضای اجتماعی به نشانه شهری در نمونه مورد مطالعه نشان داده که به ترتیب خاطره جمعی و تاریخی، نشانه و آلمان شهری و فضای اجتماعی و هویت فضا در اولویت قرار می‌گیرند (Edalat & Pajhwok, 2017: 96). در پژوهشی دیگر بررسی نقش مؤلفه‌های غنای حسی در ارتقای کیفیت محیطی محدوده مشخص شد که مؤلفه‌های ادراکی و زیبایی‌شناختی

در پژوهش حاضر ملاک محدوده فعلی آن و آثار باقی مانده از آن است که در تصویر شماره ۲ مشخص شده است. آنچه از میدان توپخانه به جا مانده بود، در ابتدای دوره پهلوی اول و در مراحل نوسازی شهری و خیابان‌کشی‌ها از بین رفته است. بناهای دیوانی مانند کاخ همایون و تالار آینه دیگر وجود ندارند، اما هنوز هم قلب تپنده شهر است و در تحولات انقلابی شیراز نیز در سال ۱۳۵۷ خاطرات پیروزی را زنده می‌کند (Asadpour, 2018: 203). شبکه‌بندی ارائه شده در تصویر شماره ۲ بر اساس تغییر سکناس‌های فضایی تعریف شده و هر سکناس و شبکه بر اساس تغییرات فضایی-فعالیتی با دیگری تفاوت دارد.



تصویر شماره ۱: محدوده زندیه شیراز و موقعیت آن در منطقه هشت شهر شیراز



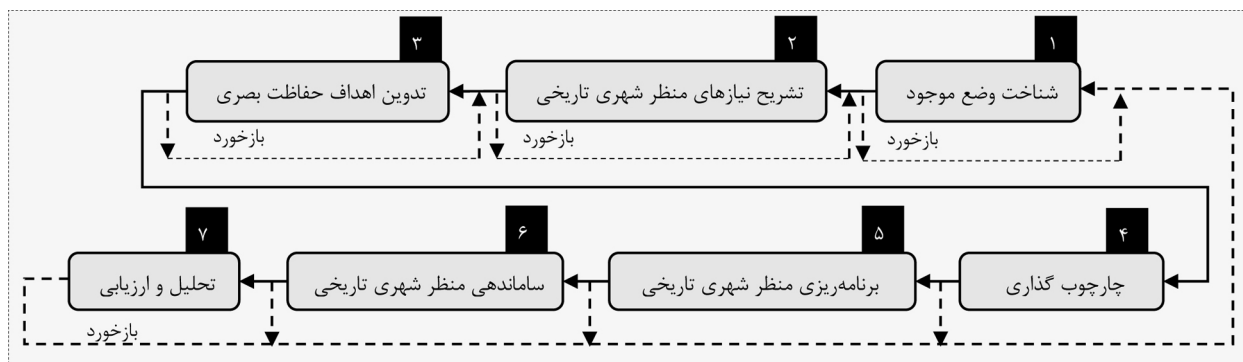
تصویر شماره ۲: محدوده زندیه شیراز و اجزای آن در دوران قدیم. (بر اساس Asadpour, 2018: 167) و شبکه‌بندی محدوده زندیه شیراز (بر اساس گوگل مپ www.google.com/maps)

مراحل و خروجی‌هایی است. این فرآیند از هفت مرحله (نمودار شماره ۴) (۱) شناخت وضع موجود، (۲) تشریح نیازهای منظر شهری تاریخی، (۳) چارچوب‌گذاری، (۴) تدوین اهداف حفاظت بصری، (۵) برنامه‌ریزی منظر شهری تاریخی، (۶) ساماندهی منظر شهری تاریخی و (۷) تحلیل و ارزیابی تشکیل شده است (نمودار شماره ۴). بر اساس دیدگاه اغلب متخصصان و پرسش‌شوندگان، مراحل «شناخت وضع موجود منظر شهری تاریخی شهر شیراز» با میانگین ۲/۶۵ و «تشریح نیازهای منظر تاریخی» با میانگین ۲/۶۵ در وضعیت نزدیک به متوسط، «چارچوب‌گذاری» با میانگین ۲/۴۵، «برنامه‌ریزی منظر» با میانگین ۲/۳۵، «تحلیل و ارزیابی» با میانگین ۲/۲۸، «تدوین اهداف حفاظت بصری» با میانگین ۲/۲۵ و «ساماندهی منظر شهری» با میانگین ۲/۲۳ در وضعیت ضعیف و بسیار ضعیف قرار دارند.

از بیشترین رضایتمندی برخوردارند (Zanganeh & Keshmiri, 2018). مجموعه زندیه (تصویر شماره ۱) در واقع منعکس‌کننده هویت و ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه است که در طول دوره‌های مختلف زمانی شکل گرفته است. ماندگاری این مجموعه خود به تداوم تاریخی و فرهنگی اشاره دارد که بخشی از خاطرات را در بردارد (Pourjafar, 2011: 89). در بررسی تحولات این بخش و میدان توپخانه کتابی با عنوان میدان و شهر، سرگذشت میدان‌های توپخانه از تهران تا شیراز به وسیله علی اسدیپور (۱۳۹۷) تدوین شده که در آن به فرضیه‌های احتمالی محدوده و حریم این بخش اشاره دارد. با این حال

۴. بحث و یافته‌ها

جامعه آماری از میان متخصصان و فعالان در حوزه بافت تاریخی شیراز انتخاب شدند؛ بدین ترتیب که ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان زن و ۴۳ درصد از آنها مرد بودند. ۲۲ نفر از آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳ نفر دانشجوی مقطع دکتری و ۳ نفر دارای مدرک دکتری بودند و اغلب بین ۱ تا ۱۰ سال سابقه فعالیت داشتند. ۵۷/۵ درصد در زمینه شهرسازی (طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری)، ۳۷/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان در حوزه معماری و معماری منظر و پنج درصد در زمینه مرمت شهری دارای تخصص و فعالیت بودند. با توجه به نظر پاسخ‌دهندگان و بررسی میانگین پاسخ‌ها اولویت‌بندی مراحل فرآیند مدیریت بصری انجام گردید. به‌طور کلی مدیریت بصری منظر شهری تاریخی مانند هر مفهوم دیگری در علم شهرسازی دارای



نمودار شماره ۴: فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی

- ✓ تغییرات، تخریب‌ها، تخلقات و ارائه مجوزهای خارج از طرح‌های تهیه شده،
- ✓ فقدان منابع مالی، هدایت نادرست منابع و بودجه و سوداگری و در نظر گرفتن منافع مالی،
- ✓ توجه بیشتر شهرداری به درآمدزایی و توجه کمتر به جنبه تاریخی ابنیه،
- ✓ ناتوانی در جذب مشارکت متخصصان (عدم همکاری با متخصصان و محققان این حوزه) و
- ✓ دوری جستن از انجام مطالعات پژوهشی.

ج) چالش‌های مرتبط با شناخت بستر:

- ✓ عدم اطلاع از ارزش بافت و پتانسیل آن برای ارتقای کیفیت منظر شهری (شناخت ناکافی)،
- ✓ نبود تحلیل منطقی از وضع موجود،
- ✓ عدم شناخت نسبت به لایه‌های مختلف بافت و مسئله و مشکل اصلی در محدوده تاریخی،
- ✓ عدم توجه به پیشینه تاریخی و توجه صرف به بعد کالبد (صرفاً ظاهر سازی)،
- ✓ وجود اغتشاشات بصری و
- ✓ در دسترس نبودن اطلاعات از فعالیت‌های انجام شده.

در مرحله بعد مطابق نظر متخصصان در هر پهنه از تصویر شماره ۳ میزان هر یک از قابلیت‌های محیطی منظر شهری (ن.ک. نمودار شماره ۳) مشخص شد. علاوه بر محاسبه میانگین توصیفی پاسخ به قابلیت‌های هر پهنه، قابلیت‌ها به کمک آزمون فریدمن در پهنه‌ها رتبه‌بندی شدند.

میزان قابلیت «خوانایی و جهت‌یابی» در پهنه شماره یک (ن.ک. به تصویر ۱) متوسط و زیاد ارزیابی شد. «پیوستگی» و «قابلیت کشف محیط» این پهنه کم، «انسجام بصری و نبود آشفتگی محیطی» و «تداوم لایه‌های تاریخی» متوسط، میزان «تصویرپذیری در ذهن» و «دوست‌داشتنی بودن محیط» زیاد ارزیابی شد. مطابق آزمون فریدمن مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۵۹/۱۵ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد. معنی دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی قابلیت‌ها از تنوع و تفاوت در میان پاسخ‌دهندگان برخوردار بوده است. در این پهنه قابلیت‌های «تصویرپذیری در ذهن» و «دوست‌داشتنی بودن محیط» و «خوانایی و جهت‌یابی» به ترتیب

علاوه بر این مطابق پاسخ پرسش‌شوندگان به تک سؤال باز-پاسخ پرسشنامه، مشکل اصلی وضعیت فعلی بافت تاریخی شهری شیراز در سه دسته «چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی»، «چالش‌های مدیریتی» و «چالش‌های مرتبط با شناخت بستر» به شرح زیر جا گرفتند.

الف) چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی:

- ✓ نبود برنامه مشخص، نگاه بلندمدت و چارچوب‌گذاری مناسب،
- ✓ نبود برنامه جامع حفاظت برای حفظ و احیای بافت‌های تاریخی،
- ✓ تبعیت نکردن از فرآیند صحیح مدیریت منظر شهری،
- ✓ نادیده گرفتن رابطه مدیریت منظر شهری با سایر کیفیت‌های طراحی شهری،
- ✓ تعریف پروژه‌های ساماندهی منظر به صورت خرد و جزیره‌ای،
- ✓ ارائه راه‌حل‌های موقت و سطحی برای رفع مشکلات به جای نگاه عمیق و اصولی،
- ✓ عدم پیوستگی در بازآفرینی مسیرها و توده‌های مناطق تاریخی شهر و
- ✓ عدم توجه به خط آسمان و حریم بصری بناهای تاریخی.

ب) چالش‌های مدیریتی:

- ✓ نبود اراده لازم در سازمان‌ها و نهادهای مداخله‌گر برای ساماندهی و بهسازی بافت تاریخی،
- ✓ نبود هماهنگی بین دستگاه‌ها به منظور اجرای پیشنهادی طرح‌های فرادست،
- ✓ نبود مدیریت یکپارچه شهری و فساد دستگاه‌های اجرایی،
- ✓ نبود آگاهی از اصول مداخله و نیازهای شهروندان در میان تصمیم‌گیران،

- ✓ کمبود مدیر کارآمد و متخصص،
- ✓ بی‌توجهی نسبت به اهمیت منظر شهری و جایگاه آن در ارتقای کیفیت بافت شهری،

- ✓ تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت و مبتنی بر منافع شخصی،
- ✓ رویکرد متفاوت تصمیم‌گیران نسبت به بافت تاریخی شیراز و مسائل/راهکارهای آن (راه‌حل را تخریب و ایجاد کانون‌های تجاری می‌دانند)،

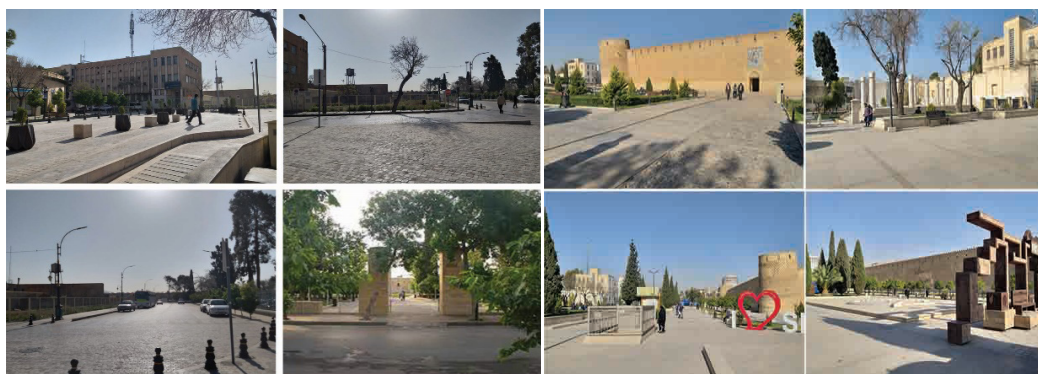
- ✓ عدم اجرای طرح‌های مصوب دید و منظر شیراز،

جدول شماره ۱: آزمون فریدمن قابلیت‌های هر پهنه در محدوده زندیه شیراز

پهنه ۵	پهنه ۴	پهنه ۳	پهنه ۲	پهنه ۱	میانگین رتبه با آزمون فریدمن
۵۲/۲۴۰	۲۸/۲۶۸	۳۳/۰۴۵	۱۵/۴۶۲	۵۹/۱۵۰	Chi-Square- آماره آزمون کی دو
۶	۶	۶	۶	۶	Df- درجات آزادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Asymp. Sig.- معنی داری آماری
پهنه ۵	پهنه ۴	پهنه ۳	پهنه ۲	پهنه ۱	قابلیت‌های محیطی
۳/۹۴	۳/۷۸	۴/۱۹	۳/۱۹	۴/۴۰	خوانایی و جهت یابی
۳/۷۴	۴/۰۵	۴/۱۳	۳/۶۵	۳/۱۰	پیوستگی
۲/۶۳	۲/۷۵	۳/۱۱	۴/۲۸	۳/۱۹	انسجام بصری و نبود آشفتگی
۳/۹۰	۴/۱۳	۳/۲۰	۴/۴۱	۳/۰۳	کشف محیط
۳/۹۱	۴/۴۶	۳/۹۱	۴/۴۴	۳/۸۰	تداوم لایه‌های تاریخی
۴/۸۰	۴/۰۹	۴/۵۵	۳/۷۵	۵/۱۹	تصویرپذیری
۵/۹۰	۴/۷۵	۴/۹۱	۴/۲۹	۵/۳۰	دوست داشتنی

پهنه ارگ کریمخان زند و اداره کل دادگستری استان فارس است. در پهنه شماره دو، عمارت دیوان خانه و اداره پست و تلگراف و تلفن جا می‌گیرند. در این پهنه عامل مسدودکننده دید وجود نداشته و دو مسیر دیدمستقیم و خطی تعریف شده است. طبق بررسی میانگین مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۱۵/۴۶۲ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد. قابلیت‌های «تداوم لایه‌های تاریخی»، «کشف محیط»، «دوست داشتنی بودن محیط» و «انسجام بصری و نبود آشفتگی محیطی» به ترتیب بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند.

بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص دادند. در پهنه شماره یک پیچیدگی (تنوع اجزا: کف، کالبد، فضای سبز و المان‌ها) عدد چهار را به خود اختصاص می‌دهد. قابلیت «مقیاس بصری» نیز با تراکم عوامل مسدودکننده دید و نفوذپذیری بصری سنجیده شد. در این بخش هواکش‌های زیرگذر، ساخت و سازهای جدید، المان‌های افزوده شده و ایستگاه راهنمای گردشگری، چهار عنصر مسدودکننده دید هستند و پنج مسیر برای دیدهای خطی و مستقیم (نفوذپذیری بصری) وجود دارد. قابلیت «تداوم لایه‌های تاریخی» با تعداد بناهای مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی بررسی شدند. عنصر تاریخی با ارزش در این



تصویر شماره ۱: از راست به چپ پهنه شماره یک و دو محدوده زندیه شیراز

میزان قابلیت «خوانایی و جهت یابی» در پهنه شماره چهار (ن.ک. به تصویر ۳) زیاد سنجیده شد. میزان قابلیت‌های «پیوستگی»، «کشف محیط»، «تداوم لایه‌های تاریخی»، «تصویرپذیری در ذهن» و «دوست داشتنی بودن محیط» زیاد و «انسجام بصری و نبود آشفتگی محیطی» متوسط، ارزیابی شد. در این پهنه قابلیت‌های «دوست داشتنی بودن محیط» و «تداوم لایه‌های تاریخی» و «تصویرپذیری در ذهن» به ترتیب بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند. در این پهنه عامل مسدودکننده دید صرفاً آلاچیق‌های مربوط به کافه‌های تازه تأسیس است. بازار شمالی و ورودی بازار جنوبی و کاروانسرای گمرک در این بخش قرار دارند و چهار مسیر دیدمستقیم و گسترده دیده می‌شود. میزان قابلیت «خوانایی و جهت یابی»،

پهنه شماره سه، سه عنصر تاریخی بانک ملی، بانک سپه و باغ نظر را در خود جا داده است (ن.ک. به تصویر ۲). پنج مسیر برای دیدمستقیم وجود دارد و هواکش‌های زیرگذر به عنوان عامل مسدودکننده دید قرار دارند. در مجموع قابلیت «خوانایی و جهت یابی» در پهنه شماره سه متوسط و زیاد ارزیابی شد. قابلیت «کشف محیط» متوسط و مابقی قابلیت‌ها زیاد ارزیابی گردید. طبق بررسی میانگین رتبه قابلیت‌های این پهنه به کمک آزمون فریدمن، با مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۳۳/۰۴۵ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد. قابلیت‌های «دوست داشتنی بودن محیط» و «تصویرپذیری در ذهن» و «خوانایی و جهت یابی» به ترتیب بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند.



تصویر شماره ۲: پهنه شماره سه محدوده زندیه شیراز

ذهن» به ترتیب بالاترین میانگین رتبه را داشتند. این پهنه بیشترین تعداد بناهای تاریخی مربوط به دوره‌های مختلف را دارد. از میان آنها می‌توان به بانک ملت، تیمچه گل، سرای پارس، بازار وکیل، مسجد وکیل و حمام وکیل اشاره کرد. این بخش از سه مسیر برای دیدهای گسترده و مستقیم برخوردار است.

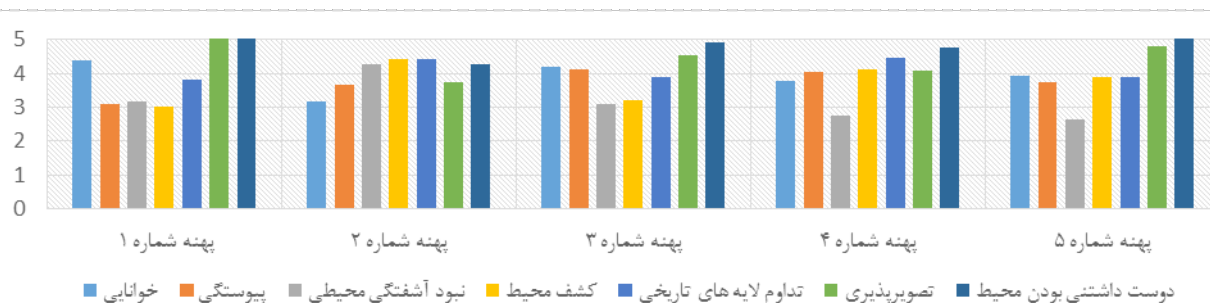
«پیوستگی»، «انسجام بصری و نبود آشفتگی محیطی»، «کشف محیط»، «تداوم لایه‌های تاریخی» در پهنه شماره پنجم، زیاد و میزان «تصویرپذیری در ذهن» و «دوست‌داشتنی بودن محیط» خیلی زیاد تعیین گردید. در این پهنه طبق بررسی میانگین مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با $52/240$ است و در سطح خطای کمتر از $0/05$ قرار دارد. قابلیت‌های «دوست‌داشتنی بودن محیط» و «تصویرپذیری در



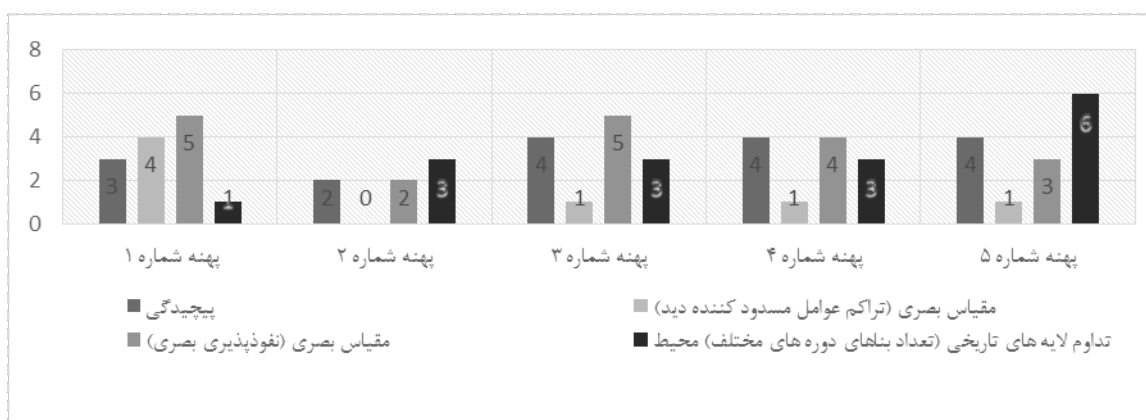
تصویر شماره ۳: از راست به چپ پهنه شماره چهار و پنج محدوده زندیه شیراز

Rank) با میانگین حسابی تفاوت دارد. امتیاز (تعداد شاخص‌های نمایش دهنده) قابلیت‌های محیطی (کمی-عینی) در نمودار شماره ۶ نمایش داده شده است. مؤلفه مقیاس بصری (تراکم عوامل مسدود کننده دید و نفوذپذیری بصری) در نمونه‌های مورد مطالعه دیگر در بستر تاریخی با توجه به مسیرهای دید و دید مطلوب به نشانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته بودند (احمدی و صادقی، ۱۳۹۸ و Zhang et al., 2023). در محدوده زندیه نیز این موضوع از وضعیت مطلوبی برخوردار است. پهنه شماره ۵ (محدوده مجاور مسجد و حمام وکیل) بیشترین امتیاز را از دارا بودن قابلیت‌های محیطی به خود اختصاص داده و پهنه شماره ۲ (محدوده دیوان‌خانه) از سایر بخش‌ها امتیاز کمتری داشته و نیازمند رسیدگی بیشتر است.

قابلیت‌های مطرح شده در چارچوب نظری در واقع ایجادکننده درکی صحیح از طرف ناظران هستند که در محدوده زندیه بررسی شدند. برای بررسی قابلیت‌هایی که بیشترین نقش در چارچوب‌گذاری مدیریت بصری محدوده زندیه شیراز را دارند، میزان هر قابلیت در پهنه‌های مشخص شده با کمک تکنیک «شبکه‌بندی تصویر» پرسیده شد. در مجموع مطابق نمودار شماره ۵ با توجه به نتایج به دست آمده در محدوده زندیه شیراز قابلیت «پیوستگی» در پهنه شماره سه، «خوانایی و جهت‌یابی» در پهنه شماره یک، «تصویرپذیری در ذهن» در پهنه شماره یک و پنج، «کشف محیط» در پهنه شماره دو، «تداوم لایه‌های تاریخی» در پهنه شماره پنج، «مقیاس بصری» در پهنه یک و سه، «پیچیدگی» در پهنه شماره سه و چهار و پنج بیشترین میانگین رتبه را به خود اختصاص دادند. گفتنی است که میانگین رتبه (Mean)



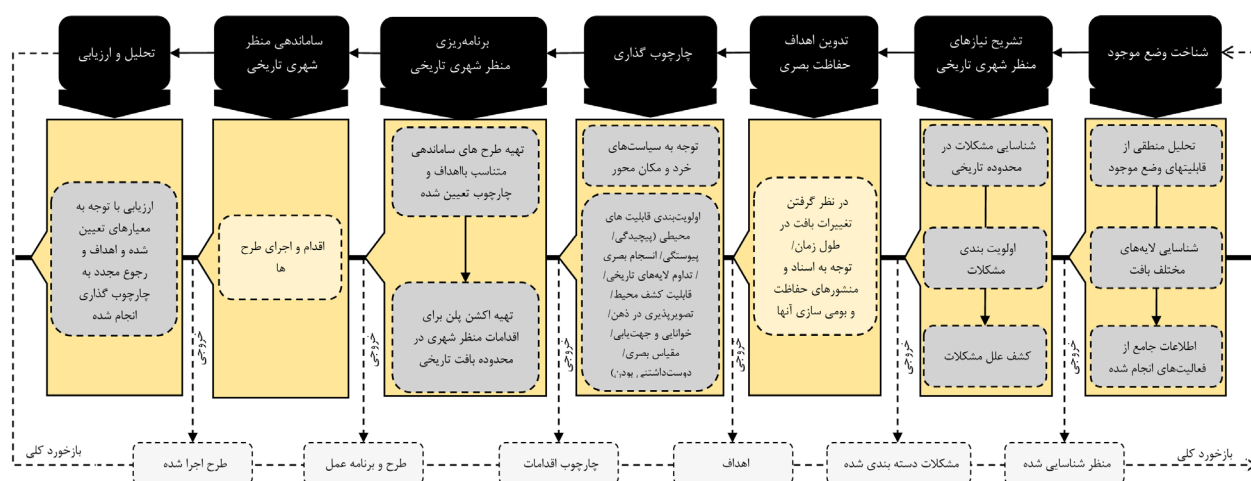
نمودار شماره ۵: میانگین رتبه هر قابلیت های محیطی (کیفی-ذهنی) در پهنه های تعریف شده در محدوده زندیه شیراز



نمودار شماره ۶: امتیاز (تعداد شاخص های نمایش دهنده) قابلیت های محیطی (کمی-عینی) در پهنه های تعریف شده در محدوده زندیه شیراز

توضیحات تکمیلی افزوده شده است. این نمودار به صورت چرخه ای بوده و خروجی هر مرحله، ورودی مرحله بعد است. از آنجا که در محدوده منظر شهری تاریخی شیراز «شناخت وضع موجود» و «تشریح نیازها» در وضعیت بهتری نسبت به سایر مراحل قرار دارد، این مرحله در پژوهشی دیگر نیز در اولویت رسیدگی نبوده است (Ahmadi, et al., 2014). بنابراین ابتدا باید به سراغ «تدوین اهداف حفاظت بصری» رفت و اهداف تدوین شده باید متناسب با تغییرات بافت در طول زمان باشند. اما این مرحله در بررسی انجام شده در محدوده دیگری در بافت تاریخی شیراز اولویت آخر را به خود اختصاص داد (Ibid). در مرحله بعد با توجه به سیاست ها و اقدامات در مقیاس خرد با نگاه به کل، قابلیت های محیطی مناظر سنجیده شده و اولویت بندی اجرایی تعیین گردد. این مراحل با نتایج مراحل قبل مبنای برنامه های تدقیق شده در مرحله برنامه ریزی خواهند بود تا دستور کار دقیق و جامع تری اتخاذ شود. علاوه بر تعیین پروژه ها و طرح ها برای ارتقا و حفظ قابلیت ها، «ساماندهی منظر» در محله بعدی باید انجام شود. بسیاری از طرح ها به مرحله اجرا نمی رسند یا در فرآیند اجرا دچار تغییراتی می شوند که تمامی مراحل قبل را زیر سؤال می برند. در این مرحله کارکرد بسیار مهم و مغفول مانده مرحله «تحلیل و ارزیابی» نتایج حاصل از اقدامات است که با بررسی بازخوردها میزان موفقیت طرح ها و درس گرفتن از تجارب برای اقدامات بعدی مفید خواهد بود. وضعیت این مرحله در مورد منظر تاریخی شهر شیراز طبق نظرسنجی انجام شده از میانگین ۲/۲۸ برخوردار است.

مطابق پرسش های پژوهش مطرح شده، فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی با هدف حفظ و تقویت چشم اندازهای تاریخی شهر تبیین شد. تبیین فرآیند مدیریت بصری در واقع به تشریح و توضیح هر مرحله از این فرآیند می پردازد. مراحل فرآیند مدیریت بصری به ترتیب شامل (۱) شناخت وضع موجود، (۲) تشریح نیازهای منظر شهری تاریخی، (۳) چارچوب گذاری، (۴) تدوین اهداف حفاظت بصری، (۵) برنامه ریزی منظر شهری تاریخی، (۶) ساماندهی منظر شهری تاریخی و (۷) تحلیل و ارزیابی هستند. تمامی مراحل در وضعیت نامطلوبی قرار دارند اما «تدوین اهداف حفاظت بصری» و «ساماندهی منظر» در میان سایر مراحل از میانگین رتبه کمتری برخوردارند و بایستی در اولویت رسیدگی قرار گیرند. پیشنهاد می شود به منظور جلوگیری از اقدامات تخریب کننده و بدون بررسی دقیق در محدوده بافت تاریخی، فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی شیراز مطابق با نمودار شماره ۷ انجام شود. در پاسخ به پرسش شماره دو و اولویت بندی مراحل فرآیند مدیریت بصری در منظر شهری شیراز بایستی اشاره کرد که با وجود اختلاف میانگین کم بین میانگین مراحل مختلف، فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی شیراز در تمامی مراحل در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. اغلب افراد بر چالش های مدیریتی تأیید کردند. از طرفی در میان مراحل، «تدوین اهداف حفاظت بصری» و «ساماندهی منظر» در وضعیت نامناسب تری بوده؛ چراکه اغلب تصمیم گیری ها به صورت جزیره ای انجام شده و به یکپارچگی و ارتباط طرح ها باهم یا اجرای کامل و دقیق آنها دقت لازم صورت نگرفته است. بر اساس نمودار شماره ۷ و نظر متخصصان در هر مرحله اقدامات یا



نمودار شماره ۷: فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی

۵. نتیجه‌گیری

بافت تاریخی شیراز و سایر بافت‌های مشابه در معرض اقدامات سریع و تخریب‌های گسترده قرار دارند. در حالی که مناظر تاریخی بخش مهمی از تصویر ذهنی افراد از شهرها را شامل می‌شوند. «فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی» در واقع مسیر مشخصی از مجموعه کارکردهای لازم برای رسیدگی به مناظر شهری تاریخی را فراهم می‌کند. بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در حوزه مدیریت بصری منظر در نهایت به ارزیابی بصری آن پرداخته‌اند و هیچ یک نگاهی جامع به فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی را مدنظر نداشتند. در پژوهش کاربردی حاضر ابتدا مرحله‌های مختلف فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی با استفاده از تکنیک دلفی و پرسش از متخصصان که با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند، ارزیابی گردیدند و در پاسخ به سؤال نخست پژوهش که فرآیند مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی در شیراز شامل چه مراحل و اجزایی است؟ نتایج نشان داد که (۱) شناخت وضع موجود، (۲) تشریح نیازهای منظر شهری تاریخی، (۳) چارچوب گذاری، (۴) تدوین اهداف حفاظت بصری، (۵) برنامه‌ریزی منظر شهری تاریخی، (۶) ساماندهی منظر شهری تاریخی و (۷) تحلیل و ارزیابی، مراحل هفت‌گانه مدیریت بصری مناظر تاریخی هستند.

در گام بعد مجموعه زندیه شهر شیراز به عنوان محدوده مهم و دارای تغییرات زیاد در دوره‌های مختلف تاریخی با تکنیک «شبکه تصویری» شبکه‌بندی شده و میزان قابلیت‌های محیطی منظر شهری در پهنه‌های مختلف آن بررسی شد. در نهایت قابلیت‌ها در هر شبکه و مراحل فرآیند مدیریت بصری به کمک آزمون فریدمن در نرم‌افزار SPSS و تحلیل توصیفی میانگین پاسخ‌ها اولویت‌بندی شدند. علاوه بر این مشکل اصلی وضعیت فعلی بافت تاریخی شهری شیراز در سه دسته «چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی»، «چالش‌های مدیریتی» و «چالش‌های مرتبط با شناخت بستر» دسته‌بندی شدند و فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی تبیین گردید. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که از میان مراحل مختلف فرآیند مدیریت بصری کدام یک در برخورد با منظر تاریخی شهر شیراز دارای اولویت هستند؟ بایستی اشاره کرد که «تدوین اهداف حفاظت بصری» و «ساماندهی منظر شهری» بایستی در اولویت رسیدگی قرار گیرند.

در فرآیند مدیریت بصری منظر شهری تاریخی، در مرحله «چارچوب گذاری» می‌توان از تکنیک «شبکه‌بندی تصویری» استفاده نمود تا ارزیابی دقیق‌تری از قابلیت‌های هر بخش حاصل شود. در واقع این پژوهش از کل به جزء حرکت کرده تا بتواند فرآیند مدیریت بصری را با دقت بیشتری تبیین کند. از نتایج حاصل در بخش دوم پژوهش (میزان قابلیت‌ها در هر شبکه) می‌توان در تحقق مرحله «چارچوب گذاری» استفاده نمود. قابلیت‌های کارکردی بررسی شده در پژوهش‌های قبلی در محدوده زندیه شیراز در کنار قابلیت‌های بصری تکمیل‌کننده شناخت از این بخش خواهند بود. پژوهش‌های قبلی نشان داده بودند که انواع قابلیت‌های تاریخی و یادمانی، فرهنگی و تفریحی و محیطی، قابلیت‌های محدوده زندیه هستند (Shahriari, et al., 2020). و مؤلفه‌های ادراکی و زیبایی‌شناختی در این بخش از بیشترین رضایتمندی برخوردار بودند؛ بنابراین در تکمیل این مسیر، پژوهش حاضر صرفاً به بررسی «قابلیت‌های محیطی» در این محدوده پرداخت. در پاسخ به سؤال سوم پژوهش که از دید متخصصان با توجه به میزان قابلیت‌های مناظر شهری تاریخی (چارچوب گذاری) در محدوده زندیه شیراز کدام بخش دارای اولویت رسیدگی است؟ نتایج نشان داد که قابلیت‌های «دوست‌داشتنی بودن محیط» و «تصورپذیری در ذهن» در اغلب بخش‌های محدوده زندیه از رتبه خوبی برخوردار بوده است. در پهنه شماره ۵ (محدوده مجاور مسجد و حمام وکیل) تمامی قابلیت‌ها در حد مطلوب وجود دارند و این شبکه بیشترین امتیاز را از دارا بودن قابلیت‌های محیطی به خود اختصاص داده است. در مجموع قابلیت‌های کمی و کیفی بررسی شده در پهنه‌های تعریف شده نشان داد که پهنه شماره ۲ (محدوده دیوان‌خانه) از سایر بخش‌ها امتیاز کمتری دارد و نیازمند رسیدگی بیشتر است. دلیل این موضوع را می‌توان در بی‌توجهی به این بخش، نبود خوانایی و جدا افتادگی آن از سایر بخش‌ها دانست. بعد از آن پهنه شماره ۳ در رتبه دوم برای رسیدگی قرار دارد.

از محدودیت‌های پیش‌رو پژوهش می‌توان به محدود بودن تعداد افراد متخصص و حرفه‌مند در محدوده بافت تاریخی که از اقدامات صورت گرفته در محدوده اطلاع کافی داشته باشند، اشاره کرد. در پژوهش‌های آتی می‌توان بر سایر مراحل و زیر مرحله‌ها تأکید داشت. به عنوان مثال

References:

- Aghabozorg, N. (2013). The Role of Tehran Natural Views in Urban Landscape Management. MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 5(22), 49-51.
 - https://www.manzar-sj.com/article_2923.html?lang=en. [in Persian]
 - Ahmadi, F., Bemanian, M., Ansari, M. (2014). An Introduction to Natural Landscape Restoration method based on Landscape Ecology Approach. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 14(56), 5-16.
 - https://www.bagh-sj.com/article_56135.html. [in Persian]
 - Ahmadi, F., Sadeghi, A. (2018). Investigation of the Factors Affecting Visual Management of Views and Vistas within the Historical Functional Valuable Buildings (Case Study: Streetscape of Seyyed Alaedin Hossein Shrine, Shiraz). Journal of Environmental Science and Technology, 21(82), 249-264.
 - Doi: 10.22034/jest.2019.14557. [in Persian]
 - Ahmed, N., Islam, M. N., Tuba, A. S., Mahdy, M. R. C., & Sujauddin, M. (2019). Solving visual pollution with deep learning: A new nexus in environmental management. Journal of Environmental Management, 248, 109253.
 - Asadpour, A. (2017). Mental Image in Landscape & City; Basics & Tactics. Ghazvin: Jahad daneshgahi Press.
 - Asadpour, H. (2018). Square & City, History of Cannon Squares from Tehran to Shiraz. Shiraz: Niaresh.
 - Asadpour, H., Ghalehnoee, M., Bahramian, A. (2023). Developing the model of research method in urban landscape studies emphasizing the Saunders' research onion. Motaleate Shahri, 12(45), 3-18.
 - Doi: 10.34785/J011.2022.010. [in Persian]
 - Asur, F., Deniz Sevimli, S., & Yazici, K. (2020). Visual Preferences Assessment of Landscape Character Types Using Data Mining Methods (Apriori Algorithm): The Case of Altınış and Inkoy (Van/Turkey). Journal of Agricultural Science and Technology, 22(1), 247-260.
 - Doi: 20.1001.1.16807073.2020.22.1.22.8
 - Atashinbar, M. (2009). The Continuity of Identity in Urban Landscape. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 6(12), 45-56.
 - https://www.bagh-sj.com/article_32.html?lang=en. [in Persian]
 - Bahrami Hamedani, S., Taghvaei, S. H. (2021).
- مرحله / کارکرد «تدوین اهداف حفاظت بصری» با بررسی اسناد، منشورها و بومی سازی آنها می تواند در ادامه مورد پژوهش قرار گیرد یا هر مرحله از فرآیند مدیریت بصری و چالش های تحقق آن اولویت بندی و تدقیق شوند.

- Landscape Assessment Framework for Historic Boulevards based on the FVFL Model in Line with the HUL Concept; The Case Study of Tagh-e Bostan (Shahid Shiroudi) Boulevard, Kermanshah. *Soffeh*, 31(2), 83-110.
- Doi: 10.52547/sofeh.31.2.83. [in Persian]
 - Bandarin, F., Van Oers, R. (2005). World Heritage and contemporary architecture: Setting standards for management of the historic urban landscape. *Landscape architecture*, 95(10), 52-55.
 - Bandarin, F., Van Oers, R. (2012). The historic urban landscape: managing heritage in an urban century: John Wiley & Sons.
 - Bell, S. (2001). Landscape pattern, perception and visualisation in the visual management of forests. *Landscape and Urban Planning*, 54(1), 201-211.
 - [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(01\)00136-0](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(01)00136-0)
 - Bell, S. (2019). Elements of visual design in the landscape. Routledge.
 - Chizfahm Daneshmandian, M., Poodat, F., Mojtahedzadeh, R. (in press). Visual management of urban river landscapes (case study of the central area (formation) of Ahvaz city). *Geography and Urban Space Development*.
 - .Doi: 10.22067/jgusd.2023.77951.1230. [in Persian]
 - Chizfahm Daneshmandian, M., Behzadfar, M. (2020). Protecting Historic Urban Landscape, using visual protection surface method (VPS) (Case Study: The Historic Urban Landscape of Qur'an Gate, Shiraz). *Research & Urban planning*, 11(41), 147-164.
 - Doi: 20.1001.1.22285229.1399.11.41.10.9. [in Persian]
 - Clark, C., Uzzell, D. (2006). The socio-environmental affordances of adolescents' environments. In C. Spencer, & M. Blades (Eds.), *Children and their environments: Learning, using and designing spaces*. New York, NY: Cambridge University Press.
 - Daneshgarmoghaddam, G., Eslampour, M. (2013). Study of the Affordance Theory Based on Gibson's Point of View and Its Effects on Studies of Human-Built Environment. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 5(9), 73-86.
 - https://www.armanshahrjournal.com/article_33213.html?lang=en. [in Persian]
 - Darabi, H., Razavi, S. S., Vaeziheir, A. (2017). Ecological Landscape Planning Considering Landscape Aesthetics (Case Study: Part of Tehran-Qom Freeway). *Open Journal of Ecology*, 7(09), 503-517.
 - DOI: 10.1080/13467581.2023.2257268
 - Dronova, J. (2017). Environmental heterogeneity as a bridge between ecosystem service and visual quality objectives in management, planning and design. *Landscape and Urban Planning*, 163, 90-106.
 - <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2017.03.005>
 - Edalat, T., Pajhwok, F. (2017). Investigating the factors influencing the transformation of social space into an urban element and symbol from the perspective of identity and collective memory in the city of Shiraz; Case study: Karimkhani Citadel and the Quran Gate. *Urban Management*, (49), 77-97. [in Persian]
 - Esmaeeldokht, M., Mansouri, S., Sheibani, M. (2021). A Comparative Study of Citizens' Interpretations of the City (Urban Landscape) and Urban Development Plans A Transition from a Traditional landscape to a Modern one in Shiraz. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 18(96), 45-58.
 - Doi: 10.22034/bagh.2020.238222.4597. [in Persian]
 - Fairclough, G., Lambrick, G., McNab, A. (Eds) 1999. *Yesterday's World, Tomorrow's Landscape*. The English Heritage Historic Landscape Project 1992 – 94 (London: English Heritage).
 - Gibson J.J. (1977). *The Theory of Affordance*. (R. Shawand, J. Bransford . eds.). *Perceiving, Acting and Knowing*. New York: Halsted.
 - Gibson J.J. (1979). *The Ecological Approach to Visual Perception*. Boston: Houghton Mifflin
 - Goldstein, E. B. (1981). *The Ecology of JJ Gibson's Perception*. Leonardo, 191-195.
 - Golkar, K. (2013). Tehran's Cityscape and City Image; An Analysis of Tehran's Strategic Urban Design and Cityscape Management Plan (TSUDCMP). *Journal of Architecture and Urban Planning*, 5(10), 5-23.
 - Doi: 10.30480/aup.2013.117. [in Persian]
 - Grahn, P., Stigsdotter, U. K. (2010). The relation between perceived sensory dimensions of urban green space and stress restoration. *Landscape and Urban Planning*, 94(3-4), 264-275.
 - <http://dx.doi.org/10.1016/j.landurbplan.2009.10.012>
 - Hale, M., Coleman, R. (2011). *Supplementary Planning Guidance: London View Management Framework*.
 - Heft, H. (1989). *Affordances And The Body: An*

- Intentional Analysis Of Gibson's Ecological Approach To Visual Perception. *Journal For The Theory Of Social Behaviour*, 19(1), 1-30.
- <https://doi.org/10.1111/j.1468-5914.1989.tb00133.x> [in Persian]
 - Jafarpour Nasser. S., Esfanjary Kenari E., Tabibian M. (2022). The Historic Urban Landscape and Change Management: An Analytical Critique of the Values-based Management Models. *CIAUJ*, 7 (1), 37-54.
 - URL: <http://ciauj-tabriziau.ir/article-1-333-fa.html>. [in Persian]
 - Kaplan, R., Kaplan, S. (1989). *The Experience of Nature* (Cambridge: Cambridge University Press).
 - Karimi Moshaver, M. (2014). Methods, Techniques and Tools in Urban Visual Analysis. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 11(29), 3-10.
 - https://www.bagh-sj.com/article_5673.html [in Persian]
 - Kellert, S. R., Wilson, E. O. (1993). *The Biophilia Hypothesis* (Washington, DC: Island Press/ShearwaterBooks).
 - Keshtkaran, R., Habibi, A., Sharif, H. (2017). Aesthetic preferences for visual quality of urban landscape in Derak High-Rise Buildings (Shiraz). *Journal of Sustainable Development*, 5(10), 94-106.
 - khalilnezhad, M., Aminzadeh, B. (2012). The Landscape Visual Management Guidelines in Khor Highway Park in South Khorasan Province. *Environmental Researches*, 2(3), 1-12.
 - Doi: 20.1001.1.20089597.1390.2.3.1.1. [in Persian]
 - Khavarian Garmsir, A. R., Rezaie, M. R., Alian, M. and Molaei Qelichi, M. (2016). Decision-Making in Urban Landscape Planning Using Analytic Network Process (Case Study: The city of Taft). *Geography and Urban Space Development*, 3(1), 17-31.
 - Doi: 10.22067/gusd.v3i1.23627. [in Persian]
 - Khodaei, Z., Shahabzadeh, M. (2017). Landscape management of dilapidated contemporary urban textures with emphasis on spatial and visual organization (case study: Khak Sefid neighborhood). *Urban Management Studies*, 9(29), 27-38.
 - <https://sid.ir/paper/199160/en> [in Persian]
 - Lang, J. (1987). Creating architectural theory. The role of the behavioral sciences in environmental. *Design*.
 - Latifi, G., Paknezad, N. (2021). Evaluating urban shape of Tehran through differential semantics scale. *Cogent Engineering*, 8(1), 1937829.
 - <https://doi.org/10.1080/23311916.2021.1937829>
 - Litton, R. B., Sorensen, J., Beatty, R. A. (1974). *Water and Landscape: An Aesthetic Overview of the Role of Water in the Landscape* (New York: Water Information Center).
 - Lowenthal, D. (1985). *The Past is a Foreign Country* (Cambridge: Cambridge University Press).
 - Mahmoudzadeh, H., Saheli, S. (2019). Achieving desirable urban settlement indicators in Iran's dilapidated historical textures; Case study: dilapidated historical textures of Ardabil city, *Specialized Quarterly Journal of Urban Design Studies and Urban Research*, 3(12), 35-45. [in Persian]
 - Majidi, M., Mansouri, S. A., Saber Nejad, J. and Barati, N. (2021). Landscape Capacities in Realizing the Concept of Participation in Urban Projects. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 13(54), 18-27.
 - Doi: 10.22034/manzar.2020.242196.2077. [in Persian]
 - Maleki, S., Ahmadi, T. (2013). Studying the visual quality of Ilam's urban landscape and scenery. *Ilam Culture*, 14(38 and 39), 1-14. [in Persian]
 - Mansouri, S. A., Sabunchi, P., Abarghourifard, H., Naseri, S., Hemmati, M. (2021). *What is not a view!*, Tehran: Nazar Research Institute Publications. [in Persian]
 - Melnikovas, A. (2018). Towards an explicit research methodology: Adapting research onion model for futures studies. *Journal of Futures Studies*, 23(2), 29-44.
 - DOI:10.6531/JFS.201812_23(2).0003
 - Mohammadi, N. M. R. (2003). Change and Continuity in Yazd-Iran. 9th International Conference on the Study and Conservation of Earthen Architecture, *Terra*, 427-438.
 - Mottlabi, Gh. (2001). Environmental psychology is a new science in the service of architecture and urban design. *Honar-Ha-Ye-Ziba Memari-Va-shahrsazi*, 12(10), 52-67.
 - https://journals.ut.ac.ir/article_13628.html [In Persian]
 - Mulet Gutiérrez, M.-J., Oliver Torelló, J. C., Sebastián Sebastián, M. (2020). Photographic dissemination of historic landscape as a tool for citizenship. *Landscape Research*, 1-16.
 - Doi:10.1080/01426397.2020.1846169
 - Myklestad, E., & Wagar, J. A. (1977). *PREVIEW*:

- computer assistance for visual management of forested landscapes. *Landscape planning*, 4, 313-331.
- [https://doi.org/10.1016/0304-3924\(77\)90038-7](https://doi.org/10.1016/0304-3924(77)90038-7)
 - Naderi, M. (2015). The place of mural painting (wall painting) in urban landscape management and its role in the aesthetic perception of the city. *Urban Management*, (41), 161-186. [in Persian]
 - Nassauer, J. I. (1995). Messy ecosystems, orderly frames. *Landscape Journal*, 14, 161 – 17.
 - DOI: <https://doi.org/10.3368/lj.14.2.161>
 - Pourjafar, M. R., Taghvaei, A.A., Sadeghi, A.R. (2009). The effect of organizing visual axes on improving the quality of urban public space (case study: Azadi Street, Tehran). *Urban Management*, 7(24), 65-80. [in Persian]
 - Pourjafar. M., Dehghani F. (2011). Role of Cultural Landscapes Regeneration in the Enhancement of the Quality of Citizen Life (case study: Zandieh Complex of Shiraz). *Naqshejahan*, 1 (1), 81-94.
 - URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-7441-fa.html>. [in Persian]
 - Rapoport, A. (1990). The meaning of the built environment: A nonverbal communication approach. University of Arizona Press.
 - Rastegar Jhaleh, S., Pedram, B. (2019). Preserving Identity and Recovering Meaning in the Discursive Practice of Zahedan's Urban Landscape during the First Pahlavi Period, Second International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Development Management in Iran, Tehran: 1-10.
 - <https://civilica.com/doc/973442/> [in Persian]
 - Roustaei, S., Naseri, R. (2019). Assessment of the pedestrian capability of the historic texture tracks of Maragheh city. *Journal of Urban Ecology Researches*, 10(19), 123-134
 - .Doi: 10.30473/grup.2019.5634. [in Persian]
 - Saeedi, Sepideh, Saeedi, Sahar. (2017). Recording the visual characteristics of landscape using indicators: Based on the aesthetic theory of landscape, *Quarterly Journal of Humans and Environment*, (41), 71-91. [in Persian]
 - Sarai, A. (2008). Rules and regulations for improving the quality of urban appearance and landscape, cleaning and improving facades and walls, adapting pedestrian walkways and sidewalks, organizing the urban landscape, *Municipalities*, 11(100), 53-58.
 - <https://ensani.ir/file/download/article/20120509093229-3090-342.pdf>. [In Persian]
 - Secretariat of the Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran. (2016). Urban Planning and Architecture Regulations and Development and Construction Plans Approved by the Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran, Tehran: Tehran University Press. [in Persian]
 - Shahabzade, M. (2016). Revitalization of Historical Neighborhoods by Employing Gentrification Strategy. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 4(4), 65-79.
 - Doi:20.1001.1.26453711.1395.4.4.5.3. [in Persian]
 - Shahriari, S. K., Karimzadeh, A., Shahriari, Sh. (2020). Prioritizing Tourist Attractions in Historically Regenerated Areas (Case Study: Zandieh Historical Complex in Shiraz). *HOVIATESHAHR*, 14(41), 61-74.
 - SID. <https://sid.ir/paper/154491/en> [in Persian]
 - Sun, X., & Zhu, Q. (2015). First Study of Psychological Behavior on Urban Visual Management. Paper presented at the 2015 International Conference on Social Science, Education Management and Sports Education.
 - Swaffield, S.R. (2011). *Theory in Landscape Architecture: a reader*, Translated by M. Faizi, M. Khakzand, S. Razzaghi Asl. Tehran: farhang Matin Press. [in Persian]
 - Taherkhani, H., Motavasali, M. M. (2006). Management of the historical fabric of Iranian cities (challenges and strategies). *Urban Management*, (18), 96-107.
 - <https://ensani.ir/file/download/article/20101109202416-8.pdf> [in Persian]
 - Tezel, A., & Aziz, Z. (2017). Visual management in highways construction and maintenance in England. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 24 (3), 486-513.
 - DOI: 10.1108/ECAM-02-2016-0052
 - Tuan, Y. 1974. *Topophilia* (Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall).
 - Wang, L., Kong, X., Zhang, X. (2023). Analysis of the new transportation and inspection mode of overhead transmission lines based on visual management. *Advances in Engineering Technology Research*, 4(1), 202-202.
 - UNESCO World Heritage Center. (2011). Convention Concerning The Protection Of The World Cultural

- And Natural Heritage. Thirty-Fifth Session, Paris, Unesco Headquarters.
- Zanganeh, N., Keshmiri, H. (2018). The role of sensory richness components in improving the environmental quality of urban space (Case study: Shiraz Zandiyeh Complex). *Geography and Urban Space Development*, 9(5), 181-200.
 - Doi: 10.22067/gusd.v5i2.66413. [in Persian]
 - Zare, A., Rezaei, M., Laghai, H. (2019). Explaining the Effective Factors on Improving the Environmental Quality of Urban Historical fabrics (Case Study: historical fabrics of Shiraz). *Research & Urban planning*, 10(38), 1-12.
 - 20.1001.1.22285229.1398.10.38.1.7
 - Zekavat, K. (2006). Strategic Framework for Visual City Management. *Abadi Quarterly*. (53), 26-37. [in Persian]
 - Zhang, T., Yan, M., Yu, X., & Liu, B. (2023). Visual assessment of historic landmarks based on GIS and survey: a study of view and viewing of Tiger Hill in Suzhou, China. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 1-https://doi.org/10.1080/13467581.2023.2257268

نحوه ارجاع به مقاله:

اسدیور، هاجر؛ قلعه‌نویی، محمود؛ بهرامیان، آرمین. (۱۴۰۴)، تبیین فرآیند مدیریت بصری مناظر شهری تاریخی با تأکید بر قابلیت‌های محیطی؛ نمونه مورد مطالعه: محدوده زندیه شیراز، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۴)، ۲۰-۱۰۲۰۳۴/urbs.2024.139979.4985.3

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل فضایی صرفه‌های ناشی از تجمع در مقیاس کوچک: تخصصی شدن و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در شهر کازرون

غلامرضا مرادی^۱ - استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۸ تیر ۱۴۰۳

تحلیل فضایی صرفه‌های ناشی از تجمع در مقیاس کوچک: تخصصی شدن و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در شهر کازرون

بررسی و تحلیل صرفه‌های ناشی از تجمع فعالیت‌های اقتصادی از دیرباز موردتوجه محققان بوده است. مطالعات صورت گرفته در این رابطه بیشتر در حوزه اقتصادی و در سطح کشور و منطقه بوده و کمتر به مقیاس کوچک‌تر از شهر و به خصوص خیابان‌ها پرداخته شده است. در این پژوهش به جای این که شهر به صورت یک کل واحد در نظر گرفته شود، ساختارهای اصلی اقتصادی شهر به تفکیک خیابان‌ها موردبررسی قرار گرفته و با بررسی سه هزار و ۸۰۴ فعالیت یا بنگاه اقتصادی در شهر کازرون با استفاده از شاخص نسبت مکانی، هرفیندال-هریشمن و شانون وضعیت تجمع بنگاه‌ها و آثار آن ازجمله تخصصی شدن و تنوع در سطح خیابان‌ها موردبررسی قرار گرفته است؛ بنابراین ضمن شناسایی و ارائه مکان محور خیابان‌های تخصصی و متنوع، فعالیت اقتصادی مربوطه نیز ارائه شده است. نتایج نشان‌دهنده این امر است که فعالیت‌های اقتصادی با توجه به نوع خدماتی که ارائه می‌دهند در کنار فضای موردنیاز برای فعالیت، اهمیت دسترسی سواره، میزان جریان پیاده و نزدیکی به مراکز جمعیتی می‌توانند در موقعیت‌های خاصی از شهر متمرکز یا پخش گردند؛ به طوری که فعالیت‌های فنی مثل خدمات وسایل نقلیه (بولوار خرمشهر) و خدمات کشاورزی (خیابان فردوسی) در خیابان‌های عریض‌تر و دورتر از مرکز شهر و فاقد جریان پیاده، مشاورین املاک بیشتر در توسعه‌های جدید (بولوار پردیس)، مراکز درمانی در مرکز شهر (خیابان سلمان فارسی)، خیابان‌های متنوع (خیابان شهدای شمالی و جنوبی، ابوذر، حضرتی و امام خمینی) دارای عرض کمتر نسبت به خیابان‌های تخصصی و در نزدیکی ناحیه تجاری مرکزی شهر، پیاده‌روهای شلوغ‌تر و تنوعی از فعالیت‌های مختلف را در خود جا داده‌اند.

واژگان کلیدی: صرفه‌های ناشی از تجمع، تخصصی شدن، تنوع، فعالیت‌های اقتصادی، خیابان‌ها، کازرون.

نکات برجسته

- در شهر کوچک (کازرون) نیز مانند شهرهای بزرگ صرفه‌های ناشی از تجمع قابل مشاهده است.
- علاوه بر بازار، هر دو نوع خوشه‌های تخصصی و تنوع به شکل خطی و نواری در شهر کوچک قابل مشاهده است.
- نوع فعالیت و دسترسی به عابر پیاده بر روی شکل‌گیری خوشه‌های تخصصی و تنوع تاثیرگذار است.
- مقیاس درون شهر و از جمله خیابان‌ها برای شناسایی صرفه‌های ناشی از محلی شدن و شهری شدن کارایی بیشتری دارد.

۱. مقدمه

شهرها به عنوان مراکز فعالیتی بستری برای استقرار جمعیت، بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌کنند؛ بنابراین اکثر فعالیت‌های اقتصادی به خصوص شرکت‌ها و فروشگاه‌ها در شهرها مستقرند. نحوه استقرار آنها و ارتباطشان با یکدیگر و فرم‌هایی که در ساختار شهر شکل می‌دهند از یک طرف و مزایایی که این ارتباط برای آنها یا شهرها در پی دارد از دیرباز مورد توجه جغرافی‌دانان، شهرسازان و اقتصاددانان بوده است. به همین دلیل در سال‌های اخیر پژوهشگران مشغول شناسایی وضعیت موقعیت بنگاه‌ها و فروشگاه‌ها، فرم‌های آن، مزایای ناشی از استقرار آنها در کنار هم، مزایای ناشی از استقرار آنها در شهر و تأثیر بنگاه‌ها در رشد شهر بوده‌اند. بنگاه‌های اقتصادی مستقر در شهر سعی می‌کنند علاوه بر این که کارایی فنی و اقتصادی خود را برای افزایش بازدهی سازمان‌دهی کنند، در موقعیتی مستقر می‌شوند که از حداکثر سود بهره‌مند گردند و هزینه‌های جانبی را کاهش دهند. نزدیکی فیزیکی به سایر شرکت‌ها و فروشگاه‌ها برای آنها مزایایی در پی دارد که صرفه‌های ناشی از تجمع^۱ نامیده می‌شود. این واژه از دهه ۱۹۸۰ در مطالعات اقتصادی ظهور یافت (Haryono et al., 2021: 3)؛ به این معنی که استقرار شرکت‌ها در مناطقی با تمرکز بالای شرکت‌ها در همان صنعت یا صنف، مزایایی مانند در دسترس بودن نیروی کار ماهر، در دسترس بودن کالاهای واسطه‌ای و سهولت تبادل دانش در مورد محصولات، فرآیندها و نوآوری‌ها را به همراه دارد (Giuliano et al., 2019; Puga, 2010; Torres-Gutierrez, Correa-Quezada, Álvarez-García, & del Río-Rama, 2019; He et al., 2020). از آنجایی که این مزایا در ارتباط با سایر شرکت‌ها و فروشگاه‌ها بدون لحاظ شرایط داخلی آنها به دست می‌آید، مزایای خارجی نامیده می‌شود و زمانی که شرکت‌های مشابه یا مکمل در یک صنعت در کنار هم قرار گیرند، مزایای صرفه‌جویی ناشی از محلی شدن^۲ و چنانچه شرکت‌ها یا صنایع مختلف و متنوع در مجاور هم قرار گیرند، صرفه‌جویی ناشی از شهری شدن^۳ نامیده می‌شود (Simonen, Svento, & Juutinen, 2015; Tao, Luo, & Sheng, 2019; Xiong, Wei, & Wu, 2023). صرفه‌جویی ناشی از محلی شدن باعث خوشه‌بندی تخصصی^۴ و صرفه‌جویی ناشی از شهری شدن، تنوع^۵ را ایجاد می‌کند. اهمیت تجمع و تمرکز در یک فضا تا جایی است که در ادبیات اقتصاد شهری، دلایل وجود شهرها و رشد و توسعه آنها را به صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع و سود آن نسبت می‌دهند (Andersson, Larsson, & Wernberg, 2019; Rosenthal & Strange, 2020: 28; Mukkala, 2004). فرم فضایی تجمعات فعالیت‌های اقتصادی در سطح شهرها که مجموعه‌های فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است به گونه‌های مختلفی تفکیک می‌گردد که در ارتباط تنگاتنگ با ساختار شهرها قرار

دارند. این تجمعات گاهی به صورت خوشه‌ای متمرکز، گاهی خطی یا نواری و از نظر عملکردی که ارائه می‌دهند می‌تواند عمومی، تخصصی یا فرعی طبقه‌بندی گردند. همچنین این که به مرور زمان شکل گرفته و تکامل یافته مثل بازار یا در بازه زمانی کوتاهی مثل مراکز خرید و مال‌ها ایجاد شده یا این که با برنامه‌ریزی یا بدون برنامه‌ریزی شکل گرفته، تقسیم و تفکیک می‌گردند (Teller, 2008: 19; Araldi & Fusco, 2019: 52; Moradi & Mirzaei, 2024: 21).

بیشتر مطالعات انجام‌شده در رابطه با صرفه‌جویی ناشی از تجمع در سطح منطقه یا کل شهر و با دیدگاه اقتصادی آن هم در ارتباط با رشد اقتصادی، بهره‌وری و افزایش اشتغال در سطح شرکت‌ها و کارخانه بوده و گاهی نتایج متناقضی داشته است؛ نگاه شود به (Feldman & Audretsch, 1999; Glaeser et al., 1992; Mukkala, 2004; Torres-Gutiérrez et al., 2019; Widodo, Salim, & Bloch, 2015; Chen, 2020). این تحقیقات کمتر سطح بررسی را به درون شهر و به خصوص به تفکیک محلات و خیابان‌ها برده و به موقعیت مکانی فعالیت‌ها و بنگاه‌ها در این سطوح کمتر پرداخته و ارتباط آنها با ساختار شهر مورد بررسی قرار نگرفته است. برخی سطح بررسی را یک استان یا شهرستان در نظر گرفته‌اند (Salehnia & Dadashpour, 2019; Sasani & Maghsoudpour, 2022) و برخی نیز بر تأثیر صرفه‌های ناشی از تجمع بر کارایی بنگاه یا شرکت خاصی تمرکز کرده‌اند (Han et al., 2018; Krugell, 2012). Pankin, 2012). با این وجود توافق نظری در مورد مناسب‌ترین واحد جغرافیایی تجزیه و تحلیل برای شناسایی صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع وجود ندارد (Lavoratori & Castellani, 2021). این پژوهش ضمن تشریح مفهوم صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس^۶ و تجمع و اثرات آن از جمله شهری و محلی شدن، در پی بررسی این مورد است که آیا در شهرهای کوچک (بامطالعه موردی کارزون) نیز اثرات تجمع اتفاق می‌افتد؟ صرفه‌های ناشی از محلی شدن که باعث ایجاد خوشه‌های تخصصی است بیشتر دیده می‌شود یا صرفه‌های ناشی از شهری شدن که تنوع را در پی دارد؟ و این پدیده در ساختار فضایی شهر چگونه مستقر شده است. علاوه بر این سطح بررسی را به درون شهر برده و در مقیاس کوچک (خیابان‌ها) نحوه استقرار فعالیت‌های اقتصادی را از نظر نوع صنف و صنعت مربوطه به تفکیک با روش‌های مختلف شناسایی و به صورت مکان محور در ارتباط با ساختار شهر ارائه می‌دهد. همچنین گونه‌های تجمع چه به صورت خطی، خوشه‌ای چه به صورت تکامل یافته یا ایجاد شده و چه به صورت برنامه‌ریزی شده و برنامه‌ریزی نشده شناسایی می‌گردد. نتایج این پژوهش علاوه بر این که خیابان‌های تخصصی و متنوع را به همراه صنایع و شرکت‌های مربوطه مشخص می‌کند، شهرداری و اتاق اصناف را برای مدیریت بهتر کسب و کارها و صدور مجوز و همچنین مدیران بنگاه‌ها را در انتخاب موقعیت بهتر فعالیت خود کمک می‌کند.

۲. مبانی نظری

۲.۱. صرفه‌های ناشی از مقیاس و تجمع

در علم اقتصاد صرفه‌های ناشی از مقیاس و تجمع عوامل اصلی بقای یک بنگاه یا فعالیت اقتصادی است. صرفه‌جویی ناشی از مقیاس به

- 1 Agglomeration economies
- 2 Localization economies
- 3 Urbanization economies
- 4 Specialization
- 5 Diversity

انطباق و یادگیری تفکیک کردند، (Abel & Deitz, 2015; Andersson, 2017). اشتراک به معنای شریک شدن در زیرساخت‌ها، امکانات، تأمین‌کنندگان کالاهای واسطه‌ای و کارگران است. در یک بازار بزرگ و متنوع انطباق بهتری بین کارفرما، کارگران، تولیدکنندگان واسطه‌ای و هزینه‌های آموزش و... صورت می‌گیرد و تجمع باعث سرریز دانش و در نتیجه آموزش و یادگیری مناسب‌تر و سریع‌تر و با هزینه کمتر برای بنگاه‌ها و کارگران می‌گردد. همان‌طور که گفته شد، صرفه‌جویی ناشی از تجمع به دو بخش صرفه‌جویی‌های ناشی از محلی شدن و صرفه‌جویی‌های ناشی از شهری شدن تفکیک می‌شود (Parr, 2002; Torres-Gutiérrez, 2019:2) که در ادامه تشریح می‌گردد.

۲.۲. صرفه‌جویی ناشی از محلی شدن و شهری شدن

صرفه‌جویی ناشی از محلی شدن، صرفه‌های خاصی هستند که به شرکت‌هایی مربوط می‌شوند که در فعالیت‌های مشابه یا مرتبط با یکدیگر فعالیت می‌کنند که منجر به ظهور تجمع فضایی شرکت‌های مرتبط (مناطق صنعتی، خوشه‌های صنعتی محلی و غیره) می‌شود (Malmberg et al., 2000). صرفه‌جویی ناشی از تجمع محلی، خوشه‌هایی از شرکت‌ها را در همان صنعت ایجاد می‌کنند. اصطلاح «صرفه‌های ناشی از شهری شدن» به صرفه‌جویی‌های عمومی و تمرکز منطقه‌ای و شهری مربوط می‌شود که برای همه شرکت‌ها و صنایع در یک مکان واحد اعمال می‌شود (Malmberg et al., 2000). صرفه‌جویی ناشی از محلی شدن، عمدتاً در یک بخش خاص عمل می‌کند اما صرفه‌جویی ناشی از شهری شدن از طریق کل فعالیت اقتصادی عمل می‌کند (Bolter & Robey, 2020; Parr, 2002). صرفه‌جویی ناشی از تجمع شهری، صرفه‌جویی در هزینه‌هایی هستند که وقتی حجم فعالیت اقتصادی در کل منطقه شهری افزایش می‌یابد، نصیب شرکت‌ها می‌شود. شرکت‌ها در این مورد ممکن است نامرتبط باشند. صرفه‌جویی ناشی از تجمع شهری از دو جهت با صرفه‌جویی ناشی از تجمع محلی متفاوت است: نخست صرفه‌های ناشی از تجمع شهری ناشی از مقیاس کل اقتصاد شهری است و نه فقط مقیاس یک صنعت خاص. دوم صرفه‌های ناشی از تجمع شهری برای شرکت‌ها در سرتاسر شهر و نه فقط شرکت‌ها در یک صنعت خاص، سود ایجاد می‌کنند (O'Sullivan, 1996:28).

۲.۳. تخصصی شدن و تنوع و رقابت

صرفه‌های ناشی از تجمع و به خصوص محلی شدن و شهری شدن باعث ایجاد اثرات خارجی در فرایند ایجاد و انتشار دانش می‌گردد. این دو به اثرات خارجی تخصص‌گرایی و تنوع تفسیر می‌شوند (Glaeser, 2018; Kallal, Scheinkman, & Shleifer, 1992; Liang & Goetz, 2018). همین اساس با توجه به این که فعالیت‌های اقتصادی در شهر در انواع مشابه یا غیرمشابه متمرکز شده باشند، به عنوان شهرهای تخصصی یا متنوع نام‌برده می‌شوند (Puga & Duranton, 2002). اگر اشتغال یک منطقه به شدت بر روی چند بخش کلیدی متمرکز باشد، منطقه از نظر صنعتی تخصصی است. برعکس اگر اشتغال به‌طور مساوی در بین صنایع مختلف توزیع شود، منطقه از نظر صنعتی متنوع می‌شود (Chen, 2020)؛ اما در حقیقت تخصصی بودن به معنای عدم تنوع نیست.

عواملی دلالت دارد که باعث کاهش هزینه‌های بلندمدت یک بنگاه می‌شود. این مفهوم را نخستین بار مارشال در ۱۹۲۰ معرفی کرد و به دو بخش صرفه‌جویی ناشی از مقیاس داخلی و خارجی طبقه‌بندی نمود (Pahlevanzadeh & Moosavi, 2015). صرفه‌های داخلی آنهایی هستند که در یک کارخانه یا یک بنگاه واحد، مستقل از عملکرد سایر بنگاه‌ها در نظر گرفته می‌شوند، درواقع ناشی از افزایش مقیاس تولید یک شرکت است و نمی‌توان به آن دست‌یافت مگر این که بازده آن شرکت افزایش یابد. از سوی دیگر، صرفه‌جویی در مقیاس خارجی به دلیل عوامل خارجی یا عواملی است که کل صنعت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. صرفه‌جویی ناشی از تجمع و مزایای محلی سازی و شهری شدن به عنوان صرفه‌جویی‌های خارجی قلمداد می‌گردند (Malmberg, Malmberg, & Lundequist, 2000; Torres-Gutiérrez et al., 2019; Ma et al., 2019). براساس این مزایا شرکت‌ها با قرار گرفتن در نزدیکی یکدیگر، می‌توانند با هزینه‌های کمتری تولید را انجام دهند. این نوع مزایا و تجمع بنگاه‌ها در شهر و بهره‌وری آنها و ارتباط آن با تراکم بالای بنگاه‌ها و شرکت‌ها و نیروی کار از مدت‌ها قبل درک شده است. به‌طوری‌که نخستین بار آدام اسمیت (۱۷۷۶) اظهار داشت که افزایش مقیاس به شرکت‌ها و کارگران اجازه می‌دهد در فعالیت‌های خاص تخصص پیدا کنند و تخصصی شدن و تقسیم‌کار باعث افزایش بهره‌وری می‌شود (Giuliano et al., 2019). در مرحله بعد این امر مورد توجه آلفرد مارشال (۱۸۹۰) قرار گرفت. مارشال معتقد است، استقرار شرکت‌ها در مناطقی با تمرکز بالای شرکت‌هایی در همان بخش، مزایایی مانند در دسترس بودن نیروی کار ماهر، در دسترس بودن کالاهای واسطه‌ای و سهولت تبادل دانش را در مورد محصولات، فرایندها و نوآوری‌ها به همراه دارد (Torres-Gutierrez et al., 2019). به عبارت دیگر خوشه‌بندی شرکت‌ها و بنگاه‌ها در یک محدوده جغرافیایی خاص را تجمع می‌گویند و مزایایی که به واسطه استقرار شرکت‌ها در مجاورت هم به دست می‌آید، صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع گفته می‌شود (Cheng & Jin, 2022). یکی از مهم‌ترین تئوری‌هایی که تجمع فعالیت‌های اقتصادی را پشتیبانی می‌کند، اصل حداقل تمایز از هارولد هتلینگ (۱۹۲۹) است (Damavandi et al., 2019: 79). این اصل نشان می‌دهد که تعداد معینی از فروشگاه‌هایی که در همان بخش بازار فعالیت می‌کنند، اگر در کنار هم قرار گیرند، عملکرد بهتری خواهند داشت (Skogster, 2006:5). قانون هتلینگ به خوشه‌بندی فضا تأکید دارد. بر اساس این اصل یک فروشگاه با استقرار نزدیک‌تر به یک فروشگاه رقیب به‌منظور به دست آوردن ناحیه بازار بزرگ‌تر با جذب مشتری بیشتر می‌تواند سود خود را به حداکثر برساند (Sanchez-Saiz et al., 2022: 84). تمایل فعالیت‌های اقتصادی به تمرکز در یک فضای جغرافیایی است که عمدتاً به شکل خوشه‌های صنعتی یا شبکه‌های اقتصادی وابسته به هم هستند که از تمرکز صنایع مشابه یا مکمل در یک موقعیت جغرافیایی خاص و مجاور تشکیل شده‌اند. مزایای ناشی از تجمع ابتدا به سه بخش سرریز دانش، ادغام نیروی کار و پیوندهای کالاهای واسطه‌ای تقسیم می‌گردد (Jofre-Monseny, Marín-Lopez, & Viladecans-Marsal, 2011). به‌روزترین تفکیک مزایای ناشی از تجمع را دورانتون و پوگا در سال ۲۰۰۴ به سه قسمت اشتراک‌گذاری،

یک منطقه می‌تواند در مشاغل صنعتی متعدد تخصص داشته باشد که به‌عنوان تخصص‌های چندگانه تعریف شده است، (Hong & Xiao, 2016) گلیشرو همکاران در سال ۱۹۹۲ با توجه به عقاید مارشال (۱۸۹۰)، ارو (۱۹۶۲) و رومر (۱۹۸۶) در مدلی با عنوان مدل MAR بیان می‌کنند که سرریزهای دانشی که بین شرکت‌ها یا بنگاه‌ها در یک صنعت یکسان ایجاد می‌شوند به اثرات خارجی تخصص‌گرایی معروف هستند. درواقع تمرکز صنعت در یک منطقه باعث ترویج و تسهیل سرریز دانش و نوآوری بین شرکت‌های منطقه می‌شود. این امر فقط بین شرکت‌هایی از همان صنعت یا صنایع مشابه رخ می‌دهد. بنابراین مدل MAR انحصار یا تخصص را به‌عنوان بهترین شکل رقابت در بازار فرض می‌کند. از سوی دیگر این ایده که تنوع صنایع در یک منطقه به صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع کمک می‌کند و به نفع اثرات خارجی دانش است که باعث فعالیت‌های نوآورانه و رشد اقتصادی می‌شود، از جاکوبز می‌آید و به اثرات خارجی نوع جاکوبز یا صرفه‌جویی ناشی از تنوع معروف است. جاکوبز استدلال می‌کند که مهم‌ترین انتقال دانش از گوناگونی و تنوع صنایع در کنار هم از نظر جغرافیا ناشی می‌شود. در مورد شهرها، تنوع و گوناگونی صنعت به انتقال دانش بین شرکت‌ها و در نتیجه رشد آن شهر کمک می‌کند. اصل این است که محدوده‌های صنعتی متنوع‌تر و در مجاور هم فرصت‌هایی را برای تقلید، اشتراک‌گذاری و ترکیب مجدد ایده‌ها و شیوه‌ها ایجاد می‌کنند و درواقع جاکوبز تنوع را به‌جای تخصصی شدن مکانیسم اصلی رشد اقتصادی می‌داند. به این معنی که یک ساختار مولد محلی متنوع باعث ایجاد صرفه‌جویی‌های ناشی از شهری شدن می‌شود. همچنین به دنبال جاکوبز نوع سوم از عوامل خارجی با عنوان رقابت رسمیت یافت. پورتر (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که رقابت محلی به‌جای انحصار، به نفع رشد و انتقال دانش در صنایع متمرکز تخصصی از نظر جغرافیایی است. از نظر او رقابت قوی در یک بازار نوآوری را تشویق می‌کند و سرعت پیشرفت فناوری و در نتیجه رشد بهره‌وری را تسریع می‌بخشد (Beaudry & Schiffauerova, 2009; Da Silva Catela, Porcile, & Gonçalves, 2010; Hong & Xiao, 2016; Kim, Kollmann, Palangkaraya, & Webster, 2022; Simonen et al., 2019). Torres-Gutiérrez et al., 2015 در همین راستا اثرات خارجی ناشی از تخصص‌گرایی به‌عنوان صرفه‌جویی ناشی از محلی شدن و اثرات خارجی از تنوع به‌عنوان صرفه‌جویی ناشی از شهری شدن یاد می‌شود (Torres-Gutiérrez et al., 2019, 3).

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات صورت گرفته در ایران بیشتر در سطح منطقه، استان یا شهرستان و در رابطه با اثرات تجمع بر رشد اقتصادی بوده و کمتر به دنبال شناسایی اثرات و فرم‌های تجمع در مقیاس‌های درون شهر هستند. به‌طوری‌که ساسانی و داداش پور (۲۰۱۹) رابطه بین تخصصی شدن، تنوع، رقابت صنعتی و تمرکز فضایی بین شهرستان‌های ایران را با بررسی کارگاه‌های صنعتی بیشتر از ده نفر کارگر مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که اغلب صنایع بین تخصصی شدن و تمرکز فضایی رابطه مستقیم و معناداری دارند و با افزایش تخصصی شدن، اشتغال در شهرستان رشد کرده است. در پژوهشی دیگر صالح نیا و مقصود پور (۲۰۲۲) تأثیر صرفه‌های ناشی از شهری شدن را بر روی صنایع غذایی در ۳۱ استان کشور مثبت ارزیابی کرده و اثرات ناشی از تجمع را علاوه بر

رابطه مثبت، معنادار به دست آوردند. مطالعات اندکی سطح مقیاس بررسی را به درون شهر برده و چگونگی استقرار فعالیت‌های اقتصادی درون شهرها را به‌صورت مکان محور مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از این مطالعات نشان داد که شرکت‌ها ممکن است از قرار گرفتن در محله‌های تخصصی‌تر، اما در یک شهر متنوع سود ببرند و از این ایده حمایت کرد که قرار گرفتن در یک خوشه صنعتی درون شهری در شهری متنوع و متراکم بهره‌وری را افزایش می‌دهد (Andersson, Larsson, & Wernberg, 2019). در مطالعه‌ای دیگر با بررسی چهار هزار و ۹۲۷ شرکت در بریتانیا در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۶ نتایج نشان داد که مزایای خارجی شهرنشینی در سطح شهر نقش دارند، درحالی‌که عوامل خارجی محلی سازی در سطحی دقیق‌تر، در داخل شهر و در یک محله نزدیک‌تر به شرکت عمل می‌کنند (Lavoratori & Castellani, 2021). در مطالعه‌ای دیگر ضمن تأیید این ایده که تمرکز فضایی، بهره‌وری را افزایش می‌دهد، به بیان اهمیت درجه نزدیکی پرداخته شده است. درواقع شرکت‌ها و فروشگاه‌ها می‌بایست در چه فاصله‌ای از یکدیگر باشند که از مزایای تجمع بهره‌مند گردند یا به عبارتی چه فاصله‌ای نزدیک محسوب می‌شود. به‌عنوان نتیجه بیان شده است که اثرات تجمع در سطوح مختلف تجمع فضایی، از جمله مقیاس‌های منطقه‌ای، شهری و محله‌ای عمل می‌کند. حتی شواهدی وجود دارد که اثرات تجمع در زیر سطح محله، از جمله در ساختمان‌ها و سازمان‌ها نیز عمل می‌کند. درواقع اگرچه اثرات تجمع می‌تواند در فواصل وسیع گسترش یابد، اما با افزایش فاصله کاهش می‌یابد؛ به‌عبارت دیگر فعالیت‌های نزدیک قوی‌ترین اثرات بهره‌وری اعمال می‌کند (Rosenthal & Strange, 2020). این که آیا در عصر اطلاعات و استفاده از اینترنت و سایر وسایل ارتباطی نیاز به نزدیکی فیزیکی و در نتیجه صرفه‌جویی ناشی از تجمع کاهش یافته است؟ مطالعات نشان داده در همین زمان شاهد ظهور مجدد برخی مراکز شهری و در ادامه رشد کلانشهرها با وجود افزایش تراکم هستیم (Giuliano et al., 2019). با این حال با بررسی مطالعات انجام‌شده در رابطه با موضوع صرفه‌جویی ناشی از تجمع و اثرات ناشی از شهرنشینی و محلی شدن مشاهده می‌شود که اکثر مطالعات با نگاه اقتصادی و با بررسی اثرات تجمع بر رشد اقتصادی در سطح کلانشهری و یا مقایسه بین شهرها و یا تأثیر بر روی شرکت‌ها و به خصوص رشد اقتصادی آنها صورت گرفته و کمتر مطالعاتی به بررسی اثرات ناشی از تجمع در درون شهر و به‌صورت مکان محور و به‌خصوص به تفکیک خیابان‌های شهر و آنهم در یک شهر کوچک پرداخته است. در نتیجه این مطالعه سعی پر کردن این خلأ دارد.

۳. معرفی محدوده

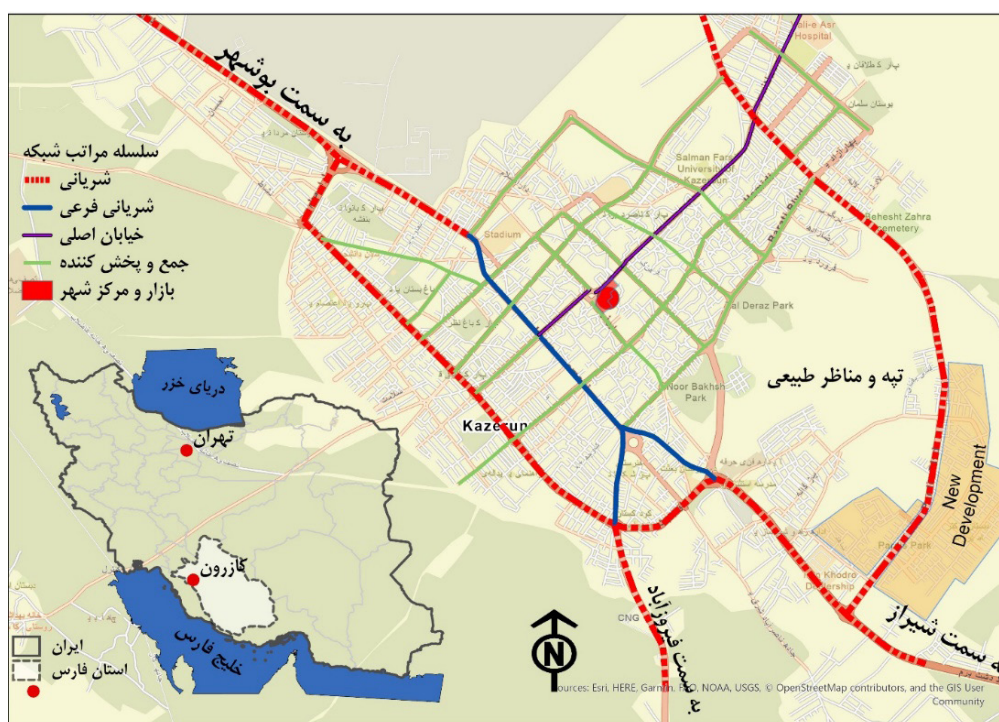
محدوده مورد مطالعه این پژوهش شهر کازرون، یکی از شهرهای استان فارس در جنوب غربی ایران است. این شهر در آخرین سرشماری رسمی ایران ۹۶ هزار و ۶۰۰ نفر جمعیت و دو هزار هکتار وسعت دارد. براساس اطلاعاتی که از سازمان اتاق اصناف شهرستان کازرون دریافت شده، بیش از چهار هزار و ۸۰۰ بنگاه یا فعالیت اقتصادی در این شهر فعالیت می‌کنند. شهر کازرون یک شهر تک مرکزی است که دارای یک ناحیه تجاری متمرکز به‌عنوان بازار در مرکز شهر است. در این پژوهش سعی شده محدوده بازار و هسته مرکزی تجاری از مطالعه حذف گردد و تمرکز

منظور فعالیت‌های اقتصادی در ۲۲ طبقه اصلی و به تفکیک هر خیابان استخراج گردیده و چنانچه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد، طبقه‌بندی شده است. تصویر شماره ۱ نیز موقعیت شهر کازرون در کشور ایران و همچنین ساختار شهر از نظر سلسله مراتب خیابان‌های شهری و موقعیت محدوده تجاری مرکزی شهر (CBD) را نشان می‌دهد.

بر روی خیابان‌های شهر و بررسی فعالیت‌های اقتصادی در خیابان‌ها باشد که به صورت نواری مستقر هستند. خیابان‌هایی که در آنها فعالیت تجاری انجام نمی‌شود از لیست حذف گردیده و تعداد ۳۰ خیابان که ساختار فعالیتی شهر را تشکیل می‌دهند و سه هزار و ۸۰۴ بنگاه یا فعالیت اقتصادی در آنها مستقر هستند، در نظر گرفته شده است. بدین

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی انواع فعالیت‌های تجاری در شهر کازرون

پوشاک و کفش	اتحادیه پوشاک، کفش، خیاطان	عکاسان	عکاسی، چاپ، فتوکپی و خدمات کامپیوتری
خدمات وسایل نقلیه	اتحادیه لوازم‌یدکی اتومبیل، تعمیرکاران، صافکاران و نقاشان، دینام پیچ و باطری ساز، تعویض روغن و پنچگیری، لاستیک‌فروشان	ابزارفروشان	ابزارفروشی، کلیدسازی، یراق‌آلات
کتاب‌فروشی و لوازم‌تحریر	کتاب‌فروشی و لوازم‌تحریر و محصولات فرهنگی	خدمات کشاورزی	بذر فروشی، کود و سم فروشی، خدمات کشاورزی
پارچه‌فروشان	پتو، پرده، لحاف، پارچه‌فروشی	درودگری	درودگری، شیشه‌بری، چوب و در چوبی
مشاورین املاک	مشاورین املاک	لوازم خانگی	فروش لوازم خانگی و تعمیرکاران لوازم خانگی، فرش و مبیل
مشاورین اتومبیل	فروشنندگان اتومبیل	آرایشگران	آرایشگران مردانه و زنانه
لوازم الکتریکی	دوربین مدار بسته، آسانسور، لوازم تابلو برق صنعتی، لوازم الکتریکی	لوازم ساختمانی	جوشکاران در و پنجره، مصالح‌فروشی، لوازم بهداشتی ساختمانی، تزئینات ساختمانی، تأسیسات ساختمانی
صنایع غذایی	خشکبار، خواربار، سوپر و هایپرمارکت، مرغ فروشی، قنادی، ماهی و میگو، میوه و تره بار، قصابان و نان‌وایان	اغذیه فروشی	کبابی و آشپزی، ساندویچ و فست فود، بستنی و آب میوه گیری، کافه
طلا و عینک	طلافروشی، عینک فروشی، جواهرات، تعمیرات عینک	موبایل و کامپیوتر	موبایل فروشی، تعمیر موبایل، فروش و تعمیرات کامپیوتر
خدمات حمل و نقل	تاکسی تلفنی و اتومبیل کرایه	مطب و داروخانه	مطب دکتر و داروخانه
خرازی	سمساری، ظروف یکبار مصرف، لوازم جشن، لوازم کودک، خرازی		



تصویر شماره ۱: موقعیت شهر کازرون در کشور ایران و ساختار آن

۴. روش شناسی

برای نشان دادن توزیع فعالیت‌ها و شرکت‌ها در سطح خیابان‌های شهر کازرون از شاخص‌های تخصص که نشان دهنده صرفه‌های محلی ناشی از تجمع هست و همچنین شاخص تنوع که صرفه‌های ناشی از شهری شدن را نشان می‌دهد، استفاده گردیده است.

۴.۱. شاخص نسبت مکانی (Location Quotient)

شاخص نسبت مکانی معمول‌ترین شاخص برای به دست آوردن میزان تخصص به‌ویژه برای تعیین سطح تمرکز نسبی صنایع یا اشتغال و تعداد بنگاه‌هاست که در مطالعات مختلف مورد استفاده قرار گرفته (Chen, 2020; Goschin, 2019; Malmberg et al., 2000; Rastvortseva, 2017; Yu & Liu, 2021) و به شرح زیر است:

$$LQ_{i,j} = \frac{L_{i,j} / \sum_j L_{i,j}}{\sum_i L_{i,j} / \sum_j \sum_i L_{i,j}} \quad (1)$$

در این فرمول $L_{i,j}$ تعداد فعالیت‌های صنعت i در خیابان j منطقه z و $\sum_j L_{i,j}$ کل فعالیت‌های صنعت i در خیابان‌ها/مناطق شهر و در مخرج کسر $\sum_i L_{i,j}$ کل فعالیت‌ها یا شرکت‌های موجود در خیابان j منطقه z ، $\sum_j \sum_i L_{i,j}$ تعداد کل فعالیت‌ها یا شرکت‌ها در سطح شهر یا همه خیابان‌ها.

۴.۲. شاخص هرفیندال-هریشتن (HHI)

شاخص هریشتن-هرفیندال (هریشتن ۱۹۵۰ یا هریشتن ۱۹۶۴) به‌طور گسترده در مطالعات اقتصادی برای نشان دادن تنوع شرکت‌ها یا بنگاه‌ها در سطح شهر یا منطقه استفاده شده (Bakaric et al., 2019; Groot, de Groot, & Smit, 2014; Kurdys-Kujawska, Strzelecka, & Zawadzka, 2021; Palan, 2010; Puga & Duranton, 2002; Rastvortseva, 2017) که به شرح زیر هست:

$$HH_i = \sum_{r=1}^I (L_{r,i} / L_i)^2 \quad (2)$$

در این فرمول $L_{r,i}$ تعداد شرکت‌ها در صنعت r نسبت به کل شرکت‌ها یا فعالیت‌ها در خیابان i منطقه z است، L_i کل شرکت‌ها یا فعالیت‌ها در خیابان i منطقه z و I کل فعالیت‌هاست.

۴.۳. شاخص شانون (SI)

از جمله شاخص‌های دیگری که برای محاسبه میزان تنوع فعالیت‌ها در یک منطقه استفاده می‌شود، شاخص شانون است. این شاخص از جمله شاخص‌های گروه آنتروپی به حساب می‌آید که در بسیاری از مطالعات استفاده شده است (Groot et al., 2014; Nissan & Carter, 2010; Palan, 2010; Pede, 2013; Prasertsoong & Puttanapong, 2022). البته در مطالعات اندکی نیز برای شناسایی تخصص‌گرایی به‌کاررفته (Aiginger & Davies, 2004; Palan, 2010) و به شرح زیر است:

$$H = - \sum [(P_i) \times \log(P_i)] \quad (3)$$

در این فرمول H شاخص تنوع شانون، P_i نسبت صنعت i در منطقه /

خیابان z و $\log(P_i)$ لگاریتم P_i هست. بر اساس آن هر چه قدر عدد خروجی بیشتر باشد، بیانگر تنوع فعالیت‌ها و صنعت‌های مختلف در یک خیابان و هر چنانچه صفر یا به صفر نزدیک‌تر باشد، بیانگر تخصص آن خیابان در یک صنعت خاص است.

۵. بحث و تحلیل

۵.۱. تخصصی شدن

همان‌طور که گفته شد یکی از شاخص‌های مورد استفاده در توزیع شرکت‌ها و فعالیت‌ها در سطح شهر شاخص نسبت مکانی است. این شاخص نشان دهنده صرفه‌های تجمع ناشی از محلی شدن و بیانگر تخصصی شدن فعالیت‌ها در یک منطقه است. نتایج این شاخص در قالب جدول شماره ۲ برای ۳۰ خیابان در شهر کازرون و برای ۲۲ صنعت طبقه‌بندی شده ارائه شده است. در این جدول خیابان‌های شهر به همراه دو فعالیتی که دارای بیشترین نسبت مکانی در مقایسه با سایر صنایع یا فعالیت‌ها در آن خیابان است، نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود به‌طور مثال خیابان کمربندی خرمشهر در صنعت یا فعالیت خدمات وسایل نقلیه با نسبت مکانی ۲۰۲۵ در مقایسه با سایر فعالیت‌ها تخصص بالاتری را نشان می‌دهد (از ۵۵۷ بنگاه در این خیابان ۲۵۷ بنگاه در صنعت وسایل نقلیه مشغول هستند) و صنعت بعدی در این خیابان مشاور اتومبیل با نسبت مکانی ۲۰۱ است. به همین طریق خیابان امام خمینی در فعالیت موبایل و کامپیوتر با نسبت مکانی ۴۰۵۳ و عکاسان با ۲۰۸۲ دارای تخصص نسبت به سایر خیابان‌هاست. نسبت مکانی مشاور املاک در خیابان پردیس ۶۰۷۵ است (از ۱۴۷ بنگاه مشاور املاک در کل شهر ۴۷ تای آن در این خیابان مستقر است). بیشترین نسبت مکانی مربوط به فعالیت داروخانه و مطب با ۲۲۰۱۶ است که در خیابان سلمان فارسی خوشه تخصصی را تشکیل می‌دهند. پس از آن فعالیت مشاوران اتومبیل با نسبت مکانی ۱۸ است که در خیابان ۲۲ بهمن شمالی به‌صورت تخصصی مستقر هستند (از ۱۱۲ مشاور اتومبیل در سطح شهر ۶۶ تای آن در این خیابان مستقر است). نسبت مکانی بیشتر نشان دهنده تخصصی شدن خیابان مربوطه است. در تصویر شماره ۲ وضعیت خیابان‌های شهر از نظر میزان نسبت مکانی و نوع فعالیتی که دارای بیشترین نسبت مکانی در مقایسه با سایر فعالیت‌هاست نشان داده شده است. خیابان کمربندی خرمشهر با عرض بیش از ۳۰ متر و پیاده‌رو عریض و همچنین نقش حرکتی که دارد، فضای مناسبی برای استقرار انواع خدمات وسایل نقلیه است و به‌مرور به صورت غیر برنامه‌ریزی شده خوشه تخصصی این فعالیت را شکل داده است. در این محور تقریباً جریان پیاده‌ای وجود ندارد و فضا و کاربری‌ها در اختیار خدمات وسایل نقلیه است. خیابان فردوسی شمالی خوشه تخصصی خدمات کشاورزی را شکل داده است. این امر به این معنی است که بیشتر فعالیت‌های خدمات کشاورزی در این خیابان واقع شده‌اند. این خیابان در نزدیک به خروجی شهر کازرون به سمت شیراز و دسترسی مناسبی برای روستاها و مناطق کشاورزی اطراف شهر است و از ترافیک و ازدحام کمی برخوردار است.

جدول شماره ۲: فعالیت‌های دارای بیشترین نسبت مکانی به تفکیک خیابان‌های شهر کازرون

خیابان	فعالیت اول	فعالیت دوم	خیابان	فعالیت اول	فعالیت دوم
کمربندی خرمشهر	خدمات وسایل نقلیه (۲۰۲۵)	مشاورانومبیل (۲۰۰۱)	باهر	خرازان (۷۰۸۵)	آرایشگران (۲۰۸۳)
امام خمینی	موبایل و کامپیوتر (۴۰۵۳)	عکاسان (۲۰۸۲)	ابواسحق	لوازم خانگی (۲۰۱۶)	مصلح ساختمانی (۱۰۷۳)
پیشان	اغذیه فروشی (۲۰۲۸)	صنایع غذایی (۱۰۹)	فلسطین	خدمات کشاورزی (۳۰۲۹)	مصلح ساختمانی (۲۰۲۸)
حضرتی	بانک (۱۰۰۹)	لوازم خانگی (۴۰۳)	مطهری جنوبی	تاکسی (۲۰۵۸)	لوازم الکتریکی (۲۰۳۹)
فردوسی شمالی	خدمات کشاورزی (۵۰۸۵)	خدمات وسایل نقلیه (۲۰۸۷)	محمدی	درودگری (۲۰۵۲)	صنایع غذایی (۲۰۳۰)
ارتش	درودگری (۱۰۸۶)	خدمات وسایل نقلیه (۱۰۵۶)	خیابان شریعتی	عکاسان (۴۰۵۵)	کتاب و نوشت افزار (۳۰۵۶)
قدمگاه	کفش و پوشاک (۳۰۶۸)	خرازان (۲۰۴۴)	شهدای شمالی	ابزارفروشان (۴۰۲۳)	طلا (۴۰۲۲)
ابوذر	بانک (۱۲۰۱۱)	پارچه‌فروشان (۱۱۰۲۵)	بعثت	درودگری (۴۰۲۳)	خدمات وسیله نقلیه (۲۰۸۷)
شهدای جنوبی	طلا و جواهرات (۱۴۰۷۹)	موبایل و کامپیوتر (۹۰۹۸)	سلمان فارسی	داروخانه (۲۲۰۱۶)	صنایع غذایی (۴۰۰۲)
شهرک پردیس	مشاوراناملاک (۶۰۷۵)	تاکسی (۶۰۳)	قدس جنوبی	پارچه‌فروشان (۴۰۹۴)	تاکسی (۴۰۶)
فردوسی جنوبی	خدمات وسایل نقلیه (۳۰۳۷)	خدمات کشاورزی (۲۰۳۷)	سعدی	لوازم الکتریکی (۶۰۲۰)	تاکسی (۴۰۷۸)
۲۲ بهمن شمالی	مشاورانومبیل (۱۷۰۹۳)	طلا و جواهرات (۲۰۵۳)	خیابان توحید	آرایشگران (۴۰۵)	تاکسی (۳)
خیابان مولوی	خدمات کشاورزی (۸۰۸۸)	خدمات وسایل نقلیه (۱۰۶۶)	انتظام شمالی	کفش و پوشاک (۵۰۸)	آرایشگران (۳۰۲)
قدس شمالی	مصلح ساختمانی (۴۰۰۷)	ابزارفروشان (۲۰۳۶)	براتی	درودگری (۸۰۰۱)	تاکسی (۶۰۸)
طالقانی	عکاسان (۲۰۴۰)	مشاوراناملاک (۲۰۲۶)	حافظ شمالی	طلا و جواهرات (۱۷۰۶)	درودگری (۶۰۸۶)



تصویر شماره ۲: وضعیت خیابان‌های شهر کازرون از نظر نسبت مکانی

۵.۲. تنوع

از جمله شاخص‌هایی که می‌توان براساس آن سطح تنوع یا تخصص را در یک خیابان یا منطقه محاسبه کرد، شاخص هرفیندال-هریسمن است. هرچه قدر شاخص به دست آمده به صفر نزدیک‌تر باشد، بیانگر میزان تنوع بیشتر فعالیت‌ها در آن منطقه است و هرچه قدر به یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر تخصصی شدن فعالیت‌ها در آن منطقه است. همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، خیابان امام خمینی با ۰.۸۷ بیشتر سطح تنوع در بین خیابان‌های شهر کازرون را داراست. در این خیابان تنوعی از فعالیت‌ها در کنار هم مستقر شده اند که

نمی‌توان این محور را به عنوان یک خوشه تخصصی خاصی در نظر بگیریم. خیابان امام خمینی از خیابان‌های اصلی شهر کازرون است که در وسط شهر واقع شده، دارای عرض ۲۴ متر، جریان سواره متراکم و پیاده‌روهای نسبتاً شلوغی از جریان پیاده را در بر می‌گیرد. بعد از آن خیابان‌های قدمگاه با ۰.۱۰۲، شهدای شمالی ۰.۱۰۳، حافظ شمالی ۰.۱۱۰ و سعدی ۰.۱۱۹ و همین‌طور به ترتیب سایر خیابان‌ها ارائه شده است. از طرف دیگر بیشتر سطح تخصص مربوط به خیابان سلمان فارسی با ۰.۶۸۶ (بیشترین نسب مکانی مربوط به فعالیت مطب و داروخانه با ۲۲.۱۶)، فردوسی جنوبی ۰.۵۱۶ (بیشترین نسبت مکانی

همین ترتیب سایر خیابان‌ها نشان داده شده است. علاوه بر این تصویر شماره ۳ موقعیت مکانی خیابان‌های دارای تنوع و تخصص را در شهر کازرون نشان می‌دهد.

مربوط به خدمات وسایل نقلیه با ۳۰۲۷)، فردوسی شمالی ۰۴۰۲ (بیشترین نسبت مکانی مربوط به خدمات کشاورزی با ۵۰۸۵، بعثت ۰۳۸۷ (بیشترین نسبت مکانی مربوط به درودگری با ۴۰۲۳ و به

جدول شماره ۳: شاخص هرفیندال-هریشمن به تفکیک خیابان‌های شهر کازرون

ردیف	خیابان	شاخص هرفیشمن - هرفیندال	ردیف	خیابان	شاخص هرفیشمن - هرفیندال
۱	امام خمینی	۰/۰۸۷	۱۶	قدس شمالی	۰/۱۶۶
۲	قدمگاه	۰/۱۰۲	۱۷	شهدای جنوبی	۰/۱۶۹
۳	شهدای شمالی	۰/۱۰۳	۱۸	ارتش	۰/۱۷۰
۴	حافظ شمالی	۰/۱۱۰	۱۹	شهرک پردیس	۰/۱۸۰
۵	سعدی	۰/۱۱۹	۲۰	ابوذر	۰/۱۸۴
۶	طالقانی	۰/۱۲۰	۲۱	خیابان توحید	۰/۱۸۹
۷	قدس جنوبی	۰/۱۲۵	۲۲	پیشان	۰/۲۱۳
۸	ابواسحق	۰/۱۲۶	۲۳	خیابان مولوی	۰/۲۲۲
۹	خیابان شریعتی	۰/۱۲۸	۲۴	محمدی	۰/۲۴۰
۱۰	براتی	۰/۱۳۲	۲۵	کمربندی خرمشهر	۰/۲۵۸
۱۱	مطهری جنوبی	۰/۱۳۵	۲۶	۲۲ بهمن شمالی	۰/۳۰۵
۱۲	انتظام شمالی	۰/۱۴۳	۲۷	بعثت	۰/۳۸۷
۱۳	حضرتی	۰/۱۴۷	۲۸	فردوسی شمالی	۰/۴۰۲
۱۴	باهنر	۰/۱۴۸	۲۹	فردوسی جنوبی	۰/۵۱۶
۱۵	فلسطین	۰/۱۵۹	۳۰	سلمان فارسی	۰/۶۸۶



تصویر شماره ۳: وضعیت خیابان‌های شهر کازرون از نظر شاخص هرفیندال-هریشمن

۱۰۳۳۷ و ۱۰۴۴۶ هستند از تخصص بالاتری نسبت به بقیه برخوردارند. هر چقدر خیابان‌ها به مرکز تجاری شهر نزدیکتر باشند و از طرف دیگر جریان سواره شلوغ ترو پیاده متراکم‌تری داشته باشند، دارای فعالیت‌های اقتصادی متنوع‌تری هستند و بیشتر از صرّفه‌های ناشی از شهری شدن استفاده می‌کنند. به طوری که خیابان امام خمینی، شهدای شمالی و قدمگاه و طالقانی در امتداد هم و با یک عرض تقریباً یکسان، جریان ترافیک سواره بیشتر نسبت به سایر خیابان‌ها و پیاده‌روهای شلوغ ترو و همچنین نزدیک به مرکز تجاری شهر (بازار) یا به آن نقطه ختم می‌شوند. این خیابان‌ها برعکس خیابان‌های با خوشه‌های تخصصی در حاشیه شهر قرار نگرفته و اکثراً در مرکز شهر واقع شده‌اند (تصویر شماره ۴)

همان‌طور که گفته شد یکی دیگر از شاخص‌هایی که می‌توان برای شناسایی تنوع فعالیت‌ها در شهر استفاده کرد، شاخص شانون هست و چنانچه در جدول شماره ۴ نشان داده شده، شاخص شانون برای فعالیت‌هایی که در خیابان‌های شهر کازرون مستقرند، انجام شده است. بر اساس آن خیابان امام خمینی، شهدای شمالی، قدمگاه و طالقانی به ترتیب با شاخص شانون ۲۰۶۲، ۳۰۴۷، ۲۰۴۳ و ۲۰۳۳ متنوع‌ترین خیابان‌های شهر محسوب می‌شوند. سایر خیابان‌ها نیز به ترتیب نشان داده شده است. درواقع خیابان‌هایی که کمترین امتیاز را در این شاخص کسب کرده‌اند، دارای سطح تخصص بالاتری نسبت به بقیه هستند که براساس آن خیابان سلمان فارسی، فردوسی جنوبی، فردوسی شمالی و بعثت که دارای شاخص شانون ۰۰۵۹۸، ۰۰۷۸،

جدول شماره ۴: شاخص شانون با تفکیک خیابان‌های شهر کازرون

ردیف	خیابان	شانون شاخص	ردیف	خیابان	شاخص شانون
۱	امام خمینی	۲,۶۲۰	۱۶	باهر	۲,۱۵۴
۲	شهدای شمالی	۲,۴۷۳	۱۷	انتظام شمالی	۲,۱۴۲
۳	قدمگاه	۲,۴۳۰	۱۸	براتی	۲,۱۳۰
۴	طالقانی	۲,۳۵۲	۱۹	فلسطین	۲,۱۱۳
۵	حافظ شمالی	۲,۳۳۰	۲۰	شهرک پردیس	۲,۰۱۵
۶	قدس جنوبی	۲,۳۰۶	۲۱	پرباشان	۱,۹۵۳
۷	ابواسحق	۲,۳۰۶	۲۲	خیابان توحید	۱,۹۴۲
۸	مطهری جنوبی	۲,۲۵۶	۲۳	محمدی	۱,۹۲۹
۹	قدس شمالی	۲,۲۴۷	۲۴	کمربندی خرمشهر	۱,۹۰۱
۱۰	خیابان شریعتی	۲,۲۲۸	۲۵	خیابان مولوی	۱,۸۲۳
۱۱	سعدی	۲,۲۲۷	۲۶	۲۲ بهمن شمالی	۱,۸۲۲
۱۲	حضرتی	۲,۲۲۶	۲۷	بعثت	۱,۴۴۶
۱۳	ارتش	۲,۱۸۲	۲۸	فردوسی شمالی	۱,۳۳۷
۱۴	شهدای جنوبی	۲,۱۶۸	۲۹	فردوسی جنوبی	۱,۰۷۸
۱۵	ابوذر	۲,۱۵۷	۳۰	سلمان فارسی	۰,۵۹۸



تصویر شماره ۴: وضعیت خیابان‌های شهر کازرون از نظر شاخص شانون

۶. نتیجه‌گیری

با وجود این که مطالعات گذشته به این نتیجه رسیدند که شهرهای بزرگ‌تر تمایل به تنوع بیشتر دارند (Duranton and Puga, 2000) اما نتایج این پژوهش نشان داد که در شهرهای کوچک نیز علاوه بر مراکز تجمع تخصصی، خیابان‌ها یا محدوده‌های متنوعی از نظر فعالیت‌های اقتصادی نیز وجود دارد. همچنین برخی اثرات شهرنشینی (تنوع) را بر نوع خاصی از فعالیت مثلاً شرکت‌های دانش‌بنیان بیشتر می‌دانستند (Jofre-Monseny, 2014). در حالی که این امر در شهر کازرون متفاوت است و تجمع فعالیت‌های اقتصادی در برخی محدوده‌ها انواع فعالیت‌های خرده‌فروشی را نیز در برمی‌گیرد. به واسطه اثرات ناشی از تجمع علاوه بر محدوده مرکزی یا همان CBD مراکز تخصصی متمرکز یا خطی دیگر نیز در کازرون شکل گرفته که این امر با نتایج پژوهش گیولیانو^۱ و همکاران که شکل‌گیری مراکز شهری دیگر حتی در عصر

ارتباطات را تأکید داشتند، هماهنگی دارد. از جمله موارد دیگری که در رابطه با اثرات تجمع اهمیت دارد، مقیاس بررسی این امر است و این پژوهش مطابق با نتایج پژوهش‌های (Lavoratori & Castellani, 2021; Giuliani et al., 2019; Rosenthal & Strange, 2020: 28) نشان داد که سطح بررسی علاوه بر مقیاس استانی، شهرستان، شهر و محله در مقیاس کوچک‌تر از آن (خیابان‌ها) نیز تأثیرگذار است و می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. مطابق با پژوهش‌های (Teller et al., 2010: 58; Araldi & Fusco, 2019: 52) فرم تجمع می‌تواند به صورت خوشه‌ای و تکامل یافته (بازار) یا خطی برنامه‌ریزی نشده (خیابان) باشد. بنابراین با وجود این که مطالعات اندکی در مقیاس کوچک‌تر از شهر و همچنین در رابطه با شهرهای کوچک صورت گرفته است می‌توان گفت مزایای صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع علاوه بر این که در شهرهای بزرگ و کلانشهرها باعث ایجاد مراکز تخصصی یا متنوع می‌گردد، در شهرهای کوچک نیز باعث شکل‌گیری موقعیت‌های تخصصی یا متنوع می‌شود

1 Giuliani

• References:

- Abel, J. R. & Deitz, R. (2015). Agglomeration and job matching among college graduates. *Regional Science and Urban Economics*, 51, 14-24. doi:<https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2014.12.001>
 - Aiginger, K., & Davies, S. W. (2004). Industrial specialisation and geographic concentration: two sides of the same coin? Not for the European Union. *Journal of Applied Economics*, 7(2), 231-248. doi:<https://doi.org/10.1080/15140326.2004.12040610>
 - Andersson, M. (2017). The economic microgeography of diversity and specialization. doi:<https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3683808>
 - Andersson, M., Larsson, J. P., & Wernberg, J. (2019). The economic microgeography of diversity and specialization externalities—firm-level evidence from Swedish cities. *Research policy*, 48(6), 1385-1398. doi:<https://doi.org/10.1016/j.respol.2019.02.003>
 - Araldi, A., & Fusco, G. (2019). Retail fabric assessment: Describing retail patterns within urban space. *Cities*, 85, 51-62. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.11.025>
 - Attaran, M. (1986). Industrial diversity and economic performance in US areas. *The Annals of Regional Science*, 20(2), 44-54. doi:<https://doi.org/10.1007/BF01287240>
 - Beaudry, C., & Schiffauerova, A. (2009). Who's right, Marshall or Jacobs? The localization versus urbanization debate. *Research policy*, 38(2), 318-337. doi:<https://doi.org/10.1016/j.respol.2008.11.010>
 - Bolter, K., & Robey, J. (2020). Agglomeration Economies: A literature review.
 - Chen, J. (2020). The impact of cluster diversity on economic performance in US metropolitan statistical areas. *Economic development quarterly*, 34(1), 46-63. doi:<https://doi.org/10.1177/0891242419892338>
 - Cheng, Z., & Jin, W. (2022). Agglomeration economy and the growth of green total-factor productivity in Chinese Industry. *Socio-Economic Planning Sciences*, 83, 101003. doi:<https://doi.org/10.1016/j.seps.2020.101003>
 - Da Silva Catela, E. Y., Porcile, G., & Gonçalves, F. (2010). Brazilian municipalities: agglomeration economies and development levels in 1997 and 2007. *Cepal Review*. Retrieved from <https://hdl.handle>.
- اما در شهرهای کوچک بیشتر به شکل خطی و آنهم در خیابان های شهر قابل مشاهده است. شهرهای کوچک در ایران دارای یک هسته مرکزی تجاری است که به بازار معروف است و سایر فعالیت های تجاری معمولاً به صورت خطی در جداره خیابان ها مستقرند. نوع فعالیت اقتصادی به همراه وضعیت خیابان از نظر عرض و ترافیک و موقعیت آن در شهر موانع یا مزایایی برای تجمع فعالیت های بخصوصی ایجاد می کند. به همین دلیل در این مطالعه صرفه های ناشی از تجمع و وضعیت تخصصی شدن یا متنوع به تفکیک خیابان های شهر مورد بررسی قرار گرفت. در واقع این مطالعه از نظر مقیاس بررسی تجمع به تفکیک خیابان و در یک شهر کوچک از جمله نخستین هاست. برای یافتن میزان تخصصی شدن فعالیت ها در سطح شهر از شاخص نسبت مکانی و از شاخص هرفیندال-هریشمن و شانون برای یافتن تنوع/تخصص استفاده شده است.
- نتایج نشان می دهد که برخی از خیابان های شهر در یک فعالیت خاص به نسبت سایر فعالیت های اقتصادی از تخصص بیشتری برخوردارند و خوشه های تخصصی را شکل داده اند، به طوری که خیابان سلمان فارسی در فعالیت مرتبط با مطب و داروخانه تخصصی شده است. همین طور خیابان ۲۲ بهمن در فعالیت مشاورین اتومبیل و خیابان پردیس در فعالیت مشاور املاک و خیابان های فردوسی جنوبی و کمربندی خرمشهر در فعالیت خدمات وسایل نقلیه تخصصی شده اند. از طرف دیگر برخی از خیابان های شهر فعالیت های متنوع دارند که خیابان امام خمینی، قدمگاه، حافظ شمالی، سعدی و طالقانی از جمله آنهاست.
- بیشتر فعالیت های فنی مانند خدمات وسایل نقلیه و درودگری که به فضای بیشتری احتیاج دارند، در خیابان های عریض و با ترافیک روان مستقر شده اند. این فعالیت ها در خیابان های شریانی و در حاشیه شهر و دور از مرکز شهر مکانیابی شده اند. فعالیت هایی مثل مشاورین املاک علاوه بر این که در سطح شهر پراکنده هستند، در سایت های توسعه جدید از جمله خیابان پردیس از تمرکز و تخصص بالاتری برخوردارند. اکثر خیابان هایی که به مرکز شهر می رسند، تنوعی از فعالیت های مختلف را در خود جاداده اند و معمولاً در خیابان های اصلی شهر که عرض کمتری از خیابان های شریانی دارند و دارای پیاده و سواره بیشتری نسبت به سایر خیابان ها هستند، مستقرند؛ به جز خیابان سلمان فارسی که در نزدیکی هسته مرکز شهر در فعالیت درمانی تخصصی گردیده، بیشتر به این دلیل که در مجاورت با بازار و هسته تجاری مرکزی شهر قرار گرفته و از دسترسی بهتری برخوردار است. نتایج این پژوهش می تواند برای اتاق اصناف شهرستان کازرون به منظور ساماندهی اصناف و صدور پروانه ها با توجه به موقعیت صنوف مفید واقع شود. همچنین شهرداری می تواند در تهیه طرح های جامع و تفصیلی و ساماندهی مشاغل با در نظر گرفتن موقعیت فعالیت های اقتصادی و ساختار ترافیکی، جمعیتی و کالبدی شهر در وضع موجود و آینده از آن استفاده نماید. از طرف دیگر صاحبان مشاغل از جمله بنگاه های اقتصادی و تولیدکنندگان و خرده فروشی ها با درک مزایای ناشی از تجمع و نتایج ارائه شده در این پژوهش برای جابه جایی موقعیت فعالیت یا راه اندازی فعالیت جدید تصمیم بهینه را خواهند گرفت.

net/11362/11433

- Damavandi, H., Abdolvand, N., & Karimipour, F. (2018). The computational techniques for optimal store placement: A review. Paper presented at the Computational Science and Its Applications–ICCSA 2018: 18th International Conference, Melbourne, VIC, Australia, July 2-5, 2018, Proceedings, Part II 18.
- Feldman, M. P., & Audretsch, D. B. (1999). Innovation in cities:: Science-based diversity, specialization and localized competition. *European economic review*, 43(2), 409-429. doi:https://doi.org/10.1016/S0014-2921(98)00047-6
- Fu, W., Luo, C., & He, S. (2022). Does Urban Agglomeration Promote the Development of Cities? An Empirical Analysis Based on Spatial Econometrics. *Sustainability*, 14(21), 14512. doi:https://doi.org/10.3390/su142114512
- Giuliano, G., Kang, S., & Yuan, Q. (2019). Agglomeration economies and evolving urban form. In (Vol. 63, pp. 377-398): Springer.
- Glaeser, E. L., Kallal, H. D., Scheinkman, J. A., & Shleifer, A. (1992). Growth in cities. *Journal of political economy*, 100(6), 1126-1152. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/2138829>
- Groot, S. P., de Groot, H. L., & Smit, M. J. (2014). Regional wage differences in the Netherlands: Micro evidence on agglomeration externalities. *Journal of regional science*, 54(3), 503-523. doi:https://doi.org/10.1111/jors.12070
- Haryono, A. T., Muaziz, M. H., & Jaelani, A. K. (2022). Analysis of Urban Agglomeration in Economic and Legal Perspectives (A Study on the Development of Industrial Agglomeration Areas in Semarang City). *Pena Justisia: Media Komunikasi dan Kajian Hukum*, 20(1). DOI: 10.31941/pj.v20i1.1714
- Han, F., Xie, R., & Fang, J. (2018). Urban agglomeration economies and industrial energy efficiency. *Energy*, 162, 45-59. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2018.07.163>
- He, S. Y., Wu, D., Chen, H., Hou, Y., & Ng, M. K. (2020). New towns and the local agglomeration economy. *Habitat international*, 98, 102153. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102153>
- Hong, S., & Xiao, Y. (2016). The influence of multiple specializations on economic performance in US Metropolitan Areas. *Sustainability*, 8(9), 963. doi:https://doi.org/10.3390/su8090963
- Jofre-Monseny, J., Marín-López, R., & Viladecans-Marsal, E. (2011). The mechanisms of agglomeration: Evidence from the effect of inter-industry relations on the location of new firms. *Journal of Urban Economics*, 70(2-3), 61-74. doi:https://doi.org/10.1016/j.jue.2011.05.002
- Jofre-Monseny, J., Marín-López, R., & Viladecans-Marsal, E. (2014). The determinants of localization and urbanization economies: Evidence from the location of new firms in Spain. *Journal of regional science*, 54(2), 313-337. doi:https://doi.org/10.1111/jors.12076
- Kim, J., Kollmann, T., Palangkaraya, A., & Webster, E. (2022). Does local technological specialisation, diversity and dynamic competition enhance firm creation? *Research policy*, 51(7), 104557. doi:https://doi.org/10.1016/j.respol.2022.104557
- Krugell, W., Rankin, N. Agglomeration and Firm-Level Efficiency in South Africa. *Urban Forum* 23, 299–318 (2012). <https://doi.org/10.1007/s12132-012-9144-2>
- Kurdyś-Kujawska, A., Strzelecka, A., & Zawadzka, D. (2021). The impact of crop diversification on the economic efficiency of small farms in Poland. *Agriculture*, 11(3), 250. doi:https://doi.org/10.3390/agriculture11030250
- Lavoratori, K., & Castellani, D. (2021). Too close for comfort? Microgeography of agglomeration economies in the United Kingdom. *Journal of regional science*, 61(5), 1002-1028. doi:https://doi.org/10.1111/jors.12531
- Liang, J., & Goetz, S. J. (2018). Technology intensity and agglomeration economies. *Research policy*, 47(10), 1990-1995. doi:https://doi.org/10.1016/j.respol.2018.07.006
- Ma, Junwei, Jianhua Wang, and Philip Szmedra. 2019. "Economic Efficiency and Its Influencing Factors on Urban Agglomeration—An Analysis Based on China's Top 10 Urban Agglomerations" *Sustainability* 11, no. 19: 5380. <https://doi.org/10.3390/su11195380>
- Malmberg, A., Malmberg, B., & Lundquist, P. (2000). Agglomeration and firm performance: economies of scale, localisation, and urbanisation among Swedish export firms. *Environment and Planning a*, 32(2), 305-321. doi:https://doi.org/10.1068/a31202

- Moradi, G. and Mirzaei, E. (2024). Avoiding the Bazar: an analysis of spatial and non-spatial attractions affecting the establishment of activities on the edge of the street: clothing retailing activity in Kazeroon city. *Motaleate Shahri*, 13(51), 19-32. doi: 10.22034/urbs.2023.139696.4963 [In Persian]
- Munkkala, K. (2004). Agglomeration economies in the Finnish manufacturing sector. *Applied Economics*, 36(21), 2419-2427. doi:https://doi.org/10.1080/0003684042000287655
- Pahlevanzadeh, B., & Moosavi, M. (2015). Spatial Analysis of Effective Factors on Distribution of Economic Activities in 14 Zones of Esfahan Municipality. *Iranian Economic Review*, 19(1), 1-15. doi:https://doi.org/10.22059/ier.2015.55155
- Parr, J. B. (2002). Missing elements in the analysis of agglomeration economies. *international regional science review*, 25(2), 151-168. doi:https://doi.org/10.1177/016001702762481221
- Paroli, E., & Maraschin, C. (2018). Locational Attractiveness Modelling of Retail in Santa Maria, Brazil. *Urban Science*, 2(4), 105. doi:https://doi.org/10.3390/urbansci2040105
- Pedraza, V. O. (2013). Diversity and regional economic growth: Evidence from US counties. *Journal of Economic Development*, 38(3), 111. Retrieved from <http://www.jed.or.kr/full-text/38-3/5.pdf>
- Prasertsoong, N., & Puttanapong, N. (2022). Regional Wage Differences and Agglomeration Externalities: Micro Evidence from Thai Manufacturing Workers. *Economies*, 10(12), 319. doi:https://doi.org/10.3390/economies10120319
- Puga, D. (2010). The magnitude and causes of agglomeration economies. *Journal of regional science*, 50(1), 203-219. doi:https://doi.org/10.1111/j.1467-9787.2009.00657.x
- Puga, D., & Duranton, G. (2002). From sectoral to functional urban specialization: National Bureau of Economic Research. <https://doi.org/10.1016/j.jue.2004.12.002>
- Rosenthal, S. S., & Strange, W. C. (2020). How close is close? The spatial reach of agglomeration economies. *Journal of economic perspectives*, 34(3), 27-49. DOI: 10.1257/jep.34.3.27
- Salehnia, N. and Maghsoudpour, M. (2022). The Effect of Accumulation and Urbanization Savings on the Economic Growth of Food and Beverage Industries. *Geography and Urban Space Development*, 8(2), 161-177. doi: 10.22067/jgusd.2021.70681.1051 [In Persian]
- Sanchez-Saiz, R. M., Ahedo, V., Santos, J. I., Gomez, S., & Galan, J. M. (2022). Identification of robust retailing location patterns with complex network approaches. *Complex & Intelligent Systems*, 8(1), 83-106. DOI: <https://doi.org/10.1007/s40747-021-00335-8>
- Sasani, M. and Dadashpoor, H. (2019). Assessing the Relationship between the Spatial Concentration, Specialization, and Diversity of Industries, and Competition between Industries (Case study: Counties of Iran from 1996 to 2011). *Town and Country Planning*, 11(1), 1-28. doi: 10.22059/jtcp.2019.271002.669926 [In Persian]
- Skogster, P. (2006). Location planning theories in valuation of retail premises. Paper presented at the XXIII FIG Congress.
- Simonen, J., Svento, R., & Juutinen, A. (2015). Specialization and diversity as drivers of economic growth: Evidence from High-Tech industries. *Papers in Regional Science*, 94(2), 229-247. doi:https://doi.org/10.1111/pirs.12062
- Tao, J., Ho, C.-Y., Luo, S., & Sheng, Y. (2019). Agglomeration economies in creative industries. *Regional Science and Urban Economics*, 77, 141-154. doi:https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2019.04.002
- Teller, C. (2008). Shopping streets versus shopping malls – determinants of agglomeration format attractiveness from the consumers' point of view. *The International Review of Retail, Distribution and Consumer Research*, 18(4), 381-403. <https://doi.org/10.1080/09593960802299452>
- Torres-Gutiérrez, T. P., Correa-Quezada, R., Álvarez-García, J., & del Río-Rama, M. d. I. C. (2019). Agglomeration economies: An analysis of the determinants of employment in the cities of Ecuador. *Symmetry*, 11(11), 1421. doi:https://doi.org/10.3390/sym11111421
- Utaberta, N., & Asif, N. (2019). The Role of Traditional Market in the Traditional Islamic Cities: Case Studies of Tabriz Bazaar and Grand Bazaar Tehran. *International Journal of Engineering and Technology*,

8(1.9), 622-625. doi:<https://doi.org/10.14419/ijet.v8i1.9.30074>

- Widodo, W., Salim, R., & Bloch, H. (2015). The effects of agglomeration economies on technical efficiency of manufacturing firms: evidence from Indonesia. *Applied Economics*, 47(31), 3258-3275. doi:<https://doi.org/10.1080/00036846.2015.1013614>
- Xiong, N., Wei, Y. D., & Wu, Y. (2023). Tech firm births and agglomeration economies:(un) related variety, specialization, and spatial externalities. *Cities*, 138, 104349. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104349>
- Yu, Z., & Liu, X. (2021). Urban agglomeration economies and their relationships to built environment and socio-demographic characteristics in Hong Kong. *Habitat International*, 117, 102417. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102417>

نحوه ارجاع به مقاله:

مرادی، غلامرضا (۱۴۰۴)، تحلیل فضایی صرفه های ناشی از تجمع در مقیاس کوچک: تخصصی شدن و تنوع فعالیت های اقتصادی در شهر کازرون، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۴)، ۲۱-۳۴. 10.22034/urbs.2024.141197.5042

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



کنشگری ارتباطی در مدیریت پروژه‌های شهری نمونه مورد مطالعه: مدیریت شهری زنجان

علیرضا دویران^۱ - دانشیار گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۵ مهر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

کنش مبتنی بر تعامل و تفاهم چندجانبه، الگویی است ریشه در نظریه کنشی یورگن هابرماس که اصول آن در مشارکت، مباحثه، تفاهم، تمرکز و انحصار خارج از قدرت تبیین می‌شود. مدیریت شهری نوین با این رویکرد می‌تواند توسعه شهری را با نگاه جمعی و کارشناسی کثرت‌گرا به پایداری سوق دهد. این پژوهش باهدف تبیین رویکرد کنش ارتباطی هابرماس در مدیریت میانی در پیشبرد پروژه‌های توسعه شهری انجام گرفته است. روش تحقیق از نوع کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد است که به شیوه پدیدارشناسی (تفسیری استقرایی) شکل گرفته است. واحد جغرافیایی و جامعه مورد مطالعه، شهر زنجان و مدیریت‌های اثرگذار بر توسعه شهری هستند. گردآوری داده‌ها حاصل مصاحبه‌های نیمه ساختارمند و مشاهده‌های موردی است که در آن مدیران میانی سازمان‌های با اثرگذاری بیشتر در مدیریت شهری با حجم نمونه‌ای بالغ بر ۴۵ نفر بوده‌اند. تحلیل داده بر اساس مدل داده‌بنیاد در فرایند کدگذاری باز انجام و با کدگذاری محوری و انتخابی، مفاهیم و مقوله‌های کلیدی استخراج گردید. تبیین تفسیری مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده در مدل پارادایمی مبتنی بر شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی، راهبردی انجام گرفته و شرایط پیامدی تبیین گردید. نتایج نشان می‌دهد مقوله‌های قدرت، ترس، مقاومت، اجبار، فردگرایی و انحصارگرایی، اطاعت و دستورپذیری، وابستگی و منافع سازمانی به‌عنوان عوامل غیر کنشی و تعامل، پذیرش و مقبولیت، نقدپذیری، تفاهم، مشارکت نهادی و ارتباط داده‌ای به‌عنوان عوامل کنشی فعال شناخته می‌شوند. پیامدهای حاصل از شرایط علی، زمینه‌ای میانجی و راهبردی نشان می‌دهد یک جانبه‌نگری، فردگرایی، تفکر سیاسی و جناحی، تغییرات مداوم، رویه‌های اداری، کاهش سرمایه اجتماعی ناشی از انحصارطلبی، ناتوانی مدیریت شهری در پیشبرد کیفی و به‌هنگام پروژه‌های شهری و نارضایتی شهروندان پیامد مانع برای ایجاد کنش ارتباطی است. شرایط پیامدی تقویت حس تعلق، کنش مفاهمه‌ای، همیاری و همکاری نهادی، تخصص مبتنی بر مشورت، کثرت‌گرایی و هم‌افزایی نهادی را مؤثرترین شرایط پیامدی در پیشبرد کیفی مدیریت پروژه‌های شهری تبیین کرده است.

واژگان کلیدی: کنش، مدیریت شهری، داده بنیاد، زنجان.

نکات برجسته

- کاهش سرمایه اجتماعی ناشی از انحصارطلبی مدیریت شهری پیامدی مانع برای ایجاد کنش ارتباطی است.
- حس تعلق، کنش مفاهمه‌ای، کثرت‌گرایی و هم‌افزایی نهادی مؤثرترین شرایط پیامدی مدیریت پروژه‌های شهری است.
- کنشگری ارتباطی در برخی مدیریت‌ها منجر به ایجاد حس تعلق و افزایش سرمایه اجتماعی مدیران و کارکنان می‌شود.
- کنشگری ارتباطی با توسعه هم‌افزا و کثرت‌گرایی مبتنی بر تفاهم کنشی، چالش‌های مدیریت و اجرای پروژه‌های شهری را کاهش می‌دهد.

۱. مقدمه

مدیریت شهری ایران امروز با درهم تنیدگی ساختاری و اداری یا چالش جدی عملکرد جزیره‌ای مواجه است. در مدیریت پروژه‌های شهری، سازمان‌ها و سازمان‌های شهری تا زمانی فعالیت می‌نمایند که در پروژه سهیم بوده و دارای منافع عملکردی باشند؛ گرچه ممکن است قدرت سازمانی تأثیرگذار بر اجرای پروژه‌های شهری باشد و سازمان‌های دیگر را به اجبار با خود همراه نماید. در شرایطی که مدیریت‌ها با این احساس مواجه شوند که اجرای پروژه‌های مشترک منجر به کاهش منابع و منافع، سهم تبلیغاتی و نمایشی ناکافی حاشیه بودن عملکرد آنان می‌شود، تمایل به همکاری در پروژه‌های شهری نشان نداده و یا در صورت ورود همکاری کافی را انجام نخواهند داد (Jalaeipour & Mohammadi, 2015). نتیجه این نگرش افزایش زمان و هزینه اجرای پروژه‌ها، بروز چالش‌های مدیریتی (مانند مقصر دانستن همدیگر) و نارضایتی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری خواهد بود. یکی از روش‌های مؤثر مدیریت شهری دستیابی به یکپارچگی تفکر در اجرا و مدیریت پروژه‌هاست. یکپارچگی تفکر حاصل ارتباط و تعامل مداوم مدیران و کارشناسان شهری در شبکه‌ای شفاف و کاربردی است که خروجی آن برنامه‌ریزی اقدام است. یکی از رویکردهای دستیابی به یکپارچگی، کنش ارتباطی است که ریشه در اندیشه‌های یورگن هابرماس دارد. کنش ارتباطی، نوعی کنش اجتماعی معطوف به حصول تفاهم است (Habermas, 2005:389). نتیجه این کنش رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، همکاری و ارتباط متقابل است (Mahdavi & Mobaraki, 2006:2). مشارکت چندسویه در تدوین برنامه اجرایی با فرایندی شفاف و درک متقابل و نفس‌رهایی بخش و بازآفریننده اساس این نوع کنش هستند (Istgaldi et al, 2015:266). در این کنش برای حکمروایی نوع دیگری از عقلانیت به نام عقلانیت ارتباطی مطرح است که به ترکیب دانش و ارزش پرداخته و برنامه‌ریزی فضایی را پدیده‌ای اجتماعی تعریف می‌نماید. در این انگاره ارتباط، منشأ کشف حقیقت بوده و خرد بشری محصول تعاملات میان انسان‌ها و نه حاصل کارکرد حاکمیت سیاسی و نه حاصل تأملات فردی است. ارتباط منشأ کشف حقیقت بوده و خرد بشری محصول ارتباط میان انسان‌هاست (Lashgari Tafreshi, 2021:92). با این توصیف سیاست‌گذاری عملی در مدیریت شهری متأثر از اندیشه‌های مرتبط با خیر عمومی است که در آن مدیریت‌های مختلف شهری با کنش چندسویه به‌دوراز جریان قدرت بر منافع عمومی شهر برنامه‌ریزی می‌کنند. این موضوع به مثابه محصول ارتباط جامعه و دولت، امکان گفت‌وگو و نقد صریح جنبه‌ها، ابعاد و ساختارهای مختلف مسلط بر زندگی اجتماعی را برای افراد فراهم می‌کند (Rezaii, H. and Dorakhshah, 2021:155). این پژوهش با ضرورت بر این که چالش اصلی مدیریت شهری امروز نه در تدوین و نگارش برنامه‌ها بلکه در ضعف ارتباط میان بخشی مدیریت‌های مختلف شهری است و این ضعف کنشگری بین بخش‌ها و نهادهای مدیریت شهری است که عامل تأثیرگذار بر ضعف تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه شهری شده و ناکارآمدی سیاست‌های توسعه را به دنبال داشته است. پژوهش حاضر به بررسی اثر کاربست برنامه‌ریزی برگرفته از کنش ارتباطی بر تهیه و اجرای برنامه‌های مدیریت شهری در مدیریت شهری زنجان پرداخته است. نوآوری پژوهش تفسیر رویکرد برنامه‌ریزی

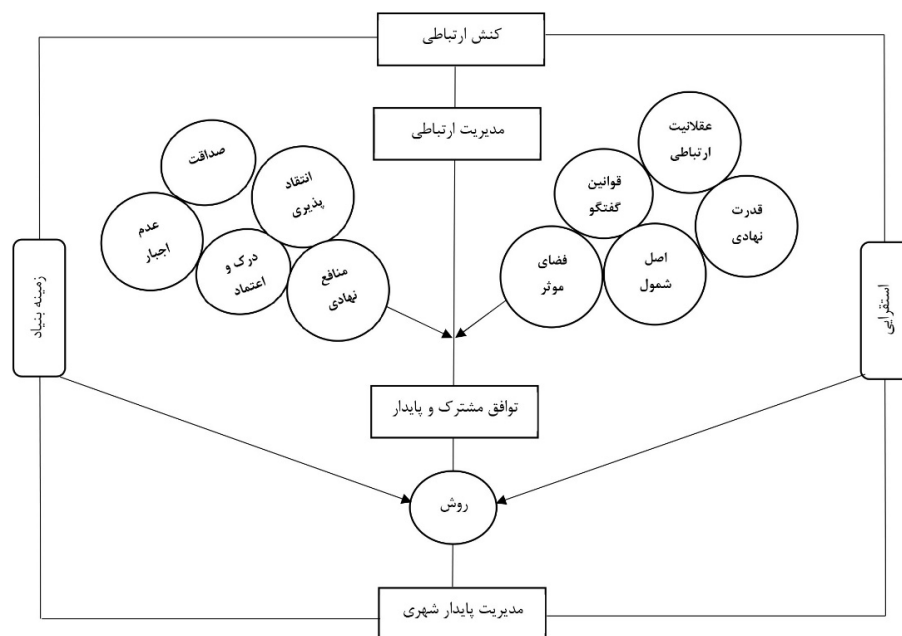
کنشگرانه در ساختار مدیریت شهری بر اساس مدل زمینه‌گراست تا میزان گرایش ذهنی و عینی مدیریت شهری در کاربست برنامه‌ریزی ارتباطی را در تهیه و اجرای پروژه‌های شهری تبیین شود. براین اساس سؤال اصلی پژوهش اینست که چالش اصلی مدیریت شهری در بخش‌های درون و میان سازمانی در تهیه و اجرای پروژه‌های شهری چیست؟ کنش مدیریت شهری با همدیگر چگونه مفهوم یافته و اثر کنش ارتباطی در تهیه و اجرای پروژه‌های شهری در مدیریت‌های مختلف چگونه می‌تواند باشد؟

۲. چارچوب نظری پژوهش

یورگن هابرماس به عنوان شناخته‌شده‌ترین هوادار آرمان‌های روشنگری در عصر حاضر، دفاع از این آرمان‌ها، به ویژه آرمان‌هایی از سلطه و سرکوب را در گرو درانداختن نظریه‌ای می‌داند که مقید به زمینه‌های بومی و محلی نباشد و بتواند نوعی اخلاق گفتگومانی را بر پایه بنیان‌های جهان‌شمول توجیه کند (nouri, 2021:245). در واقع هابرماس با نقد نظریات پوزیتیویستی درصد پیدا کردن راه نجاتی برای کنشگران اجتماعی به منظور بیان خواسته‌ها و رهایی از هر نوع ساختار متصلب غیر منعطف است که انسان را از علائق اصلی باز دارد (Azghandi & Hosseini, 2016:3). به همین سبب هابرماس نظریه‌ای را مطرح می‌کند که اساس آن درک مشترک و استدلال، وفاق و همکاری است (Saghafi asl, 2019:73). این نظریه مأمونی است برای تبادل ایده‌ها و گفت‌وگو به منظور شکل دادن به عقاید و افکار و اندیشه‌های فردی که دارای دیدگاهی انتقادی هستند (Shekari et al, 2022:423). این نظریه را می‌توان به عنوان شبکه‌ای برای انتقال و ارتباط بین اطلاعات و دیدگاه‌ها و عقاید طیف‌های گوناگون مردم توصیف کرد (Habermas, 1996:360)؛ کنش ارتباطی که در فرایند آن رسانه‌های جمعی حائز نقشی اساسی در ساختار هستند (Larsen, 2020). شاخص اصلی این نوع کنش دستیابی به تفاهم ارتباطی است که مراد از آن رسیدن به فهمی دو طرفه و فرایند رسیدن به توافق در میان فاعلان و عمل کنندگان است (Jamshidirad et al, 2024:28). کنش ارتباطی در واقع کنش متقابل میان عاملانی است که از گفتار و سمبل‌های غیرشفاهی به عنوان شیوه‌ای برای درک وضعیت متقابلشان استفاده کرده و سعی می‌کنند کنش‌های خود را از طریق استدلال با هم یکپارچه سازند (Mahdavi & Mobaraki, 2006:17). این مفهوم ریشه در مفاهیم دیگری مانند عرصه عمومی دارد که هابرماس از آن به عنوان عقلانیت ارتباطی نیز یاد می‌کند (kavoshnia et al, 2018:160). حوزه عمومی، بازیابی اقتدار عمومی است و اساساً پدیداری سیاسی و جمعی به شمار می‌رود (Habermas, 1979). هابرماس دیدگاه گفتگومانی موضوع منفعت عمومی را در قالب یک فرایند تعاملی میان ذی‌نفعان و گروه‌های درگیر مطرح می‌کند که از آرمانگرایی مبتنی بر رضایت دوجانبه شروع و به سیاست عملی منجر می‌شود (Torahani & Partovi, 2017:3). هابرماس معتقد است که اساس برنامه‌ریزی مؤثر و موفق، مبتنی بر شیوه‌های ارتباطی است و پیش نیاز برای تحقق ارتباط سازنده آن است که عقلانیت ابزاری به عنوان تنها استدلال در برنامه‌ریزی و دامنه وسیع‌تری از استدلال‌ها شامل استدلال ابزاری، فنی، اخلاقی و احساسی کنارگذاشته شوند (Campbell & Marshal, 2002:164).

رسیده و تعیین کننده سیاست فضایی در قالب حکمروایی خواهد بود (Nourikarder, 2018: 121). هیلری از برنامه ریزی همکارانه نام می برد که نوعی از نگرش به برنامه ریزی است (Healey, 1997) که دانش آن از پیش تدوین نمی شود بلکه به شکلی خاص و مجدد در گفت و گوی ما از طریق دریافت های حسی مفاهیم و استمداد از موجودی تجارب زندگی و معرفت اخلاقی و فرهنگی که از قبل استقرار یافته و در دسترس دست اندرکاران است، خلق می شود (Harris, 2008: 30). هیلری نیز برنامه ریزی گفتمانی را مطرح می کند که در آن مسئله این نیست که چگونه بتوان به اجماع عقلانی رسید بلکه این است که احساس ها و عواطف انگاره های دموکراتیکی را بتوان به سمت قالب هایی از حرکت داد (Hillier, 2003). بررسی ابعاد کنش ارتباطی در مدیریت شهری نیازمند روشی است تا بتواند ابعاد و میزان کنش را بر پایه داده های گفتمانی بیان نماید. بدین منظور یکی از روش های بررسی و تحلیل میزان کنش ارتباطی و گرایش به آن در مدیریت شهری و همچنین تمایل مدیریت به پیاده سازی آن، مدل زمینه گراست. این مدل که به مدل داده بنیاد (گراند تئوری) نیز مشهور است، به وسیله استراوس و کوربین در سال ۱۹۶۷ ارائه شد. استراوس، نظریه پردازی داده بنیاد را به همراه کوربین توسعه داده، از رویکرد کلاسیک فاصله گرفته و خوانش نظام مند یا پارادایمی را ارائه کرد (Dehghanan et al, 2018: 83). عناصر چنین الگویی در برگزیده محورهای علی، زمینه ای، میانجی، راهبردی و پیامدی است (Strauss 56-53: 2013, Corbin &). مدل مفهومی چنین الگویی مبتنی بر توسعه نظریه ای (نظریه مبنا) است که بدون هرگونه پیش فرض به پرسش ها پاسخ می دهد. براین اساس مدل و چارچوب مفهومی بررسی نقش کنش ارتباطی در مدیریت پایدار شهری به شرح تصویر شماره ۱ است.

در جغرافیا به ویژه جغرافیای منطبق بر برنامه ریزی شهری، مفهوم پساختارگرایی بیشتر با چارچوب نظری هابرماس منطبق است. طوری که برخلاف نظر ساختارگرایان شهری، ذهنیت افراد و طبقات اجتماعی الزاماً ساخته و پرداخته شده توسط ساختارهای سیاسی - تاریخی نیست بلکه با در برابر هم قرارگرفتن جهان زیست و سیستم، این جهان زیست است که محیط روابط ذهنی، جهان معنا و کنش ارتباطی است (Seidman, 2013). حوزه عمومی، فضایی فراتجربی و فرامکانی و عرصه ای اجتماعی است که در آن افراد از طریق استدلال و در شرایط برابر در اشکال فرایندی، مجموعه ای از سیاست ها را تولید می نمایند (Lashgaritafreshi, 2021: 92). از آنجایی که جریان های برنامه ریزی ارتباطی رویکردهای متمایزی را برای قدرت با تمرکز مشترک بر انتقاد از قدرت نامشروع متعارض و ایجاد می نماید (Westin, 2021)، به همین دلیل بخش قابل توجهی از انتقادهای نظریه ارتباطی علیه منبع نظری اصلی الهام بخش آن یعنی یورگن هابرماس بوده است (Matila, 2019). گرچه هابرماس به شدت تحت تأثیر افکار کارل مارکس و ماکس وبر بوده و سعی نموده نظریه های کنشی آنها را تکمیل و اصلاح نماید اما هابرماس در مقابل این اعتقاد و برآظهار داشت که نوعی از فعالیت انسانی وجود دارد که اساساً از کار ابزاری متمایز است (Azdanloo, 2007: 426). هابرماس در تبیین کنش ارتباطی خود از نوعی کنش نام می برد که اصل بر پیاده سازی از نوع عقلانیت ارتباطی است. نوع نخست کنش، کنش معطوف به موفقیت است که در برگزیده کنش وسیله ای و کنش راهبردی (کنش معقولانه و هدف دار دو یا چند فرد) باهدف چیرگی و غلبه بردیگری انجام می پذیرد (Habermas, 1979: 209-210). از این نظر عامل باز ساخت فضا حاصل کنش و واکنش نیروهای اجتماعی بایکدیگر است. هنگامی که یک گفتمان در کنش ارتباطی با سایر گفتمان ها برای تعیین رابطه دال و مدلول بتواند پیروز شود، می توان گفت به هژمونی



تصویر شماره ۱: چارچوب مفهومی کنش ارتباطی در مدیریت پایدار شهری

۳. روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی به شیوه پدیدارشناسانه مبتنی بر روش تفسیری استقرایی است که از رویکرد زمینه بنیاد استفاده کرده است. باتوجه به فرایند سیار و چرخه‌ای مدل زمینه‌گرا، روش اصلی نمونه‌گیری در نظریه مبنایی، نمونه‌گیری نظری است که در تمام مدت جریان جمع‌آوری داده‌ها و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مورد توجه بوده است. در این شیوه از نمونه‌گیری تعداد سؤزهای تحقیق از پیش مشخص نبوده و نمونه‌گیری تا زمانی که مفهوم جدیدی از طریق مصاحبه‌ها به دست نیاید و اشباع نظری حاصل شود، ادامه می‌یابد. با این شرایط حجم نمونه در برگزیده حدود ۴۵ مدیر و کارشناس سطوح میانی و ۱۰ نهاد اجرایی دارای ارتباط مداوم (راه و شهرسازی، شهرداری و شورای شهر، استانداری، فرمانداری، آب، برق، گاز، مخابرات، نظام مهندسی) زنجان بوده است که با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختارمند داده‌های مورد نیاز دریافت گردید. روش تحلیل داده‌های گردآوری شده در مدل داده بنیاد بدین گونه بوده است که ابتدا داده‌ها کدگذاری باز شده، سپس با کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی، مقوله و مفاهیم اصلی استخراج گردید. در چنین فرایندی مدل پارادایمی حاصل از شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و نهایتاً پیامدی ترسیم و تبیین شد. برای اطمینان از قابلیت اعتبار روایی (تأییدپذیری) پژوهش از روش فن ممیزی استفاده گردید. طوری که مراحل کار توسط دو نفر متخصص و آشنا به فرایند تحلیل‌های کیفی داده بنیاد تأیید گردید. براساس بنیان نظری بیان شده (نظریه کنش ارتباطی هابرماس) محور اصلی پرسشنامه مبتنی بر کنشگری میان نهادی است. مزایا و چالش‌های چنین مصاحبه‌هایی ایجاب می‌کند بستر برای طرح سؤال بعدی ایجاد شده و پاسخ‌های دریافت شده مورد بحث قرار گیرد که همین عامل هم فرایند مصاحبه را طولانی می‌کرد و هم مباحث

جدیدی را ایجاد می‌نمود که خود پژوهش مجزایی را نیاز داشت.

۴. محدوده پژوهش

شهر زنجان با جمعیت بیش از ۴۳۰ هزار نفر به عنوان یکی از شهرهای شمال غربی کشور در مرکز استان زنجان واقع گردیده است. این شهر مطابق با آخرین طرح تفصیلی شهر بالغ بر شش هزار هکتار وسعت بوده که دارای چهار منطقه شهری است. تعداد مدیران در سطوح میانی که عمدتاً کارشناس نیز هستند، ۴۵ نفر بوده که دارای میانگین سنی ۴۲ سال با میانگین سابقه خدمت ۱۰ سال هستند که دارای سابقه مدیریتی بالای پنج سالند. مدیران مطالعه شده عمدتاً دارای تحصیلات کارشناسی و بالاترند. از جمله تخصص‌های افراد مطالعه شده می‌توان به رشته‌های جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، عمران، معماری، برق، رایانه و فناوری اطلاعات، ترافیک، مدیریت، علوم تربیتی و علوم اجتماعی و معارف اسلامی اشاره کرد.

۵. بحث و یافته‌ها

داده‌های حاصل از فیش برداری از مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌های متنی دریافت شده بعد از جمع‌بندی، کدگذاری باز شد. باتوجه به وجود اشتراک کدها، کدهای مشترک ادغام، سپس کدگذاری انتخابی صورت گرفته و در نهایت کدگذاری محوری در قالب مقوله‌ها و مفاهیم تدوین یافت. باتوجه به سؤال‌ها و پاسخ‌های داده شده، کدهای اولیه باز شامل ۹۸۴ کد بوده که با تجمیع کدهای مشترک به ۲۶۴ کد تقلیل یافت. به تناسب همخوانی، مشابهت، ارتباط کدها با یکدیگر، مقوله‌های تعامل، قدرت و مقاومت، اطاعت، غلبه و چیرگی، سیستم دیوان سالاری (بوروکراسی)، پذیرش و مقبولیت، اجرا و بازخورد، منافع سازمانی، حفظ پست و مقام و نقدپذیری به عنوان مقوله‌های اصلی شناسایی گردیده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: کدها، مقوله‌ها و مفاهیم کنشگری ارتباطی مدیریت شهری زنجان ←

عامل	مقوله اصلی	مفهوم	کدهای نهایی باز	تکرارپذیری نمونه
غیر کنشی (مانع)	ترس، جایگاه، وابستگی	ترس از دست دادن مقام، نبود اختیار، ترس کاهش رتبه، مزایای مالی، رتبه اجتماعی، رتبه سیاسی، رتبه اداری، توسعه و ارتقا، خدمت، تسلط، رانت و باند، تخصص، عدم تمایل به واگذاری اختیارات، احساس کارآمدی، عدم تمایل به واگذاری، مهم بودن صندلی، مصلحت، سکوت، جابه جایی سیاسی-اداری	۳۸	۳۸
	ترس، اختیار، خودمحوری	زور داشتن، ترس، مقام بالاتر، تابع بودن، عدم اختیار، وابسته بودن، دستور مقام، قانون، از دست دادن، تقلیل درجه، فردمحوری، نفوذ و قدرت بالاتر برخی سازمان‌ها، تسلط و قدرت رسانه‌ای، جابه جایی افراد	۴۲	۴۲
	ترس، تبعیت، مقام و پست	مخالفت، منافع سازمانی، واگذاری اختیار، دستور کتبی، اجبار به عمل، نظارت و بازرسی، ترس مقام، دستور شفاهی، مغایرت قانون، فردمحوری، تبلیغات رسانه، اعتراض‌های مردمی، دستور مقام بالاتر، جلسات کارشناسی، کثرت جمعی قائم به فرد، کثرت جمعی قائم به جمع، تابع بودن مشاور و کارشناسی، محول کردن اجباری وظایف، انتقام و تخریب فردی و سازمانی	۴۰	۴۰
	قدرت سازمانی و فردی، توان مقابله، سطح تخصص	قدرت بالاتر برخی سازمان‌ها، دستور محوری، کنترل افراد، قائم به فرد بودن، باسواد بودن، توجه فردی، خاص و ویژه بودن جایگاه، تجربه، سکوت، بار اجرایی خارج از وظایف، توان گفت و گو و مقابله، تأثیرپذیری از افراد و سازمان‌ها، قدرت سازمانی، عواقب مقابله	۳۸	۳۸
	پیچیدگی، سیستمی، مدیریت‌گرایی، تمرکز محوری	رویه طولانی، انباشتگی کار، زمان محدود، هدایت دستوری، تفویض اختیار، مکان نامناسب، صورت جلسه محوری، کاغذبازی، دستی بودن برخی موارد، ترجیح اداری، توزیع نیرو، توزیع تخصص‌ها، ساماندهی کارشناسان، سازمان غیرفعال، تناسب کار و زمان، توزیع مسئولیت، خشک بودن و انعطاف پایین، محرمانگی و حراست	۴۵	۴۵
	پاسخگویی، مصرف، تضاد، مسئولیت	مسئولیت حفظ منابع سازمانی، مایل پایین به مصرف در امور غیر ولی مرتبط، وابستگی به نظام بودجه‌ریزی سالانه	۴۰	۴۰

← ادامه جدول شماره ۱: کدها، مقوله ها و مفاهیم کنشگری ارتباطی مدیریت شهری زنجان

تکرارپذیری نمونه	کدهای نهایی باز	مفهوم	مقوله اصلی	عامل
۴۵	کم کاری ناخواسته، پایش مداوم، نظارت مستمر، زمان بندی اجرا، تأمین منابع، بهبود کیفیت، پیش بینی اثرات، بازخوردهای عمومی، پیوست های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، مشارکت مردم، حضور و اطلاع رسانی مستمر، چالش های حین، مدیریت بحران، نارضایتی عمومی، بی اعتمادی، همکاری بین سازمانی، تمرکز و مدیریت اجرای یکپارچه، تقسیم وظایف و منابع، اعتقاد و اطمینان جمعی، فعالیت سازمانی، وظیفه شناسی و تعامل درون و میان سازمانی	بازش، اطلاع رسانی، مشارکت سازمانی	اجرا و بازخورد	کنشی (فعال)
۴۴	پذیرش فردی، هدایت تشویقی، احترام به مقام، احترام به شخصیت فردی، اعتماد کاری، رفتار کارکنان، مردم محوری، ارتباط بین سازمانی، تکریم، تخصص گرایی دانش، آموزش اداری، تأثیر در پیشرفت سازمانی، همسویی اجتماعی و اداری، تمایل به کار، فعالیت میدانی	پذیرش فردی و سازمانی، اعتماد و احترام، اطمینان، احترام	پذیرش و مقبولیت	
۴۵	دوست، همکار، وظایف، دید و بازدید، تماس دوستانه، تقابل کاری، گوش کردن، احترام گذاشتن، رویه واحد، جلسه و شناخت فردی، اعتماد و احترام، مشارکت پذیری، کنش غیررسمی	ارتباط و سرمایه اجتماعی	تبادل	
۴۱	ناکافی بودن نقد، یک طرفه بودن، ظرفیت پذیرش، تبدیل شدن به مقابله و مناقشه، حل مشکل، ظرفیت تحمل، منافع سازمانی، اطلاع از فرایندهای بین سازمانی، رعایت انصاف	ظرفیت و پذیرش	تقدیرپذیری	
۴۵	تبادل اطلاعات، قراردادهای مشترک، تقسیم درون و میان سازمانی، وظایف خارج از قرارداد، ابعاد انسانی، کمک درون و میان سازمانی، گفت وگو و مباحثه مشترک، اشتراک منابع، مذاکره مؤثر، احترام به منافع یکدیگر، تعهدات قانونی و عرفی، پذیرش همدیگر، کنار گذاشتن قدرت و منافع سازمانی	تبادل، گفت وگو، تعهد	تفاهم چند جانبه	
۴۵	نبود شبکه تعاملی یکپارچه، معطوف شدن به جلسات، شبکه بحث درون و میان گروهی و سازمانی، تجربه دیگر شهرها، تعامل اجرایی بین مدیران و کارشناسان در شبکه های مجازی، گروه های بحث مجازی تخصصی و فنی، شبکه انتقال و تبادل داده در سطح محلی، منطقه ای و ملی، تمایل به انتقال و دریافت اطلاعات، مباحثه معطوف به نتیجه، پذیرش جمعی، پذیرش افکار و اطلاعات، مباحثه و گفت وگو چند طرفه بدون منفعت، مشورت دوستانه، کارگروه های مشترک، کنش غیررسمی، منافع جمعی، محرمانگی اطلاعات، اجماع نظری و عملی	اشتراک گذاری، گروه کنش	شبکه کنش داده ای	
۴۵	تمایل به مشارکت و همکاری، سطح و نوع مشارکت، احترام و اعتماد سازمانی، درک مفاهیم، مشارکت مردم، شیوه های جذب مشارکت، هم فکری مشارکتی، سازمان های فرادستی، مقدار سهیم شدن، مشورت پذیری، انتقال حق مسئولیت و تصمیم گیری به کارکنان، مشارکت عملیاتی	هم فکری، نوع، انتقال تصمیم گیری	مشارکت پذیری	

نشان می دهد مدیران در مواجهه با پروژه های مشترک شهری همکاری خود را با توجه به منافع سازمانی در نظر می گیرند تا منافع عمومی. در جلسات بررسی پروژه های شهری که با حضور مدیران و کارشناسان سطوح میانی بررسی می شود، بیشتر تمرکز بر منافع سازمانی بوده و در مواقع تکلیف بیش از وظایف محوله مقاومت سازمانی شکل گرفته و تصمیم گیری را منوط به جلسات دیگر یا تأمین اعتبار و مکاتبه با مسئولیت های بالاتر می نمایند که این خود فرایند کار را طولانی می نماید. همچنین منابع سازمانی ثابت و کم انعطاف ناشی از اجرای پروژه های شهری خود عاملی در بروز چنین عکس العملی هایی است. مصاحبه با مدیران شهری نشان می دهد نگرش مدیران به پروژه های شهری مثبت ولی تابعی از منافع و منابع سازمانی است که با وجود تمایل مدیران و مدیریت ها به اجرای پروژه های شهری، پاسخگویی به مدیران بالاتر، انعطاف ناپذیری منابع موجود، نگاه منفعت گرا در ابعاد مالی و غیرمالی به منافع سازمان منجر می گردد. فرایند بررسی، تصویب و اجرای پروژه ها با چالش روبه رو شده و به لحاظ زمانی اجرای آن را طولانی می نماید. در این شرایط با وجود همکاری سازمانی با توجه به تغییر تحولات سیاسی و اداری مدیریتی در صورتی که پروژه های شهری در زمان مشخص شده اجرا نشود، با تغییر مدیران فرایند اجرایی آن غیرفعال یا کند شده و باز تجدید فعالیت آن زمان بر می شود. از طرف دیگر کنش درون سازمانی بین مدیران لایه های مختلف در مقایسه

ابعاد پارادایمی مدیریت شهری مبتنی بر کنشگری ارتباطی در قالب پنج بعد اصلی شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر، راهبردی و پیامدی مورد بررسی قرار گرفت. شرایط علی، شامل عوامل مؤثر بر کنش ارتباطی مدیریت شهری است که بر دلایل و عوامل نوع کنش های موجود در مدیریت شهری می پردازد. زمینه در برگیرنده هدف از به کارگیری کنش ارتباطی در مدیریت شهری و هدف از توجه به آن است. در کنار زمینه های یاد شده شرایط مداخله گری نیز وجود دارد که همواره بر عملکرد عوامل زمینه ای تأثیر می گذارد که در برگیرنده عواملی مانند سازمان اداری مدیریت شهری، مدیریت در سطح استانی، منطقه ای و ملی و نقش آن در نحوه کنشگری می پردازد. راهبردها تشدید یا تضعیف کننده زمینه اند که مواردی همچون ویژگی های کیفی و کمی کنشگری مدیریت شهری هستند. پیامدها نتیجه شرایط علی، زمینه ای و مداخله گر و راهبردی هستند که منجر به توسعه سطح کنشگری ارتباطی در مدیریت شهری می شود. در واقع پیامدها عوامل منفی و مثبت کنش ارتباطی را نشان داده و ابعاد کنشگری ارتباطی در مدیریت شهری را مشخص می نماید.

۵.۱. عوامل علی کنشگری ارتباطی مدیریت شهری

عوامل علی به چرایی و چگونگی واکنش افراد (سوژه ها) به یک پدیده خاص اشاره دارد (Strauss & Corbin, 2013). بررسی عوامل کنشی

با کنش میان سازمانی نسبتاً بهتر بوده و تعامل چندسویه به طور نسبی وجود دارد. با این حال این تعامل نه براساس کنشگری ارتباطی وابسته به تعامل جمعی بلکه وابسته به جایگاه و مقام اداری بوده و به تبعیت از ساختار کلان مدیریت متمرکز است. همین عامل منجر می‌گردد کنشگری بین مدیران در درون سازمان بر اساس کنشگری

ابزاری و در کنش میان سازمانی براساس کنشگری راهبردی باشد که در آن سازمان‌های قدرتمند با استفاده از کنش معطوف به موفقیت و کنش ابزاری به تسلط و توانایی اعمال اراده (هرچند به صورت ناقص) می‌انجامد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: مفاهیم شرایط علی درون و میان سازمانی در مدیریت شهری زنجان

سازمان	شرایط علی (مفاهیم درون سازمانی)	شرایط علی (مفاهیم میان سازمانی)	ضریب تکرارپذیری
شهرداری	تناسب پست با تخصص مدیر، تجربه کاری، روابط کارکنان، روابط مدیران، هم‌افزایی درونی، هماهنگی اجرا، درآمد و تأمین منابع، نظام بودجه‌ریزی، شیوه هزینه‌کرد، سرمایه اجتماعی، تمرکز و واگذاری کار، تسهیل امور، تداخل اجرایی، تعلق کاری، سرمایه اجتماعی	ارتباط و تعامل، میزان تأثیرگذاری، اجبار و دستورپذیری، مشارکت مردمی، ظرفیت همکاری، مدیریت اجرا، اختیار، وابستگی میان سازمانی، کنش بین سازمانی، تفاهم میان سازمانی، ظرفیت پذیری	۸۹
شورای شهر	سیاست‌گذاری، عمل سیاسی، گروه‌گرایی، ائتلاف، حزب‌گرایی، روابط اعضا، روابط با شهرداری، بودجه‌ریزی، طرح و لایحه، نظارت درونی، وظایف و اطلاع‌رسانی، تخصص و مهارت، تجربه، تسهیل امور، تعلق کاری	روابط با شهرداری، روابط با دیگر سازمان‌ها، نظارت، تعامل چندجانبه، شبکه ارتباطی مردم، پاسخگویی، حضور و تعامل، مشارکت مردمی، قدرت چانه‌زنی	۹۵
راه و شهرسازی	تحصیلات دانشگاهی، تخصص فنی، مهارت و تجربه، مدیریت زیربخش‌ها، تعامل درون سازمانی، ایجاد ارتباط و وابستگی بخش‌ها، تسهیل امور کاری، فرایند بررسی، زمان‌پذیری کارکنان، تعلق کاری	ارتباط و تعامل، قدرت میان سازمانی، وابستگی، فرمان‌بری، جلسات مشترک، کارگروه‌های توسعه شهری، بستر فیزیکی و الکترونیکی ارتباط	۹۰
میراث و گردشگری	تخصص‌گرایی، حفظ و مراقبت، کنش درون سازمانی، ارتباط بین کارکنان، فرایند بررسی رسیدگی امور اداری، زمان‌پذیری	تعامل میان سازمانی، مقاومت جلسه‌ای مرتبط، اجبار، دستورپذیری، تعامل با بخش خصوصی، همکاری میان سازمانی، حمایت‌های تسهیلاتی	۹۴
استانداری	هماهنگی درون بخشی، یکپارچه‌سازی عملکرد، پاسخگویی درون بخشی، جدایی‌گزینی ارتباط، شناخت و ارتباط کاری، بخشی شدن، سرمایه اجتماعی	نظارت و کنترل، روابط میان سازمانی، یکپارچه‌سازی و تسهیلگری، پیگیری و تصویب، تخصیص منابع، قدرت تصمیم‌گیری، دستور و وادارکردن، برخورد، حفظ و مراقبت اداری	۸۵
فرمانداری	ساختار سیاسی، جابه‌جایی نیروی انسانی، هماهنگی درون بخشی، یکپارچه‌سازی عملکرد، پاسخگویی درون بخشی، جدایی‌گزینی ارتباط، شناخت و ارتباط کاری، بخشی شدن، سرمایه اجتماعی	ارتباط میان سازمانی، روابط اداری و سیاسی نظارت و کنترل، هماهنگی بین بخشی، تأمین و تخصیص، شورای شهرستان، ارتباط با اعضای شورا، بررسی و تصویب، هماهنگی اجرا، تعامل رسمی و غیررسمی	۸۴
سازمان‌های زیر ساختی	تخصص‌گرایی، ارتباط فنی کارکنان، تعامل و کنش فنی، فرایند اداری نظارت و اجرا، هماهنگی حضور عملیاتی، تسهیل امور اداری، فرایند تعمیر، اصلاح، توسعه و تجهیز	تعامل و ارتباط با سازمان‌ها، هماهنگی اجرایی، تعامل در مواقع بحران، ارتباط غیررسمی، اجبار پذیری، دستورپذیری، مقاومت تخصصی و فنی، تأمین و تخصیص منابع میان سازمانی، تعامل چندجانبه رسمی و غیررسمی، مشارکت مردمی	۹۰
نظام مهندسی	تخصص‌گرایی، ساختار اداری توزیع و تخصیص نقشه و کار، نظارت اجرا، گزارش‌های فنی، ارتباط بین مهندسان، مشارکت اعضا، جلسات تعامل فنی، کنش‌پذیری تعاملی، سرمایه اجتماعی، رقابت اعضا، تسهیل اداری، اعتماد بین اعضا	ارتباط با دفاتر فنی، ارتباط میان سازمانی، قدرت بیان و مقاومت، حضور مداوم، اعتماد و اطمینان‌پذیری سازمانی، مشارکت میان سازمانی، تعدیل نرخ‌ها و همکاری توسعه	۹۹

۵.۲. عوامل زمینه‌ای کنشگری ارتباطی مدیریت شهری

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند (Strauss & Corbin, 2013). در بررسی شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر کنش مدیران شهری ساختار بوروکراسی سیستم اداری است. گرچه مشکل اساسی در خود بوروکراسی نیست بلکه مسئله اصلی نوع بوروکراسی ای است که ایجاد می‌گردد (Kotnis, 2004: 152). یافته‌های به دست آمده از فرایند مصاحبه نشان می‌دهد کنش مدیریت شهری شهر زنجان در سطوح مختلف از نوع بوروکراسی مانع است. که همین امر منجر به ایجاد

زمینه‌های شکل‌گیری کنش معطوف به ابزار می‌شود که نگاه مدیران به همدیگر نگاه ذی نفعانه و غلبه گرایانه باشد. در عوامل زمینه‌ای تمایل به پیچیده کردن ساختارهای اداری، بررسی پروژه‌های شهری و در نظر داشتن موارد غیر ضرور اداری مانند تکمیل صورت جلسه، امضای همگان (نه اکثریت)، بررسی مجدد توسط مدیران در زمان تأیید صورت جلسه، منوط کردن تأیید به امضای دیگر مدیران، ارسال به سازمان‌های دیگر برای تأیید، احتمال عدم تأیید دیگر مدیران، فرایند زمان بر تهیه پیش نویس و پس نویس صورت جلسه از جمله مواردی است که کنش ارتباطی بین مدیران را کاهش داده و فرایند تهیه و اجرای پروژه‌های شهری را دچار مشکل می‌نماید. این فرایند در ساختار درون سازمانی که در آن تصمیمات قائم به شخص است، به دلیل

قدرت مدیریتی کمتر به چشم خورده و مدیر توانایی لازم را برای ابلاغ تصمیمات با سرعت بیشتر را دارد. با این حال محافظه کاری و تمایل مدیران به درگیر کردن اعضای کارشناسان سازمان در صورت جلسه های پروژه ها، فرایند کار را طولانی می نماید. در برخی سازمان ها که مدیران با بررسی نظر جمعی و به دوراز بوروکراسی زائد، راساً اقدام به ابلاغ و اجرای مدیریتی می نمایند، فرایند کارها با تسهیلگری بیشتری انجام می پذیرد. به عنوان نمونه در مصاحبه با یکی از مدیران سطح میانی اداره کل راه و شهرسازی این مهم بیان شد که بلافاصله بعد از اتمام جلسه بررسی پروژه ها که با حضور مدیران و کارشناسان سازمان انجام می پذیرد، فرایند کار ابلاغ و عملیات اجرایی پروژه شروع می شود.

این موضوع در برخی پروژه های شهرداری نیز در فرایند مصاحبه بوده است. نتایج حاصل از شرایط زمینه ای نشان می دهد آنچه به عنوان مانع کنش ارتباطی مدیران می شود، فرایند اداری زمان بر، ساختارهای اداری زائد و تمایل به وارد کردن صوری (امضایی) همه مدیران در فرایند، بدون در نظر گرفتن ضرورت ها و شرایط کنش ارتباطی است. در عین حال شرایط کنشگری ارتباطی با حضور کارشناسان و مدیران درون سازمانی که ابلاغ اجرایی تصمیمات جمعی (با حذف بوروکراسی زائد) منجر می شود، نتایج مؤثری را در فرایند اجرایی پروژه ها داشته است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: مفاهیم عوامل زمینه ای درون و میان سازمانی در مدیریت شهری زنجان

ضریب تکرارپذیری	شرایط زمینه ای (مفاهیم درون و میان سازمانی)	سازمان
۹۶	بوروکراسی اداری، ضعف هماهنگی درون سازمانی، اختلاف داخلی مدیران، تقسیم وظایف، درهم تنیدگی و اختلاط عملکردها، مکاتبات متعدد، تعدد قوانین میان سازمانی، تمرکزگرایی ذاتی، توزیع افراد مبتنی بر ارتباط فردی، بدنه چاق و فربه، کمبود کارشناس، قدرت گرایی مدیریتی، تعامل سازمانی مبتنی بر تصویب و ابلاغ، جدا بودن ساختار اداری و سازمانی شهرداری با سایر دستگاه های دولتی، تمایل ضعیف به چندجانبه گرایی کنش، عدم تمایل به واگذاری اختیار فردی، حجم گسترده کار و عدم امکان پاسخگویی مداوم، تمرکزگرایی کار در درون، گروه خورگی و تداخل وظایف و مسئولیت ها با سازمان های دیگر	شهرداری
۹۹	ارتباط و تعامل گسترده با مردم، کنش ارتباطی مبتنی بر رضایت مردمی، ضعف تخصص گرایی، انتخاب مبتنی بر حس شهرت یا هزینه، جلسه محوری، الزام حضور، اهرم نظارت و کنترل، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، فرایند بررسی طولانی، ساختار سازمانی ناقص و ناکافی، گستردگی کار و عدم امکان نظارت کافی، حضور میان سازمانی بدون حق رأی، دستورالعمل های کشوری فاقد مختصات منطقه ای و محلی، ارتباط غیرکاری و غیررسمی درون و میان سازمانی، سیاسی پذیری عملکرد، قدرت و مقاومت میان سازمانی، تمایل به کنش ارتباطی با سازمان ها	شورای شهر
۸۹	کنش فنی درون سازمانی، ایجاد کارگروه های فنی، تعامل بین سازمانی ناشی از وابستگی کار، ارتباط فنی بین سازمانی، تأمین زمین، حفظ قدرت تعاملی، دبیرخانه کارگروه ها، تمرکز ارسال و دریافت اطلاعات، کنش مناسب درون و میان سازمانی، ساختار اداری و فرایندهای شکلی اداری	راه و شهرسازی
۸۵	تداخل عملکردها و وظایف، ضوابط و مقررات، موانع اجرای ناشی از ضوابط، تعامل درون سازمانی مناسب، وابستگی درون و میان سازمانی بخش ها، ارتباط مداوم با صنعتگران و بخش خصوصی گردشگران	میراث و گردشگری
۹۱	عملکرد اداری و سیاسی، امکان نظارت و اجبار عملکردی، کارگروه ها و کمیسیون های بین بخشی، گستردگی و شناخت درون سازمانی مدیران، تعامل مدیران، کنش ناکافی متأثر از شرایط سیاسی و اداری، اهرم قدرت و اجبار، جابه جایی و انتقال مدیران، روابط سیاسی و شخصی، تقابل تخصص ها، حاشیه راندگی شدگی متخصصان غیر همسو، نقدپذیری ناکافی، حفظ مقام، تعامل میان سازمانی ابزاری، سکوت و تبعیت مدیران	استانداری و فرمانداری
۹۸	ارتباط و تعامل خدماتی با مردم، کنش تفاهمی با دستگاه های متناظر و شهرداری، عملکرد فنی و تخصصی، کنشگری مناسب متخصصان درون و میان سازمانی، امکان تأمین و جذب منابع، گستردگی و حجم کار، روحیه تلاش و خدمات رسانی، حضور و نظارت مستمر بر شبکه، عملکرد شبانه روزی، ارتباط الکترونیکی و هوشمند، تعامل گسترده با دستگاه های اجرایی، فرسودگی شبکه ها و زیرساخت ها، برون سپاری و دفا تر خدمات پیشخان مردمی، حضور فنی و کنش ارتباطی مبتنی بر تخصص، مسئولیت پذیری سازمانی، جایگاه فنی و تخصصی افراد، حداقل تأثیرپذیری از تغییرات و تنش های سیاسی و اداری، تناسب پست و مقام با تخصص، روحیه کنشگری مدیران	سازمان های زیر ساختی (گاز، آب، برق)
۹۴	ارتباط مداوم با بخش خصوصی، ساختار اداری متمرکز ولی پویا، فرایند کار برون سپاری شده، خصوصی بودن فرایند مدیریت و اداره، وجود هیئت مدیره و انتخابی بودن آن، توزیع نقشه ها بر اساس نظام های هوشمند ولی ناکافی، امکان واگذاری و ایجاد رانت توزیعی کار، ضعف نظارت های مستمر مهندسی، ارتباط کنشی مؤثر کارکنان با رویکرد کنش ابزاری، ضعف کنش ارتباطی علی رغم وجود آن، قرارگرفتن صنف ها و تخصص ها در کنار همدیگر	نظام مهندسی

۵.۳. عوامل میانجی کنشگری ارتباطی مدیریت شهری

شرایط میانجی یا مداخله گر، دسته ای از عوامل و متغیرها هستند که اثربخشی اقدامات برنامه ریزان را خنثی می نمایند. وجود فاکتورهای مداخله گر همواره سبب می شوند تا فشار بیشتری به سیستم وارد شده و انرژی و کارایی آن کاهش یابد (Strauss & Corbin, 2013: 155). به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال تر می سازند (Mohseni Tabrizi, 2016: 148). شرایط مداخله گر در کنش مدیران شهری را می توان در ساختار اداری و مدیریتی سطوح کلان

کشور در نظر گرفت که خود به خود تمرکزگرایی مدیریتی را ترویج می دهد. در این ساختار مدیریت های مختلف به تبعیت از نظام متمرکز و بوروکراتیک کلان کشور، در سطوح پایین تر ترجیح بر تمرکزگرایی مدیریتی داشته و تمایلی به واگذاری و کاهش قدرت و اختیارات نشان نمی دهند. در این شرایط مدیران این احساس را دارند در صورتی که به شیوه کنشگری ارتباطی و با درگیر همه در تصمیمات و رسیدن به نقطه تفاهم مدیریت خود را ادامه دهند، با چالش اطلاعات و فرمانبری زیرمجموعه مواجه شده و اختیارات خود را از دست داده و کاهش توان مدیر خواهد شد. این تفکر از آنجا نشأت می گیرد که ساختار اداری با

رویه‌های ایجاد شده گرایش به انحصارطلبی و فردگرایی مدیریتی را بیشتر می‌پسندد. ساختار اداری همکاری درون و میان بخشی مدیران در سطوح مختلف به شیوه‌ای سازمان یافته است که مدیران تمایل چندانی به نظام مشورتی و تفاهم چندجانبه منطبق بر کنش ارتباطی نداشته و ترجیح می‌دهند مسئولیت منجر به مدیریت فردگرا را دنبال نمایند. هرچند ممکن است جلسات کارشناسی و مشورتی در سطوح بالا و میانی مدیریت مانند (جلسات کارگروه فنی طرح‌های شهری، کمیسیون ماده ۵، ستاد عمران شهری، ستاد مسکن، شورای اداری، شورای راهبردی، شورای تأمین و غیره) برگزار شود ولی باتوجه به نوع ساختار مدیریت کلان کشور و مدیریت شهری، تمایل مدیران به حفظ قدرت و منافع سازمانی بوده و پیشبرد پروژه‌های شهری را نه با تعامل و هم‌فکری چندجانبه بلکه با نگاه خودمحوری، درگیر کردن بی‌دلیل افراد و مدیران مختلف، اخذ دستورات و ابلاغ کتبی از جلسات و مقام‌های

بالا تر دنبال نمایند. یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهد مدیران در یک نقطه مشترک اذعان به فرایند ناکارآمد ساختار اداری در سطوح مختلف دارند و بیان می‌نمایند این ما نیستیم که این رویه را دنبال می‌کنیم بلکه این ساختار اداری است که ما را وادار می‌کند در قالب آن کار کنیم. هر چند با تشریح فرایند کنشگری ارتباطی به مدیران، اغلب آنان این روش را بسیار مؤثر در پیشبرد پروژه‌ها می‌دانند ولی در عملکرد آن را وابسته به تغییر ساختارهای اداری و مسئولیت‌پذیری اداری همگان می‌دانند. در یافته‌های مصاحبه این مفهوم استخراج شد مدیرانی که در امور اداری هر چند محدود شبکه کنشگری درست کرده و از کنش ارتباطی برای مدیریت پروژه‌های استفاده نموده‌اند، نتایج مؤثری دریافت کرده‌اند. چرا که این امر منجر شده مدیران و کارشناسان با رسیدن به تفاهم کنشی، درگیری فعال در پروژه‌ها داشته و حس اعتماد، انجام کار و تعلق به پروژه پیدا کنند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: مفاهیم عوامل میانجی (مداخله گر) درون و میان سازمانی در سازمان های مدیریت شهری زنجان

سازمان	شرایط مداخله گر (مفاهیم درون و میان سازمانی)	ضریب تکرارپذیری
شهرداری	وابستگی به ساختار کلان وزارت کشور، جدا بودن ساختار اداری و پاره‌ای قوانین از سایر بخش‌های دولتی، تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح بالا و برنامه‌ریزی از بالا به پایین، انتخاب‌های سیاسی و رانتی و باندی افراد، تشکیل گروه‌های انحصارطلب در حوزه مدیریتی، عدم واگذاری اختیارات به بخش‌های پایین تر، تمایل به حفظ قدرت در مواجهه با تصمیمات بین سازمانی	۹۶
شورای شهر	تداخل عملکرد نظارتی با سایر سازمان‌ها، انتخاب سیاسی و جناحی، ضعف تخصص، گرایش به عملکرد نمایشی برای جذب آرا، انتخابات محوری مبتنی بر ساختار سیاسی، انتخاب مدیر سیاسی، تنش‌های درون و میان سازمانی، تمرکز بر شهرداری تا سایر سازمان‌ها، غالب بودن شورای شهرداری، بسترهای فسادزا، عملکرد مبتنی بر وعده‌های غیرعملیاتی، تعامل مناسب و پاسخگویی مردمی، امکان حضور و دیدار مداوم مردمی، عملکرد سکوت جلسات میان سازمانی، حاشیه‌گزینی کنش میان سازمانی، عدم حق رأی در جلسات میان سازمانی توسعه شهری، ظرفیت مردمی شورا و مشارکت و کنش مردمی، حفظ قدرت، انحصارطلبی عملکرد، منافع شخصی و جناحی، پذیرش درخواست غیرمرتبط با وظایف	۹۲
راه و شهرسازی	ساختار اداری بوروکراتیک، کارگروه‌های کنشی طرح‌های توسعه شهری، تفاهم ابزاری و تسلط برخی اعضا در کارگروه‌ها و کمیسیون‌ها، وابستگی به ساختار سازمانی متمرکز، اجبار و دستورپذیری از سایر سازمان‌ها، برنامه‌پذیری، تقدم و تأخیر سیاست‌های اجرایی، نگرش فنی متمرکز، عملکرد جمعی نسبی، تمرکز بر ابعاد فنی تا اجتماعی، خشک بودن ساختار تهیه و تصویب طرح‌ها، مقررات و ضوابط انعطاف‌ناپذیر، زمان بررسی، تصویب و اجرا، حجم مکاتبات، حجم طرح‌های ورودی، زمان طولانی، ضعف اولویت‌بندی طرح‌ها، اولویت‌بندی اجرا، نگاه جاری و روزمره، نقدپذیری کنشی، رفتار، احترام و تعامل مدیران و کارکنان	۹۳
میراث و گردشگری	ساختار اداری بوروکراتیک، حجم و گستردگی وظایف و منابع ناکافی، وجود کارگروه‌های کنشی، منابع اندک، وابستگی به ساختار سازمانی، بوروکراسی مانع، مکاتبات و ارجاع تغییرات به وزارت، انتخاب سیاسی مدیران، تیم فنی کارشناسان، ساختار عملکردی تخصصی و پویا، ارتباط مداوم با صنعتگران، اصناف و گردشگران، قوانین کنترل و نظارت	۹۰
استانداری و فرمانداری	ساختار اداری با تمرکز بالا، فردگرایی، دخالت در امور دیگر سازمان‌ها به جای نظارت و تسهیلگری، هماهنگ‌سازی دستگاه‌ها، تسهیلگری یکپارچگی عملکرد درونی، حل اختلاف میان سازمانی، انتخاب سیاسی افراد و مدیران، نگاه از بالا، تمرکز قدرت و قدرت‌گرایی، ضعف کنش میان سازمانی، تمرکز بر اجبار و دستور، تداخل عملکرد تخصصی و غیرتخصصی، حجم و گستردگی فراوان کار، تسهیلگری، روابط اداری و رسمی، ضعف سرمایه اجتماعی، اختلافات درون سازمانی، اختیار توأم با وابستگی به مرکز، تنش درون سازمانی، کنش مبتنی بر سیاست ابزاری، تمرکز و واگذاری اختیارات	۸۹
سازمان‌های زیر ساختی (گاز، آب، برق)	فعال بودن در حین وابستگی اداری، ساختار شرکتی مبتنی بر منابع ملی و مردمی، درآمدها و تخصیص زیر ساختی و مشارکت‌های مردمی، تخصص‌گرایی فنی مدیران و کارشناسان، تعامل کنشی مؤثر و فعال، زیرساخت‌های متأثر از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور، تمرکز عملیاتی پروژه‌ها، اولویت‌بندی و به‌روزرسانی، جابه‌جایی فنی مدیران، تأثیرپذیری و تغییرپذیری کمتر از تغییرات سیاسی و اداری، تغییرات و جابه‌جایی مبتنی بر تخصص، ساختار اداری بوروکراتیک متأثر از نظام کلی تمرکزگرا، تعامل فنی و کنش تخصصی میان سازمانی، روحیه کارکنان و مدیران	۹۹
نظام‌مهندسی	ساختار انتخاباتی مبتنی بر تخصص، تأثیرپذیری از ساختار اداری کلان کشور، عملکرد مبتنی بر تخصص، هوشمندسازی ساختار اداری، تأثیرپذیری از شرایط سیاسی و اداری، ارتباط دوستانه مدیران با رقابت‌پذیری آنان. ظرفیت توسعه فن و دانش، به‌روزرسانی مداوم اطلاعات و تخصص، تأثیر پایین از تغییرات مدیریتی کلان منطقه‌ای و کشور، روحیه تعامل و کنش ارتباطی گسترده تخصصی، دستیابی به تفاهم مبتنی بر نظرات تخصصی مباحثه محور، فرایندهای کثرت‌گرا مبتنی بر تخصص تا قدرت	۹۷

۵.۴. عوامل راهبردی کنشگری ارتباطی مدیریت شهری

در نظریه زمینه‌گرا، راهبردها به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارند که هدف آن اداره کردن پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن است (Soleimani et al, 2019: 44). در نظریه استروس و کوربین شرایط زمینه‌ای و شرایط میانجی هر دو بر راهبردها ناظرند و متوجه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی هستند که به تحقق و شکل‌گیری پدیده منجر گردد (Taheri 2018: 159). راهبردها تشدید یا تضعیف‌کننده زمینه هستند (farhangi, 2020: 180). بررسی شرایط راهبردی کنش مدیران شهری در ارتباط با مدیریت پروژه‌های شهری نشان می‌دهد که راهبرد مدیران در برخورد با چالش‌های پروژه‌های شهری به دو بخش پروژه‌های درون سازمانی (اختصاصی) و پروژه‌های مشترک میان سازمانی تقسیم می‌شود که نوع برخورد با هر کدام متفاوت است. در پروژه‌های با عملکرد اداری و هزینه‌ای که تمام امور آن (از تهیه تا اجرا) در انحصار سازمان بوده و مدیریت پروژه نیز از منابع وظرفیت داخلی سازمان است، در مواقع بروز چالش‌های مدیریتی راهبرد جابه‌جایی اعتبار از منابع دیگر، جابه‌جایی افراد، مکاتبه با سازمان‌های بالاتر (مانند وزارت)، انتخاب مشاور، تغییر ساختار پروژه، خود اجرایی (ادامه پروژه به صورت امانی)، برگزاری جلسه هم‌اندیشی در سازمان، رها کردن موقت تا زمان تأمین اعتبار یا حل مشکل، از اولویت خارج کردن و راکد نمودن استفاده می‌گردد؛ البته با توجه به شرایط و اضطرار پروژه نوع اقدام نیز متفاوت است. به عنوان مثال در شرایطی که اجرای پروژه در اولویت و اضطرار بوده و راکد کردن آن منجر به ایجاد اعتراض‌ها و

انتقادهای مدیریتی و اجتماعی می‌شود، مدیران سعی دارند به صورت ویژه و اختصاصی با حل نوع مشکل (مانند تأمین اعتبار، کار امانی، تغییر ابعاد فنی و سبک سازی) پروژه را فعال نمایند. اما در شرایطی که رها کردن پروژه با وجود اولویت تنش‌های اجتماعی و مدیریتی را به دنبال ندارد، ترجیح می‌دهند با تخصیص‌های صورت‌گرفته متناسب با زمان مدیریت را ادامه دهند. آنچه از مقوله‌ها و مفاهیم حاصل از مصاحبه استخراج شد این است که مدیران سطوح مختلف در مرحله ابتدایی کار خود (شروع دوران مدیریتی) فعالیت بیشتری داشته و دائماً با بازدیدهای مکرر سعی در فعال نمودن پروژه‌ها دارند. اما با گذشت زمان و سپری شدن عمر مدیریتی به تدریج از میزان فعالیت کاسته شده و در سیستم هضم می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد تبعیت و اطاعت از دستور مقام بالا بدون در نظر گرفتن سطح کارشناسی دستور و هزینه‌کرد منابع بر اساس دستور به عنوان راهبرد مدیران در پیشبرد پروژه‌هاست. تغییر و تحولات مدیریتی و جابه‌جایی افراد و نیروی انسانی در صورت موفق نبودن سطوح مختلف تهیه تا اجرای پروژه و مقصد دانستن دیگر کارشناسان یا مدیران به عنوان راهبرد توجیهی مدیران شناخته شده، تا با انتقال مسئولیت به دیگری بار فشارهای مدیریتی را کمتر نمایند. در نهایت آنچه به عنوان راهبردهای مدیریت شهر در مواجهه با پروژه‌های مختلف شهری جلوه می‌نماید، راهبردهای مانع انتقال و جابه‌جایی منابع، به تأخیر انداختن، رها کردن، بازبینی کردن، تغییر مدیران زیر مجموعه و گریز مسئولیتی است که در پاره‌ای موارد راهبردهای فعال مشورت، مشارکت و هم‌فکری و کنش مبتنی بر نظرات کارشناسی نیز وجود دارد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: مفاهیم شرایط راهبردی درون و میان سازمانی در سازمان‌های مدیریت شهری زنجان

سازمان	شرایط راهبردی (مفاهیم درون و میان سازمانی)	ضریب تکرارپذیری
شهرداری	واگذاری به صورت امانی، تغییر پیمانکار، تغییر و جابه‌جایی نیروی انسانی، تغییر ابعاد فنی و سبک سازی پروژه، برون سپاری، هم‌فکری در جلسات ستادی، تغییر ردیف‌های بودجه‌ای و جذب منابع، رهاسازی و خارج کردن موقت از اولویت، دوره‌های آموزشی، برگزاری جلسات شورای اداری و فنی و کارگروه‌های بررسی پروژه‌ها، کارگروه‌های مدیریت بحران	۸۴
شورای شهر	تصمیم‌گیری تغییر شهردار، سؤال و استيضاح، ارائه طرح، بررسی و تغییر لوایح قبلی، فشار برای تغییر نیرو	۹۲
راه و شهرسازی	تغییر ابعاد فنی، مکاتبه برای جذب منابع، تغییر ساختار پروژه، رهاسازی، مکاتبه با وزارت یا استانداری برای جذب منابع، جلسه هم‌فکری در ستاد عمران شهری، جلسه درون سازمانی کارشناسی برای اتخاذ تصمیم	۹۴
میراث و گردشگری	مکاتبه با وزارت مرتبط برای تأمین اعتبار و یا طراحی مجدد، درخواست از سازمان‌های دیگر مانند شهرداری برای کمک و مشارکت، تغییر ابعاد فنی، رهاسازی خارج کردن از اولویت یا اضطرار در اولویت قرار دادن، واگذاری به بخش خصوصی، تسهیل موقت شرایط برای بخش خصوصی، هم‌فکری در درون و برگزاری جلسات کارشناسی	۸۹
استانداری و فرمانداری	برگزاری جلسات ستادی در استان با حضور سازمان‌های مختلف، برگزاری شورای تأمین و تصمیم‌گیری در مورد مسئله، برگزاری ستاد عمران و توسعه شهری، ستاد امور اقتصادی، ستاد مسکن و غیره برای بهبود و فعال سازی، درگیر نمودن نمایندگان مجلس برای رایزنی و جذب منابع، مکاتبه و درخواست جذب منابع از مرکز، هماهنگ کردن همکاری و مشارکت بین سازمانی، جابه‌جایی نیرو، برگزاری جلسات کمیسیون ماده ۵ برای جابه‌جایی یا تغییر نقشه‌ها، ابلاغ دستوری به برخی سازمان‌ها برای تأمین اعتبار و تلاش بیشتر، حضور و نظارت‌های میدانی، فعال سازی رسیدگی تخلفات اداری و ابلاغ و اجرای احکام صادره، معرفی تخلفات به مراجع قضایی، برگزاری دوره‌های آموزشی مدیران و کارکنان	۹۶
سازمان‌های زیر ساختی	اولویت‌بندی مجدد و تغییر اولویت، تأمین اعتبار، واگذاری امانی پروژه، برخورد یا قطع همکاری با پیمانکار، جابه‌جایی اعتبار در مواقع بحران و اضطرار، برگزاری جلسات مدیریتی بحران، هم‌فکری با کارشناسان برای حل مشکل، درخواست مشارکت از سایر سازمان‌ها، برون سپاری خدمات، تمرکز آروزی برای حل مشکل و جالش، تشکیل تیم‌های اقدام فوری به صورت شبانه‌روزی، برون سپاری اقدامات اجرایی فوری مانند ترکیدگی، قطع برق، قطع کابل و غیره به تیم پیمانکار مجرب، هماهنگی بین سازمانی هر چند ناقص	۹۸
نظام مهندسی	همکاری در تغییر نقشه‌های مهندسی با حفظ کیفیت و اصول، تغییر هیئت مدیره، برگزاری انتخابات مجدد، واگذاری نقشه‌ها و پروژه‌ها به صورت هوشمند، جلوگیری از ارائه نقشه‌ها به افراد مشخص، عضوگیری مهندسان، الزام نظارت و اظهارها، فعال سازی شورای انتظامی مهندسان، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مهندسان، برگزاری همایش‌های علمی، برگزاری جلسات کنش ارتباطی برای اتخاذ رویه‌های واحد و یکسان عملکردی در حوزه‌های مختلف	۹۶

۵.۵. شرایط پیامدی کنشگری ارتباطی مدیریت شهری

شرایط پیامدی حاصل شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی و راهبردی است که منجر به توسعه یا عدم توسعه می‌شود. این پیامدها ممکن است پیامد مثبت یا فعال و پیامد منفی یا مانع شناخته شوند (Daviran & Ghayebloo, 2024). شرایط پیامدی حاصل از مدل داده‌بنیاد با پارادایم‌های مبتنی بر علل، زمینه، میانجی و راهبرد در مدیریت شهری شهرزنجان نشان می‌دهد که مدیران در سطوح مختلف میانی و بالایی با وابستگی به پست سازمانی، اصولاً کنش و تعامل ارتباطی را معطوف به ساختارهای خشک اداری نموده و منافع سازمانی را در اولویت قرار می‌دهند. این شیوه مدیریت با احساس ترس از دست دادن یا تنزل مسئولیت (پست، مقام)، احساس توبیخ یا زیر سؤال رفتن کامل تر شده و جایگاه مدیریتی را به سطح کنش ابزاری هابرماس (آن هم به طور ناقص) تنزل می‌دهد. پیامدهای ناشی از احساس ترس، حفظ مسئولیت (مقام) تحت هر شرایط، تمرکز بر منافع اختصاصی سازمان به جای منافع عمومی شهر، عدم تمایل به واگذاری اختیار و قدرت، اجبار به انجام پروژه‌های مطابق با دستور مقام بالا، کم‌توجهی به نظرات کارشناسی، غلبه قدرت دستوری بر قدرت کارشناسی، گرفتار کردن تهیه، تصویب و اجرای پروژه‌ها در فرایند اداری طولانی، تمرکز بر قدرت فردی و فردگرایی مدیریتی، امکان تسویه مدیریتی با توجه به شرایط سیاسی و اداری، نقدناپذیری و مشارکت هدایت شده در کنار بوروکراسی مانع منجر می‌گردد که زمان و هزینه‌های اجرای پروژه‌های شهری افزایش، اتلاف و مصرف منابع بیشتر، تغییر مدام اولویت‌های شهری با تغییرات سیاسی، رهاسازی و راکد گذاشتن برخی پروژه‌ها، تمرکز بر پروژه‌های نمایشی به جای تمرکز بر پروژه‌های کیفیت‌بخشی شهری و تمرکز بر عملکردسازی تا واقع‌گرایی را بیشتر نموده و مدیریت شهری را بر روزمرگی دچار نماید. پیامد منفی و مانع دیگر برای مدیریت شهری،

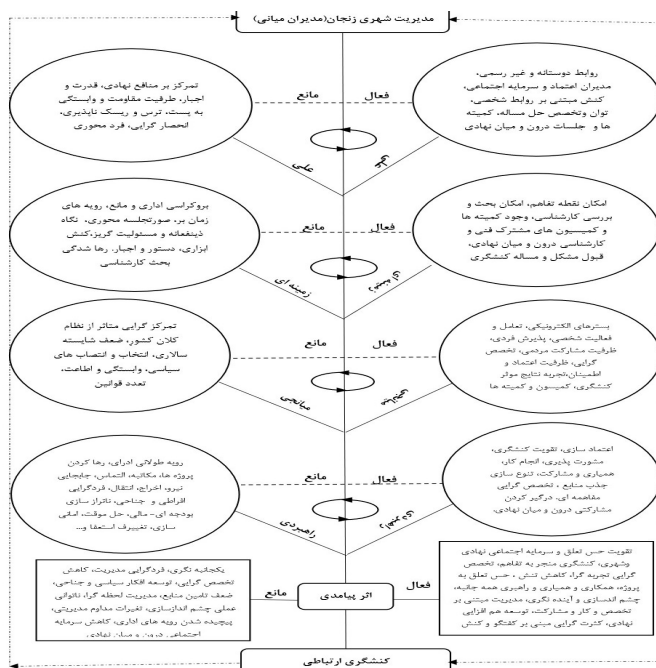
ضعف تدریجی سطح تعامل و ارتباط درون و میان سازمانی است که به عنوان سرمایه اجتماعی سازمانی شناخته می‌شود. کاهش سطح سرمایه اجتماعی در سازمان‌های شهر منجر به شکل‌گیری تمرکزگرایی فردی شده و مدیریت شهری را به جای کثرت‌گرایی و تعامل چندجانبه وابسته به فردگرایی منحصربه‌فرد یا گروه مشخص می‌نماید. در نتیجه پیامد این رویکرد شکل‌گیری شهر برپایه تفکرات فردی یا انحصارگرایی و شکل‌گیری نارضایتی شهروندان است. در سوی دیگر پیامدهای مثبت برگرفته از کنش ارتباطی مدیریت شهری مطرح است که زمان شکل‌گیری در پیشبرد پروژه‌ها نقش مؤثری ایفا نموده است. کنش ارتباطی مدیران شهری شهر زنجان در پروژه‌هایی مانند روگذر امام حسن مجتبی (ع)، بازگشایی معابر شهری، ساخت مسکن مهر و ملی، توسعه زیر ساخت‌های مربوط به شبکه‌های آب و برق، اتصال شبکه‌های اداری به یکدیگر مانند شبکه پیوسته الکترونیکی صدور پروانه و موارد دیگر منجر به تسریع فرایندگرایی پروژه‌ها شده و رضایت شهروندان را به دنبال داشته است. اذعان مدیران شهری به تعامل و تفاهم چندسویه به‌دوراز هرگونه انحصارطلبی، بیان آزادانه و کارشناسی نظرات در جلسات مدیریتی، ارتباط معقول و هدف‌دار، نگاه چندجانبه‌گرایی مدیریت‌های بالاتر، ایجاد حس اعتماد و اطمینان بین مدیریت‌ها به‌دوراز هرگونه اجبار و دستور منجر شد که عقلانیت ارتباطی جایگزین عقلانیت ابزاری شده، ضمن تسریع فرایند اجرای پروژه‌های شهری، رضایت شهروندان را نیز به دنبال داشته باشد. پیامد شکل‌گیری کنش ارتباطی مؤثر بین مدیران شهری را می‌توان در توسعه کیفی برخی نقاط شهر مانند مجموعه سبزه‌میدان، پیاده‌راه، بازگشایی خیابان زینبیه، تکمیل شبکه فاضلاب، کاهش زمان بررسی درخواست‌های تغییرات طرح تفصیلی، اجرای فعال طرح‌های مسکن ملی، تقویت و اصلاح شبکه برق شهری مشاهده نمود (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: شرایط پیامدی مانع و فعال کنشگری ارتباطی مدیریت شهری زنجان

شرایط پیامدی مانع	ضریب تکرار (درصد)	شرایط پیامدی فعال (ظرفیت تحقق)	ضریب تکرار (درصد)
کاهش سرمایه اجتماعی، اعتماد و اطمینان درون سازمانی، کاهش رضایت شهروندان، افزایش فساد اداری، بروز تخلفات اداری پنهان، مقاومت انجام کار یا سستی انجام آن، کاهش انگیزه کاری، بروز تنش‌های درون سازمانی و میان سازمانی، قائم به فرد شدن تصمیمات و افزایش ضریب خطای تصمیمات مدیریتی، روزمره شدن امور، شکل‌گیری انحصارطلبی، شکل‌گیری جنبش‌ها و اعتراضات مردمی، کاهش سطح پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، کاهش بهره‌وری کاری و افزایش رویه‌های اداری، غیرفعال شدن پروژه‌ها، کاهش منابع و جذب اعتبار، تغییرات مداوم مدیریتی، رقابت بر سر مقام، مقاومت در پذیرش دیدگاه‌های کارشناسی، دستورپذیری، کاهش انگیزه کاری، ترس از کار و انجام امور، افزایش بوروکراسی اداری و رویه‌های کار، محافظه‌کار شدن مدیران، تلاش برای حفظ مقام و پست، نگاه مستمر به چالش‌های سیاسی و اداری کشور و کاهش تمرکز کاری، کاهش جلسات کارشناسی و همبستگی اجتماعی کار، کاهش اعتماد مردم، بروز تنش‌ها و اجتماعات اعتراضی انتقادی مردمی، عدم انتخاب مجدد، روزمره شدن امور و چالش تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه شهری، چالش آینده‌نگری و سیاست‌گذاری توسعه، باز شدن و گسترش پرونده‌های تخلفات اداری	۹۶	شکل‌گیری حس اعتماد کاری، ایجاد تفاهم و تعامل چندجانبه، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اداری، توسعه کنش اجتماعی و رفتاری بین مدیران و کارشناسان، شکل‌گیری احترام به کارشناسان و تخصص‌گرایی در مدیریت شهری، حل و همکاری هم‌افزایانه چالش‌ها و بحران‌های شهری، تلاش مدیران برای یادگرفتن، آموزش و به‌روزرسانی فنی و تخصصی نیروی زیر مجموعه، کاهش تغییرات مدیریتی، کاهش حجم و رویه‌های اداری و اجرایی برنامه‌های توسعه شهری، حرکت چشم‌انداز محور توسعه شهری، کاهش برنامه‌های نمایشی و افزایش کیفیت زندگی مردم، ایجاد رضایت واقعی شهروندان، تفاهم کارشناسی در اجرای پروژه‌ها، کثرت‌گرایی مبتنی بر دانش و تخصص تا قدرت و تقابل، توسعه سرمایه اجتماعی مدیران و کارکنان، شکل رویه‌های کاری فعال و پویا، یکپارچه‌سازی عملکرد مدیریت پروژه‌ها با حفظ استقلال سازمانی، تسهیل‌گر شدن سازمان‌های نظارتی به جای دخالت‌کردن آنها	۱۰۰

باتوجه به شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی و راهبردی منجر به شرایط پیامدی می‌توان مدل پارادایمی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی

هابرماس در ساختار مدیریت شهری زنجان را به شرح درخت‌واره زیر ترسیم نمود:



تصویر شماره ۲: مدل پارادایمی کنشگری ارتباطی مدیریت شهری زنجان

۶. نتیجه گیری

اثر نظریه کنش ارتباطی هابرماس در توسعه ذهنی است که بازخورد آن درک بهتر نحوه تعاملات انسانی و فرایندهای اجتماعی در مدیریت شهری است. ساختار برون‌دادی این نظریه مبتنی بر گفت وگو و توافق در فرایند کار است. مدیریت شهری با به کارگیری ابعاد مثبت این نظریه می‌تواند پروژه‌های شهری را در زمان تهیه، تصویب و اجرا با هم‌فکری و تفاهم چندجانبه درون و میان سازمانی اجرا نموده و هم‌افزایانه مدیریت شهری را پایدار نماید. مطالعه زمینه‌گر نقش کنشگری ارتباطی مبتنی بر نظریه هابرماس در مدیران میانی سازمان‌های تأثیرگذار بر توسعه شهری زنجان نشان داد که ساختار مدیریتی شهر در سازمان‌های مختلف در مقیاس درون و میان سازمانی بیشتر انحصارطلب بوده و کنشگری ابزاری مدنظر است. تمرکز بر منافع سازمانی، عدم تمایل به واگذاری قدرت و اختیار، کنشگری مبتنی بر دستور و اجبار در عین حال جابه‌جایی ناشی از تغییرات سیاسی و اداری در بستر تمرکزگرای مدیریت مقیاس کلان (کشور) منجر می‌شود مدیریت شهری توسعه شهری را منطبق بر خواست نه‌نیاز دنبال نموده و در مسیر اجرای پروژه‌های شهری با چالش‌های متعدد مانند کمبود منابع، تأمین هزینه‌ها، مشکلات فنی، پیش‌بینی‌ها و زمان‌بندی، اتلاف و مصرف منابع و تنش‌های میان سازمانی مواجه شده و حل مشکل را در جابه‌جایی نیرو، مکاتبه با سازمان‌های بالاتر، درخواست منابع، استعفا، اخراج و توبیخ، تغییر ابعاد فنی، جابه‌جایی اعتبار از موارد ضروری دیگر، به‌هم‌ریختن نظام بودجه‌ریزی و ناترازی آن و بسیاری از موارد دیگر شود. از طرف دیگر با وجود بوروکراسی مانع موجود در نظام اداری کلان کشور که تأثیرگذار بر نظام اداری خرد نیز است،

منجر گردیده فرایند تهیه و تصویب و اجرای پروژه‌های شهری طولانی شده و مدیران شهری نیز در ساختار اداری موجود نتوانند چالش‌ها را بهتر حل نمایند. باین حال در سویه محدود دیگر در سازمان‌هایی که مدیران آن ابتدا در تعامل با مدیران و کارکنان سطوح پایین خود، راهبرد کنشگری ارتباطی مدیریت تهیه و اجرای پروژه‌ها را انتخاب کرده‌اند با ایجاد اعتماد، اطمینان، مشارکت و حس تعلق سازمانی توانسته‌اند چالش‌های ناشی از نظام بوروکراتیک، ابعاد فنی، تأمین و مصرف منابع مورد نیاز را به حداقل رسانده و با مشارکت و تفاهم درون سازمانی پروژه‌های مستقل را مدیریت بهینه نمایند. این سازمان‌ها با بهره‌گیری از همین تعامل در بعد مدیریت پروژه‌های چندجانبه و مشترک میان سازمانی نیز موفق عمل نموده و با استفاده از روابط مبتنی بر تفاهم چندجانبه به‌دوراز انحصار، نفوذ و قدرت موفق عمل نمایند. یافته‌های حاصل از مدل نشان می‌دهد دستگاه‌های زیر ساختی در چنین مواردی موفقیت بیشتری داشته‌اند. نتایج مدل چرخه‌ای زمینه‌گر با به کارگیری شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردی در کاربست کنشگری ارتباطی مدیریت شهری زنجان نشان می‌دهد که در شرایط علی تمرکز بر منافع و قدرت سازمانی، انحصارگرایی و فردگرایی بیشترین تأثیر منفی و در روابط دوستانه، توان و تخصص نیروها، روابط شخصی درون و میان سازمانی مناسب بیشترین تأثیر فعال (مثبت) را داشته است. بوروکراسی اداری مانع، رویه‌های زمان‌بر، رهاشدگی و دست‌ورگرایی از جمله شرایط زمینه‌ای منفی و امکان بحث و بررسی، وجود بستر کنشی مانند کارگروه‌ها، کمیسیون‌های تخصصی، قبول کنشگری توسط مدیران از جمله شرایط مثبت زمینه‌ای است. ضعف شایسته‌سالاری، تغییرات و جابه‌جایی سیاسی مدیران، وابستگی و

اطمینان مدیران به پژوهشگر، در بیان شفاف دیدگاه های انتقادی از وضعیت موجود، ترس از درز دیدگاه ها و اندیشه ها توسط مدیران به مدیران بالاتر و امکان برخورد مدیریتی، محدودیت زمان مصاحبه ها به دلیل تراکم و شرایط کاری مدیران، تغییر مدام زمان مصاحبه ها به دلیل شرایط کاری مدیران و جلسات ناخواسته آنان، محافظه کاری مدیریت ها در ارتباط با سایر مدیریت ها به ویژه مدیران بالاتر از خود می توان اشاره کرد که نیاز است پژوهشگر در ابتدا اعتمادسازی لازم را انجام داده و در فضایی دوستانه گردآوری اطلاعات را انجام دهد. نیاز است پژوهشگر هماهنگی لازم را با ساختار مدیریتی با رویکرد ارتباط کنشگرانه انجام دهد تا همکاری لازم صورت پذیرد. انجام مصاحبه در فضای غیررسمی بازخوردهای بهتری را می تواند داشته باشد.

اطاعت، تعدد قوانین و تکرارپذیری آنان از موانع میانجی بوده که با بسترهای الکترونیکی، ظرفیت مشارکت مردمی، نتایج و تجربه های کنشگری برخی سازمان ها، میانجی های فعال شکل می گیرد. رهاکردن، ناترازسازی نظام بودجه ای، جابه جایی مداوم مدیران و نیروها، حل موقت مسئله فردگرایی افراطی از راهبردهای مانع در مدیریتی پروژه های شهری است که در طرق مقابل آن اعتمادسازی، همیاری و مشارکت، تقویت کنشگری، روحیه تعامل و تفاهم، متنوع سازی منابع در بستر کنش به عنوان راهبردهای کنشی مثبت شناخته شده است. یافته های پژوهش حاضر با پژوهش های پیشین با تشابه مفهومی نشان می دهد که رویکرد کنش ارتباطی رویکردی برگرفته از قدرت نامتمرکز و توزیع قدرت در لایه های مختلف مدیریتی است که به کارگیری آن در ابعاد مختلف برنامه ریزی (شهری) نتایج مشابه را به دنبال دارد. بررسی نتایج این پژوهش با پژوهش های پیشین نشان دهنده اشتراک ساختاری اثر رویکرد ارتباطی در برنامه ریزی پایدار شهری و نقش کنش برگرفته از نظام مبتنی بر توزیع قدرت و ارتباط مبتنی بر آزادی و صراحت در پایداری ساختارهای مختلف شهری است. تفاوت اصلی این پژوهش با پژوهش دیگر، دستیابی به مفاهیم و مقوله های زمینه ای است که عوامل فعال و غیر فعال تأثیر گذار بر کنش ارتباطی مدیریت شهری در پیشبرد برنامه های توسعه شهری را مشهود نموده است. با این توصیف در نتیجه شرایط بیان شده ارزیابی کنشگری ارتباطی در مدیریت شهری شهر زنجان نشان می دهد که اثر پیامدی مانع، یک جانبه نگری، فردگرایی، کاهش تخصص گرایی، افت حس تعلق کاری، افت اعتماد و اطمینان و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی سازمانی، مدیریت لحظه گرا و منطبق بر حل موقت و بروز نارضایتی شهروندان را داشته است. در سوی دیگری پیاده سازی کنشگری ارتباطی در برخی مدیریت ها منجر به ایجاد حس تعلق و افزایش سرمایه اجتماعی مدیران و کارکنان شده و با توسعه هم افزا و کثرت گرایی مبتنی بر تفاهم کنشی، چالش های مدیریت و اجرای پروژه های شهری را کاهش داده است. این پژوهش نشان داد که رویکرد علمی مبتنی بر نظریه کنشی هابرماس با تعدیل ساختارهای آن با توجه به شرایط بومی کشور می تواند به عنوان نظریه ای مؤثر جایگزین رویکرد فعلی تهیه، اجرا و مدیریت طرح های شهری شده و در تعامل چند سویه پایداری شهری را سبب ساز شود. در این راستا پیشنهاد می شود با توجه به گستردگی سازمان های شهری، اقدامات و برنامه های توسعه شهر در ابعاد مختلف جغرافیایی و مدیریتی پژوهش های بیشتری صورت پذیرد. با این حال برای توسعه رویکرد کنشگری ارتباطی پیش نهادهای کلی برای این است: توسعه تخصصی رویکرد کنشی در نظام آموزش و پژوهش دانشگاهی، برگزاری دوره های آموزشی چندجانبه برای تبیین منافع و اثرات کنش ارتباطی برای مدیران و کارشناسان، تعریف پروژه های مشترک با بستر تسهیلگری مبتنی بر کنش اجتماعی برای مدیران و کارشناسان، راه اندازی شبکه های اجتماعی مجازی برای کنش ارتباطی بین مدیران، حذف رویه های اداری زائد در مقیاس کلان و رویه های غیر کارآمد منحصر در برخی سازمان ها و ایجاد روحیه تعامل میان نهادهای مبتنی بر کنش ارتباطی.

این پژوهش به مانند اکثر پژوهش ها دارای محدودیت های اجرایی و عملیاتی بوده است که از جمله آنها می توان به ضعف اعتماد و

References:

- Azdanloo, Hamid. (2007). Introduction to the Basic Concepts of Sociology. First Edition, Tehran, Ney. [in Persian]
- Azghandi, S A & Hosseini, S R. (2016). Investigating the Position of Criticism in the Iranian Political Sphere Based on Habermas' Theory of Communicative Action. Political Studies, 8(32), 1-20. [in Persian]
- Campbell, H., Marshall, R. (2002). Utilitarianism's Bad Breath? A Re-evaluation of Public Interest Justification for Planning, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi, 1(2), pp. 163-187.
- Daviran, A & Ghayebloo, S.(2024). Studying the Revival of Handicrafts in the Local Urban Economy (Case Study: Mesgarha Street, Zanjan City). Urban Economics and Planning, 5(3), 106-122. <https://doi.org/10.22034/uep.2024.472013.1526> [in Persian]
- Daviran, E. (2018). Integrated Urban Management in Iran. First edition, Arshadhan Publications: Tehran. [in Persian]
- Dehghanan, H; Afjeh, S.A; Soltani, M & Javaherizadeh, E. (2018). The Grounded Theory Model in the Talent Management Process. Human Resource Management Research, 10(4), 185-217. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.82548002.1397.10.4.8.7> [in Persian]
- farhangi, A. A. , abadi, M. R. and aghayan, S. (2020). Knowledge sharing in social networks Developing a paradigmatic model based on grounded theory. Cultural Studies & Communication, 16(59), 155-185. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2019.36692> [in Persian]
- Greg, Ch and D.W. Williams .2007. "How Political Support Influences ,Red Tape through Developmental Culture", Policy Studies Journal, 35(3): 419-436.
- Habermas, J. (1979). Communication and the Evolution of Society, Boston, Beacon Press.
- Habermas, J. (1996). Between facts and norms: Contributions to a Discourse Theory of Law and Democracy. Cambridge, MA: MIT Press.
- Habermas, J. (2005). Theory of Communicative Action. Translated by Kamal Polladi, first edition, Tehran, Iran Press. [in Persian]
- Harris, N. (2008). Participatory Planning: From Theoretical Foundations to Practical Forms. Published in the collection of articles on the Future of Planning, edited by Philip Almandinger and Mark Theodore Jones, translated by Aref Aqomei Moghadam, Azarakhsh Publications, Tehran. [in Persian]
- Healey, P. (1997). Collaborative Planning: shaping places in fragmented societies. Macmillan Press, London. London and New York.
- Hillier, J. (2003). Shadows of Power : An Allegory of Prudence in Land-use Planning. Taylor & Francis Routledge.
- Istgaldi, M. , Shokouhi, M. A. , Rahnama, M. R. and Mirkatouli, J. (2015). Communicative Action as a Basis for Realization of Citizen Participation in Urban Development Process (Case Study: City of Gorgan). Geographical Urban Planning Research (GUPR), 3(3), 263-283. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2015.55883> [in Persian]
- Jalaeipour, H & Mohammadi, J. (2015). Recent Theories of Sociology. Ney Publishing: Tehran. [in Persian]
- Jamshidirad, M & Mohammadi, J.(2024). The mediating role of indigenous culture and communicative action in the impact of the restorative justice approach on resolving regional conflicts. Police Cultural Studies 4(10), 25-34. <https://www.doi.org/10.22034/jpcs.2024.1277373.1290> [in Persian]
- kavoshnia, h; Bandarabad, A & modiri, A. (2018). Dialectical arenas (components and indicators of place formation in urban areas from the perspective of critical theory). URBAN MANAGEMENT, 16(49), 151-170. [in Persian]
- Kotnis, B. 2004. "Enabling bureaucracies in education: A case study of formalization in an urban district and schools", dissertation for the degree of doctoral philosophy, Faculty of the graduate school of the state university of New York at Buffalo.
- Larsen, H. (2020). Theorizing public libraries as public spheres in library and information Science, In book: Sustainable Digital Communities, 15th International Conference, iConference 2020, Borås, Sweden, March 23-26, 2020, Proceedings (pp.564-570). http://dx.doi.org/10.1007/978-3-030-43687-2_46
- Lashgari Tafreshi, E.(2021). The explanation the Conceptual Turn of Sovereignty Towards Communication Governance in Poststructuralist Political Geography. GeoRes, 36 (1) :87-97. <http://georesearch.ir/article-1-972-fa.html> [in Persian]
- Mahdavi, M & Mobaraki, M. (2006). Philosophical Analysis of Habermas' Theory of Communicative Action. Quarterly Journal of Social Sciences. 2(8), 21-1. [in Persian]
- Mattila, H. (2019). Habermas revisited: Resurrecting

- the contested roots of communicative planning theory. *Progress in Planning*, 141, 1-22. <http://dx.doi.org/10.1016/j.progress.2019.04.001>
- Mohseni Tabrizi, A. (2016). *Qualitative Research Method in Interpretive Schools*. First Edition, Tehran: Ettlaat Publishing. [in Persian]
 - nouri, M. (2021). A Critique of Foundations of Habermas's Theory of Communicative Action. *Shinakht (A Persian Word Means Knowledge)*, 13(2), 245-265. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20087322.1399.13.2.12.4> [in Persian]
 - Nourikarder, M.; Zahedi, S & Nazemi, M. (2018). Analysing & checking the role Of Communicative planning in the upgrade of urban development as a novel approach in Iran. Case sample: Sohrabiye neighbourhood in Karaj. *Journal title*, 16 (49) :117-132. [in Persian]
 - Rezaii, H. and Dorakhshah, J. (2021). The Concept of Public Good and the Political Thought of Jürgen Habermas. *POLITICAL QUARTERLY*, 51(1), 153-179. <https://doi.org/10.22059/jpq.2021.316293.1007726> [in Persian]
 - Saghafi asl, A. (2019). Presentation a model for Iran urban design projects implementation based on Foucault and Habermas theories. *Motaleate Shahri*, 8(30), 69-84. 10.34785/J011.2019.796 [in Persian]
 - Seidman, S. (2013). *Contested knowledge: Social theory today*. 5th Edition, Publisher :Wiley, John & Sons, Incorporated.
 - Shekari, MR; Navah, A; Hashemi, I & KohiRoatami, M. (2022). Designing a conceptual model of public libraries as community centers based on the public sphere theory of Jürgen Habermas. *Research on Information Science and Public Libraries*, 28 (4) :420-44. <http://dx.doi.org/10.52547/publi.28.4.420> [in Persian]
 - Sohrabi Iraj and Skafi, Maryam. (2014). Habermas's Integrated Theory. *Cultural and Social Knowledge*, 6(2), 64-78. [in Persian]
 - soleimani, E. , Amin biedokhti, A. A. , najafi, M. and KARAMI, M. (2019). Designing the Pattern of Learning Transfer to Work Environment in Human Resource Development Programs. *Journal of Research in Educational Systems*, 13(44), 37-51. <https://doi.org/10.22034/jiera.2019.164438.1756> [in Persian]
 - Strauss, A & Corbin, J. (2013). *Fundamentals of Qualitative Research*. Translated by: Ebrahim Afshar, Tehran: Nay Publishing House. [in Persian]
 - Strauss, A., & Corbin, J. (2013). *Principles of qualitative research method: basic theory, procedures and methods*. Translated by Beyuk Mohammadi, first edition, Tehran: Publications of Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies
 - Taheri bonchenari, R. , Aghajani Mersa, H. and Kaldi, A. (2018). An exploration of Divorce and its Origins and Consequences in Tehran, 2016. *Journal of Social Problems of Iran*, 9(2), 139-164. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2018.68623> [in Persian]
 - Torahani, H & Partovi, P. (2017). *Public Interest Analysis in Communication Planning Theory*. International Congress of Interdisciplinary Studies in Basic Sciences and Engineering. Organizer: Scientific Association of Innovators: Tehran. [in Persian]
 - Westin, M. (2021). The framing of power in communicative planning theory: Analyzing the work of John Forester, Patsy Healey and Judith Innes. *Journal of the Planning Theory*, 21(2), 132-154. <http://dx.doi.org/10.1177/14730952211043219>

نحوه ارجاع به مقاله:

دویران، علیرضا (۱۴۰۳)، کنشگری ارتباطی در مدیریت پروژه‌های شهری؛ نمونه مورد مطالعه: مدیریت شهری زنجان، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۴)، ۳۵-۴۸. [10.22034/urbs.2024.142281.5089](https://doi.org/10.22034/urbs.2024.142281.5089)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل کیفی پایداری اجتماعی مسکن مهر شهر جدید گلستان ارومیه، حاشیه‌نشینی نو

افشار کبیری^۱ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
جواد جهانگیرزاده - استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۷ مهر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۰۲ دی ۱۴۰۳

چکیده

رشد فزاینده جمعیت شهری در کشور در چند دهه گذشته، کمبود مسکن را به مسئله اصلی جامعه شهری بدل کرده است. طرح مسکن مهر به عنوان یک سیاست اجتماعی در حوزه مسکن با هدف تأمین مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد جامعه شهری و کنترل قیمت مسکن در دهه گذشته اجرا شد. نتیجه آن شکل‌گیری مجتمع‌های مسکونی همگون به لحاظ کالبدی - فیزیکی ولی ناهمگون به لحاظ فرهنگی و ناپایدار از نظر اجتماعی است. این پژوهش با هدف تحلیل کیفی پایداری اجتماعی در مسکن مهر شهر جدید گلستان ارومیه براساس راهبرد استفهامی - تحلیلی طراحی شد. روش اجرای تحقیق با توجه به ماهیت روش، کیفی از نوع مردم‌نگاری است، ابزار و تکنیک گردآوری اطلاعات، مصاحبه و مشاهدات مستقیم پژوهشگر بوده است. جامعه آماری پژوهش ساکنان مسکن مهر شهر جدید گلستان بوده که با توجه به ماهیت پژوهش، ۲۲ نفر از مدیران و ساکنان مجتمع‌های مسکونی به شیوه نمونه‌گیری هدفمند براساس معیار اشباع نظری به عنوان نمونه آماری تعیین گردید. بعد از انجام مصاحبه و گردآوری اطلاعات، تحلیل محتوای مصاحبه، مفاهیم و مقولات با ارجاع به دیدگاه امیک (چگونگی تفکر مردم بومی) پاسخگویان و برداشت اتیک (توصیفی از باور یک تحلیلگر اجتماعی) مبتنی بر مشاهدات و دانش تئوریک محقق، مستندسازی و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش حاکی از وضعیت ناپایداری اجتماعی در ابعاد ضعف هویت محله‌ای، ضعف سرمایه اجتماعی، تمرکز فقر، احساس طرد و نابرابری اجتماعی، ضعف فرهنگ آپارتمان‌نشینی، جدایی‌گزینی فضایی، عدم تجانس فرهنگی و احساس نارضایتی از کیفیت زندگی با وجود صاحب مسکن شدن در بین پاسخگویان است که تداوم چنین وضعیتی این شهر را به گتوی فقرا و حاشیه‌نشینی مدرن تبدیل خواهد کرد.

واژگان کلیدی: پایداری اجتماعی، مسکن مهر، شهر جدید گلستان، تمرکز فقر، حاشیه‌نشینی مدرن.

نکات برجسته

- رشد فزاینده جمعیت شهری در چند دهه گذشته، کمبود مسکن را به مسئله اصلی جامعه شهری بدل کرده است.
- طرح مسکن مهر به عنوان یک سیاست اجتماعی حمایتی با هدف تأمین مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد جامعه شهری و کنترل قیمت مسکن در دهه گذشته اجرا شد.
- اجرای این طرح با وجود بهبود نسبی وضعیت مسکن منجر به شکل‌گیری مجتمع‌های مسکونی همگون به لحاظ کالبدی - فیزیکی ولی ناهمگون به لحاظ فرهنگی و ناپایدار از نظر اجتماعی است.
- بی توجهی به مسئله ناپایداری اجتماعی در این مجتمع‌های مسکونی و تداوم چنین وضعیتی، شهر جدید گلستان را به گتوی فقر و حاشیه‌نشینی مدرن تبدیل خواهد کرد.

۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر، مسکن و سرپناه مناسب است که نوع بشر براساس شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی دوره تاریخی خود بدان پاسخ داده است. تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما همزمان در خانه و مسکن بهم گره خورده‌اند، چنانکه مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نیست، بلکه الزامات و اقتضائات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل نموده و در عین حال تمام اجزا و عناصر فرهنگ یعنی مذهب، جهان‌شناسی، هنرها، علم، تکنولوژی، اقتصاد، سیاست، اسطوره‌ها و زیباشناسی همه و همه با مسکن درآمیخته‌اند. چنین است که شیوه‌های معیشتی و زیستی گوناگون مانند شیوه‌های دامپروری، کشاورزی و صنعتی هرکدام الگوی سکونت خاص خود را به وجود آورده‌اند. روستا و شهر هر یک نماینده نوعی نظام مسکن‌گزینی و مسکن‌سازی انسان و در عین حال نظام‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوتند. زندگی کوچ زیستی و عشایری که همچنان موجود است نیز نوعی متمایز از نظام سکنی‌گزینی و سکونت متناسب با محیط طبیعی و نظام اجتماعی عشیره‌ای، کوچ زیستی و دامپروری به وجود آورده‌است (Fazeli, 2016: 10). مردم ایران در قرون متمادی با توجه به گستردگی و وسعت کشور و ویژگی‌های فرهنگی خاص همواره در خانه‌های یک طبقه و دارای حیاطی وسیع منطبق بر ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی زندگی می‌کرده‌اند. به همین دلیل در درون خانه در کمال راحتی و آسایش به سر می‌بردند. تأکید بر اهمیت خانواده، تأکید بر خلوت و حریم خانواده، تأکید بر روابط با همسایگان و بستگان، کارکردهای اساسی خانواده در بازتولید فرهنگی و تربیت اجتماعی نسل، تداوم و پیوند نسل، تأکید بر درون خانه تا بیرون در تمامی جوانب اعم از معماری و فرهنگی-اجتماعی از ویژگی‌های این نوع خانه بود (Ruholamini, 1375: 16).

خارج شدن خانه‌ها از فضایی که وسعت و اجزای آن امروزه برای نسل جدید کمتر در تخیل می‌گنجد و تبدیل شدن آنها به خانه‌هایی در ابعاد کوچک‌تر، به گونه‌ای که هر خانه روی خانه‌ای دیگر بنا شده، مدلی از زندگی را در خانه‌هایی به نام آپارتمان به وجود آورده‌است. مدلی که زندگی در آن برخلاف زندگی در خانه‌های حیاط‌دار و بزرگ، تابع قواعد و قانون خاص خودش است. امروزه شاهد اماکن مسکونی به شکل مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی هستیم؛ به صورتی که روز به روز بر تعداد این بناهای طبقاتی بلند مرتبه افزوده می‌گردد.

این وضعیت خود مولود مجموعه‌ای از تغییرات ساختاری خاص بوده که به تدریج باعث ایجاد تغییر در معماری ساختمان‌ها، فضاهای شهری، فرهنگ شهرنشینی و اجتماع و رفتارهای روانی و روان‌شناسی اجتماعی شهروندان شده‌است. رشد فزاینده جمعیت شهری در کشور در چند دهه گذشته به دلیل افزایش طبیعی جمعیت و مهاجرت از روستا به شهر، کمبود مسکن را به مسئله اصلی جامعه شهری تبدیل کرده‌است. از سوی دیگر با افزایش قیمت مسکن، چشم‌انداز دستیابی به مسکن ملکی هر روز کمتر و حتی دستیابی به مسکن استیجاری ارزان قیمت نیز به شکل مسئله اجتماعی-اقتصادی غیرقابل حل درآمده‌است (Ahri and Amini, 1996). به دلیل نبود سیاست مناسب دولتی و ناتوانی مردم در تأمین هزینه‌های ساخت مسکن انفرادی، به تأمین و خرید مسکن آپارتمانی از مسکن ساخت بخش خصوصی

و انبوه‌سازان روی آورده‌اند، اما عدم کفایت بخش خصوصی در تأمین مسکن مخصوصاً برای گروه‌های کم‌درآمد به وضوح نمایان است؛ زیرا این بخش فقط برای کسانی مسکن تهیه می‌کند که از قدرت خرید بالایی برخوردار هستند (Pourmohammadi, 2014). به دلیل کمبود شدید مسکن شهری و فقدان یک سیاست متمرکز مناسب از سوی دولت‌ها و مدیریت شهری، در اکثر شهرهای بزرگ مسئله حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی با تراکم بسیار بالا شکل گرفته‌است.

دولت‌ها ناچارند در راستای رفع مشکل مسکن و جلوگیری از گسترش پدیده حاشیه‌نشینی، سیاست‌های معوق مختلفی را در قالب برنامه‌های تأمین مسکن اجرا کنند که از آن جمله می‌توان به سیاست‌های نوسازی بافت فرسوده و بازآفرینی شهری، آماده‌سازی زمین، مسکن اجتماعی، مسکن استیجاری، مسکن مهر، نهضت ملی مسکن، سیاست‌های حقوقی و سیاست‌های مالی حمایتی برای انبوه‌سازان و تولیدکنندگان مسکن برای خانوارهای فاقد مسکن اشاره کرد. در این راستا طرح مسکن مهر به عنوان یک سیاست اجتماعی در حوزه مسکن با هدف تأمین مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم‌درآمد جامعه و کنترل قیمت مسکن به اجرا درآمد. شهرک گل‌مان به عنوان یک ابر پروژه مسکن‌سازی در مرکز استان آذربایجان غربی با اجرای طرح مسکن مهر پایه‌گذاری شد و با اجرای طرح نهضت ملی مسکن به عنوان شهر جدید گل‌مان ارتقا یافت. این شهر در حال حاضر با بیش از ۱۰ هزار نفر جمعیت در قالب سه هزار و ۳۵۰ خانوار در مساحت ۲۱ هزار و ۱۰۰ هکتاری در ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه به دریاچه ارومیه واقع شده‌است (General Directorate of Roads and Urban Development, West Azerbaijan Province, 1403).

مبانی عمده این طرح، مداخله دولت در توزیع هدفمند منابع برای اجرای عدالت اجتماعی از طریق پایین آوردن قیمت تمام شده مسکن با حذف قیمت زمین از هزینه‌های ساخت مسکن بود. براساس شاخص‌های تورم قیمت مسکن، شاید در نگاه خوش بینانه به لحاظ اقتصادی توانسته باشد به اهداف پیش بینی شده دست یابد و قشری از جامعه را صاحب مسکن نموده که با معادلات اقتصادی روز به هیچ وجه امکان صاحب مسکن شدن آنها توسط خودشان نبوده‌است. اما زمین‌های واگذار شده به مسکن مهر عمدتاً در خارج از شهر یا حاشیه شهرها قرار گرفتند که اجرای این طرح با وجود بهبود نسبی بُعد فیزیکی و کالبدی مسکن شهری برای بخشی از گروه‌های کم‌درآمد جامعه، به دلیل غفلت از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مکانیابی و اسکان افراد با خاستگاه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت باعث شکل‌گیری یک مسئله اجتماعی جدید به عنوان ناپایداری اجتماعی در مسکن مهر شده که به شکل نارضایتی، آسیب‌ها، چالش‌ها و مشکلات اجتماعی خود را نشان می‌دهد. هدف این پژوهش تحلیل و ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی در شهر جدید گل‌مان است. بر این اساس سؤال پژوهش به این شکل فرموله شده‌است: ساکنان در شهر جدید گل‌مان چه درک و تفسیری از سکونت در مسکن آپارتمانی مهر و صاحب مسکن شدن دارند؟ و چه درک و تفسیری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی سکونت در شهر جدید گل‌مان دارند؟

۲. چارچوب نظری

مسکن در معنای سنتی و حداقلی یک مکان فیزیکی است و به عنوان سرپناه نیاز اولیه و اساسی خانوار به حساب می آید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می شود (Pourmohammadi, 2014: 3). مفهوم مسکن در معنای جدید و حداکثری علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی مشتمل بر کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای به زیستن خانواده و طرح های اشتغال، آموزش، گذران اوقات فراغت و بهداشت افراد را نیز دربرمی گیرد (Mokhber, 1983: 17). بنابراین در نگاه جدید، مسکن مناسب به مسکنی اطلاق می شود که اسباب آسایش افراد را فراهم کند و موجب آرامش انسان باشد. مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرف فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای به زیستن انسان را شامل می شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد (Babaei, 2014: 2 and Ghorbanpour, 2014: 3). در دومین اجلاس اسکان بشر (1996) نیز مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی مناسب، امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است که همه این موارد باید باتوجه به استطاعت مردم تأمین شود» (Pourmohammadi, Ibid).

در این راستا از ابتدای قرن بیست و یکم، نگاه به مسکن و برنامه ریزی شهری صرفاً به ابعاد کالبدی- فیزیکی، زیست- محیطی و یا اقتصادی محدود نشد و پایداری اجتماعی مسکن به عنوان یک جزء اساسی و شرط لازم برای توسعه پایدار مورد توجه ویژه سیاستمداران، جامعه شناسان و برنامه ریزان شهری قرار گرفت. براساس این رویکرد، مسکن با کیفیت شرط لازم و نه کافی برای پایداری اجتماعی است و مسکن یکی از نیازهای اساسی رفاه است. کیفیت پایین مسکن ممکن است اثرات نامطلوبی بر سلامت، کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی داشته باشد. به لحاظ مفهومی از منظر پایداری اجتماعی، کارکرد اصلی مسکن علاوه بر نقش آن به عنوان سرپناه، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای خانواده به منظور تحقق فعالیت های خانوادگی است (Pourmohammadi, Ibid: 6).

مروری نظام مند بر تحقیقات تجربی در حوزه پایداری اجتماعی مسکن مهر حاکی از بی توجهی به ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی، رضایت نسبی از بُعد اقتصادی مسکن، بی توجهی به فضای سبز، عدم رعایت حریم خصوصی در ساخت مسکن مهر، معماری نامناسب داخلی و بیرونی، نارضایتی ساکنان به دلیل عدم دسترسی مناسب به کاربری های مورد نیاز تجاری، سلامت و درمان، آموزشی، انتظامی، فرهنگی و فراغت، موفقیت نسبی در دسترسی به اهداف کالبدی و اقتصادی در ساخت مسکن مهر، عدم موفقیت در دسترسی به اهداف اجتماعی و زیست محیطی است (Beiranvand, 2014: 3).

Pour Saadat, Bahmani, 2015; Rabiei and Ranjbar Fallah, 2011; Rezaei, et al., 2021; Pir Babaei, et al., 2019; Ajnd, 2014, 2019; (Malkootinia, et al., 2021).

عدم توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی و روان شناختی مسکن، عدم توجه به فضای تعاملات و برخورد های اجتماعی، بی توجهی به شاخص های پایداری اجتماعی، احساس ناامنی اجتماعی، ضعف احساس تعلق به مکان و احساس ضعیف در تعلق به قلمروی اجتماعی تمرکز فقر در مجتمع های مسکن مهر، شکل گیری محلات خاص، حاشیه نشینی، عدم توجه به پایداری اجتماعی، شکل گیری بستر جرم و جنایت، کاهش تعاملات و کنش متقابل اجتماعی افراد (Haji Rahimi, 2013; Daripour, 2013; Esfandiari and Babaei Aghdam, 2014) از جمله نتایج مطالعات جامعه شناختی در خصوص مسکن مهر بوده است.

پیشینه پژوهشی درباره پایداری اجتماعی در مسکن مهر و مسکن گروه های کم برخوردار را می توان از دو منظر روشی و نظری جمع بندی کرد: نخست پژوهش درباره مسئله مسکن مهر و مسکن گروه های کم درآمد شهری در دهه اخیر موضوع بررسی در قالب مقالات و پایان نامه ها با رویکرد کالبدی و فیزیکی بوده و شاید به صورت پراکنده به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی مسکن مهر پرداخته اند ولی هیچ کدام به مسئله پایداری اجتماعی در مسکن مهر پرداختند. دوم باوجود طرح مفهوم پایداری اجتماعی در حوزه مسکن از ابتدای قرن بیست و یکم، بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد مسکن مهر فاقد یک رویکرد نظری یا چارچوب مفهومی مشخصی هستند؛ بنابراین این پژوهش با به کارگیری مفهوم پایداری اجتماعی مسیر جدیدی در حوزه مطالعات جامعه شناختی مسکن مهر بازگشایی نموده است. سوم اکثر تحقیقات انجام شده با رویکرد کمی و با رویکرد سنتی کالبدی- فیزیکی به آسیب شناسی مسئله مسکن مهر و مسکن گروه های کم برخوردار پرداخته است. این پژوهش با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و با روش مردم نگارانه به بر ساخت پایداری اجتماعی در مسکن مهر از منظر ساکنان پرداخته است.

پایداری اجتماعی یک مفهوم چندبعدی است که تعیین مرزهای آن و تعریف دقیق معنای پایداری اجتماعی پیچیده است و اجماع عمومی در تعاریف آن مشاهده نمی شود (Colantonio, 2009: 6; Marta, 2020). باوجود فهم فازی و چندبُعدی بودن موضوع، گستردگی و در عین حال پیچیدگی آن می توان پایداری اجتماعی را با بهبود شرایط زندگی و فرایندی برای دسترسی جوامع به بالاترین سطح کیفیت زندگی در جامعه معادل دانست. به زبان ساده پایداری اجتماعی، مفهومی را بیان می کند که در آن افراد و جوامع محلی امکان لذت بردن از زندگی اجتماعی سالم و رضایت بخش را داشته و از تبعیض، ترس، جرم و رفتار غیر اجتماعی رها هستند. عدالت، شأن و احترام مفاهیمی هستند که در ارتباط با توزیع فراگیر کالاهای غیرمادی و رفاه در جوامع قرار می گیرد. مفاهیم مرتبط با پایداری اجتماعی عبارتند از: رضایت از زندگی، احساس امنیت، تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و ایجاد فرصت های برابر برای تمام گروه ها (Atkins, 2007: 5).

تین و همکارانش پایداری اجتماعی را شامل چهار معیار اصلی عدالت،

همبستگی، مشارکت و امنیت اجتماعی معرفی کرده‌اند (Thin & et al., 2002). گاتس ولی در سال 2005 در تبیین پایداری اجتماعی برتوجه به نیازهای اساسی، مانند مسکن و درآمد و ظرفیت‌های فردی از جمله فرصت‌های شغلی متنوع و امکانات و برنامه‌های تفریحی، فرهنگی و اوقات فراغت مناسب با حداقل هزینه و ظرفیت‌های اجتماعی همچون احساس هویت جمعی، مشارکت و وجود مکان‌هایی به منظور برگزاری فعالیت‌های هنری و اجتماعی به منظور توسعه سازمان‌های اجتماعی و تقویت تعادل بین آنها تأکید دارند (Eizenberg, E. & Janareen, 2017). از دیدگاه گرایسلر و لیتیگ پایداری اجتماعی همان کیفیت جوامع و ماهیت روابط اجتماعی و به نوعی نشان دهنده روابط درونی جامعه است (Griesler & Littig, 2005). براملی و همکارانش دو بُعد اصلی را برای مفهوم پایداری اجتماعی در نظر گرفته‌اند: نخست عدالت اجتماعی و دیگری زیست پذیری جامعه. مفهوم عدالت اجتماعی شامل توزیع عادلانه منابع در جامعه و امکان دسترسی عادلانه به شغل، مسکن و خدمات محلی است و بعد دوم زیست‌پذیری و عملکرد جامعه به عنوان یک نهاد جمعی بر ساخت شده تأکید دارد. آنها همچنین پایداری اجتماعی را بر جنبه‌های مختلفی از جامعه و زندگی محله از جمله: تعامل اجتماعی، مشارکت، حس تعلق مکانی، ثبات جامعه و احساس امنیت وابسته می‌دانند (Bramley et al., 2006). مطالعات کولانتونیو نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی ترکیبی از اصول سنتی اجتماعی از قبیل نیازهای اولیه و اساسی (مسکن و بهداشت)، اشتغال، آموزش، برابری و عدالت اجتماعی و مفاهیم جدیدی مانند هویت، حس مکان، خوشبختی، رفاه و کیفیت زندگی است (Colantonio, 2008, 2009). گلاسون و وود مفهوم پایداری اجتماعی را با ابعاد شبکه‌های اجتماعی، مشارکت، حس مکان و احساس امنیت، سنجش و اندازه‌گیری کرده‌اند (Glasson and Wood, 2009: 284). وینگتنر و مبرگ پایداری اجتماعی را با شاخص‌های دسترسی (اشتغال، فضای باز، خدمات محلی)، سرمایه اجتماعی، بهداشت و بهزیستی، انسجام اجتماعی، امنیت (شامل عینی و ذهنی)، توزیع عادلانه اشتغال و درآمد، مشارکت محلی، میراث فرهنگی، آموزش، مسکن و ثبات جامعه، ارتباط و حرکت (عابر پیاده، حمل و نقل مناسب)، عدالت اجتماعی (درون و بین نسلی)، حس مکان و تعلق معرفی کرده‌اند (Weingaertner and Moberg, 2011: 5). مورفی در تحقیق خود پایداری اجتماعی را دارای چهار رکن اصلی می‌داند که عبارتند از: عدالت، مشارکت، آگاهی و همبستگی اجتماعی (Murphy, 2012). جانسن، دامان و ورداس در مطالعات خود پایداری اجتماعی را به معنای تثبیت و تداوم کیفیت زندگی اجتماعی به عنوان «حفظ یا بهبود رفاه مردم در این نسل و نسل‌های آینده» تعریف کرده‌اند (Janssen and Daamen & Verdass, 2021).

۳. روش تحقیق

باتوجه به پیچیدگی مفهوم پایداری اجتماعی، هر محقق سعی دارد با تکیه بر ترجیحات معرفت‌شناختی خود، چارچوبی مفهومی را برای توضیح آن فراهم سازد. بی تردید هر یک از رویکردهای نظری انتخابی، نقاط قوت و ضعف خود را دارند. از آنجا که پایداری اجتماعی یک برساخت اجتماعی است و موجودیتی عینی، یکپارچه

و یک شکل به نام پایداری اجتماعی وجود ندارد، در کار کیفی آنچه اهمیت می‌یابد دیدگاه سوژه و درک و تصور سوژه از دنیای اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. در تحقیق حاضر از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است. براساس رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، باتوجه به خلاق بودن ماهیت انسان و نیز سیال بودن واقعیت اجتماعی، نمی‌توان مسیر و روش خاصی برای درک واقعیت اجتماعی پیشنهاد کرد (Blaikie, 2007). رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی با تأکید بر بینش برساخت‌گرایانه اجتماعی بر این باور است که کنشگران اجتماعی نقش اصلی در ساخت و بازسازی زندگی اجتماعی خود ایفا کرده و به گونه‌ای بازاندیشانه و آگاهانه در برابر محیط و تغییرات آن اندیشیده و عمل می‌کنند. مطابق فهم جامعه‌شناختی تفسیری یا تفسیرگرایی اجتماعی، رفتارهای انسان نه در خلأ بلکه در زمینه و بستر فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند. معانی تولید شده وابسته به بستر بوده و در درون آن معناداری شوند و ما را در فهم رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی کمک می‌کنند.

مطالعه حاضر براساس راهبرد استقهامی - تحلیلی طراحی شده است. نقطه آغاز در این راهبرد جهان اجتماعی کنشگران اجتماعی است؛ نحوه بر ساختن واقعیت نزد آنها، روش مفهوم سازی و معنا بخشیدن آنها به جهان اجتماعی‌شان و معرفت ضمنی و ناآشکار آنهاست (Ibid., 2014). روش اصلی انجام تحقیق باتوجه به ماهیت آن روش کیفی از نوع مردم‌نگاری است. «مردم‌نگاری به مجموعه‌ای از فرایندهای گوناگون گردآوری داده‌ها و اطلاعات گفته می‌شود که برای توصیف یک موضوع یا پدیده در محیط طبیعی آن به کار می‌رود (Newman, 2006)». ابزار و تکنیک گردآوری اطلاعات و داده‌های مصاحبه با مدیران مجتمع‌های مسکونی و ساکنان مسکن مهر شهر جدید گلستان نیز مشاهدات مستقیم پژوهشگر بوده است. جامعه آماری پژوهش، مدیران و ساکنان مجتمع آپارتمانی مسکن مهر شهر جدید گلستان بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای تعیین حجم نمونه باتوجه به ماهیت پژوهش، نمونه‌گیری به لحاظ نظری استفاده شده است که با مراجعه به مجتمع‌های مسکونی شهر جدید گلستان براساس معیار اشباع نظری ۲۲ نفر تعیین گردید. واحد تحلیل و واحد مشاهده پژوهش، ساکنان در مجتمع‌های آپارتمانی مسکن مهر شهر جدید گلستان بوده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات با استفاده از شیوه تحلیل محتوای کیفی امیک ابتدا سازماندهی و طبقه‌بندی شدند و سپس براساس راهبرد استقهام و با کاربرد تحلیل محتوای مصاحبه، مفاهیم و مقولات با ارجاع به دیدگاه امیک پاسخگویان و برداشت اتیک مشاهدات محقق و دانش‌تئوریک محقق، مستندسازی و تحلیل شدند و در نهایت باتوجه به مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج، الگوی نظری مبتنی بر داده‌ها و مقوله‌ها و مفاهیم اصلی ترسیم گردید. اطلاعات جمعیت‌شناختی ۲۲ نفر از ساکنان شهر جدید گلستان که مورد مصاحبه قرار گرفتند به شرح جدول شماره ۱ است. از ۲۲ نفر مشارکت‌کننده در مصاحبه، شش نفر دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی بودند و ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای مدارک دیپلم و زیر دیپلم بودند. دامنه سنی آنها نیز بین ۲۰ تا ۵۲ سال در نوسان بود. از نظر وضع فعالیت، ۹ نفر شاغل پاره‌وقت و ۱۳ نفر شاغل تمام وقت بودند. تعداد مورد از افراد شرکت‌کننده در مصاحبه متأهل و سه نفر مطلقه بودند.

جدول شماره ۱: مشخصات مصاحبه شوندگان

کد	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	تاهل
۱	۳۰	مرد	دیپلم	آزاد	متاهل
۲	۲۹	مرد	ابتدایی	کارگر	متاهل
۳	۴۲	مرد	ابتدایی	آزاد	متاهل
۴	۴۷	مرد	ابتدایی	آزاد	متاهل
۵	۳۹	مرد	ابتدایی	کارگر	متاهل
۶	۲۹	مرد	لیسانس	کارمند	متاهل
۷	۳۰	مرد	لیسانس	کارمند	مطلقه
۸	۳۷	مرد	دیپلم	آزاد	متاهل
۹	۴۹	مرد	دیپلم	آزاد	متاهل
۱۰	۲۸	مرد	دیپلم	آزاد	متاهل
۱۱	۳۲	مرد	سیکل	کارگر	متاهل
۱۲	۴۸	مرد	ابتدایی	کارگر	متاهل
۱۳	۳۹	زن	دیپلم	کارمند	متاهل
۱۴	۲۶	مرد	سیکل	آزاد	مطلقه
۱۵	۳۵	مرد	ابتدایی	آزاد	متاهل
۱۶	۳۹	مرد	بیسواد	کارگر	متاهل
۱۷	۳۷	زن	بیسواد	خانه دار	متاهل
۱۸	۴۳	مرد	ابتدایی	کارگر	متاهل
۱۹	۵۲	مرد	فوق دیپلم	کارمند	متاهل
۲۰	۳۷	مرد	لیسانس	کارمند	متاهل
۲۱	۳۸	زن	فوق لیسانس	کارمند	مطلقه
۲۲	۴۶	مرد	لیسانس	کارمند	متاهل

بحث و یافته‌ها

محتوای مصاحبه‌ها و رفت و برگشت بین مشاهدات و دانش نظری پژوهشگر و تکمیل تحلیل آمیک حاصل از مصاحبه‌ها با تحلیل اتیک ناشی از مشاهدات و دانش نظری پژوهشگر، یافته‌ها در قالب مقولات هسته‌ای و مفاهیم مرکزی به صورت زیر استخراج، تحلیل و صورت بندی شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

پس از انجام مصاحبه‌ها و مشاهدات تکمیلی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، با دقت مطالعه شده و طی چند مرحله کدگذاری انجام شد. از آنجا که حجم مصاحبه‌ها و جملات و عبارات مصاحبه شوندگان زیاد بود، از گفتن این داده‌ها در اینجا صرف نظر می‌کنیم و تنها مقولات استخراج شده از آنها را در عبارات مختصر بیان می‌کنیم. برای تحلیل

جدول شماره ۲: کدگذاری و مقوله بندی داده‌های تحقیق

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مضامین فراوانی ^۱	تعداد مشارکت کنندگان ^۲
مشکلات کالبدی و فیزیکی	عدم دسترسی به امکانات شهری، عدم دسترسی به ادارات دولتی، عدم برخورداری از اماکن تفریحی، عدم برخورداری از مراکز بهداشتی و درمانی، عدم دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی، عدم برخورداری از خدمات رفاهی، نبود مراکز آموزشی	۷	۱۴
خلأ هنجاری	عدم استفاده درست و مناسب از قسمت‌های مشاع و مشترک، عدم پرداخت هزینه‌های مشترک، عدم احترام به حقوق همسایگان، رعایت نکردن قوانین و مقررات مربوط به آپارتمان نشینی	۴	۱۱
جدایی گزینی فضایی	احساس حاشیه نشینی و دوری از مرکز شهر، احساس زندگی در جزیره مشکلات، عدم تماس نسبی با سایر گروه‌ها و قشرهای شهری، مکانیابی نادرست مسکن مهر	۴	۸
احساس طرد اجتماعی	تبعیض در ساخت مسکن مهر، نابرابری در توزیع امکانات، تشدید احساس فقر و محرومیت، بی عدالتی در تخصیص امکانات، ایجاد احساس فقر و تفاوت با دیگران، القای حس پابین شهری	۶	۱۰
عدم تجانس فرهنگی	تفاوت قومی و مذهبی در بین ساکنان، تعارض فرهنگی متعدد، ساکنان مهاجرت کننده از روستا، غلبه خرده فرهنگ روستایی، وجود تنوع قومی و فرهنگی بالا	۵	۷
ضعف هویت محله‌ای	نداشتن بافت شهری، نداشتن حس هویت شهری، ضعف فرهنگ محلی، فقدان احساس سازمان یافتگی شهری، عدم احساس تعلق به مکان، ضعف کنترل اجتماعی، فقدان ساختار محله‌ای، وجود نگاه منفی به ساکنان	۸	۸
ضعف سرمایه اجتماعی	کاهش همبستگی بین ساکنان، وجود احساس بی تفاوتی اجتماعی، فقدان مشارکت، کاهش روابط متقابل، کاهش اعتماد و امنیت اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی، ضعف روابط همسایگی	۷	۹
مشکلات سازمانی	عدم همکاری بین تعاونی با مردم، عدم پیگیری مشکلات توسط سازمان‌های متولی، بی برنامه گی تعاونی‌ها در مراحل مختلف، عدم پاسخگو بودن تعاونی‌ها، نداشتن تخصص در پیمانکاران، بی توجهی به مشکلات ساکنان از سوی مسئولان	۶	۱۵
تمرکز فقر	نا توانی در پرداخت هزینه‌های ساخت مسکن، سطح پایین تحصیلات، مشاغل پایین با پاره وقت، ساکنان مهاجر، ساکنان از روی ناچاری در مساکن مهر، عدم امکان فروش مسکن به دلیل نبود متقاضی، بیکاری بالا	۷	۱۲
آسیب‌های اجتماعی	نزاع و درگیری، اختلافات ملکی، سرقت، مفاسد اخلاقی، اسکان مهاجران متخلف، اختلافات خانوادگی و طلاق	۴	۷

۱. تعداد مضامین پایه مرتبط با هر کدام از مضامین سازمان دهنده که نشان دهنده اهمیت و محوریت مضمون سازمان دهنده در میان دیگر مضامین است.

۲. تعداد مشارکت کنندگانی که به مضامین پایه مرتبط با هر مضمون سازمان دهنده در مصاحبه اشاره نموده اند که نشان دهنده اهمیت مضمون نزد مشارکت کنندگان است.

۴٫۱. مشکلات کالبدی و فیزیکی و کمبود فضای بازی و فراغت

شهرنشینی همواره پدیده‌ای است که خود را با تجمع و تراکم جمعیتی متبلور می‌سازد، اما میزان فراوانی و به‌ویژه ترکیب جمعیتی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در وضعیت شهرها بر جای می‌گذارد. بازنمایی عدم رضایت ساکنان از اطلاع‌رسانی برای ثبت‌نام، انتخاب پیمانکاران، نظارت بر مراحل ساخت و کیفیت مصالح ساخت مسکن مهر و بی‌توجهی به محوطه‌سازی و معابر و نبود زیرساخت‌ها تا مسائل بعد از سکونت در مجتمع‌ها بود که بیشترین میزان نارضایتی مربوط به عدم تحویل به‌موقع و صداقت پیمانکار و رهاشدگی بعد از تحویل ناقص واحدها بوده است. با توجه به فحواصی صحبت ساکنان و مصاحبه شوندگان به‌طور متوسط حدود هشت سال در انتظار تحویل مسکن بوده‌اند. مشاهدات محقق و نیز مصاحبه‌های عمیق همه نشان می‌دهند با این که پاسخگویان صاحب‌خانه شدند، اما از مراحل بعدی اجرایی مسکن مهر در شهر جدید گل‌مان رضایت ندارند.

«یکی از شهروندان بیان داشتند که سال‌ها پیش کلنگ ساخت مسکن مهر شهرک گل‌مان در ۱۵ کیلومتری ارومیه بر زمین زده شد و مردم برای ثبت‌نام صف کشیدند تا با کمترین هزینه، مالک بهترین امکانات باشند. همان زمان زمین هم از سوی مسئولان وقت به تعاونی‌ها تحویل داده شد اما پس از مدتی عنوان شد افراد حاضر در این تعاونی‌ها هیچ تخصصی در خانه‌سازی نداشته‌اند و مسئولیت ساخت صدها خانه را به عهده گرفته‌اند. چند سال پس از آغاز ساخت این شهرک، برخی اعضا به مکانیابی نادرست این پروژه اعتراض کردند. حاصل چنین اقدامات و تصمیمات نادرستی امروز دردی است که ساکنان مسکن مهر بر دوش می‌کشند. با وجود پیگیری‌های فراوان، هیچ مسئولی پاسخگوی این مشکلات نیست.»

«یکی از مصاحبه شوندگان که آقای ۴۷ ساله ساکن مجتمع گل رز مسکن مهر است، می‌گوید جایی برای همفکری و مشورت نداریم و معمولاً در پارکینگ جمع می‌شویم.... اهالی شهر جدید گل‌مان در ارومیه با مشکلات عدیده و غیرقابل‌کنمانی دست و پنجه نرم می‌کنند که حل این مشکلات نیازمند عزم جدی مسئولان در راستای تأمین اعتبارات است. شهر جدید گل‌مان که فقط نام شهر را یدک می‌کشد، به‌علت ضعف‌های مدیریتی مردم را دچار مشکلات عدیده‌ای کرده که متأسفانه تاکنون تدبیر اساسی و چشمگیری برای حل مشکلات این شهر انجام نگرفته است.»

«گل‌مان نه امکانات شهر را دارد و نه در قالب روستا می‌توان مطرح کرد، اما این مسئله فقط یک روی ماجراست، چالش اصلی زمانی پیش می‌آید که مردم این شهر از نبود کمترین حق خود برای زندگی رنج می‌برند و تا این لحظه با وجود پیگیری مکرر از سوی فعالان فضای مجازی و انعکاس صدای مردم این شهر دستگاه‌های متولی همچنان منفعل بوده‌اند. کمبود امکانات زیرساختی، نبود فضای سبز، وجود بیش از حد سگ‌های ولگرد، تخلیه نخاله‌های ساختمانی، عدم رسیدگی به‌موقع به وضعیت پسماند شهر و جاده منتهی به این شهر که به قتلگاه در مرکز استان معروف است، تنها بخشی از گلایه اهالی این شهر است.»

۴٫۲. جرایم و آسیب‌های اجتماعی

در شهر جدید گل‌مان که شکل‌گیری آن با ساخت مسکن مهر آغاز شده با جا دادن انبوهی از جمعیت انسانی با تنوع فرهنگی بالا، در فضای اندک شهرک‌های عمومی، پیامدهای منفی متعددی بر شهروندان تحمیل کرده است که می‌تواند تولید رفتار مجرمانه از جمله این پیامدهای منفی باشد. در کنار تراکم بالای جمعیتی در مسکن مهر، بالا بودن هرم سن جوانان در میان جمعیت انبوه ساکن در مسکن مهر شهر جدید گل‌مان، دوری محل کار اغلب والدین و عدم توانایی در کنترل رفتار فرزندان، وجود زمین‌های غیرآباد و نقاط کور فراوان در اکثر محوطه‌های مسکن مهر، موجب تسهیل پاتوق نوجوانان و برقراری رابطه آزاد و ارتکاب اعمال خلاف عفت و اخلاق عمومی می‌گردد. فقدان مراقبت کافی از فرزندان به‌علت تجمع شدید واحدهای مسکونی مهر و فراوانی جمعیت در آن، آزادی عمل زیاد اطفال در امر ارتباط همسالان، مهاجر بودن همه ساکنان مجتمع‌های مسکونی به‌دلیل جدید بودن و... باعث می‌شود که تعداد بزهکاران جوان در این مجموعه‌ها بیشتر از دیگر نواحی مسکونی باشد.

این امر علاوه بر افزایش خطر ایجاد هم‌نشینی‌های بد و عواقب احتمالی آن از جمله یادگیری‌های مجرمانه، تقلید پذیری و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مجرمانه، باعث دوری اعضای خانواده از یکدیگر شده و نقش مهم خانواده در پیشگیری از تمایل افراد به جرم و انحراف را با چالش روبه‌رو خواهد کرد؛ بنابراین توده‌ای از جمعیت غالباً جوان که از لحاظ سواد و وضعیت اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند، در یک محیط بدون هیچ‌گونه امکانات رفاهی و حمایتی در حاشیه شهرها و نقاط اغلب دورافتاده رها شده‌اند که مجموع این شرایط می‌تواند آسیب‌های اجتماعی، انحرافات و سرانجام جرائم را در این مناطق افزایش دهد.

۴٫۳. خلأ هنجاری و ضعف آشنایی با فرهنگ آپارتمان‌نشینی

فرهنگ آپارتمان‌نشینی شامل استفاده درست و مناسب از قسمت‌های مشاع و مشترک و پرداخت هزینه‌های مشترک مربوط به آنها، احترام به حقوق همسایگان، رعایت مقررات مربوط به آپارتمان‌نشینی و تمام مواردی است که باعث می‌شود زندگی صلح آمیزی در کنار آدم‌هایی که تنها به‌اندازه یک دیوار با آنها فاصله داریم، داشته باشیم. چرا که هر چه تعداد آپارتمان‌ها افزایش می‌یابد، فرهنگ آپارتمان‌نشینی متناسب با آن رشد نمی‌کند. در حال حاضر بخش زیادی از ساکنان شهر جدید گل‌مان در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی ساکن هستند ولی تنها تعداد اندکی از آنها از قوانین آپارتمان‌نشینی خبر دارند و از این رو است که گاهی اوقات شاهد اختلاف و شکایت‌هایی هستیم و این گونه اختلافات تا حدودی جزو فرهنگ آپارتمان‌نشینی‌ها شده است.

«عدم توجه به فرهنگ اقشار ساکن و خواسته‌های آنها، از نکاتی است که در محوطه‌های مسکن مهر مشهود است. در مکانیابی ساختمان‌های ساخته شده این شهر مشکلات عدیده‌ای در رابطه با مسائل فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. بلوک‌های ساختمانی در

وضعیت و فاصله‌ای نسبت به هم قرار دارند که اگر برای مثال یکی از همسایه‌ها پنجره خود را بگشاید، دید او، بدون هیچ واسطه‌ای در مقابل پنجره‌های بلوک مجاور و درون آپارتمان روبه‌رو قرار می‌گیرد و این خود می‌تواند مسائل شهری و اجتماعی و فرهنگی بسیاری را سبب شود».

«یکی از ساکنان مجتمع رُزدر صحبت‌هایش اشاره می‌کند که مدیریت مجتمع ضعیف است. در این مجتمع‌ها هر روز با یک آیین‌نامه و بخشنامه جدید در خصوص سکونت در بلوک روبه‌رو هستیم. البته این قوانین هم هیچ تأثیری در نظم و انضباط بلوک ندارد و هرکسی هر طور دلش می‌خواهد رفتار می‌کند. درگیری ساکنان با مدیر مجتمع سر موضوعات نظافت، مشاعات و پارکینگ از جمله مواردی هست که هر روز اینجا دیده می‌شود. برخی مواقع کار تا درگیری و پاسگاه هم کشیده می‌شود».

۴.۴. تفکیک و جدایی‌گزینی فضایی

جدایی‌گزینی فضایی به معنای تمایل ارادی و اجباری اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی به جدایی‌فیزیکی از یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی است (Afrogh, 1996: 243).

«مالکان مسکن مهر گلستان ارومیه با توجه به بضاعت پایین خود پیش از آماده‌سازی زیرساخت‌ها از جمله جاده مناسب، مدرسه و مراکز خرید و فضای سبز به واحدها نقل مکان کردند اما هنوز با گذشت سال‌ها زیرساخت و خدمات شهری مناسب برای این شهر جدید فراهم نشده است».

«یکی از مصاحبه‌شوندگان که از ساکنان اولیه این شهر بودند، در بیان مسائل و مشکلات مسکن مهر شهر جدید گلستان بیان داشتند که ساکنان مسکن مهر گلستان از امکانات اولیه زندگی برخوردار نیستند. در ادامه افزودند که زندگی در گلستان را تا کسی تجربه نکند نمی‌تواند درکی از آن داشته‌باشد. ساکنان این شهر مانند افرادی در جزیره دورافتاده هستند که به حال خود رها شده‌اند که مشخص نیست چه زمانی قرار است به مشکلات رسیدگی شود».

در جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در پروژه مجتمع‌های مسکن مهر در شهر جدید گلستان شاهد جدایی‌گزینی مضاعف هستیم: یک سطح با «جدایی‌گزینی مکانی» یا فاصله‌فیزیکی مسکن مهر شهر جدید گلستان که با گذشت زمان به «جدایی‌گزینی اجتماعی» ساکنان مسکن مهر این شهر جدید به دلیل برجسب اجتماعی منفی مسکن مهر نیز می‌انجامد. بدین سان که ساکنان مسکن مهر با زندگی در محدوده معین با قرار گرفتن عمدتاً در حاشیه شهر و عدم تماس نسبی با سایر گروه‌ها و قشرهای شهری، حاکمیت فاصله اجتماعی میان خود و سایر اقشار جامعه را سبب می‌شوند و شهر را به قطعاتی تقسیم می‌کنند که هر قطعه با قطعه دیگر به علل فاصله‌فیزیکی و فاصله اجتماعی جدا شده‌اند. هر چه هجوم اکولوژیکی در این مناطق بیشتر باشد، جدایی‌گزینی اکولوژیکی نیز بیشتر خواهد شد و مناطقی که این خانه‌سازی‌ها در آن صورت گرفته از طرف خانه‌هایی هستند که به پایگاه اجتماعی- اقتصادی همسان تعلق دارند.

۴.۵. تمرکز فقر

«یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (خانم ۳۹ ساله ساکن مجتمع لاله مسکن مهر) معتقد است به آنچه برایشان وعده داده شده بود، درست عمل نشده است. مثلاً تعاونی‌ها مقدار اقساط را این قدر نگفته بودند و مقرر شده بود دولت با ۲۵ میلیون پرداختی از مالکان و وام ۴۵ میلیونی واحدها را تمام کند و تحویل دهد ولی با پرداختی بیشتر و قسط بندی قبل از تحویل واحدها و همچنین تحویل واحدها با کلی نواقص انجام شد که این موضوع بخش کوچکی از مشکلات ماست. اگر مشکلات را بگویم بایستی ساعت‌ها وقت شما را بگیرم. در مجموع فکر می‌کنم سیاست مسکن مهر به درستی اجرا نشد و حمایت لازم از ما نمی‌شود. فکر می‌کنم دولت ما را فراموش کرده و با این که در شهرک زندگی می‌کنیم، از شهر جدا افتاده‌ایم... و احساس می‌کنم از طبقات پایین و فقیر شهری شمرده شده‌ایم».

در اکثر مجتمع‌های مسکن مهر حدود ۹۰ درصد از ساکنان به لحاظ اقتصادی فقیر یا خیلی فقیرند و نرخ اشتغال پایین و نرخ بیکاری در این مناطق بالاست و اکثر ساکنان در مشاغل موقت و ناپایدار شاغل هستند. این نگرانی در مورد مسکن مهر شهر جدید گلستان هم دیده می‌شود و در آینده‌ای نزدیک امکان تبدیل مسکن مهر به «گتوی فقر و جرم گلستان» وجود دارد و این دستاورد منفی کاملاً با اهداف و برنامه‌های دولت نهم و دهم برای احداث واحدهای مسکن مهر مغایر است و به نوعی نقض غرض است. با ادامه این روند در مسکن مهر و به سبب عدم توجه به تعمیرات ضروری ساختمان و باتوجه به عدم پیش‌بینی مسئولیت در قانون برای متولیان اولیه مسکن مهر در قبال هزینه‌های جاری، این مجتمع‌ها رفته رفته رو به ویرانی می‌روند. از این رو عده‌ای از خانواده‌ها مجبور می‌شوند خانه‌ها را تخلیه کرده و به نقاط دیگر شهر بروند که آزاد شدن امکان فروش و اجاره این واحدها این جریان را تسهیل کرده است؛ با توجه به این که خانه‌های مخروبه و ویرانه معمولاً بهترین پناهگاه برای افرادی است که سعی دارند دور از کنترل قانون به سر برند.

۴.۶. احساس طرد اجتماعی و محرومیت نسبی

از دیگر مسائلی که باعث این بی‌تفاوتی و عدم پیوستگی اجتماعی در ساکنان شده‌است، عدم توزیع برابر امکانات بین مسکن‌های وابسته به نهادها و اصناف مختلف است. به عنوان نمونه می‌توان به بلوک‌های ساختمانی متعلق به کارکنان برخی نهادها و ادارات اشاره کرد که از نظر کیفیت مصالح ساختمان و فضا سازی در سطحی غیرقابل مقایسه با سایر ساختمان‌ها بوده و تمامی زیرساخت‌ها و امکاناتی هم که وعده ساخت آن داده شده، در اطراف ساختمان‌های مسکن مهر متعلق به این ادارات و نهادهاست. این مسئله باعث خشم بسیاری از ساکنان و گسترش عدوات بین آنها شده‌است. این تبعیض تا آنجا ریشه دوانیده است که برخی از ساکنان مسکن مهر از اصطلاح «بالای شهر، پایین شهر» برای توصیف این نابرابری‌های اجتماعی در مسکن مهر استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد به نوعی در همین ابتدای سکونتشان و شکل‌گیری شهر جدید گلستان دچار

«یکی از مصاحبه شوندگان که از ساکنان مجتمع یأس بودند بیان داشتند که با سکونت در مسکن مهر از طرف همسایگان بیشتر مورد آزار و اذیت هستیم، همسایه‌ها از لحاظ فرهنگی (قومی، مذهبی،...) متفاوت هستند».

بیشتر ساکنان مسکن مهر شهر جدید گلستان را افراد غیربومی و مهاجران از روستاها و شهرهای کوچک استان تشکیل می‌دهند. درمجموع از ۲۲ خانوار مصاحبه شونده، ۱۴ خانواده متعلق به روستاهای استان و ۵ خانواده از استان‌های دیگر به مسکن مهر گلستان مهاجرت کردند و تنها سه خانواده از مدت‌ها پیش در شهر ارومیه ساکن بوده‌اند.

ساکنان مسکن مهر عمدتاً از مهاجران روستاها، محلات پایین و فقیر شهری و شهرهای کوچک با فرهنگ‌های متفاوت هستند. جمع شدن افراد با آداب و رسوم گوناگون در فضای کم مجتمع‌ها و تراکم بالای جمعیتی در عین شکل‌گیری خرده فرهنگ فقر، باعث ایجاد مطلق‌گرایی فرهنگی نیز می‌شود. این تنوع فرهنگی به دلیل تأکید بر خصیصه‌های فرهنگی خود نیز غالباً سبب ایجاد اصطکاک میان افراد یک مجتمع مسکونی می‌گردد. به طوری که افراد، عملکردهای یکدیگر را مطلوب نمی‌دانند و عدم درک متقابل باعث می‌شود، حل مشکلات به وجود آمده با مصالحه و گفت‌وگو امکان‌پذیر نباشد. بنابراین در بسیاری از موارد اختلافاتی در مجتمع‌های مسکونی مهر بین ساکنان رخ خواهد داد که از تنوع فرهنگی نشأت می‌گیرد و خود می‌تواند باعث بروز نوعی ناهنجاری به نام «تضاد فرهنگی» شود.

۴.۸. ضعف هویت محله‌ای

دوری از بدنه اصلی شهر و تجمع عده‌ای از مردم با خاستگاه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت بدون هیچ شناخت و پیوندی نسبت به سایر اعضای مجتمع به نوعی سبب از هم گسیختگی و بی هویتی ساکنان می‌شود و به دلیل این که افراد شناختی نسبت به همدیگر ندارند، دچار نوعی احساس بی‌سازمانی شخصیتی و اجتماعی می‌شوند. کاهش همبستگی‌های اجتماعی و احساس بی‌تفاوتی اجتماعی، از ویژگی‌های اساسی زندگی شهری امروزی محسوب می‌شود. عواملی چون تغییر در فضای کالبدی و ساختمانی شهرها، انهدام بافت سنتی و نیز نهادینه نشدن ساختار جدید، کاهش تعلق و پیوستگی‌های جدید مکانی و به خصوص محله‌ای و در پی آن تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی از جمله امور مسلم در ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی است. در این شرایط به دلیل نبود فشار گروهی و نظارت اجتماعی غیررسمی (از جمله کاهش نقش بزرگان محل، ریش سفیدان و معتمدان که نقش بسزایی در کنترل ناهنجاری‌ها دارند) افراد به راحتی هنجارهای گروهی و اجتماعی را زیر پا می‌گذارند. با توجه به حضور همزمان ساکنان مسکن مهر که عمدتاً از خانوارهای جوان و از محلات مختلف با سابقه زندگی و حیات اجتماعی و فرهنگی متفاوت هستند (به همین دلیل فراوانی) تنوع هنجارشکنی در غیاب کنترل اجتماعی غیررسمی و تغییر ساختار محله‌ای همواره رو به افزایش خواهد بود.

«یکی از مصاحبه شوندگان که یک جوان حدود ۳۰ ساله بودند، در

حس محرومیت نسبی شده‌اند. در گفت‌وگو با زنان مسکن مهر، برخی از آنان دائماً از معایب بلوک خود و مزایای بلوک همسایگان‌شان سخن می‌گفتند و به نوعی چشم و هم چشمی و حسادت در بین‌شان شکل گرفته است. بهتر بود امکانات به طور نسبتاً برابر و مشابه بین ساختمان‌های مسکن مهر توزیع می‌شد تا از شکل‌گیری این کینه‌های گروهی و احساس فقر مضاعف یا به تعبیر دقیق‌تر «حس پایین‌شهری مضاعف» در ساکنان جلوگیری به عمل می‌آمد.

«یکی از مصاحبه شوندگان اعلام می‌کرد، احساس می‌کنم عنوان مسکن مهر به نوعی خط تفکیک و محرومیت اجتماعی است، حتی فراتر از آن تفاوت و تبعیضی است که بین مساکن مهر شهرک گلستان با سایر مساکن مهر داخل شهر ارومیه است. شما برید ببینید اصلاً موقعیت شون و امکاناتشون به لحاظ دسترسی و کیفیت ساخت، قابل مقایسه نیست. البته اونا مال کارکنان خود دولت بوده و در در بالای شهر ساخته شده و این مجتمع‌ها مال ما فقراست و در پایین شهر و حتی بیرون از شهر قرار دارند».

بدین ترتیب مسکن مهر شهر جدید گلستان علاوه بر جدایی‌گزینی مکانی و جدا کردن محل زندگی قشر کم درآمد از سایر اقشار جامعه و گرد هم آوردن قشر ضعیف و آسیب دیده جامعه در فاصله ۱۵ کیلومتری از شهر ارومیه، تشدید احساس فقر و نابرابری، احساس محرومیت و طرد اجتماعی در آنها به تفکیک اجتماعی ساکنان مسکن مهر مخصوصاً در شهر جدید گلستان دامن زده است. خانواده جوانی که در این معکب‌های سیمانی فقر زندگی می‌کنند، اغلب در خانواده احساس پستی می‌کنند و نوعی حالت خصمانه نسبت به سایر اقشار در تماس قرار می‌گیرند، نمی‌توانند خود را انطباق دهند و چه بسا برای محرومیت و فقر دست به مسیرهای انحرافی و جرم بزنند.

«یکی از شهروندان گلستان در مصاحبه به ما می‌گوید: عدالت در توزیع خدمات و امکانات رعایت نشده است. با وجود این که این شهر در مسیر دهکده ساحلی چی چست و نزدیک دریاچه ارومیه واقع شده و در واقع می‌توان گفت به عنوان شناسنامه و نماد یک منطقه تفریحی و گردشگری محسوب می‌شود، از امکانات مناسب برخوردار نبوده و لازم است که بیشتر به آن توجه شود. این شهروند در ادامه عنوان می‌کند: اهالی این شهرک سال‌هاست که با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند و از مسئولان انتظار دارند که برای رفع این مشکلات تلاش کنند».

۴.۷. تعارض فرهنگی

مفهوم تعارض فرهنگ‌ها، معرف کشمکش میان معیارهای رفتاری متضاد با یکدیگر یا عدم انطباق آنهاست که گاه نیز ممکن است این تضاد و تعارض بین دو رفتار کاملاً اخلاقی به وجود آید که هر یک مبتنی بر ارزش‌های خاص خویش‌اند. از نظر جامعه‌شناسی، ساخت‌های «نهادی» تر هرگز به طور ساده صوری نیستند؛ آنها از طریق رموز و راه‌های غیررسمی کنش متقابل و سازمان، تولید و بازتولید می‌شوند. این همان جایی است که ساخت و فرهنگ، به سختی از هم قابل تفکیک هستند (Fern Tankis, 2013: 134).

از ساکنان این شهرک از اقشار پایین جامعه هستند و نمی‌توانند این مبالغ را پرداخت کنند و اصلاً به دلیل بدعهدی‌های قبلی اعتمادی به پیمانکاران ندارند و هیچ‌گونه همکاری و مشارکت نمی‌کنند. از طرفی هم در مسکن مهر ریش سفید و بزرگ محله جایگاهی ندارد که بتواند کاری را پیش ببرد».

«یکی از ساکنان اظهار می‌کرد که با توجه به عدم اعتماد ساکنان مسکن مهر نسبت به این مجتمع‌ها و با توجه به زلزله‌های اخیر در سرپل‌ذهاب، خوی و... و نقشی که این مجتمع‌ها در تلفات جانی و مالی شهروندان در پی داشته است، شهروندان مسکن مهر نیز اعتماد عمومی خود را نسبت به این مجتمع‌ها از دست داده‌اند.»

«همسایگان مشارکت لازم در حل امور مجتمع را ندارند و حس همکاری و مشارکت برای پیشرفت و آبادانی شهرک اصلاً در بین ساکنان دیده نمی‌شود. در محلات قبلی همسایگان ارتباط خوبی با هم داشتند ولی اینجا اصلاً مشخص نیست کی به کیه، هرکسی دنبال کار خودش و درگیری‌های زندگی روزمره خودش هست. اصلاً هیچ‌گونه مشارکتی در بین ساکنان مجتمع‌های مسکن مهر دیده نمی‌شود و ما هیچ ارتباطی با مسئولان شهری نداریم. از این که فرزندانم با چه کسانی همبازی خواهند شد، خیلی نگران هستیم.»

به‌طور مثال از بین ۲۲ نفر مصاحبه شونده، ۱۸ خانواده قصد ترک مسکن مهر در سال‌های آتی و به‌محض پیدا کردن منزلی جدید را داشتند. فرهنگ جمعی و مباحث اجتماعی لاقابل آن گونه که از صحبت‌های ساکنان مسکن مهر بر می‌آید، بسیار ضعیف است و خبری از مشارکت اجتماعی، حمایت‌های اجتماعی و کمک‌رسانی ساکنان به یکدیگر نیست. از گلایه‌های ساکنان پیداست همین قدر که همسایه‌ها کاری به کار یکدیگر نداشته‌باشند و روابط‌شان در سطح حداقلی باشد، به‌ناچار راضی هستند و تمایلی به گسترش روابط و شکل دادن پیوندهای همسایگی ندارند. به عبارت دیگر، اکثر خانواده‌ها ترجیح می‌دهند شب هنگام که خسته از کار و فعالیت به خانه بر می‌گردند، در منزل خود به دور از مزاحمت همسایگان استراحت کنند و در نتیجه به‌دنبال برقراری روابط همسایگی، مشارکت در رویدادهای محلی، برعهده گرفتن مسئولیت در امور... نیستند. تعداد زیادی از ساکنان نسبت به محل زندگی خود بی‌تفاوت هستند و اهمیتی به پیشرفت یا پسرفت، آبادانی یا ویرانی آن نمی‌دهند. شاید بتوان استنتاج کرد، مسکن مهر برای این دسته از ساکنان به مثابه اقامتگاهی موقت است که تا وقتی جای مناسب تری را برای سکونت دست و پا کنند، در آن ساکن خواهند بود. بیشتر ساکنان تنها می‌خواهند از خود و خانواده خود حفاظت کنند و نسبت به نظارت و کنترل بر رفت و آمدها و ارتقای امنیت محیط واکنش خاصی نشان نمی‌دهند.

در نمودار مستخرج از مصاحبه‌ها و مشاهدات براساس تحلیل امیک و اتیک، چالش‌ها و پیامدهای سکونت در مسکن مهر و شکل‌گیری شهر جدید گل‌مان با رویکرد پایداری اجتماعی به‌صورت زیر آورده شده است.

خصوص وضعیت سکونت در مسکن مهر شهرک گل‌مان بیان داشتند که با سکونت در این شهرک نه تنها مشکلات بی‌مسکنی ما مرتفع نشد بلکه مشکلات دیگری هم بر مسائل و مشکلات ما اضافه شد. خیلی در این شهرک اذیت میشیم و اذیت‌کننده ترین مورد هم خود مساکن مهر هست که مردم دید و نگرش بدی نسبت به این مجتمع‌ها دارند. بنابراین به این محله هیچ نگاه مثبتی وجود ندارد. این موضوع هم خیلی اذیت‌کننده است و این تنها مشکل بنده نیست بلکه این احساس بخش عمده ساکنان این شهرک است. در کل به این شهرکی که در آن زندگی می‌کنم، حس خوبی ندارم و امیدی به بهبود شرایط آن ندارم.»

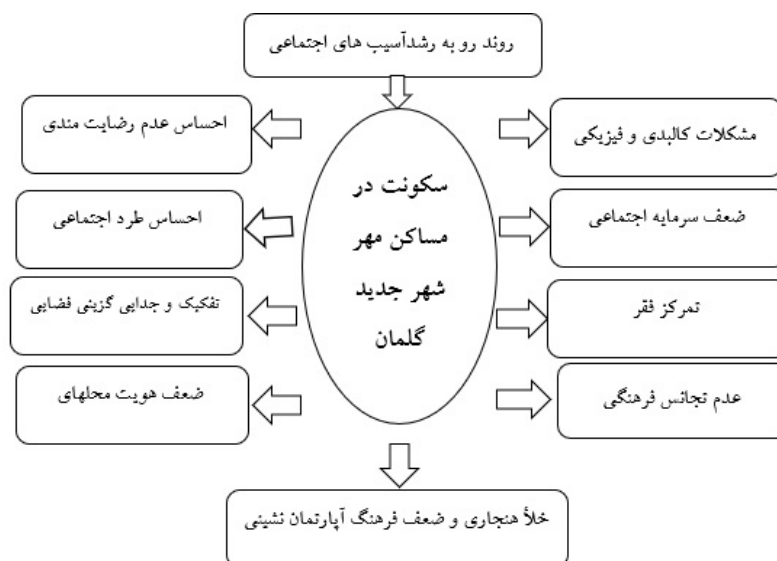
«یکی از مصاحبه‌شوندگان که از دست اندرکاران این پروژه‌ها نیز بوده است، بیان داشتند که متأسفانه در طراحی مسکن مهر، سلیقه به خرج داده نشده و به تنوع سلیقه و ذائقه توجه نشده است. زیبایی منظر به‌عنوان معیار تأثیرگذار بر کیفیت اجتماعی زندگی ساکنان تا به امروز نتیجه‌ای جز تولید فضاهای بی‌هویت، بی‌شکل، فاقد قلمرو، بی‌روح، یکنواخت و فاقد سازمان مشخص فضایی دربر نداشته است. همچنین عوامل استحکام بنا در مسکن مهر یکی از چالش‌هایی است که همواره نگرانی و اعتراض‌های مختلفی به‌دنبال دارد.»

با توجه به پیوند نزدیک میان هویت مکان و هویت فرد، این نوع هویت به‌عنوان نظام شناختی به فرد کمک می‌کند رفتار و زندگی خود را در محیط شهری سامان دهد و توصیف کند. با توجه به نحوه شکل‌گیری مجتمع‌های مسکن مهر یا شهرک‌های مسکن مهر، به دلیل عدم شناخت اولیه ساکنان نسبت به همدیگر، فردگرایی، پایین بودن کیفیت روابط، صمیمی نبودن، کاهش روابط چهره به چهره و عدم سرزندگی و تناسب، کاهش همبستگی و مسئله بی‌هویتی و فقدان معنا را به وجود آورده است. تبعات این وضعیت کاهش احساس مسئولیت اجتماعی شهروندان در قبال یکدیگر و از آن مهم‌تر در مقابل جامعه بوده است.

۴.۹. ضعف سرمایه اجتماعی

ضعف سرمایه اجتماعی در پرتو ضعف فرهنگ محلیت در مجتمع‌های مسکونی و شهرک‌های مسکن مهر به لحاظ مکانی همواره دغدغه جامعه شناختی بوده است. در بین ساکنان مسکن مهر شهر جدید گل‌مان سرمایه اجتماعی در سطح بسیار پایین و غیر قابل قبولی قرار دارد و بسترهای بروز مشارکت و همبستگی و اعتماد و احساس امنیت چندان در مسکن مهر مهیا نیست و کنترل‌های غیررسمی و پیوندهای اجتماعی در سطح مطلوبی قرار ندارد.

«یک خانم ۴۲ ساله که ساکن یکی از واحدهای این شهر بودند، از بدعهدی پیمانکاران می‌گوید: زمانی که ثبت‌نام کردیم، قرار بود کلیه امکانات واحد مسکونی در آن قرار بگیرد، اما بدعهدی پیمانکار تا حدی ادامه داشت که نصب پکیج و کابینت هم که جزو مسئولیت‌های خودشان بود، انجام ندادند و خودمان با هزینه شخصی اقدام به کار کردیم. این شهروند می‌افزاید: دیگر اعتمادی به مسئولان و پیمانکاران نمیشه کرد. الان هم با وجود پرداخت این حجم از هزینه‌ها هنوز هم برای محوطه سازی از ما پول می‌خواهند. بسیاری



نمودار شماره ۱۵: چالش ها و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی شهر جدید گلستان با رویکرد پایداری اجتماعی

۴. نتیجه گیری

از دیرباز با گسترش شهرنشینی و بروز بحران کمبود مسکن و گرانی خانه و زمین در جهان بسیاری از دولت های اروپایی سیاست «ساخت مسکن ارزان قیمت» را تصویب کردند. در مجموع آپارتمان های فشرده شده در بلوک های ساختمانی متراکم در همه جای دنیا تبدیل به راه حلی مشترک برای مسکن گردید. این برنامه ها که هدفشان کمک به سیاست ساختمان مسکن بود (نه کمک به افراد)، هرچند از نظر کمیت موفقیت آمیز بودند و تا حدودی از بحران کمبود مسکن کاستند، اما بر خشونت شهری، احساس ناامنی و در نهایت بزهکاری افزودند. تراکم بیش از حد جمعیت، ارتفاع زیاد، تفکیک بین افراد مختلف مردم و... از عوامل مؤثر بر خشونت و بزهکاری در این مجتمع ها بودند و بالاخره با گسترش اعتراضات در بسیاری از نقاط اروپا، ساختن مجتمع های بزرگ شهری و احداث آپارتمان در خارج از محدوده شهر و نقاط دور افتاده با منع قانونی روبه رو شد و سیاست کمک به فرد، جانشین کمک به ساختمان شد که به نوعی بازگشت به راهبرد پایداری اجتماعی بوده است.

تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد شهری در کشورهای در حال توسعه نیز از جمله دغدغه های دولت ها بوده است. در این راستا تا اوایل دهه ۱۹۷۰ سیاست های رایج مسکن در کشورهای در حال توسعه عبارت بودند از: نوسازی شهری، ایجاد خانه های ارزان قیمت و اعطای وام های خانه سازی. از دهه ۱۹۷۰ به بعد سیاست های «بالا بردن تدریجی کیفیت سکونت»، «تأمین زمین و خدمات شهری» و «برنامه های توانمندسازی» در برنامه ریزی و سیاست های خانه سازی دنبال می شود که هر دو روش برای حل مسائل سکونتی خانوارهای کم درآمد شهری طرح شده و بر تأمین زمین و خدمات شهری تأکید دارد تا تأمین سرپناه.

پس از شکست سیاست های مبتنی بر خانه سازی اجتماعی و طرح زمین-خدمات و نیز افزایش تعداد سکونتگاه های غیررسمی در حاشیه شهرها، بیشتر مسئولان و طراحان در کشورهای در حال توسعه، به این

نتیجه رسیدند که شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی اجتناب ناپذیر بوده و باید به دنبال راهبردی جدید بود. امروزه دولتمردان و مقامات ملی دریافته اند که روش های مقابله ای و ستیزه جویانه با حاشیه نشینی، روش مناسبی در رفع مشکلات نیست. در عوض دولت ها باید کوشش کنند محیط مناسبی را فراهم آورند که مردم بتوانند با استفاده از منابع و تولیدات خود، راه حل های محلی مناسبی را برای حل مشکلات مسکن و سرپناه مناسب پیدا کنند.

در ایران نیز دولت ها در راستای رفع مشکل مسکن و جلوگیری از گسترش پدیده حاشیه نشینی، سیاست های تعویقی مختلفی را در قالب برنامه های تأمین مسکن اجرا کرده و یا در حال اجرا دارند که از جمله می توان به سیاست های نوسازی بافت فرسوده و بازآفرینی شهری، آماده سازی زمین، مسکن مهر، نهضت ملی مسکن، سیاست های حقوقی و مالی در حمایت از تعاونی های مسکن برای افشار مختلف و انبوه سازان برای تولید مسکن برای خانوارهای فاقد مسکن اشاره کرد. طرح مسکن مهر یکی از سیاست های اجتماعی مسکن است با هدف تأمین مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد جامعه و کنترل قیمت مسکن که توسط دولت های نهم و دهم به اجرا درآمد. براساس مرور مطالعات تجربی قبلی می توان اذعان کرد، ضعف مطالعات تجربی با رویکرد فرهنگی و اجتماعی و برنامه ریزی فضایی در طرح مسکن مهر مشهود بوده و بی توجهی به دستاوردهای نظری و تجربی ملی و جهانی، شتاب زدگی در تصمیم گیری و آغاز اجرای طرح و ناتوانی در اتمام آن با غلبه رویکرد مکانیکی و ساخت و ساز فیزیکی و بی توجهی به پیچیدگی های اجتماعی، فرهنگی و فضایی مسکن، بی توجهی به ملاحظات آمایش سرزمین و ویژگی های خاص منطقه ای و جغرافیایی، نقش گسترده و مداخله گرانه (مستقیم) دولت است.

از دیگر یافته های این تحقیق براساس نظر پاسخگویان می توان به عدم رضایت ساکنان مسکن مهر شهر جدید گلستان ارومیه از عدم تحویل به موقع واحدهای مسکونی توسط پیمانکاران و مدیران تعاونی، عدم صداقت پیمانکاران، نارضایتی از کیفیت تجهیزات ساختمانی، نبود

• References:

- Afrogh, E. (1996). Space and Social Inequality: Presenting a Model for Spatial Segregation and Its Consequences, Tarbiat-Modares University Press, First Edition. [In Persian]
 - Ahri, Z., Shahla, A. (1996). Experiences of different countries in providing housing, Ministry of Housing and Urban Development. (In Persian)
 - Ajand, M. (2014). Physical-Social Assessment of Housing Projects, Case Study: Behbahan City, Master's Thesis, supervised by Safar Qaed Rahmati and Abolfazl Meshkini, Tarbiat-Modares University. (In Persian)
 - Babaei, M., Ghorbanpour Rasek, M. (2014). Criminal Dimensions of Mehr Housing Policy, Journal of Criminal Law Research, Year 3, Issue 9, pp. 33-56. [In Persian]
 - Bahmani, A. (2015). Evaluation of Apartment Housing Policy in Providing for Urban Low-Income Groups, Master's thesis supervised by Safar Qaed Rahmati and Abolfazl Meshkini, Tarbiat-Modares University. (In Persian)
 - Beiranvand, M. (2011). Investigating the strengths and weaknesses of apartment housing allocation and providing corrective solutions to achieve the set goals, Master's thesis supervised by Ali Rabiei and Mohammad Reza Ranjbar Fallah, Faculty of Social and Economic Sciences, Payam Noor University, Tehran. (In Persian)
 - Blaikie, N. (2007). Approaches to social inquiry (2nd ed.). London: Polity Press.
 - Blakey, N. (2014). Designing Social Research, translated by Hassan Chavushian, Publishing House, 15th edition. (In Persian)
 - Bramley, G., Dempsey, N., Power, S., Brown, C. (2006). What is social sustainability and how do our existing urban forms perform in nurturing it.
 - Colantonio, A. (2009). Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice, Working paper, Oxford Institute for Sustainable Development, Oxford Brookes University.
 - Colantonio, A., Dixon, T., Ganser, R., Carpenter, J. & Ngombe, A. (2009). Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe.
 - Daripour, N. (2013). Investigating the social consequences of spatial segregation of Mehr housing (case study: Omidieh city), Master's thesis, supervised
- تجربه لازم و کافی آپارتمان نشینی و ضعف فرهنگ آپارتمان نشینی به دلیل مهاجرت بسیاری از ساکنان از نقاط مختلف شهر و روستاها و عدم تجانس فرهنگی و احساس محرومیت و جدایی گزینی فضایی اشاره کرد. به طوری که دوری از شهر و تجمع عده ای از مردم با خاستگاه های اجتماعی متفاوت بدون هیچ شناخت و پیوندی نسبت به سایر اعضای مجتمع به نوعی سبب از هم گسیختگی و بی هویتی ساکنان می شود و به دلیل این که افراد شناختی نسبت به همدیگر ندارند، دچار نوعی احساس بی سازمانی شخصیتی و اجتماعی می شوند. در واقع نتایج تحقیق در تأیید ضعف پایداری اجتماعی و همراستا با نتایج تحقیقات رضایی و همکاران مبنی بر عدم توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی و روان شناختی مسکن، عدم توجه به فضای تعاملات و برخوردهای اجتماعی، احساس ناامنی اجتماعی، ضعف احساس تعلق به مکان و احساس ضعیف در تعلق به قلمروی اجتماعی به عنوان ابعاد پایداری اجتماعی است.
- یافته های تجربی پژوهش نیز در ابعاد ضعف سرمایه اجتماعی، ضعف حس تعلق مکانی با سکونت در مسکن مهر، احساس نابرابری و تمرکز فقر در مجتمع های مسکن مهر، شکل گیری محلات با ویژگی های محلات حاشیه نشین، فراهم شدن بستر جرم و جنایت، ضعف تعاملات و کنش متقابل اجتماعی افراد ضمن تأیید اهمیت سرمایه اجتماعی در پایداری اجتماعی و تأثیر کاهنده آن بر گرایش به کج رفتاری و تقویت پیوندهای اجتماعی با نتایج تحقیقات رضایی و همکاران و پیر بابایی و همکاران نیز هم راستاست.
- در جمع بندی نهایی شاید براساس شاخص های تورم قیمت مسکن طی سال های اخیر، در نگاه خوش بینانه به لحاظ اقتصادی با ایجاد سازه های عمرانی با عنوان مجتمع های آپارتمانی و ایجاد شهرداری گلمان و بهبود نسبی فیزیکی و کالبدی مسکن شهری برای گروه های کم درآمد جامعه توانسته باشد به اهداف پیش بینی شده دست یابد، اما به دلیل غفلت از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی در مکانیابی این مجتمع های آپارتمانی و تجمع افراد با خاستگاه های اجتماعی و فرهنگی متفاوت و عدم برنامه ریزی و حمایت های اجتماعی برای توانمندسازی اجتماعی ساکنان باعث شده است که سازه های اجتماعی هنوز وضعیت ناپایداری داشته و از منظر جامعه شناسی چنین مجتمع های انسانی با شرایط پایداری اجتماعی با شاخص های دسترسی (اشتغال، فضای بازی، خدمات محلی)، سرمایه اجتماعی، بهداشت و بهزیستی، انسجام اجتماعی، امنیت (شامل عینی و ذهنی)، توزیع عادلانه اشتغال و درآمد، مشارکت محلی، آموزش، مسکن و ثبات جامعه، ارتباط و حرکت (عابر پیاده، حمل و نقل مناسب)، احساس عدالت اجتماعی (درون و بین نسلی)، حس تعلق مکانی، تثبیت و تداوم کیفیت زندگی اجتماعی فاصله زیادی دارد که در قالب احساس بی سازمانی اجتماعی، احساس نابرابری، احساس طرد اجتماعی، عدم تجانس فرهنگی، ضعف سرمایه اجتماعی، احساس عدم رضایت اجتماعی از منظر پاسخگویان ساکن در این مجتمع های مسکونی است که می توان اذعان کرد که در صورت تداوم این شرایط به شکل گیری گتوی فقر خواهد انجامید و در بهبود نسبی شرایط منجر به شکل گیری حاشیه نشینی مدرن خواهد شد.

- by Morteza Nemati and Ali Shojaian, Shahid Chamran University of Ahvaz. [In Persian].
- Eizenberg, E. & Janareen, Y. (2017). Social sustainability: A new Conceptual Framework. *Sustainability*, 9(1), 1-16. <https://doi.org/10.3390/su9010068>
 - Fazeli, N. (2016). Modernity and Housing: An Ethnographic Approach to Home Culture and Its Contemporary Developments, *Anthropology and Culture Site*.
 - Glasson, J., Wood, G. (2009). Urban regeneration and impact assessment for social sustainability, *Impact Assessment and Project Appraisal* 11(4): 283. DOI: 10.3152/146155109X480358
 - Haji Rahimi, M. (2013). Pathology of Mehr Housing with a Social Sustainability Approach: Case Study: Mehr Housing in the New City of Hashtgerd, Master's thesis supervised by Masoud Alimardani and Maryam Mohammadi, Shahid Rajaei Teacher Training University. [In Persian]
 - Housley, A., Atkins, S. (2007). Transport and Social Sustainability. *Transport Practitioners Meeting-Manchester*.
 - Janssen, C., Daamen, T. A. & Verdass, C. (2021). Planning for Urban Social Sustainability: Towards a Human-Centred Operational Approach. *Sustainability*, 13, 1-17. DOI: 10.3390/su13169083
 - Littig, B., Griessler, E. (2005). Social Sustainability: a Catchword between Political Pragmatism and Social Theory, *International Journal of Sustainable*.
 - Malakoutinia, Mohammad et al. (2014), Evaluation of executive policies for providing housing for low-income urban groups from the perspective of residents; Case study: Mehr Sahand Housing, Tabriz, *Quarterly Journal of Geographical Sciences*, Volume 17, Number 36, pp. 62-82. (In Persian) DOI: 1911-1247
 - Marta, B., Giulia, D. (2020). Addressing Social Sustainability in Urban Regeneration Processes. An Application of the Social Multi-Criteria Evaluation. *Sustainability*, 12, 1-20. <https://doi.org/10.3390/su12187579>
 - Mokhbar, A. (1983). Social Dimensions of Housing, Planning and Budget Organization, Center for Economic and Social Documents and Publications, Tehran. (In Persian)
 - Murphy, K. (2012). The Social Pillar of Sustainable Development: A Literature Review and Framework for Policy Analysis, *Sustainability: Science, Practice and Policy* 8. DOI: 10.1080/15487733.2012.11908081
 - Nastaran, M., Ghasemi V., Hadizadeh Zargar S. (2013). Evaluation of social sustainability indicators using the Analytic Network Process (ANP), *Quarterly Journal of Applied Sociology*, Year 24, Serial No. 51, No. 3, pp. 155-173. (In Persian) DOI: 20.1001.1.20085745.1392.24.3.9.3
 - Neuman, L. (2006). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Third Edition. London: Allyn and Bacon.
 - Parfitt, A. (1999). Responses to Violence, translated by Morteza Mohseni, Tehran, Ganj Publications, first edition. (In Persian)
 - Pirbabaei, M., Molaei, A. Sedaghati, A. (2019). Comparison of the physical-spatial and socio-economic construction of Mehr housing from the perspective of residents (case study: Sahand New City, Tabriz and Golbahar City, Mashhad), *Iranian Quarterly Journal of Social Studies and Research*, Volume 9, Issue 3, pp. 719-747. [In Persian] DOI: 10.22059/jisr.2020.295447.997
 - Pourmohammadi, Mohammad Reza (2014) *Housing Planning*, Tehran, Textbook Study and Supply Organization, Tehran, 12th edition. [In Persian]
 - Poursadat, Kourosh (2011) "Investigation and evaluation of the effects of apartment housing plans in the spatial-physical development of the city of Gomishan" supervised by Akbar Kiani, Master's thesis, University of Zabol. (In Persian)
 - Rashid Kalvir, H., Keshavarz Rezaei, M., Momeni Shahraki, Hossein. (2013) "Investigation into the factors affecting residential complexes on the behavior of residents (Case study: residents of apartment housing in Qazvin. [In Persian] <https://civilica.com/doc/265992>
 - Rezaei, Baqer et al. (1400). Satisfaction level of residents of Mehr housing, from the physical-social aspect in the new city of Sahand (Case study: Aftab Complex). *Geography*, 19(69), pp. 53-69. [In Persian]. DOI: 20.1001.1.27172996.1400.19.69.6.4
 - Rouholamini, M. (1996). An Anthropological Perspective on the Apartment Building Process and Apartment Living Culture, *Collection of Articles from the Third Seminar on Housing Development Policies in Iran*, Volume 1, Ministry of Housing and Urban Development. (In Persian)
 - Tankis, F. (2013). Space, City, and Social Theory:

Social Relations and Urban Forms, translated by Hamidreza Parsi and Arezo Aflatoni, Tehran University Press, second edition. [In Persian]

- Thin, N., C. Lockhart, G. Yaron (2002). Conceptualising Socially Sustainable Development, Paper prepared for DFID and the World Bank, DFID. Mimeo.
- Weingaertner, C., Moberg, Å. (2011). Exploring Social Sustainability: Learning from Perspectives on Urban Development and Companies and Products, Sustainable Development.

نحوه ارجاع به مقاله:

کبیری، افشار؛ جهانگیرزاده، جواد (۱۴۰۴)، تحلیل کیفی پایداری اجتماعی مسکن مهر شهر جدید گلستان ارومیه، حاشیه‌نشینی نو، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۴)، ۴۹-۶۲. 10.22034/urbs.2025.142227.5086

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



رهیافت فراترکیب در حوزه مطالعات مکان‌سازی با رویکرد بیوفیلیک

الناز خلیلی - دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

سید مسلم سیدالحسینی^۱ - استاد شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تکتم حنایی - دانشیار شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

ساناز سعیدی مفرد - دانشیار شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۸ بهمن ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۳

چکیده

شتاب مداوم روند شهرنشینی در سراسر جهان منجر به تشدید معضلات زیست‌محیطی شده و حفظ عرصه‌های طبیعی توسط مکان‌سازی استاندارد و باتوجه به راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت ضمن این که نقش مهمی در رفاه کلی جوامع شهری داشته منجر به افزایش مزایای متعددی مانند بهبود کیفیت هوا، کاهش کربن شهری و افزایش تنوع زیستی (که از عوامل اصلی کیفیت زیستگاه‌های شهری امروزی هستند) می‌گردد. این مقاله فراترکیبی از مطالعات جهانی در زمینه مکان‌سازی با رویکرد بیوفیلیک ارائه می‌کند و هدف از این تحقیق، تجزیه و تحلیل و ترکیب ادبیات موجود در مکان‌سازی، به‌ویژه با تمرکز بر ادغام اصول طراحی بیوفیلیک است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی با یک بررسی سیستماتیک و فراترکیب کیفی با استفاده از یک رویکرد استقرایی (همان‌طور که به وسیله ساندلوسکی و بوروسو پیشنهاد شده) انجام شد. ما یک جست‌وجوی سیستماتیک ادبیات را در دو پایگاه داده سمانتیک اسکولار و وب آف ساینس در سال‌های اخیر (با به‌روزرسانی سال ۲۰۲۳) انجام دادیم و نتایج هر مطالعه با استفاده از کدگذاری استقرایی در نرم‌افزار مکس کیودا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطالعات صورت‌گرفته بین بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۲۳ قرار دارند. بیشترین مطالعات منتخب این پژوهش به سال ۲۰۲۰ با ۳۶ درصد تعلق می‌گیرد. کدهای استقرایی این پژوهش در قالب پنج مقوله اصلی زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، عملکردی و کالبدی دسته‌بندی شدند. باتوجه به میزان شباهت مفاهیم شناسایی شده، در قالب ۱۲ مقوله فرعی و باتوجه به میزان شباهت مقوله‌های فرعی، آنها به ۲۸ شاخص طبقه‌بندی شدند. نتیجه نشان داد که کیفیت مکان‌سازی و طراحی بیوفیلیک (گرایش ذاتی به طبیعت) می‌تواند با سطوح مختلف ارتباط با طبیعت و درک انسان مرتبط باشد و اگرچه ادبیات موجود، بیوفیلیک و مکان‌سازی را به‌عنوان پدیده‌هایی مستقل گزارش می‌کنند، اما نتایج ما روایتی متفاوت را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که آنها درهم‌تنیده شده‌اند و برای ارتقای کیفیت محیط شهری و توسعه فضای شهری بسیار ضروری ارزیابی می‌شوند. این مطالعه تلاش کرده اهمیت توازن بین محیط زیست شهری و توسعه فضای شهری را از طریق این موضوع نشان داده تا پس از آن در پژوهش‌های آتی بتوان از رویکردی جدید با نام مکان‌سازی بیوفیلیک استفاده کرد.

واژگان کلیدی: فرامطالعه، طبیعت‌گرایی، بیوفیلیک، مکان‌سازی.

نکات برجسته

- این پژوهش پیوند تئوریک مکان‌سازی و بیوفیلیک را ضروری و بنیادین معرفی می‌کند.
- شاخص‌های مکان‌سازی بیوفیلیک در پنج بُعد اصلی طبقه‌بندی شده‌اند.
- فضاهای طبیعی پیرامون شهری به‌عنوان بستری برای بازسازی رابطه انسان-طبیعت معرفی شده‌اند.
- رویکرد جدید «مکان‌سازی بیوفیلیک» به‌عنوان چارچوب مفهومی پیشنهادی مقاله مطرح شده است.

۱. مقدمه

از لحاظ تاریخی برنامه ریزان، گروه‌های توسعه جامعه و سایر سازمان‌ها و متخصصان درگیر در مکان، تلاش کرده‌اند تا اهمیت مکان و مکان‌سازی را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مسئولانه بالا ببرند؛ با این حال مطالعات اخیر مکان‌سازی را از دیدگاه‌های حرفه‌ای با استفاده از تعاریف گوناگون برای منطقی و عملیاتی کردن این مفهوم تا حدودی مبهم ارائه کرده‌اند (Ellery et al., 2021). به نظر می‌رسد مکان‌سازی از یک عمل اصیل روزمره به یک مسئولیت حرفه‌ای تغییر کرده و درک ویژگی ناملموس مکان عمدتاً در ساخت مدرن مکان‌ها از بین رفته است و ادبیات مربوط به سیاست‌های پایداری و راهبردهای مکان‌سازی ناکافی بودن هر دو مفهوم را برای پرداختن به مسائل جاری شهری نیاز به رویکردهای جدید را نشان می‌دهد (Ghavampour & vale, 2019). باتوجه به این موضوع در حال حاضر حدود دو درصد از جهان را ساختمان‌های مسکونی تشکیل داده‌اند و ۵۰ درصد جمعیت آنها در شهرها زندگی می‌کنند که به معنای نیاز به ساخت‌وساز بیشتر و زیرساخت‌های بهتر است؛ به طوری که در سال‌های آینده به مشکلات فاجعه‌بارتری برای مردم ساکن در مناطق شهری منجر خواهد شد (Yalcinalpp, 2017). بنابراین شهرنشینی سریع و گسترش مستمر شهرها، محیط طبیعی را چنان تحت تأثیر قرار داده است که بیش از نیمی از مردم جهان دیگر نمی‌توانند مانند گذشته از طبیعت بهره‌مند شوند (Shwartz et al., 2014). باتوجه به این موضوع که در حال حاضر ما در جهانی زندگی می‌کنیم که به سرعت در حال شهرنشینی است و مردم بیشتر وقت خود را در داخل خانه می‌گذرانند و از سویی دیگر شهر معاصر نیاز به پارادایم‌ها و چارچوب‌های مفهومی جدیدی برای پیکربندی مجدد رابطه بین محیط شهری و محیط طبیعی بیان می‌کند (Totaforti, 2020). در واقع محیط‌های طبیعی شامل فضاهایی است که نه تنها از نظر بصری جذاب هستند، بلکه کاربردی و قابل دسترس نیز هستند و هدف آن تقویت ارتباط بین مردم و طبیعت است و به افراد اجازه می‌دهد تا مزایای حضور در یک محیط طبیعی را بدون نیاز به سفر دور از محیط شهری خود تجربه کنند و همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که گذراندن زمان در فضاهای طبیعی در مقایسه با فضاهای شهری مزایای درک شده و واقعی مانند کاهش خستگی، بهبود خلق و خو و کاهش استرس را به همراه دارد (Twedt et al., 2016). با این حال صرف داشتن مناطق طبیعی کافی نیست و مکان‌سازی آنها برای اطمینان از استفاده و لذت بردن از فضاها توسط جامعه ضروری است (Brownet et al., 2019).

ارتباط ذاتی بین انسان و طبیعت وجود دارد که بر سلامت و بهره‌وری تأثیر می‌گذارد، بنابراین توجه به این موضوع امری ضروری به شمار می‌رود. پس چیدمان، امکانات و ویژگی‌های مکان‌سازی باید به گونه‌ای طراحی شوند که نیازها و ترجیحات مختلف جامعه را برآورده کنند (Yin et al., 2019). از طرفی با گنجاندن اصول طراحی مبتنی بر طبیعت مانند مکان‌سازی طبیعت محور می‌توان حس آرامش بیشتری را ایجاد کرد، رفاه جسمی و روانی را ارتقا بخشد و مراقبت از محیط زیست را تشویق کرد. راه حل‌های مبتنی بر طبیعت به عنوان اقداماتی برای محافظت، مدیریت و بازیابی پایدار اکوسیستم‌های طبیعی یا اصلاح شده تعریف می‌شوند که به چالش‌های اجتماعی به طور مؤثر و سازگارانه رسیدگی

می‌کنند و به طور هم‌زمان رفاه انسان و مزایای تنوع زیستی را فراهم می‌کنند (IUCN, 2016). اما با وجود این که عرصه‌های طبیعی حفاظت شده نقش مهمی در دستیابی به فرصت‌های برابر، حقوق بشر، رفاه مردم و توسعه پایدار ایفا می‌کنند، تاکنون توجه محدودی در تحقیقات به استفاده از رویکردهای مشارکتی برای دسترسی به چنین مناطقی صورت گرفته (Oladipo, 2017) و دستاوردهای ساختمانی و مهندسی مدرن این تصور را تقویت کرده است که انسان‌ها به طبیعت و سیستم‌های زنده نیاز ندارند و آنها فراتر از طبیعت هستند و در نتیجه این باور به وجود می‌آید که انسان‌ها می‌توانند از میراث طبیعی و ژنتیکی خود فراتر روند (Downton, 2017). اما تغییر در این دیدگاه و اشاره به مردم به عنوان ذی‌نفعان منفعل از مزایای طبیعت، به عنوان یک سیستم فعال، حفاظت، مدیریت و احیای اکوسیستم‌های طبیعی به شمار می‌رود (Mandić, 2019). علاوه بر این، ساکنان شهری بیشتر به فعالیت بدنی به عنوان عاملی کلیدی برای پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر در محیط‌های فضای سبز مشغول هستند و در عصر فناوری کنونی، ترویج فعالیت در فضای باز در میان نسل‌های جوان از طریق افزایش سرانه فضای سبز بسیار مهم است (O'Regan & Nyhan, 2021). پس به منظور بهبود وضعیت سلامت مردم ساکن در مناطق شهری، بهبود فضای سبز موجود در شهرها مورد نیاز است و این امر در درازمدت به مزایایی مانند آب‌وهوای بهتر، آب تصفیه شده، دی‌اکسیدکربن کمتر و اکوسیستم بهبود یافته منجر خواهد شد (Pinho et al., 2016).

باید به این نکته توجه داشت که مکان‌سازی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که هدف آن ایجاد فضاهای معنادار، فراگیر و پایدار است تا حس تعلق، هویت، احترام به طبیعت و مشارکت اجتماعی را تقویت کند. در طول سال‌های اخیر، مطالعات متعددی جنبه‌های مختلف مکان‌سازی، از جمله ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما یکی از رویکردهای در حال ظهور در این زمینه، ادغام اصول طراحی طبیعت محور که می‌توان به مفهوم شهرسازی طبیعت محور نیز اطلاق کرد) است که به دنبال پیوند مجدد افراد با طبیعت در محیط‌های ساخته شده کمتر مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که چگونه اصول طراحی طبیعت محور می‌توانند در فرایند مکان‌سازی شهری ادغام شوند و به بهبود کیفیت محیط‌های زیستی و زندگی شهری منجر شوند. هدف از این پژوهش انجام یک مطالعه فراترکیب (کیفی) در مقاله‌های علمی پژوهشی جهان است تا تقاطع بین مکان‌سازی و بیوفیلیک را بررسی کند و با تجزیه و تحلیل و ترکیب ادبیات موجود، ارائه مروری بر دانش و بینش فعلی در این زمینه، شناسایی الگوها و برجسته کردن یافته‌ها و توصیه‌های کلیدی را انجام دهد و تغییرات پارادایمیک و ترکیب این دو مفهوم را در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار دهد.

۲. مبانی نظری

۲.۱. مفهوم مکان‌سازی

مکان‌سازی مفهومی است که برای توصیف و درک چگونگی پدید آمدن مکان‌های معنادار از تعامل بین افراد و محیط‌هایشان استفاده می‌شود (Switalski et al., 2023) و بر ایجاد و ارتقای کیفیت فضاهای عمومی

تمرکز می‌کند تا آنها را برای جامعه زنده‌تر، فراگیرتر و جذاب‌تر کند که شامل طراحی و مدیریت این فضاها برای ارتقای تعامل اجتماعی، بیان فرهنگی و احساس تعلق است (Toolis ee, 2017). از طرفی وقتی صحبت از عرصه‌های طبیعی اطراف یک شهر می‌شود، مکان‌سازی رویکردی بیوفیلیک به خود می‌گیرد که به معنای ترکیب عناصر طبیعت برای ایجاد یک محیط شهری پایدارتر و هماهنگ‌تر است. (Yin et al., 2020). طراحی مناطق طبیعی برای مکان‌سازی مستلزم بررسی دقیق عوامل مختلف است. چیدمان، امکانات و ویژگی‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نیازها و ترجیحات مختلف جامعه را برآورده کنند. زیرا هر فاجعه اجتماعی - طبیعی منحصر به فرد است و نیاز به بررسی دقیق مجموعه‌های پیچیده‌ای از ویژگی‌ها دارد (Bahmani, 2022). مکان‌سازی در مناطق طبیعی صرف‌نظر از سن و توانایی جسمی باید به راحتی در دسترس همه اعضای جامعه باشد و این شامل ایجاد مسیرهای در دسترس، رمپ‌ها و مناطق نشستن است. علاوه بر این، ایجاد ارتباط بین مناطق مختلف طبیعت و فضاهای شهری می‌تواند مردم را به کاوش و تعامل با محیط ترغیب کند، بنابراین راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت، به دلیل ماهیت نوآورانه و سیستمی، می‌توانند کلیدی برای حل کردن مشکلات پیچیده تعامل انسان با منابع طبیعی باشند (Degele, 2023). برای به حداکثر رساندن استفاده از عرصه‌های طبیعی، آنها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که انواع فعالیت‌ها و عملکردها را در خود جا دهند که این می‌تواند شامل مکان‌هایی برای تفریح، ورزش، تعاملات اجتماعی و رویدادهای فرهنگی باشد و بسیاری از مزایای مهم تفریحی، اجتماعی و اقتصادی را ارائه دهد؛ درعین حال دسترسی و حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی غیرقابل جایگزین را فراهم کند (Marion, 2023). در مکان‌سازی موفق، فراگیر بودن، ارزش،

تنوع و سرزندگی مکان باید شناسایی و در ابتکارات انجام شده تشدید شود. بنابراین ویژگی‌های اجتماعی طراحی شهری این عناصر ضروری را در بر می‌گیرد و درک ترجیحات کاربران می‌تواند بر ارتباط هر ویژگی در تطبیق با گروه‌های فرصت‌های مختلف کاربر تأکید کند و در نهایت تأثیر اجتماعی مثبتی را در مکان‌سازی خلاق القا کند. (Ramli & ujang, 2021). به همین دلیل است که یکی از جنبه‌های مهم طراحی شهری شامل ایجاد فضاهایی است که نه تنها کاربردی هستند، بلکه از نظر زیبایی‌شناختی نیز برای جامعه دلپذیر و جذاب هستند و می‌توانند سازوکاری را برای افراد فراهم کنند تا در تیم‌های چندرشته‌ای با هم کار کنند، قدرت و تصمیم‌گیری را به اشتراک بگذارند، مهارت‌ها را توسعه دهند و بخشی از فرایندهای برنامه‌ریزی، طراحی، ساخت و مدیریت مکان باشند. دولت‌های شهری می‌توانند نقش اصلی را در مدیریت سکونتگاه‌ها در مقیاس «کوچک» یا «محلی» و کارکردهای آنها در فعالیت‌های مکان‌سازی شامل تسهیل مشارکت جامعه، تأمین منابع و پشتیبانی و اطمینان از ایمن و قابل دسترس بودن فضاها داشته باشند (Ancher, 2007). پس باید در نظر داشت که با ایجاد محیط‌های باز در دسترس و غنی از حس می‌توان به وسیع‌ترین طیف کاربران و توانایی‌ها پاسخگو بود و فرصت حضور افراد را در یک محیط طبیعی ارائه داد (Dalpra, 2022). بنابراین مجدداً باید این نکته را در نظر داشت که ادبیات مربوط به سیاست‌های پایداری و راهبردهای مکان‌سازی ناکافی بودن هر دو مفهوم را برای پرداختن به مسائل جاری شهری نشان می‌دهد که نیاز به رویکردهای جدید را نشان می‌دهد و محققان و سیاست‌گذاران پایداری به دنبال رویکردی یکپارچه برای پایداری هستند که در آن مکان‌سازی ابزار قدرتمندی در دستیابی به اهداف پایداری باشد (Ghavampour & vale, 2019).

جدول شماره ۱: نظرات همگرای نویسندگان در حوزه مکان‌سازی

نویسندگان مطرح	ابعاد	توضیحات
Jacobs, 1961	کالبدی اجتماعی عملکردی	او استدلال کرد که مکان‌سازی موفق به ترکیبی از کاربری‌ها، انواع ساختمان‌ها و تعادل بین فضاهای عمومی و خصوصی نیاز دارد و جرقه‌ای برای ایجاد شهرهایی با محوریت مردم و پیاده‌روی شد.
Relph 1976	کالبدی اجتماعی	مکان‌سازی را یک فعالیت اولیه انسانی می‌داند و ساختن مکان‌ها را به عنوان ضرورتی برای رفاه مردم ترسیم کرد.
Whyte, 1980	کالبدی اجتماعی	اهمیت تعامل اجتماعی و رفتار انسانی را در طراحی مکان‌های موفق برجسته و بینش‌های ارزشمندی را در مورد نحوه استفاده و تعامل مردم با فضاهای عمومی ارائه کرد.
Tabb, 2016	زیست‌محیطی اجتماعی عملکردی	نظریه شهرسازی آرام (مکان‌سازی بیوفیلیک پایدار)، نظم‌بندی مجدد، الگوهای طبیعی و شهری شده را ارائه می‌دهد که از سطوح بیشتری از پایداری، فرصت‌هایی برای مکان‌سازی سالم و القای تجربیات بی نظیر بیوفیلیک پشتیبانی می‌کند.
Fincher et al, 2016	کالبدی اجتماعی	توسعه مجدد شهری به عنوان مکان‌سازی در یک زمان و مکان با گنجاندن برابری اجتماعی برای «بهبود» شهری
Alan, 2018	کالبدی اجتماعی	عناصر مکان‌سازی از ملموس (پایه در طراحی شهری) تا ناملموس (مردم و تصورات) را شامل می‌شود (ترکیبی از عناصر محلی و جهانی)
Ellery, 2020	اجتماعی	فرایند مکان‌سازی باعث ایجاد دلبستگی یا ارتباط بین اعضای جامعه و مکانی که در آن زندگی می‌کنند، می‌شود (میزان مشارکت جامعه در فرایند تغییر مکان‌سازی)
Carriere & Schalliol, 2021	اجتماعی اقتصادی عملکردی	پیشرفت جامعه محوری را با پتانسیل توزیع مجدد منابع ارزشمند و درعین حال تولید منافع ملموس و ناملموس برای آینده‌ای عادلانه‌تر

۲.۲. مفهوم بیوفیلیک (طبیعت محور)

بیوفیلیا ریشه یونانی دارد که معنای "عشق به زندگی یا سیستم‌های زنده" است و در لغت به معنای عشق به سیستم‌های زندگی است. این اصطلاحی بود که به وسیله ویلسون رایج شده است (Smith, 2017). طراحی بیوفیلیک از عناصر مختلف طبیعت برای ایجاد یک محیط هماهنگ و ترمیمی استفاده می‌کند. برای مثال از طریق نور طبیعی، مانند نور روز و منظره بیرونی می‌تواند ارتباط شهروندان را با دنیای طبیعی افزایش دهد و یا مثلاً گیاهان داخلی، دیوارهای زنده و آب‌نماها طبیعت را به داخل خانه می‌آورند، کیفیت هوا را بهبود می‌بخشند، صدا را کاهش می‌دهند و جذابیت بصری ایجاد می‌کنند. استفاده از مواد طبیعی، بافت و رنگ‌های متنوع تجربه بیوفیلیک را بیشتر تقویت می‌کنند (Barbiero, 2021)؛ بنابراین در تماس بودن با طبیعت و فرایندهای آن، دسترسی به فضاهای باز طبیعی مانند پارک‌ها، باغ‌ها یا رودخانه‌ها و تعامل با حیوانات و گیاهان باعث بهبود رفاه عمومی و سلامت انسان می‌شود و دارای مزایای زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. با این حال، رابطه با طبیعت و دانش محیطی نه تنها در دوران کودکی بلکه در طول زندگی فرد توسعه می‌یابد. بنابراین طراحی بیوفیلیک اجزای طبیعی را در محیط‌های ساخته شده ترکیب می‌کند و از سویی دیگر شهرهای بیوفیلیک شهرهایی تاب‌آور و پایدار هستند که خدمات زیست‌محیطی و سازگاری متعددی را به طور هم‌زمان ارائه می‌دهند و در عین حال مزایای اساسی را در قالب سلامت روان و جسم ارائه می‌کنند (Cobrerios et al., 2023). از سویی دیگر شتاب مداوم روند شهرنشینی در سراسر جهان منجر به تشدید اثرات جزیره گرمایی شهری شده و حفظ عرصه‌های طبیعی ضمن این که نقش مهمی در رفاه کلی جوامع شهری داشته منجر به افزایش مزایای متعددی مانند بهبود کیفیت هوا، کاهش اثر جزیره گرمایی و کربن شهری و افزایش تنوع زیستی (که از عوامل اصلی کیفیت زیستگاه‌های شهری امروزی هستند) می‌گردد (Yang et al., 2022). باید در نظر داشت که در طراحی بیوفیلیک انسان‌ها تمایلی ذاتی به

طبیعت دارند و طراحی به دنبال ترکیب هدف شهرسازی بیوفیلیک و کاهش انفصال شهری معاصر با طبیعت است و تجربه دنیای طبیعی را به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی عادی شهری تبدیل می‌کند (Eid & Khalifa, 2021).

پس باید در نظر داشت که مناطق طبیعی اطراف شهرها نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهری و ترویج رویکرد بیوفیلیک در برنامه‌ریزی شهری ایفا می‌کنند. از این رو طراحی مؤثر فضاهای سبز عمومی در مناطق شهری بسیار مهم است، زیرا بازدید از این مناطق باعث تشویق روابط اجتماعی و تعاملات طبیعی می‌شود. در نظر گرفتن معیارهای طراحی منظر مطابق با این دیدگاه‌ها نه تنها بر اهمیت عناصر عملکردی و زیبایی‌شناختی، بلکه بر روابط اکوسیستمی و بیوفیلیک بین مردم و محیط زیست تأکید می‌کنند و اثرات مثبتی برای هر دو ایجاد می‌کنند (Boffi et al., 2021). این مناطق ارتباط با طبیعت را برقرار می‌کنند و طیف وسیعی از مزایا مانند بهبود کیفیت هوا و آب، حفاظت از تنوع زیستی و فرصت‌های تفریحی را ارائه می‌دهند (Tulloch et al., 2018) و باتوجه به مطالب فوق و بررسی نتایج تحقیقات گذشته به این نتیجه می‌رسیم که ارتباط مثبت و مؤثری بین ارتباط با طبیعت در فضاهای باز و کاهش استرس انسان وجود دارد. با این حال اثرات مشابه ترکیب عناصر طبیعی در محیط به عنوان مثال طراحی بیوفیلیک، کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است (Twedt et al., 2016). طراحی بیوفیلیک با در نظر گرفتن ریشه‌های تکاملی این رویکرد معماری، روشی مؤثر برای برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های داخلی و شهری برای تحریک بیوفیلیک ذاتی افراد است، اما متأسفانه افراد امروزی به ویژه کودکان فاقد ارتباط مستقیم و مکرر با طبیعت هستند و این می‌تواند پیامدهای منفی بر سلامت جسمی و روحی آنها بگذارد (Berto & Barbiero, 2021). بنابراین طراحی بیوفیلیک به عنوان یک رشته خاص به ارتباط ذاتی انسان با طبیعت و فرایندهای طبیعی اشاره دارد و تحقق این ارتباط باعث ارتقای سلامت و رفاه در محیطی می‌شود که در آن زندگی می‌کنیم (Tekin & gutierrez, 2023).

جدول شماره ۲: نظرات همگرا در حوزه طبیعت محور

نویسندگان مطرح	ابعاد	توضیحات
Fromm, 1964	اجتماعی	اصطلاح بیوفیلیا را برای توصیف جهت‌گیری روان‌شناختی جذب شدن به هر چیزی که زنده و حیاتی است، تعریف کرد.
McHarg, 1969	زیست‌محیطی	او در کتاب طراحی با طبیعت از رویکردی جامع‌تر و بوم‌شناختی‌تر به برنامه‌ریزی شهری، با تأکید بر ادغام سیستم‌های طبیعی دفاع کرد و فرایندهای طراحی شهرهای او زمینه را برای ادغام اصول بیوفیلیک در طراحی شهری فراهم کرد.
Wilson, 1984	زیست‌محیطی	ارتباط ما با جهان طبیعی عمیقاً در تمایلی ذاتی به طبیعت دارد. او استدلال کرد که انسان به دلیل تاریخ تکاملی زیست‌شناسی ریشه دارد و بهزیستی شناختی، عاطفی و فیزیکی ما را شکل داده و مفهوم بیوفیلیا را وارد عرصه دانشگاهی کرد.
Kellert, 1997	زیست‌محیطی کالبدی	مفهوم بیوفیلیک ویلسون را گسترش داد و آن را به طور خاص در زمینه معماری و طراحی به کاربرد و به مفهوم "بعد محلی یا بومی مبتنی بر مکان" تأکید دارد.
Beatley, 2010	زیست‌محیطی کالبدی	در سطح بین‌المللی یک راهبرد طراحی پایدار ارائه می‌دهد که به دنبال ایجاد ارتباط مجدد مردم با محیط طبیعی است.
Browning et al, 2014	زیست‌محیطی کالبدی	الگوی طراحی بیوفیلیک را در چارچوبی برای پیوند علوم زیستی و طبیعت انسانی با طراحی محیط ساخته شده با ارائه مجموعه‌ای از ابزارها پیشنهاد کرده‌اند.
Totaforti, 2020	زیست‌محیطی اجتماعی	طراحی و برنامه‌ریزی بیوفیلیک (شهرسازی بیوفیلیک) ارتباط با طبیعت را ارتقا می‌دهد و به طور مثبت با ارزش‌ها و رفتارهای طرفدار محیط زیست و پایدارتر مرتبط است.
Lee & Kim, 2021	زیست‌محیطی عملکردی اجتماعی	عناصر بیوفیلیک را می‌توان به طور مؤثر در یک شهر به کار برد و می‌توان محیطی را ایجاد کرد که در آن انسان بتواند مزایای مختلفی را تجربه کند و همچنین ثبات روانی را از طبیعت به دست آورد. (روش طبیعی، فنی و عملکردی)

باتوجه به تکثیر روش های مختلف برای ترکیب تحقیقات کیفی، رویکرد هفت مرحله ای ساندلوفسکی و باروسو که در تصویر شماره دو ترسیم شده، برجسته است، زیرا محرکی برای تفکر و خلاقیت است (Herber & Barroso, 2020). راهبردهای جست و جو باهدف شناسایی گزارش های تحقیقاتی کیفی و پایایی مقالات منتخب، توسط کارشناسان باتجربه و استفاده از روش یک چک لیست ده سئوالی به نام کسپ که توسط ادبیات مربوطه هدایت می شود، توسعه داده و انتخاب شد و در ادامه این مبحث به ترتیب مراحل فراترکیب مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرند.

گام نخست: تنظیم سئوال های تحقیق

مانند هر روش تحقیق، یک سئوال تحقیقی مناسب و توسعه یافته به فراترکیب جهت می دهد. پس از تعیین هدف اولیه مطالعه ترکیبی

تحقیق، پارامترهایی که معیارهای ورود به پژوهش را تشکیل می دهند باید روشن شوند. این به دانستن این که چه مطالعاتی در ادبیات باید حذف شوند، کمک می کند؛ بنابراین ابتدا چهار پارامتر اصلی را روشن می کنیم: موضوعی اولیه (چه چیزی)، جمعیت (چه کسی)، زمانی (چه زمانی) و روش شناختی (چگونه). مطالعه ما با سئوالاتی آغاز می شود که شامل عوامل و مفاهیم مفید در انتقال دانش از طریق پروژه های فراملی است که در حال حاضر در ادبیات موجود است. پژوهش ها اغلب از این عوامل برای تولید یک چارچوب مرجع مشترک استفاده می کنند که می تواند برای انتقال دانش مورد استفاده قرار گیرد (Shoel et al., 2019). سئوال تحقیقی خاص، مهم ترین وظیفه فراترکیب است. سئوال تحقیق به محقق کمک می کند تا معیارهای ورود و خروج را براساس آن تعیین کند (Shakerian et al., 2019).

جدول شماره ۳: پرسش های پژوهش

عنوان	پرسش
چه چیزی	شاخص های اساسی مکان سازی و بیوفیلیک کدامند؟
چه کسی	چه افرادی از جامعه در حوزه مکان سازی و بیوفیلیک مورد بررسی قرار می گیرند؟
چه وقت	منابع مورد بررسی در چه زمان هایی انتشار یافته اند؟
چگونه	چگونه می توان اصول طراحی طبیعت محور را به عنوان یک ابزار برای بهبود مکان سازی و کیفیت زندگی در شهرها استفاده کرد؟

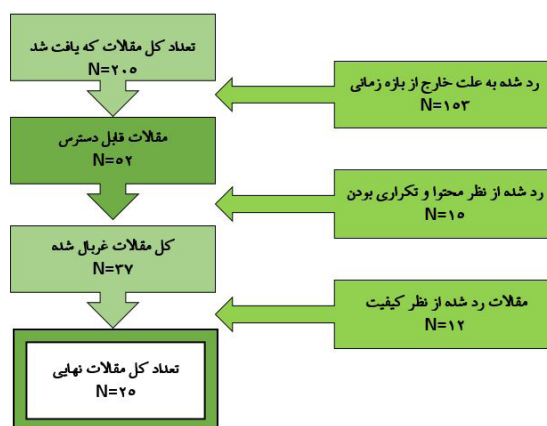
گام دوم: بررسی نظام مند متون

در این گام از پژوهش، جست و جوی مقالات معتبر جهانی از پایگاه های معتبر علمی پژوهشی: Semanticscholar و Web of Science در بازه زمانی پنج سال اخیر و با ترکیب دو واژه مکان سازی (Place-making) و طبیعت محور (Biophilic) در همه بخش های مقاله صورت گرفته است که باتوجه به فیلترهای حوزه موضوعی شهرسازی، ۲۵ مقاله استخراج گردید.

گام سوم: جست و جو و انتخاب متون مناسب

بر اساس مطالعه ادبیات روش شناختی و مناسنتزهای منتشر شده پیشین می توان از چک لیست ارزیابی کیفی و بررسی ابزار QARI و مهارت های ارزیابی حیاتی (Program Skills Appraisal) استفاده کرد. هر دو ابزار امکان ارزیابی سیستماتیک کیفیت مطالعات کیفی را فراهم می کنند و به طور گسترده در رویکرد فراترکیب استفاده می شوند. ابزارهای فوق به هر سه سطح اعتبار

(بی چون و چرا، معتبر و پشتیبانی نشده) کمک می کنند و ابزار منسجمی هستند که به صورت آنلاین قابل دسترسی است و شامل ۱۰ سئوال تخصصی و واضح برای ارزیابی با استفاده از یک مقیاس چهار گزینه ای (بله - خیر - نامشخص - غیرقابل اجرا) است و چک لیست کسپ نیز شامل سه بخش ارزیابی است (آیا نتایج حاصل از مطالعه معتبر است؟ - "نتایج چیست؟" - "آیا نتایج به صورت محلی کمک می کند؟" با استفاده از یک ارزیابی سه گزینه ای (بله - نه - نمی توانم بگویم) صورت می گیرد (Chrastina, 2018). هریک از مقالات باتوجه به روش ۵۰ امتیازی کسپ (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲)، امتیاز از یک تا پنج گرفت و مقالاتی که جمع امتیازهای آنها از ۲۱ بیشتر شد (تکیه یان و جهانیان، ۱۴۰۱)، به لحاظ علمی و کیفی تأیید و مابقی حذف شدند. پس از غربال مقالات منتخب، ۲۵ مقاله در فرایند فراترکیب وارد شدند که فرایند انتخاب مقالات در تصویر ذیل نمایش داده شد (نحوه امتیازدهی به مقالات بدین قرار است: (۴۰-۵۰) عالی، (۳۱-۴۰) خیلی خوب، (۲۱-۳۰) خوب، (۱۱-۲۰) متوسط، (۰-۱۰) ضعیف).



تصویر شماره ۳: فرایند جست و جو و انتخاب مقالات نهایی

شناسنامه این مقالات فقط در قسمت یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

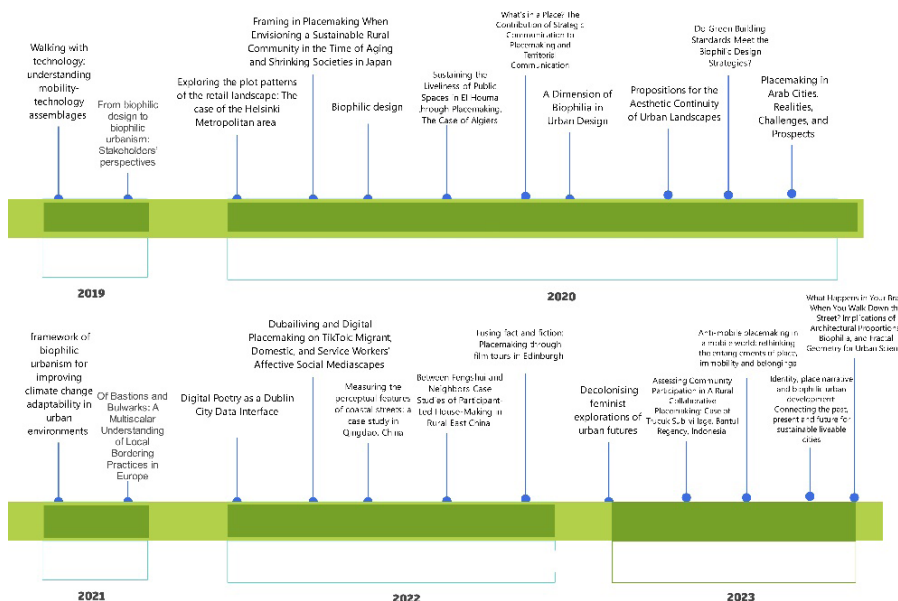
گام چهارم: استخراج داده‌های موردنیاز

تمامی اجزای مهم و چارچوب اصلی مقالات منتخب مانند چکیده، هدف پژوهش و نتایج در این مرحله بادقت و چندین مرتبه مورد بررسی قرار گرفت و نام مقالات به همراه نویسنده و سال انتشار توسط نرم‌افزار اکسل یادداشت‌برداری شد و بعد از آن مقوله‌های اصلی، فرعی و شاخص‌ها استخراج و برای تحلیل و بررسی وارد نرم‌افزار مکس کیودا شد. باید به این نکته مهم توجه کرد که این مقالات توسط پنج مفهوم و موضوع اصلی شامل پایداری اکوسیستم، انعطاف‌پذیری اجتماعی، جذب گردشگری، رویکردهای نوآورانه و منظرسازی شهری طبقه شده‌اند؛ بنابراین به دلیل حجم زیاد و جلوگیری از تکرار مطالب، فراوانی و عناوین کدگذاری استقرایی شاخص‌ها در مکس کیودا و اطلاعات

۴. یافته‌ها و بحث

۴.۱. گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

مطالعات صورت‌گرفته بین بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۲۳ قرار دارند که ۲۵ مقاله استخراج گردید. بیشترین مطالعات منتخب این پژوهش مربوط به سال ۲۰۲۰ با (۳۶ درصد) است. سال ۲۰۲۳ با (۲۴ درصد) در رتبه دوم، بازه سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ با (۱۶ درصد) در رتبه سوم جا دارد و در آخر سال ۲۰۱۹ با (هشت درصد) قرار دارد و با توجه به روش‌های تحقیق استفاده شده نیز بیشترین فراوانی مختص به روش تحقیق کیفی (مروری، انتقادی و نمونه‌موردی) است (جدول شماره ۵).



تصویر شماره ۴: بازه زمانی مقالات مورد بررسی

مقوله‌ی فرعی و باتوجه به میزان شباهت مقوله‌های فرعی، آنها به ۲۸ شاخص طبقه‌بندی شدند که در جدول ذیل نمایش داده شده است.

کدهای استقرایی این پژوهش در قالب پنج مقوله اصلی دسته‌بندی شدند و باتوجه به میزان شباهت مفاهیم شناسایی شده، در قالب ۱۲

جدول شماره ۴: اطلاعات شناسنامه‌ای و کدگذاری پژوهش‌های منتخب ←

موضوع	فراوانی (درصد)	نویسنده/سال	شاخص	مقوله فرعی	مقوله اصلی
پایداری اکوسیستم	32	Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Grace et al.,2020, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022	استفاده از عناصر طبیعی	عوامل محیطی	زیست محیطی
	۱۶	Schiavone& Reijnders,2022, Lyu et al.,2022, Lee&Kim,2021 , Amat et al.,2020	سرزندگی فضاهای عمومی همراه با طبیعت		
	۳۲	Grace et al.,2020, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022,Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020	پایداری به کمک فرم طبیعت		
	44	Naji& Rzeszewski,2022,Kudo,2020 Richardson,2023, Koleth et al.,2023, Richardson,2023, rielmann,2023, Schiavone& Reijnders,2022, Koleth et al.,2023, Richardson,2023, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022	فضای سبز شهری	طراحی با طبیعت	
	۸	Koleth et al.,2023, Richardson,2023	طراحی سبز در ساختمان های شهر		
	۸	Hurley,2023, Lems,2023	تصویرپذیری و زیباسازی سبز محیط		

- ادامه جدول شماره ۴: اطلاعات شناسنامه ای و کدگذاری پژوهش های منتخب

موضوع	فراوانی (درصد)	نویسنده/سال	شاخص	مقوله فرعی	مقوله اصلی	
انعطاف پذیری اجتماعی	۸	Briellmann,2023, Schiavone& Reijnders,2022	تحرك و هویت	عوامل ادراکی	اجتماعی	
	۴	Lyu et al.,2022	فرهنگ ساختمان محلی			
	۴	Kortelainen & Albrecht,2021	استفاده تشکلات اجتماعی از فضا	ارتباط اجتماعی		
	۸	Naji& Rzeszewski,2022, O’Sullivan et al.,2023	مکان های پر جنب وجوش			
	۵۲	Grace et al.,2020, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020	مشارکت اجتماعی و فعالیت های اجتماعی			
	۵۶	Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Grace et al.,2020, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Gungor,2020	طراحی حسی	عوامل حسی		
	۶۸	Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Grace et al.,2020, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020	سلامت جسمی و روحی			
	۴	Depari,2023	همبستگی محله ای			
گردشگر جذب	۸	Oomen et al.,2021 ,Depari,2023	ایجاد سرمایه و تقویت کسب وکار محلی	کسب وکار	اقتصادی	
	۴	Oomen et al.,2021	مشارکت در سرمایه گذاری مالی	سرمایه گذاری		
رویکردهای نوآورانه	۸	Naji& Rzeszewski,2022, Hurley,2023	مکان سازی دیجیتال	فناوری	عملکردی	
	۴	Ren & Woudstra,2022	چشم اندازهای چند مقیاسی			
	۴	Naji& Rzeszewski,2022	هوشمندسازی			
	۲۴	Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021 , Amat et al.,2020	پیاده مداری	حمل و نقل سبز		
	۴	Ryan, Browning, 2020	پردازش فراکتال			
	۸	Hurley,2023 Naji& Rzeszewski,2022	برندسازی دیجیتال مکان	کیفیت		محیط زیست
	۱۶	Gungor,2020, Xue et al.,2019, Lee&Kim,2021, Amat et al.,2020	مصرف انرژی			
	منظرسازی شهری	۳۶	Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021	طراحی فیزیکی متناسب با اجتماع و طبیعت		عوامل فرم شهری
۸		Melo,2021, Amat et al.,2020	به کارگیری روش های تعاملی			
۳۶		Richardson,2023, Grace et al.,2020, Chang,2020, Ren & Woudstra,2022, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021, Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020,	طراحی ترمیمی	طراحی فیزیکی شهر		
۲۰		Helmy,2020, Amat et al.,2020, Ryan, Browning, 2020, Xue et al.,2019, Kortelainen & Albrecht,2021	طراحی سنتی و بومی			
۴		Ren & Woudstra,2022	تقویت مرزهای محلی			

هویت در جوامع کمک و محیط هایی برای مشارکت اجتماعی ایجاد کنند.

اقتصادی: مؤلفه اقتصادی به ارزیابی عملکرد مالی و سودمندی اقتصادی از طریق مکان سازی بیوفیلیک می پردازد. این شامل افزایش ارزش املاک، کاهش هزینه های نگهداری و افزایش سرمایه گذاری و رونق کسب و کار محلی می شود.

عملکردی: این مؤلفه به بررسی چگونگی کارایی و عملکرد فضاهای بیوفیلیک در روزمره پرداخته و چگونگی تأثیر آنها بر روی نحوه استفاده از فضا و رضایت استفاده کنندگان را مورد توجه قرار می دهد.

باتوجه به یافته های پژوهش می توان ابعاد مختلف مورد بررسی را در ذیل به صورت اختصار توضیح داد:

زیست محیطی: این مؤلفه یکی از مهم ترین بخش های مکان سازی بیوفیلیک است که شامل کاهش اثرات منفی بر محیط زیست و افزایش مزایای زیست محیطی است؛ مانند مدیریت منابع آب، کاهش انتشار دی اکسید کربن، حفظ تنوع زیستی و استفاده بهینه از انرژی.

اجتماعی: این مؤلفه شامل تأثیرات مکان سازی بیوفیلیک بر تعاملات و روابط اجتماعی، ایجاد فضاهای مشترک و رونق فعالیت های فرهنگی است. فضاهای طراحی شده می توانند به ایجاد احساس انسجام و

کالبدی: این مؤلفه به تأثیرات بصری و زیبایی‌شناختی فضاهای بیوفیلیک می‌پردازد. اغلب، زیبایی طبیعی و طراحی‌های مبتنی بر طبیعت می‌توانند به روحیه و احساس خوب شهروندان کمک کنند. در پایان باید به این نکته توجه داشت که طراحی بیوفیلیک طبق اصول مکان‌سازی بسیار بر سلامت جسمی و روانی انسان‌ها تأثیرگذار است. محیط‌های طراحی‌شده با استفاده از عناصر طبیعی بیوفیلیک می‌توانند به کاهش استرس، بهبود خلق‌وخو و افزایش تمرکز و بهره‌وری کمک کرده و در نتیجه منجر به بهبود کیفیت زندگی می‌شوند و از سویی دیگر راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت در مکان‌سازی به ارتقای پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی شهرها کمک می‌کند.

گام ششم: کنترل کیفیت پژوهش

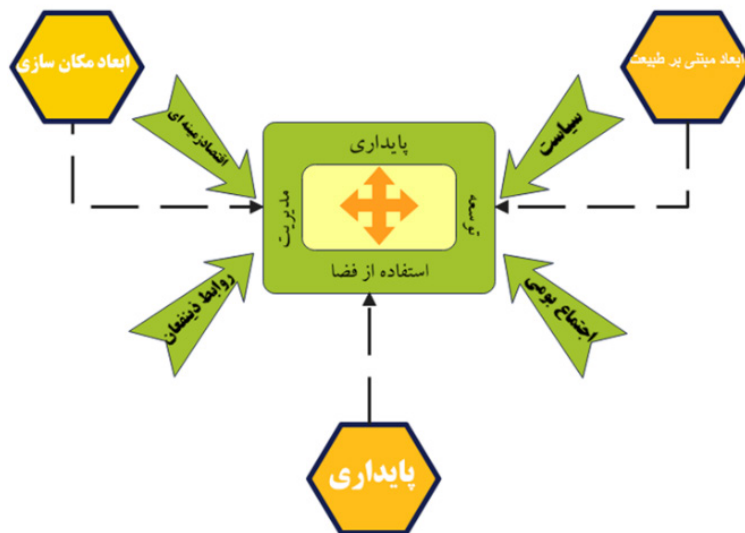
همان‌طور که در ابتدای مبحث نیز به آن اشاره شد، برای روایی و پایایی مقالات مورد منتخب از روش کوآری و کسپ استفاده گردید و برای ارزیابی روایی و پایایی شاخص‌ها و مقوله‌های اصولی و فرعی در قالب یک طرح پژوهشی از خبرگان و اساتید دانشگاه آزاد مشهد و مدیران شهری که سابقه کار فضای سبز و شهرسازی آنها بالای پنج سال بود، استفاده شد که انتخاب خبرگان به صورت نمونه‌گیری احتمالی و ترکیبی از روش‌های هدفمند صورت گرفته است.

هدف از این پژوهش انجام یک مطالعه فراترکیب مقاله‌های علمی‌پژوهشی در جهان است تا تقاطع بین مکان‌سازی و طراحی بیوفیلیک را بررسی کند و با تجزیه و تحلیل و ترکیب ادبیات موجود، ارائه‌های مروری بر دانش و بینش فعلی در این زمینه، شناسایی الگوها و برجسته‌کردن یافته‌ها و توصیه‌های کلیدی را انجام دهد و تغییرات پارادایمیک این مفاهیم را در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار دهد. بنابراین مرور پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه مفاهیم مکان‌سازی و بیوفیلیک نشان‌دهنده تغییراتی در پارادایم‌ها و پیدایش نظریات گوناگون و جدیدی به خصوص در عصر حاضر است و از سویی دیگر تفاوت‌ها در کاربردهای مفاهیم آنها کاملاً مشهود است. در همین راستا، به موضوع مکان‌سازی شهرهای بیوفیلیک از زوایای مختلف توسط پژوهشگران پرداخته شده و تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. برای مثال توتافورتی با نگاهی به جامعه‌شناسی شهری فرضیه "طراحی و برنامه‌ریزی بیوفیلیک ارتباط با طبیعت را ارتقا می‌دهد و به طور مثبت با ارزش‌ها و رفتارهای طرفدار محیط‌زیست و پایدارتر مرتبط است" را مورد بررسی قرار داد که نتایج نشان می‌دهد که طراحی و برنامه‌ریزی بیوفیلیک می‌تواند یک پارادایم مفید برای مقابله با چالش‌هایی که توسط شهر آینده ایجاد می‌شود، همچنین از نظر پایداری با تفسیر مجدد و تقویت رابطه انسان و طبیعت در بافت شهری در نظر گرفته شود (Totaforti, 2020). در پژوهشی دیگر که به وسیله لی و کیم انجام شده، آنها چارچوبی برای شهرسازی بیوفیلیک پیشنهاد می‌کنند که بر انطباق با تغییرات اقلیمی متمرکز است و شامل محدوده فضایی تقسیم‌شده به منطقه و شهر، محله و خیابان و ساختمان و درجه روش بیوفیلیک است که شامل روش طبیعی، فنی و عملکردی است (Lee & Kim, 2021). از سویی دیگر نتایج پژوهشی که به وسیله آمات و همکاران صورت گرفته اظهار می‌دارد که به منظور ترویج رویکرد همگرایین طراحی بیوفیلیک و شهرسازی، سه بعد وجود دارد که به عنوان یک چارچوب

شناسایی شده است که شامل ویژگی اکولوژیکی (منابع طبیعی مکان‌ها در تعیین هویت و شخصیت)، محیط ساخته شده فعلی (زیرساخت‌ها) و کارکردهای مکان است (Amat et al., 2020). با بررسی پژوهش‌های هم‌راستا با این مقاله می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مکان‌سازی و طراحی بیوفیلیک در شهرها می‌تواند نقش مهمی در بهبود شرایط زیست‌محیطی، کیفیت زندگی شهروندان و مقابله با چالش‌های شهری آینده داشته باشد. برای مثال افزایش بیماری‌های همه‌گیر و مشکلات روحی-روانی ساکنان شهرها به مرور زمان به یک چالش شهری تبدیل شده که پیشروی تمامی شهرهای مدرن است. همچنین، مباحث و چالش‌های آلودگی محیط‌زیست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توجه به مدیریت بهینه آن و کاهش آثار آلاینده‌ها در این حوزه ضروری است، البته باید در نظر داشت که آلودگی‌های محیط‌زیست شامل موارد بی‌شماری مانند انتقال ریزگردها، افزایش دی‌اکسیدکربن و بسیاری از آلاینده‌های سوخت فسیلی و سایر موارد است. به‌طور کلی، اهمیت توازن بین محیط‌زیست شهری و توسعه فضای شهری در مکان‌سازی و طراحی بیوفیلیک مورد تأکید قرار می‌گیرد.

گام هفتم: ارائه نتایج پژوهش

مکان‌سازی با توجه به رویکرد بیوفیلیک به دلیل تأثیرات مثبت قابل‌ملاحظه‌ای که بر سلامتی انسان، محیط‌زیست و جامعه دارد، بسیار مهم و ضروری است و این رویکرد می‌تواند به کاهش استرس و بهبود خلق‌وخو کمک کرده (Xue et al., 2019) و باعث افزایش تمرکز و بهره‌وری شود و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (O'Sullivan et al., 2023). بنابراین باید در نظر داشت که طراحی‌هایی که الهام‌بخش از طبیعت هستند می‌توانند به سلامت جسمی و روحی انسان کمک کنند و پایداری را به محیط‌زیست ببخشند. علاوه بر این فضاهای سبز می‌توانند کیفیت هوا را بهبود ببخشند و به کاهش آلاینده‌ها کمک کنند. همچنین این مکان‌ها در کاهش اثرات گرمایش جهانی نقش داشته و می‌توانند به اداره دمای شهری و کاهش اثر جزیره حرارتی شهری کمک کنند. استفاده از عناصر بیوفیلیک در مکان‌سازی می‌تواند باعث صرفه‌جویی در انرژی شود، چرا که نورپردازی طبیعی و تهویه مناسب را فراهم می‌کند که این نیز به اقتصاد سازه کمک می‌کند و از سویی دیگر تمرکز بر استحکام و مقاومت در برابر بحران‌های طبیعی با استفاده از عناصر بیوفیلیک (Lee & Kim, 2021)، تاب‌آوری جوامع را مقاوم‌تر می‌کند. این نوع مکان‌سازی می‌تواند به تقویت فضاهای اجتماعی و اقتصاد محلی نیز کمک کند؛ مثلاً با جذب توریست و افزایش ارزش املاک. افزایش تنوع زیستی با حمایت از حیات وحش و تنوع گونه‌های گیاهی از دیگر مزایای مهم مکان‌سازی بیوفیلیک است. در نهایت، با توجه به روند روبه‌افزایش زندگی شهری، مکان‌سازی بیوفیلیک می‌تواند به تقویت ارتباط انسان با طبیعت و خلق جوامع سالم‌تر، هماهنگ‌تر با محیط‌زیست و ایجاد پایداری (Kudo, 2020, Depari, 2023, Khemri & Alessa Melis, 2020) کمک کند. می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از رویکرد بیوفیلیک در مکان‌سازی با ایجاد ارتباط عمیق‌تر میان انسان و طبیعت، نه تنها نیازهای کنونی را برآورده می‌سازد، بلکه به نیازهای آینده محیط‌زیست و جامعه نیز پاسخ می‌دهد (Schiavone & Reijnders, 2022).

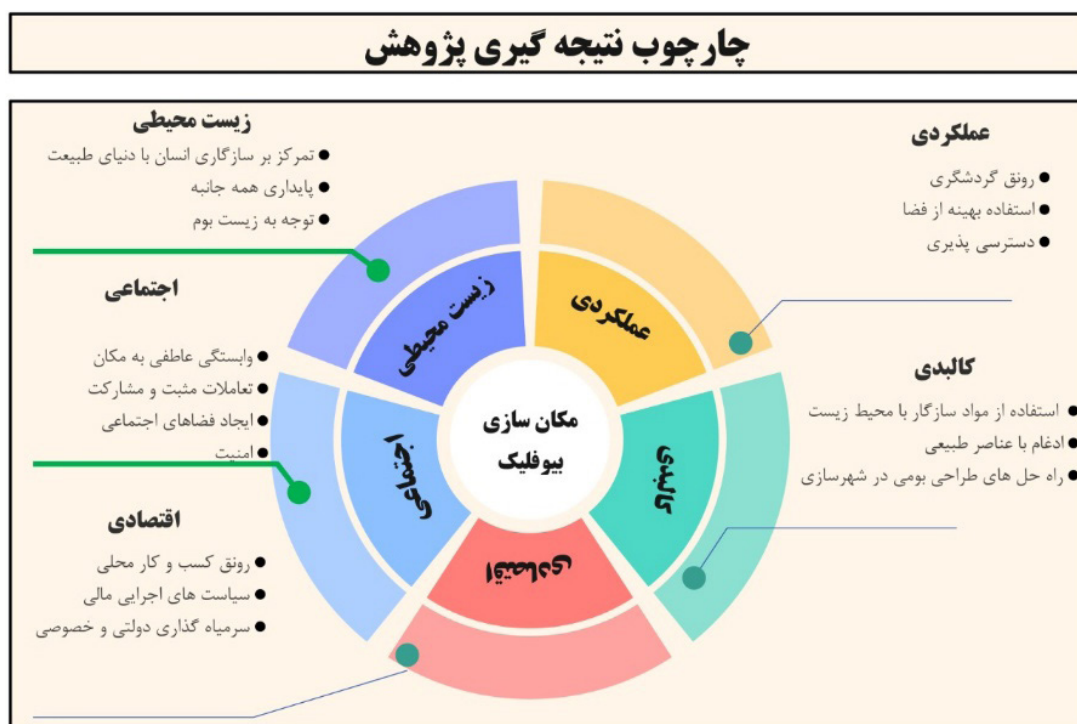


تصویر شماره ۵: چکیده ای از یافته های پژوهش

۵. نتیجه گیری

نتایجی که از ادبیات اظهار شده استدلال می شود این است که ارتباط با طبیعت یک ویژگی فردی و شخصی است که مستقل از محیطی است که در معرض آن قرار می گیرد. درحالی که سطح مکان سازی درک شده یک محیط طبیعی کاملاً به ویژگی های آن محیط بستگی دارد. با این حال، نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که درک عمیق تر و وابستگی به محیط های طبیعی، پیشینه بالقوه تجربیات ادراکی مثبت در محیط های طبیعی را داراست و افراد با سطوح بالاتر ارتباط با طبیعت، مناظر طبیعی را جذاب تر و زندگی با کیفیت تری را می بینند. به عبارت دیگر، حس ذهنی ارتباط با طبیعت با ارزیابی های ادراکی

مثبت تری از محیط های طبیعی همراه است. مطالعه ما نشان داد که کیفیت مکان سازی بیوفیلیک می تواند با سطوح مختلف ارتباط با طبیعت و درک انسان مرتبط باشد. اگرچه ادبیات، بیوفیلیک و مکان سازی را به عنوان پدیده های مستقل گزارش می کنند، اما نتایج ما داستان متفاوتی را بیان می کند و نشان می دهد که آنها در واقع درهم تنیده شده اند و با کیفیت محیط نیز مرتبط هستند. این مطالعه تلاش کرده است تا تعاملاتی که بین مردم و محیط های طبیعی رخ می دهد را روشن تر کند تا بعد از آن در پژوهش های آتی بتوان از رویکردی جدید با نام مکان سازی بیوفیلیک استفاده کرد.



تصویر شماره ۶: مدل پیشنهادی پژوهش

پی‌نوشت:

*Search protocol: TITLEABSKEY (placemaking AND biophilic) AND 2017 AND PUBYEAR < 2023 (LIMIT-TO (DOCTYPE , "ar")) AND (LIMIT-TO (EXACTKEYWORD , "Biophilic Design") OR LIMIT-TO (EXACTKEYWORD , "Place Making") OR LIMIT-TO (EXACTKEYWORD , "Urbanization"))

جدول شماره ۵: لیست عناوین منابع مورد استفاده در متن پژوهش *

ردیف	عناوین مقالات	نویسنده/سال	روش تحقیق	ردیف	عناوین مقالات	نویسنده/سال	روش تحقیق
۱	From biophilic design to biophilic urbanism: Stakeholders' perspectives	Xue et al., 2019	کمی	۱۴	Exploring the plot patterns of the retail landscape: The case of the Helsinki Metropolitan area	Grace et al., 2020	ترکیبی
۲	Digital Poetry as a Dublin City Data Interface	Naji & Rzeszewski, 2022	کیفی (انتقادی)	۱۵	Propositions for the Aesthetic Continuity of Urban Landscapes	Chang, 2020	کیفی
۳	Framing in Placemaking When Envisioning a Sustainable Rural Community in the Time of Aging and Shrinking Societies in Japan	Kudo, 2020	کیفی	۱۶	Decolonising feminist explorations of urban futures	Koeth et al., 2023	کیفی
۴	Assessing Community Participation in A Rural Collaborative Placemaking: Case of Trucuk Sub-village, Bantul Regency, Indonesia	Depari, 2023	کیفی	۱۷	biophilic urban Identity, place narrative and development: Connecting the past, present and future for sustainable liveable cities	O'Sullivan et al., 2023	کیفی
۵	Of Bastions and Bulwarks: A Multiscalar Understanding of Local Bordering Practices in Europe	Oomen et al., 2021	کیفی	۱۸	Walking with technology: understanding mobility-technology assemblages	Holton, 2019	کیفی
۶	Biophilic design	Ryan, Browning, 2020	ترکیبی	۱۹	Dubailiving and Digital Placemaking on TikTok: Migrant, Domestic, and Service Workers' Affective Social Mediascapes	Hurley, 2023	کیفی
۷	Sustaining the Liveliness of Public Spaces in El Houma through Placemaking. The Case of Algiers	Khemri & Alessa Melis, 2020	ترکیبی	۲۰	framework of biophilic urbanism for improving climate change adaptability in urban environments	Lee & Kim, 2021	ترکیبی
۸	What's in a Place? The Contribution Communication Strategic of Placemaking and Territorial to Communication	Melo, 2021	کیفی	۲۱	Measuring the perceptual features of coastal streets: a case study in Qingdao, China	Lyu et al., 2022	ترکیبی
۹	A Dimension of Biophilia in Urban Design	Amat et al., 2020	کیفی (موردی)	۲۲	Conceptualising 'street-level' urban design in Scotland	Richardson, 2023	کیفی (موردی)
۱۰	Anti-mobile placemaking in a mobile world: rethinking the entanglements of place, in mobility and belonging	Lems, 2023	کیفی (انتقادی)	۲۳	Placelessness of urban design and industrial branding in small town planning. pdf	Kortelainen & Albrecht, 2021	کیفی
۱۱	Between Fengshui and Neighbors Case Studies of Participant-Led House-Making in Rural East China	Ren & Woudstra, 2022	کیفی (قوم نگاری)	۲۴	Fusing fact and fiction: Placemaking through film tours in Edinburgh	Schiavone & Reijnders, 2022	کیفی
۱۲	Do Green Building Standards Meet the Biophilic Design Strategies?	Güngör, 2020	ترکیبی	۲۵	What Happens in Your Brain When You Walk Down the Street? Implications of Architectural Proportions, Biophilia, and Fractal Geometry for Urban Science	Brielmann, 2023	ترکیبی
۱۳	Placemaking in Arab Cities. Realities, Challenges, and Prospects	Helmy, 2020	کیفی				

References:

- Achterbergh, l., pitman, a., birken, m., pearce, e., sno, h., & johnson, s. (2020). the experience of loneliness among young people with depression: a qualitative meta-synthesis of the literature. *bmc psychiatry*, 20(1), 1-23. <https://doi.org/10.1186/s12888-020-02818-3>
- Ahmadi, K. rokhandeh, n., hamzpour, me. sohrabi, f. (2023). systematic conceptualization of administrative discipline using metacombination method. *human resource management research*, 15(2). [in persian]
- Amat, r. c., ismail, s., wahab, m. h., ahmad, n. h., & rani, w. n. m. w. m. (2020). a dimension of biophilia in urban design. in *iop conference series: earth and environmental science* (vol. 409, no. 1, p. 012016). iop publishing. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/409/1/012016>
- Ancher, k. (2007). placemaking, urban design and power relations in a local government context: the case of glenorchy, tasmania (doctoral dissertation, university of tasmania). <https://doi.org/10.25959/23209994.v1>
- Bahmani h, zhang w. why do communities recover differently after socio-natural disasters? pathways to comprehensive success of recovery projects based on bam's (iran) neighborhoods' perspective. *int j environ res public health*. 2022 jan 7;19(2):678. doi: 10.3390/ijerph19020678. pmid: 35055499; pmcid: pmc8775569.
- Barbiero g, berto r. biophilia as evolutionary adaptation: an onto- and phylogenetic framework for biophilic design. *front psychol*. 2021 jul 21;12:700709. doi: 10.3389/fpsyg.2021.700709. pmid: 34367025; pmcid: pmc8334556.
- Boffi m, pola l, fumagalli n, fermani e, senes g, inghilleri p. nature experiences of older people for active ageing: an interdisciplinary approach to the co-design of community gardens. *front psychol*. 2021 sep 27;12:702525. doi: 10.3389/fpsyg.2021.702525. pmid: 34646195; pmcid: pmc8503679.
- Brownett t, evans o. finding common ground: the conception of community arts festivals as spaces for placemaking. *health place*. 2020 jan;61:102254. doi:10.1016/j.healthplace.2019.102254. epub 2019 nov 22. pmid: 31767274.
- Chrastina, J. (2018). Meta-Synthesis of Qualitative Studies: Background, Methodology and Applications. *nordsci*. <https://doi.org/10.32008/NORDSCI2018/B1/V1/13>
- Cobreros, c., medoza-ruvalcaba, n., flores-garcía, m., & roggema, r. (2023). improving psychological well-being in urban university districts through biophilic design: two cases in mexico. *sustainability*, 15(7), 5703. <https://doi.org/10.3390/su15075703>
- Dalpra m. rethinking play environments for social inclusion in our communities. *stud health technol inform*. 2022 sep 2;297:218-225. doi: 10.3233/shti220842. pmid: 36073398.
- Degele, p. e. (2023). protected areas in land use planning policies: key articulation for territorial justice. *environmental science & policy*, 140, 189-201. doi: 10.1016/j.envsci.2022.11.020
- Downton, p., jones, d., zeunert, j., & roös, p. (2017). biophilic design applications: putting theory and patterns into built environment practice. *kne engineering*, 59-65. <https://doi.org/10.18502/keg.v2i2.596>
- Eid, s., khalifa, m., and abd elrahman, a. s. (2021). biophilic perceptions in the urban waterfront: analytical study of the Nile waterfront in central Cairo. *hbrj*. 17, 19–39. doi: 10.1080/16874048.2021.
- Ellery, p. j., ellery, j., & borkowsky, m. (2021). toward a theoretical understanding of placemaking. *international journal of community well-being*, 4(1), 55-76. <https://doi.org/10.1007/s42413-020-00072-9>
- Feast, a., orrell, m., charlesworth, g., poland, f., featherstone, k., melunsky, n., & moniz-cook, e. (2018). using meta-ethnography to synthesize relevant studies: capturing the bigger picture in dementia with challenging behavior within families. *sage*. <https://doi.org/10.1177/1471301218791970>
- Gauss, l., lacerda, d. p., & cauchick miguel, p. a. (2021). module-based product family design: systematic literature review and meta-synthesis. *journal of intelligent manufacturing*, 32, 265-312. <https://doi.org/10.1007/s10845-020-01472-x>
- Ghavampour, e., & vale, b. (2019). revisiting the “model of place”: a comparative study of placemaking and sustainability. *urban planning*, 4(2), 196-206. <https://doi.org/10.17645/up.v4i2.2027>
- Herber, o. r., & barroso, j. (2020). lessons learned from applying sandelowski and barroso's approach for synthesising qualitative research. *qualitative research*, 20(4), 414-431. <https://doi.org/10.1177/1049731520938888>

- org/10.1177/1468794119860268
- Iucn—international union for nature conservation (2016) naturebased solutions to address global societal challenges. cohen-shacham e, walters g, janzén c, maginnis s (eds). iucn, gland, switzerland. <https://portals.iucn.org/library/node/46191>
 - Kellert, s. r. (2008). “dimensions, elements, and attributes of biophilic design,” in *biophilic design: the theory, science, and practice of bringing buildings to life*, eds s. kellert, j. Heerwagen, and m. mador (hoboken, nj: john Wiley & Sons), 3–19. https://www.researchgate.net/publication/284608721_Dimensions_elements_and_attributes_of_biophilic_design
 - Lee, s., & kim, y. (2021). a framework of biophilic urbanism for improving climate change adaptability in urban environments. *Urban forestry & urban greening*, 61, 127104. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127104>
 - Mandić, a. (2019). Nature-based solutions for sustainable tourism development in protected natural areas: a review. *Environment Systems and Decisions*, 39(3), 249-268 <https://doi.org/10.1007/s10669-019-9797-3>
 - Marion jl. trail sustainability: a state-of-knowledge review of trail impacts, influential factors, sustainability ratings, and planning and management guidance. *j environ manage*. 2023 aug 15;340:117868. doi: 10.1016/j.jenvman.2023.117868. epub 2023 apr 21. pmid: 37087890.
 - McClenaghan, l. r., and m. s. gaines. 1981. genic and morphological variability in central and marginal populations of *sigmodon hispidus*. in m. h. smith and j. joule (eds.), *mammalian population genetics*. university of georgia press, athens, Georgia. <https://doi.org/10.2307/1380051>
 - Morges, switzerland ,for their conservation. pages 15-59 in *proceedings, international conference on marine parks and reserves*, tokyo, 12-14 may 1975. iucn publication newseries no. 37 <https://portals.iucn.org/library>.
 - O’reagan, a. c., hunter, r. f., & nyhan, m. m. (2021). “biophilic cities”: quantifying the impact of google street view-derived greenspace exposures on socioeconomic factors and self-reported health. *environmental science & technology*, 55(13), 9063-9073. <https://doi.org/10.1021/acs.est.1c00048>
 - Oladipo oladeji, s., & fatukasi, d. (2017). a participatory approach to conservation and management of protected areas in nigeria: a case study of osse river park project. *african journal of environmental science and technology*, 11(9), 471–485. <https://doi.org/10.5897/ajest2014.1720>
 - Pinho, p., correia, o., lecoq, m., munzi, s., vasconcelos, s., gonçalves, p., rebelo, r., antunes, c., silva, p., freitas, c., lopes, n., santos-reis, m., & branquinho, c. (2016). evaluating green infrastructure in urban environments using a multi-taxa and functional diversity approach. *environmental research*, 147, 601–610. <https://doi.org/10.1016/j.envres.2015.12.025>
 - Ramli, n. a., & ujang, n. (2021). the functions of urban design social attributes in creative placemaking: the case of kuala lumpur event festivals. *open house international*, 46(2), 230-249. <https://doi.org/10.1108/OHI-02-2021-0023>
 - Shakerian, m., jahangiri, m., alimohammadlou, m., nami, m., & choobineh, a. (2019). individual cognitive factors affecting unsafe acts among iranian industrial workers: an integrative meta-synthesis interpretive structural modeling (ism) approach. *safety science*, 120, 89-98. <https://doi.org/10.1016/j.ssci.2019.06.007>
 - Shoel, f., golabchi, m., & haji yakhchali, s. (2019). a conceptual framework of contextual factors affecting knowledge transfer using meta-synthesis method. *journal of industrial and systems engineering*, 12(2), 9-30. https://www.jise.ir/article_81765.html. [In Persian]
 - Shwartz, a., turbé, a., julliard, r., simon, l., & prévot, a.-c. (2014). outstanding challenges for urban conservation research and action. *global environmental change*, 28, 39–49. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2014.06.00>
 - Smith b. philanthropy: the intersection of values and love. *health prog*. 2017 mar-apr;98(2):56-7. pmid: 30039948. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30039948/>
 - Smith, p. g., & theberge, j. b. (1986). a review of criteria for evaluating natural areas. *environmental management*, 10, 715-734. <https://doi.org/10.1007/BF0186732>.
 - Switalski, m., torres, m. g., & grêt-regamey, a. (2023).

- the 3p's of place-making: measuring place-making through the latent components of person, procedures and place. *landscape and urban planning*, 238, 104817. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2023.104817>
- Tekeyan, F, Jahanian, M. (2022). Analyzing the architectural model of competence of workers in the tourism industry. *Tourism and Development*, 12(3), 1-22. [In Persian]. 10.22034/jtd.2023.364116.2671
 - Tekin, b. h., corcoran, r., & gutiérrez, r. u. (2023). a systematic review and conceptual framework of biophilic design parameters in clinical environments. *herd: health environments research & design journal*, 16(1), 233-250. doi: 10.1177/19375867221118675
 - Tian, L. (2022). Analysis of the artistic effect of garden plant landscaping in urban greening. *Computational Intelligence and Neuroscience*, 2022. <https://doi.org/10.1155/2022/2430067>
 - Toolis ee. theorizing critical placemaking as a tool for reclaiming public space. *am j community psychol*. 2017 mar;59(1-2):184-199. doi: 10.1002/ajcp.12118. epub 2017 feb 13. pmid: 28191650
 - Totaforti, S. (2020). Emerging biophilic urbanism: the value of the human–nature relationship in the urban space. *Sustainability*, 12(13), 5487. <https://doi.org/10.3390/su12135487>
 - Toyoda a, shibata y, matsuo y, terada k, sugimoto h, higashi k, mori h, ikeuchi a, ito m, kurokawa k, katahira s. diversity and compositional differences of the airborne microbiome in a biophilic indoor environment. *sci rep*. 2023 may 20;13(1):8179. doi: 10.1038/s41598-023-34928-9. pmid: 37210416; pmcid: pmc10199911.
 - Tulloch ait, auerbach n, avery-gomm s, bayraktarov e, butt n, dickman cr, ehmke g, fisher do, grantham h, holden mh, lavery th, leseberg np, nicholls m, o'connor j, roberston l, smyth ak, stone z, tulloch v, turak e, wardle gm, watson jem. a decision tree for assessing the risks and benefits of publishing biodiversity data. *nat ecol evol*. 2018 aug;2(8):1209-1217. doi: 10.1038/s41559-018-0608-1. epub 2018 jul 23. pmid: 30038417.
 - Twedt e, rainy rm, proffitt dr. designed natural spaces: informal gardens are perceived to be more restorative than formal gardens. *front psychol*. 2016 feb 11;7:88. doi: 10.3389/fpsyg.2016.00088. pmid: 26903899; pmcid: pmc4749713.
 - Woods, v., & knuth, m. (2023). the biophilia reactivity hypothesis: biophilia as a temperament trait, or more precisely, a domain specific attraction to biodiversity. *journal of bioeconomics*, 1-23. <https://doi.org/10.1007/s10818-023-09342-w>
 - Yalcinalp, e., ozveren, s., meral, a., pulatkan, m., & akbulut, s. (2017). habitat effect on urban roof vegetation. *Sustainability*, 9(11), 1985. <https://doi.org/10.3390/su9111985>.
 - Yang y, song f, ma j, wei z, song l, cao w. spatial and temporal variation of heat islands in the main urban area of zhengzhou under the two-way influence of urbanization and urban forestry. *plos one*. 2022 aug 10;17(8): e0272626. doi: 10.1371/journal.pone.0272626. pmid: 35947622; pmcid: pmc9365148.
 - Yin j, arfaei n, macnaughton p, catalano pj, allen jg, spengler jd. effects of biophilic interventions in office on stress reaction and cognitive function: a randomized crossover study in virtual reality. *indoor air*. 2019 nov;29(6):1028-1039. doi: 10.1111/ina.12593. epub 2019 sep 11. pmid: 31418925.
 - Yin j, yuan j, arfaei n, catalano pj, allen jg, spengler jd. effects of biophilic indoor environment on stress and anxiety recovery: a between-subjects experiment in virtual reality. *environ int*. 2020 mar;136:105427. doi: 10.1016/j.envint.2019.105427. epub 2019 dec 24. pmid: 31881421.

نحوه ارجاع به مقاله:

خلیلی، الناز؛ سیدالحسینی، سید مسلم؛ حنایی، تکتیم؛ سعیدی مفرد، ساناز (۱۴۰۴)، رهیافت فراترکیب در حوزه مطالعات مکان‌سازی با رویکرد بیوفیلیک، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۴)، ۶۳-۷۶. 10.22034/urbs.2024.140601.5008

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تبیین آثار شاخص‌های کالبدی، بصری و محیطی بر سلامت شهری در شهر قم

علی مهدی^۱ - دانش‌آموخته دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۲ آذر ۱۴۰۳

چکیده

اهمیت موضوع سلامت شهری باعث شده که امروزه مفهوم قلب شهری در بیش از ۴۰ کشور دنیا با محوریت موضوع رفع نابرابری‌های محیطی دنبال شود. از همین رو، برای بسیاری از دولت‌ها، آگاهی بخشی روزافزون در مورد تأثیرات محیطی بر سلامت انسان، به یکی از وظایف اصلی دولت‌ها در ارتباط با شهروندان و تبیین رویکردهای جدید در مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. این مطالعه مبتنی بر اهمیت موضوع برنامه‌ریزی و کیفیت محیطی و سلامت شهری، به بررسی این مهم در شهر قم پرداخته است. پژوهش حاضر که از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است با روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی و با بهره‌گیری از پویش محیطی گسترده توسط تیم اجرایی (عکسبرداری، فیش برداری، مصاحبه و تهیه گزارش‌های غیررسمی با شهروندان هر منطقه، مشاهدات میدانی و توزیع پرسشنامه) به مرحله انجام رسیده و نتایج آن که با استفاده از نرم‌افزارهای ArcGIS، Spss16 تجزیه و تحلیل شده، نشان می‌دهد که تحت تأثیر مسائل، مشکلات، کمبودها و ضعف شناخت و برنامه‌ریزی‌های مورد نیاز در حوزه ارتقا و بهبود شاخص‌های کیفیت محیطی، کالبدی و بصری حال حاضر شهر قم، ابعاد مختلف سلامت شهری (سلامت اجتماعی، روانی و جسمانی) شهروندان قم در درجات مختلف تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی را دریافت می‌نمایند که در این میان، بُعد روانی شهروندان شهر قم در اولویت بررسی و برنامه‌ریزی برای آینده بایستی قرار گیرد. مقایسه میانگین زیرشاخص‌های سلامت شهری (روانی، جسمانی و اجتماعی) نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۲/۵۷) متعلق به زیرشاخص سلامت اجتماعی و پایین‌ترین میانگین (۲/۳۰) متعلق به زیرشاخص سلامت روانی است. در کل با توجه به میانگین‌های به دست آمده هیچ کدام از ابعاد سلامت در شهر قم وضعیت مناسبی ندارند؛ زیرا میانگین تمام زیرشاخص‌ها بسیار کمتر از حد متوسط (۳) است.

واژگان کلیدی: سلامت شهری، کیفیت محیطی شهر، برنامه‌ریزی سلامت شهری، شهر قم.

نکات برجسته

- هویت‌مندی بصری محلات، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش تاب‌آوری روانی شهروندان منطقه چهار قم ایفا می‌کند.
- الگوی استقرار فضایی در این منطقه، منشأ شکل‌گیری شکاف‌های ناپیدای سلامت شهری است.
- آلودگی‌های صوتی و بصری به صورت زنجیره‌ای، انسجام اجتماعی و احساس امنیت را در بافت شهری تضعیف کرده‌اند.
- تحلیل داده‌های میدانی نشان می‌دهد سلامت شهری درون منطقه چهار با ناهمگونی‌های معناداری مواجه است.
- درک ادراکی شهروندان از کیفیت محیطی، مبنای مؤثرتری برای سیاست‌گذاری سلامت محور شهری نسبت به شاخص‌های فنی صرف ارائه می‌دهد.

۱. مقدمه

شهر قم با گذشت زمان و پس از تبدیل شدن به استان در سال ۱۳۷۵ شاهد تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های محیطی، گسترش کالبدی، تقسیمات منطقه‌ای، مهاجرت و به ویژه جمعیت‌پذیری بود. موقعیت شهر از حیث قرارگیری در مرکز ثقل جمعیتی ایران، همجواری با کلانشهرهای تهران، اصفهان و مراکز صنعتی همچون شهراراک، در کنار ماهیت مذهبی-توریستی شهر، باعث شد تا در برهه‌ای کوتاه از دوران جدید حیات و موجودیت خود شاهد تغییرات بسیار زیادی باشد. در این مسیر، آنچه بیش از هر عامل دیگری در مسیر تغییرات این کلانشهر رخ می‌نماید، تغییر چهره و سیمای شهری و در یک کلام شاخص‌ها و کیفیت محیطی شهر به ویژه در دهه اخیر است. شهر قم، امروزه در پارادوکسی آشکار و در کنار محدودیت‌های شدید توسعه‌ای به لحاظ وضعیت اقلیمی، محدودیت منابع آبی، زیست محیطی و... به یکی از کلانشهرهای بزرگ کشور تبدیل شده است. این تناقض خواه به علت مرکزیت مذهبی، خواه به علت نزدیکی به مراکز مهم منطقه‌ای و خواه به علت خواست مهاجران و یا هر دلیل دیگری، خواستگاه علمی و مدیریتی ندارد و به صورت متعدد نسبت به توسعه و رشد شهری آن و محدودیت‌های موجود، محققان مختلف متذکر شده‌اند. با وجود این روند سریع شهرنشینی در قم، مسائل متعدد و مختلفی به وجود می‌آید که هریک زمینه‌ساز مطالعه و پژوهش میدانی با چاشنی دغدغه از وضعیت موجود و آینده گسترده است.

مطالعه این تغییرات به ویژه در ارتباط با زیست‌پذیری و کیفیت محیط شهر و در نهایت سلامت شهری، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هاست که شناخت و تحلیل آن نیازمند صرف زمان و مطالعات گسترده‌ای با هدف تبیین اثرگذاری شاخص‌های محیطی بر سلامت شهری است. رشد قارچ‌گونه پهنه‌های حاشیه‌نشین در طول سال‌های گذشته متأثر از عوامل یادشده، با کیفیت محیطی و اجتماعی بسیار نازل و وضعیت نامناسبی به لحاظ شاخص‌های زیستی در آن، فضای سبز کم به لحاظ پراکنش و کمبود شدید آن (یک/ سوم استاندارد کشور)، آب آشامیدنی نامناسب (این موضوع در سال‌های اخیر به وسیله ایستگاه‌های آب شیرین به صورت موقت مرتفع شده است)، مشکل ریگردها که امروزه مناطق بیابانی شهر قم به یکی از کانون‌های اصلی تولید ریگردها تبدیل شده، آلودگی‌های صوتی و هوا به عنوان مسائل کلان محیطی و سلامت این شهر، در کنار کیفیت مسکن به ویژه در پهنه‌های فقیر و حاشیه‌نشین (محلاتی چون شیخ‌آباد، محمدآباد، قلعه کامکار، شهر قائم، شادقلی‌خان، شهرک فاطمیه، محله شلنگی‌ها، قلعه کامکار، اسماعیل‌آباد، سید معصوم، چاله کوره و...)، ضعف تجهیزات آسایشی و بصری به ویژه در پهنه مرکزی و جوار حرم مطهر حضرت معصومه (س)، وجود بناهای متراکم، عرض نامناسب و غیراستاندارد کوچه‌ها، عدم هماهنگی ساختمان‌ها به لحاظ فرم، کیفیت روانی نامناسب شهری، رنگ‌آمیزی ناهمگن و گاه تند ظاهر شهری، دسترسی نامناسب به فضای بهداشتی-درمانی، بی‌توجهی به زیبایی محله، کمبود فضای مناسب برای سالمندان، کمبود فضای مناسب برای کودکان، مقوله احساس تعلق به محله، فضاهای بی‌دفاع، نشانه‌ها و اِلمان‌های فرهنگی و جذاب محلی، پاکیزگی شهری، روان‌شناسی رنگ، اغتشاش بصری، آلودگی نور، مراکز تجاری با انواع سلیقه و رنگ‌ها، فونت‌های

نوشتاری غیرهمگن و آزار دهنده، مبلمان شهری، توسعه فضاهای پیاده‌روی، روشنایی پارک‌ها، وضعیت دسترسی و ارتباطات، کیفیت جوی‌های محلی، کنترل کاربری‌های ناسازگار و... به عنوان مسائل خرد محیطی این کلانشهر موجب گردیده تا مطالعات کیفیت محیطی در ارتباط با شاخص‌های زیستی مردم به یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های امروزی این شهر تبدیل گردد.

واقعیت محیطی و شاخص‌های کالبدی در مطالعات شهری قم با گذشت سال‌ها زندگی در این شهر، مؤید وجود مسائل و مشکلاتی است که مستقیماً مقوله‌های کیفیت محیطی، بصری، کالبدی و سلامت شهری را مورد هدف قرار داده است. در این ارتباط، الگوهای بی‌محتوا، متظاهرانه، معماری جیغ و البته مورد پسند گروه‌های خاص اقتصادی زمینه را برای آشفتگی ذهنی و عصبی شدن شهروندان فراهم آورده است. با پذیرش این اصل که چشم انسان، معماری ناسازگار را نمی‌پسندد، هر بی‌نظمی نگاه‌ها را خسته و ذهن‌ها را آشفته خواهد کرد و جاذبه هر شهری به هماهنگی در نمای کلی آن بستگی دارد، کافیس با صرف وقت و قدم زدن در مناطق مختلف هشت گانه شهر قم، کیفیت محیطی، بصری و منظر موجود این شهر را به صورت هدفمند مشاهده نماییم که این مهم سال‌ها توسط نگارنده، مورد بررسی‌های ابتدایی (سال‌های گذشته) قرار گرفته و در سال‌های نزدیک به صورت عمیق‌تر مقوله سلامت شهری بررسی گردیده است. نتایج این مطالعات ابتدایی، گویای این مهم است که مردم در نقاط مختلف شهر قم، از احساسات مختلف، منبعث از شرایط و کیفیت محیطی پیرامون خود برخوردارند؛ به طوری که در نقاطی از شهر احساس تحسین، رضایت، آرامش و اطمینان و در نقاطی دیگر نوعی آشفتگی، نارضایتی، دلواپسی، استرس، عصبی شدن و... را از محیط پیرامون خود احساس می‌نمایند. بنابراین به وضوح می‌توان دریافت که روح و جسم شهروندان کاملاً متأثر است از محیط پیرامون و فاکتورهای بسیار اثرگذاری همچون شادی، هیجان، رضایت، آرامش، تفریح و... در کنار پرخشگری، زودرنجی، آشفتگی، تنش، استرس، نارضایتی و... که همگی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شاخص‌های سلامت شهری هستند، مستقیماً با کیفیت محیطی شهری و پیرامون زیستی شهروندان در ارتباط است.

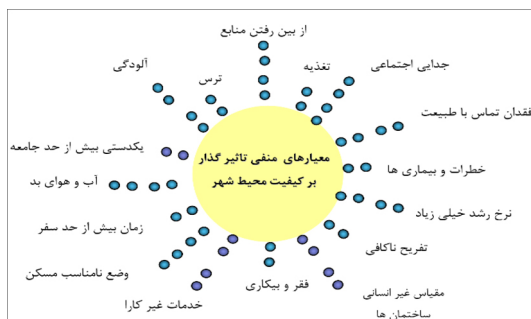
در فضاهای یادشده فرصت‌های کمتری برای فعالیت‌های فیزیکی مانند پیاده‌روی و حضور در مراکز خرید پیاده و مسیرها و فضاهای ایمن دوجرخه و ورزش برای کودکان و نوجوانان و بزرگسالان وجود دارد. تمام این مسائل و مشکلات موجود در این شهر منجر گردیده تا موضوع سلامت شهری بیش از پیش در ارتباط با مجموعه عوامل محیطی مورد بررسی قرار گیرد. حتی این وضعیت را به سادگی و با اندکی قدم زدن در بافت مرکزی و جوار حرم حضرت معصومه (س) و با مشاهدات مستقیم نیز به سادگی می‌توان مورد تعمیم و نتیجه‌گیری قرار داد. ضعف شدید توجه به برنامه‌ریزی اکولوژیکی، ضعف توجه به منظر و سیمای محدوده مورد اشاره در پیوند با عوامل محیطی و آرامش بخش به خصوص رنگ آمیزی جداره اطراف حرم، وجود بافت فرسوده در مجاورت با حرم، نبود اِلمان‌های فرهنگی و مورد توجه و بسیاری از مسائل دیگر که ریشه در عدم شناخت یا توجه به برنامه‌ریزی محیطی در خصوص انسان و محیط دارد، مهمترین نقطه وجودی این شهر را با

- مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی شهروندان در ارتباط با سلامت شهری متأثر از کیفیت محیطی شهر قم چیست؟

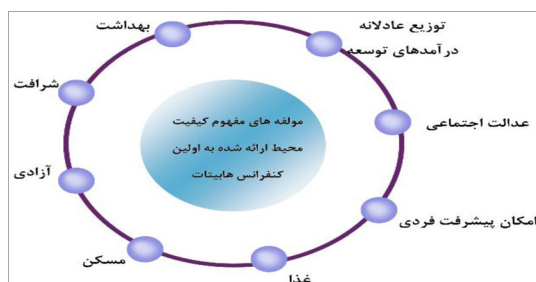
۲. مبانی نظری

۲.۱. تعاریف و مفاهیم کیفیت محیطی

مطالعات کیفیت محیطی (IEQ) که اندازه‌گیری‌های میدانی و مطالعات پیمایشی را به‌عنوان بخش اصلی مطالعات خود در نظر می‌گیرد (Sadiki & Issa, 2018:520)، مدت‌هاست که در تحقیقات جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است. در منابع مختلف، محیط داخلی و خارجی زیستی، مقوله‌ای است که توأمان در خصوص سلامت و کیفیت زیست افراد مورد تحلیل قرار می‌گیرد (Garrido-Cumbrera, 2018:2). به همین دلیل همسوا با موضوع کیفیت محیط بیرونی، کیفیت محیط داخل (IEQ) نیز به‌عنوان مقوله‌ای اثرگذار بر سلامت و رفاه ساکنان، تبدیل به یک نگرانی عمده در راستای موضوع توسعه پایدار شده است (Wong Etal, 2018:371). این مهم، اساساً یک مفهوم چند بعدی بوده و شامل ابعاد فیزیکی، فضایی، اقتصادی و اجتماعی محیط زیست شهری می‌شود (Nordh Etal, 2017:60).



تصویر شماره ۲: معیارهای تأثیر گذار بر افت کیفیت محیط شهرها



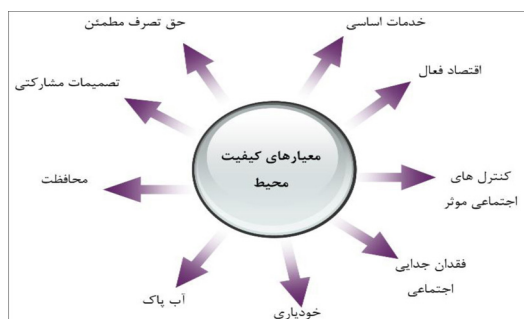
تصویر شماره ۴: مؤلفه‌های کیفیت محیط (سازمان ملل)

مارانز^۱ (Lansing & Marans, 1966:28) بیان کردند یک محیط باکیفیت بالا، حس رفاه و رضایت‌مندی را به جمعیتی که در آن ساکن هستند، به‌واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند و این ویژگی‌ها نقش بسار مهمی در تبلور سلامت شهروندی ایفا می‌کند (Mueller Etal, 2018:63). کیفیت محیط، یک مفهوم چند بُعدی است که با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندان و قابلیت اشتراکاتی دارد. به‌طوری‌که در بسیاری موارد به‌عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می‌شود (Dempsey, 2018:207).

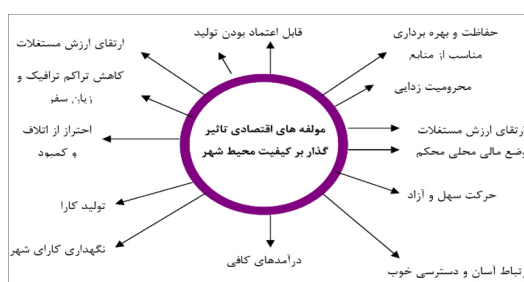
مسائلی مواجهه نموده که در یک کلام می‌توان از دل‌مردگی شهر در این نقطه سخن گفت.

این موضوع از آن نظر دارای اهمیت است که محدوده مورد اشاره به صورت خاص و کل پهنه شهر قم به صورت عام، همواره جایگاه مهمی در میان گردشگران مذهبی سایر کشورها و هموطنانمان داشته و دارد. بنابراین تلاش برای بهبود کیفیت محیطی (توجه به فضای سبز اطراف، پیوند با طبیعت و ایجاد آب‌نماهای مناسب، آلودگی صوتی شدید خیابان‌های مجاور، رابطه بین ساخت و عملکرد عناصر فیزیکی-زیستی، طرح‌ریزی محتوای زیستی و چیدمان فضایی و ...) همچنین بررسی و تحلیل آن، از اهمیت بسیار زیادی در راستای بهبود کیفیت محیطی، سلامت شهری و در نهایت توسعه پایدار این شهر خواهد داشت که این مهم با توجه به سؤالات ذیل در پهنه این شهر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

- آیا چالش‌های مرتبط با ابعاد روحی سلامت، مهم‌ترین چالش پیش‌روی شهروندان شهر قم است؟
- شاخص‌های کیفیت محیطی چه اثراتی بر ابعاد مختلف سلامت شهری مناطق هشت‌گانه شهر قم داشته است؟



تصویر شماره ۱: معیارهای کیفیت محیط از دیدگاه باربارا وارد



تصویر شماره ۳: معیارهای کیفیت محیط شهری از دیدگاه اقتصاددانان

مأخذ: (Lynch, 1960)

از آنجایی که محیط و مقوله کیفیت محیطی با مسائل و ابعاد مختلفی در ارتباط است و به نوعی می‌توان این موضوع را از زوایا و ذهنیات مختلفی بررسی نمود، تصاویر فوق (۱ تا ۴)، گویای مؤلفه‌ها و معیارهای مختلف و متعدد حوزه کیفیت محیطی هستند که این عوامل به کنشگران این حوزه در توسعه ادبیات، دانش و آشنایی ایشان با موضوع کیفیت محیطی کمک شایانی خواهد نمود. با مجموع این تفاسیر می‌توان کیفیت محیطی را این‌گونه تعریف کرد: «کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-فضایی که نشان دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از آن محیط است» (Shomai & Pourahmad, 2005:274). لنسینگ و

۲.۲. مفهوم سلامت

سلامت عامه، شش اصل راهنمایی کننده دارد که به شرح زیر است: سلامتی صرفاً فقدان بیماری یا ناتوانی نیست. مشکلات مربوط به سلامتی در سطح سیاسی تعریف شده‌اند. سلامتی یک مسئله اجتماعی است. بهبود وضعیت سلامتی مستلزم تمرکز بلندمدت بر توسعه سیاسی است. بهبود وضعیت سلامتی مستلزم تمرکز مقدماتی بر تغییر شرایط انسانی است (Li Et al, 2018: 1131)، (Cui Et al, 2019: 383). بهبود وضعیت سلامتی مستلزم درگیر کردن رهبران در فرایند تغییر است. از سوی دیگر کلی و دیگران معتقدند جنبش شهرهای سالم و سلامت برای همه در عین علمی بودن، فعالیت‌های سیاسی نیز هستند. آنها اصول منشور اتاوا و تقاضا برای پیش نیازهای سلامت را سیاسی و نه صرفاً علمی و دکترین سلامت مطلق را نیز نوعی زیبایی شناختی و اصول اخلاقی و نه صرفاً علمی قلمداد می‌کنند (Kelly Et al, 1993).

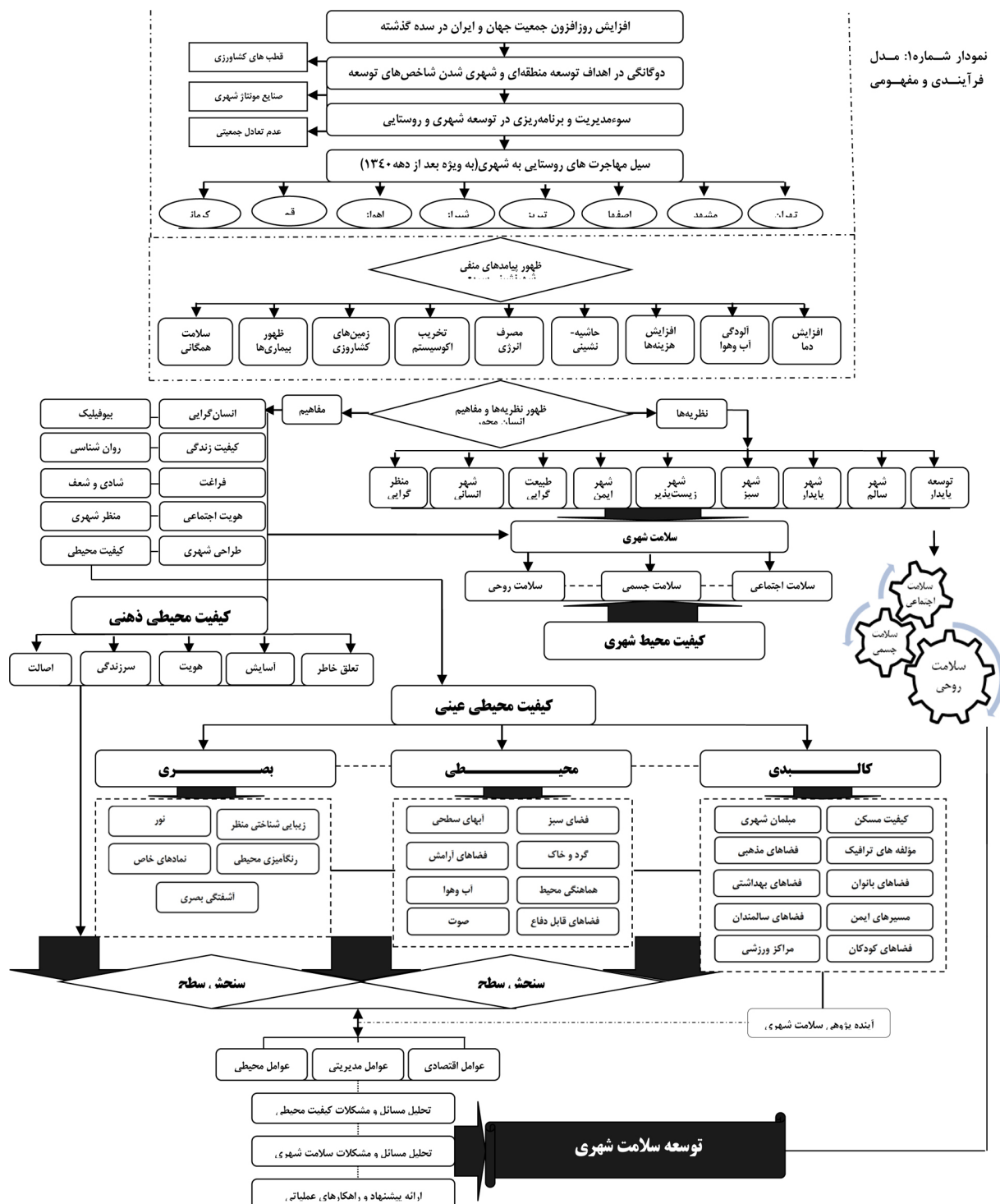
به منظور درک فصل مشترک بین دو رشته علمی سلامت عامه و برنامه‌ریزی شهری، نائل شدن به بینش پارادایم جدید سلامت عامه و زیر ساخت‌های تئوریک آن مهم است (Gray Et al, 2018: 530). مدل پزشکی بر فرد و اقداماتی که برای بهبود بیماری به کار می‌رود، تمرکز دارد. مدل اجتماعی (پارادایم جدید سلامت عامه) سلامتی را به عنوان نتیجه‌ای از عوامل پایگاه اجتماعی-اقتصادی، شرایط فرهنگی، مسکن، اشتغال، محیط زیست و تأثیرات جامعه مورد مطالعه قرار می‌دهد (Duhl & Sanchez, 1997: 7). منشور اتاوا تأکید می‌کند که شرایط بنیانی و منابع برای سلامتی شامل صلح، سرپناه، آموزش، غذا، درآمد، اکوسیستم پایدار، منابع پایدار، عدالت و برابری اجتماعی هستند (WHO, 1989). برای عمیق تر کردن این تعاریف، پارادایم جدید

جدول شماره ۱: مقایسه نتایج پژوهش‌های مرور شده در زمینه سلامت شهری و کیفیت محیطی ←

محور پژوهش‌ها	پدیدآورنده	ابعاد یا مؤلفه‌های مورد بررسی در ارتباط با سلامت شهری
مطالعه سلامت شهری در جوامع محلی	Lahoo & Galeh (2006)	توسعه شهری، بی‌خانمان‌ها، محیط زیست شهری، داروها و سلامت، سلامت جمعیت جوامع شهری در حال توسعه و توسعه یافته، گروه‌های اقلیت جنسی و سلامت شهری، بهداشت شهری، مبارزه با بی‌عدالتی
بررسی دیدگاه‌های جهانی در مورد سلامت شهری	Lahoo et al. (2010)	چشم‌انداز جهانی سلامت شهری، سلامت شهری در کشورهای فقیر، جهانی شدن، مهاجرت، نظام سلامت و شهرنشینی، شهرهای دوست‌دار کودک، بیماری‌های عفونی جهانی و شهرنشینی، سکونتگاه‌های غیررسمی، جنایت، خشونت، بهداشت عمومی، سیستم‌های بهداشتی درمانی، برنامه‌ریزی شهری
مطالعه نقش برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه سلامت، کاهش نابرابری‌ها و ریشه‌کنی بیماری‌ها در محیط شهری	Okibo (2014)	شهرنشینی، جمعیت، سلامت، برنامه‌های تنظیم خانواده، نقش ورزشی در ارتقای سلامت، مقوله چاقی و کودکان، ارتباط راهبردهای بهداشت برای توسعه پایدار در دنیای جهانی شده
مطالعه سلامت شهری با رویکرد توسعه پایدار	World Health Organization (2016)	نقش نابرابری بهداشتی در توسعه پایدار، پوشش جهانی بهداشت در شهرهای توسعه یافته، اعتبار مضاعف شهری برای مقابله با بیماری‌های مسری، غلبه بر بیماری‌های اپیدمی جدید شهری، مقابله با سوء تغذیه قرن بیست و یکم، ارائه آب سالم و بهداشتی برای همه، طراحی سالم‌ترو شهرهای بسیار پایدار، حرکت به سمت تحرک بیشتر شهری، بهبود بهداشت در خانه و ایمنی در شهر
ارتباط اکوسیستم شهری و محیط زیست با سلامت	Douglas (2012)	فضای سبز شهری، عناصر طبیعی در بافت شهری
ارتباط بین توسعه شهری و سلامت شهری	Rajan & Kumar (2016)	اصول و معیارهای طراحی شهری، اصول و راهبردهای برنامه‌ریزی راهبردی
شهر به عنوان یک محیط درمانگر	Martin et al. (2017)	جغرافیای سلامت، ارائه شواهد آماری از آلودگی‌ها و تأثیر آنها بر سلامت شهری، مسیر ذهنی در مکان، ارتباط میان ذهن، بدن و طبیعت
توسعه کیفیت محیطی	Hoveyzavi et al. (2024)	توسعه کیفی و کمی محیطی، ارتقای استانداردهای زیستی، کیفیت زندگی شهروندان، سلامت شهری، رضایت شهروندی، مدیریت شهری و بهبود عملکرد آن در محیط، توسعه فرهنگ و تعلقات بومی
کیفیت محیط و اجتماع‌پذیری شهری	Amirashiyari et al. (2024)	اجتماع‌پذیری، کیفیت محیطی، برنامه‌ریزی فضای شهری، توسعه شهروندمداری، توسعه و بهبود برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی شهری شهروندمدار، کیفیت محیط زیست شهری، آینده‌پژوهی شهری، کیفیت زیست شهروندان
برنامه‌ریزی و توسعه کیفیت محیطی	Rahimi (2023)	برنامه‌ریزی فضاهای شهری، کیفیت محیطی، توسعه محیطی، چشم‌اندازهای شهری، سلامت شهری، کیفیت زندگی شهروندان، شهروندگرایی
کیفیت محیطی و روابط اجتماعی شهروندان	No'mani & Arzanlou (2023)	کیفیت‌های محیطی، روابط اجتماعی، تعاملات اجتماعی، فضاهای شهری، برنامه‌ریزی محیطی، شهروندمداری، جمعیت شهری، روان‌شهروندان، برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، منظر شهری
کیفیت محیطی و برنامه‌ریزی شهری	Taheri et al. (2021)	ارزیابی کیفیت محیط زیست، برنامه‌ریزی محیطی، توسعه محیط زیست، سلامت محیط زیست، تنوع‌گرایی کیفی محیط زیست، گروه‌های اجتماعی، شاخص‌های ایمنی و امنیت، امکانات و خدمات عمومی، اشتغال، حمل‌ونقل عمومی، فضاهای بیرونی و ساختمان‌های عمومی
تعیین‌کننده‌های کیفیت محیط شهری	Alavi et al. (2021)	کیفیت محیطی شهر، برنامه‌ریزی محیط محور، شهروندمداری، شهروندگرایی، توسعه‌گرایی کیفی شهر، رضایت‌مندی، فضای گمشده، کیفیت محیط، مناطق پیراشهری، ارتقای کیفیت محیطی، کیفیت زندگی شهروندان
مدیریت شهری و سلامت	Ayazi & Damari (2013)	مبانی نظام سلامت شهری، اقدامات شهرداری در زمینه سلامت شهری، دستاوردها، عوامل پیش‌ران و موانع شهرداری تهران در حوزه سلامت شهری
برنامه‌ریزی سلامت شهری	Khalilabadi (2013)	مفاهیم پایه‌ای سلامت و بهداشت، تاریخچه بهداشت و سلامت در ایران، ایده و طرح‌واره شهر سالم، مبانی نظری برنامه‌ریزی سلامت شهری، تجربیات جهانی در برنامه‌ریزی سلامت شهری در اروپا
نابرابری سلامت در محیط شهری	Shariat (2014)	معیارهای سلامت شهری در محله‌های زاغه‌نشین
تحلیل فضایی از وضعیت سلامت شهری بر حسب مناطق شهری	Tajdar (2009)	ارتباط بین شاخص‌های محیطی، کالبدی و اجتماعی-اقتصادی و وضعیت سلامت شهر
تعیین‌کننده‌های سلامت شهری	Mahdi (2011)	نقش عوامل اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در سلامت شهری محله‌های حاشیه‌نشین
تبیین اثرات شکل شهر بر سلامت عمومی شهروندان	Abdolmaleki (2014)	شیب اجتماعی و فاصله طبقاتی، میزان برخورداری از شاخص‌های سلامت شهری در محلات، مؤلفه‌های کیفیت شکل شهر

← ادامه جدول شماره ۱: مقایسه نتایج پژوهش‌های مرور شده در زمینه سلامت شهری و کیفیت محیطی

محور پژوهش‌ها	پدیدآورنده	ایجاد یا مؤلفه‌های مورد بررسی در ارتباط با سلامت شهری
تأثیر عوامل محیطی محله بر روی سلامت اجتماعی	Rahighi Yazdi (2014)	عوامل محیط فیزیکی، عوامل محیط اجتماعی
تأثیر عوامل محیطی محله بر روی سلامت اجتماعی	Abron (2014)	عوامل محیطی کالبدی و شاخص‌های سلامت روان
تأثیر شاخص‌های کالبدی-محیطی سلامت در ساماندهی فضای شهری	Rahimi Sadegh (2015)	شاخص‌های کالبدی، شاخص‌های محیطی
نقش معماری در سلامت شهری	Emamgholi (2013)	مؤلفه‌های کیفیت معماری
ارتباط بین محیط فیزیکی و سلامت شهری	Rahnama & Mesgarani (2014)	ابعاد چهارگانه سلامت شهری یعنی سلامت جسمانی، اجتماعی، معنوی و روانی
سهم مؤلفه‌های پایداری در سلامت محیط شهری	Pourbrahim (2016)	شاخص‌های مؤثر اقتصادی-اجتماعی و محیط زیستی
تأثیر کیفیت محیطی محلات مسکونی بر سلامت شهری	Gerousi & Shamseddini (2014)	مخاطرات شهری، دسترسی به امکانات و تسهیلات شهری، وجود تعاملات و رویارویی‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در قبال محله و ساکنان



۳. روش تحقیق

مبنای اصلی این پژوهش با توجه به روش تحقیق آن، مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی خواهد بود. پژوهش حاضر از نظر هدف، در دسته پژوهش‌های بنیادی-کاربردی قرار می‌گیرد که با روش توصیفی-تحلیل و پیمایشی و با بهره‌گیری از پویش محیطی گسترده توسط تیم اجرایی (عکسبرداری، تهیه گزارش‌های غیررسمی با شهروندان هر منطقه، مشاهدات میدانی و توزیع پرسشنامه) انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم شکل می‌دهند. در این ارتباط پرسشنامه‌ای طرح و در میان گروه مورد مطالعه (سرپرست خانوار) توزیع گردید. در واقع جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای ساکن در این مناطق هستند که با پوشش آنها بتوان داده‌های متقن و وسیع‌تری را به دست آورد. نکته مهمی که در روش تحقیق این مطالعه قابل بیان است، تطبیق دیدگاه شهروندان در ارتباط با وجود مشکلات محیطی با مشاهدات و قرائن موجود محیطی

توسط نگارنده است. به بیانی دیگر برای گردآوری داده‌های متقن و قابل اعتماد که مسیر را برای تحلیل دقیق و صحیح از هر منطقه مهیا نماید، توضیحات هر فرد در ارتباط با مسائل و مشکلات محیطی در کمترین زمان با مشاهدات عینی تطبیق داده می‌شد. در این مسیر، با توجه به این که نگارنده سال‌ها در این شهر زندگی نموده و آشنایی نسبتاً کاملی با وضعیت محیطی و کالبدی آن دارد، مسائل و چالش‌های تطبیق گفتمان شهروندان با وضعیت موجود محیطی به سادگی قابل دسترس و شناسایی بود و این موضوع خود کمک مضاعفی در جلوگیری از اتلاف وقت و دریافت داده‌های قابل اعتماد ایجاد نمود. در نهایت با توجه به داده‌های گردآوری شده و نیز برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نرم افزار ArcGIS، Spss16 و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

۴. شاخص‌های مورد مطالعه^۱

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های محیطی مورد مطالعه

مطلوبیت و کیفیت شاخص‌های محیطی	پارک، فضای سبز و پوشش گیاهی، دفع آب‌های سطحی، گرد و خاک، آرامش محیطی، هماهنگی محیط با خواست ساکنان، دسترسی به آب و هوای مطلوب، نبود آلودگی صوتی، فضاهای غیرقابل دفاع
مطلوبیت و کیفیت شاخص‌های بصری	زیبایی شناختی منظر و محیط، رنگ‌آمیزی محیطی، نور، آشفستگی بصری، نشانه‌ها و نمادهای جذاب فرهنگی در محله
مطلوبیت و کیفیت شاخص‌های کالبدی	کاربری‌های ناسازگار، مبلمان شهری، فضای بهداشتی-درمانی، فضاهای توسعه دهنده پیاده‌روی، دسترسی و پراکنش مراکز ورزشی، خدمات مورد نیاز روزانه، حمل و نقل و ترافیک، فضاهای مخصوص سالمندان، فضاهای مناسب برای کودکان، فضاهای مخصوص بانوان، فضاهای مذهبی-دینی، هویت محلی از دیدگاه کیفیت کالبدی

جدول شماره ۳: مؤلفه‌های سلامت شهری مورد مطالعه ←

شاخص	گویه
سلامت روانی	- حس رضایت از محیط - احساس تعلق مکانی متأثر از عوامل محیطی - احساس سلامت روحی و روانی بیشتر متأثر از عوامل محیطی - آرامش و تمدد اعصاب متأثر از عوامل محیطی - تمرکز فکری متأثر از عوامل محیطی - کاهش استرس‌های روزانه متأثر از عوامل محیطی - احساس عدالت در برخورداری از کیفیت محیطی، محلی و منطقه‌ای - احساس نشاط و سرزندگی متأثر از عوامل محیطی - خاطره‌های خوب از فضای عمومی محلی - احساس نبود تبعیض جنسیتی - حس رضایت از زندگی متأثر از عوامل محیطی - حس آرامش متأثر از عوامل محیطی - احساس تفاخر محلی متأثر از عوامل محیطی - خیال آسوده از رفت و آمد خانواده متأثر از عوامل محیطی - تندخوبی و تحرک پذیری متأثر از عوامل محیطی - حس ناامنی، ترس و دلهره متأثر از عوامل محیطی - احساس یکنواختی و کسالت در فضاهای شهری - احساس القای ناخودآگاه نظم در اذهان متأثر از عوامل محیطی - احساس فشار و آزدگی روانی متأثر از عوامل محیطی - احساس عصبانیت، پرخاشگری و زودرنجی متأثر از عوامل محیطی - احساس انزوای اجتماعی متأثر از عوامل محیطی - احساس افسردگی متأثر از عوامل محیطی - احساس بی‌حوصلگی متأثر از عوامل محیطی - احساس پریشانی ذهنی متأثر از عوامل محیطی - احساس تشویش دیداری و خستگی چشم متأثر از عوامل محیطی

۱ هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه، به زیرشاخص‌های مجزایی تقسیم می‌شوند که به علت مبسوط بودن موارد بررسی، به ذکر شاخص‌های اصلی مطالعه بسنده می‌شود.

— ادامه جدول شماره ۳: مؤلفه های سلامت شهری مورد مطالعه

شاخص	گویه
سلامت جسمانی	تحركات بدنى مناسب به واسطه نزديكى به پوشش گياهى محلى
	استشمام بوى مناسب محيطى متأثر از عوامل محيطى
	تردد مناسب و بدون مشكل از پياده رو و خيابان ها متأثر از عوامل محيطى
	رضاييت از سلامت ريوى خود متأثر از عوامل محيطى
	رضاييت از سلامت سيستم تنفسى خود متأثر از عوامل محيطى
	احتمال بروز تصادف متأثر از عوامل محيطى
	خواب مناسب متأثر از عوامل محيطى
	دسترسى مناسب متأثر از عوامل محيطى
	رضاييت از عملکرد خود متأثر از عوامل محيطى
	احساس سردرد متأثر از عوامل محيطى
	احساس سينه درد متأثر از عوامل محيطى
	احساس كاهش شنوايى متأثر از عوامل محيطى
	افزايش پياده روى متأثر از عوامل محيطى
	بهبود حرركات رفتارى متأثر از عوامل محيطى
سلامت اجتماعى	مناسب بودن پاتوق خانواگى و سلامت اجتماعى متأثر از عوامل محيطى
	بهبود ارتباطات اجتماعى و فضاهای گفتمان مناسب متأثر از عوامل محيطى
	ارتباط با محيط و احساس آرامش بيشتر متأثر از عوامل محيطى
	ارتباط با گروه همسالان، همكاران، همسايمان متأثر از عوامل محيطى
	تبادل افكار و ايده تحت تأثير فضاي محيطى مناسب متأثر از عوامل محيطى
	افزايش همبستگى محلى متأثر از عوامل محيطى
	افزايش تعلقات محلى تحت تأثير فضاي محيطى مناسب
	مطلوبيت خروج از انزوا تحت تأثير فضاي محيطى مناسب
	مبادله انواع اعتماد و حمايت اجتماعى در فضاهای مناسب شهرى

جدول شماره ۴: آزمون پایای سئوالات پرسشنامه

شاخص	زیر شاخص	آلفای کرونباخ
شاخص های محیطی	پارک، فضای سبز، طبیعت و پوشش گیاهی	۰/۷۱۱
	دفع آب های سطحی	۰/۷۲۳
	گرد و خاک و ریزگردها	۰/۷۰۱
	آرامش محیطی	۰/۷۵۱
	هماهنگی محیط با خواست و فرهنگ ساکنان	۰/۸۱۳
	آب	۰/۷۱۹
	هوا	۰/۸۴۳
	صوت	۰/۷۴۵
	فضاهای غیرقابل دفاع	۰/۸۲۱
شاخص های بصری	زیبایی شناختی منظر و محیط	۰/۸۱۲
	رنگ آمیزی محیطی	۰/۷۶۶
	نور	۰/۸۶۳
	آشفته گی بصری	۰/۸۴۵
	نشانه ها و نمادهای خاص و جذاب تاریخی در محله	۰/۷۸۷
شاخص های کالبدی	کاربری های ناسازگار	۰/۸۵۶
	مبلمان شهری	۰/۸۴۴
	فضای بهداشتی - درمانی	۰/۸۲۸
	خدمات مورد نیاز روزانه	۰/۷۹۲
	حمل و نقل و ترافیک	۰/۷۱۸
	فضاهای مخصوص سالمندان	۰/۷۵۵
	فضاهای مناسب برای کودکان	۰/۸۶۱
	فضاهای مخصوص بانوان	۰/۷۰۲
	فضاهای مذهبی - دینی	۰/۸۱۶
	هویت منطقه و محله از دیدگاه کیفیت کالبدی شهر	۰/۷۵۲
	دسترسی و پراکنش مراکز ورزشی	۰/۸۶۴
	کیفیت مسکن	۰/۷۰۲
	سلامت روانی	۰/۷۶۱
شاخص های سلامت	سلامت جسمانی	۰/۸۳۲
	سلامت اجتماعی	۰/۷۴۲
ابعاد رضایت شهروندی	رضایت از شاخص محیطی	۰/۸۷۸
	رضایت از شاخص بصری	۰/۸۱۵
	رضایت از شاخص کالبدی	۰/۸۸۴
	رضایت از سلامت شهری	۰/۷۵۳

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش از مطالعات و پس از مشخص شدن نتایج مطالعات پیمایشی در هر یک از مناطق شهر قم، مجموعه مناطق به صورت یکجا مورد مطالعه و اشاره قرار می‌گیرد. در واقع این مرحله، فرازی کلی بر نتایج و مجموع مطالعات صورت گرفته در مناطق هشتگانه شهر قم است که مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۵.۱. رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل (محیطی) و

سلامت روانی

ابتدا رابطه بین متغیرهای مستقل با مؤلفه‌های مربوط به سلامت مورد محاسبه قرار گرفته است. در اینجا همه گویه‌های سلامت روانی با هم جمع شدند تا یک شاخص نهایی سلامت روانی به دست بیاید. سپس بین شاخص نهایی سلامت روانی با متغیرهای کیفیت محیطی (محیطی، بصری و کالبدی) روابط و تحلیل‌های آماری انجام شد که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵: نتایج رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل (محیطی) و سلامت روانی

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.612 ^a	.375	.372	6.98865
a. Predictors: (Constant), Environmental quality, Visual quality, Physical quality				

عوامل و فاکتورهای دیگری است که این مقدار تأثیر قابل توجهی دارد. همچنین مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۶۱۲ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (سلامت روانی) همبستگی بالایی وجود دارد. آمارهای موجود در جداول زیر نیز گویای این واقعیت است که اولاً در میان متغیرهای مستقل مورد بررسی، تأثیر دو متغیر کیفیت بصری و کالبدی بر سلامت روانی معنی‌دار است، زیرا سطح خطای مقدار t آنها پایین‌تر از ۰/۰۱ است، به طوری که متغیر کیفیت بصری با بتای ۰/۵۳۲ و متغیر کیفیت کالبدی با بتای ۰/۱۳۱ روی متغیر سلامت روانی شهر قم تأثیر مثبتی داشته است.

داده‌های به دست آمده که در جدول آمده بیانگر این مطلب است که ضریب تعیین تعدیل شده^۱ به دست آمده برای همه متغیرهای مستقل برابر با ۰/۳۷۲ است که بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۷ درصد از واریانس و تغییرات سلامت روانی شهر قم توسط متغیرهای موجود در معادله (یعنی شاخص‌های محیطی، بصری و کالبدی) تبیین می‌شود. پس علاوه بر متغیرهای در نظر گرفته شده در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل، متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و مکانی دیگری هستند که بر شاخص سلامت روانی در شهر قم تأثیر می‌گذارند؛ چرا که متغیرهای وابسته منتخب تنها ۳۷ درصد تغییرات سلامت روانی را پوشش می‌دهند و ۶۳ درصد باقیمانده در نتیجه تأثیر

جدول شماره ۶: نتایج ضریب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل (محیطی) بر سلامت روان

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	24.624	3.394		7.256	.000
	Environmental quality	.005	.039	.004	.131	.896
	Visual quality	.503	.034	.532	14.793	.000
	Physical quality	.100	.028	.131	3.552	.000

دارد، نوبت به سلامت جسمانی می‌رسد. تجزیه و تحلیل‌های آماری به دست آمده در نرم افزار SPSS برای رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل منتخب و متغیر سلامت جسمانی در جداول زیر نشان داده شده است.

۵.۲. رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل (محیطی) و سلامت جسمانی

بعد از بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر سلامت روانی و مشخص شدن این که کدام متغیر تأثیر بیشتری بر سلامت روانی

جدول شماره ۷: نتایج رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل (محیطی) و سلامت جسمانی

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.475 ^a	.331	.327	5.53058
a. Predictors: (Constant), Environmental quality, Visual quality, Physical quality				

که تقریباً ۳۲ درصد از واریانس و تغییرات سلامت جسمانی در شهر قم توسط متغیرهای موجود در معادله (یعنی شاخص‌های محیطی، بصری و کالبدی) تبیین می‌شود. پس علاوه بر متغیرهای در نظر

داده‌های به دست آمده که در جدول نشان داده شده بیانگر این مطلب است که ضریب تعیین تعدیل شده^۲ به دست آمده برای همه متغیرهای مستقل برابر با ۰/۳۲۷ است که بیانگر این مطلب است

دارد. آمارهای موجود در جداول زیر نیز گویای این واقعیت است که اولاً در میان متغیرهای مستقل مورد بررسی، تأثیر متغیر کیفیت بصری و کالبدی بر سلامت جسمانی معنی دار است، زیرا سطح خطای مقدار t آن پایین تر از $0/01$ است. به طوری که متغیر کیفیت بصری با بتای $0/209$ روی متغیر سلامت جسمانی شهر قم تأثیر مثبت و متغیر کیفیت کالبدی با بتای $0/203$ - روی متغیر سلامت جسمانی شهر قم تأثیر منفی داشته است.

گرفته شده در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل، متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و مکانی دیگری هستند که بر شاخص سلامت جسمانی در شهر قم تأثیر می‌گذارند؛ چرا که متغیرهای وابسته منتخب 32 درصد از تغییرات سلامت جسمانی را پوشش می‌دهند و درصد باقی‌مانده در نتیجه تأثیر عوامل و فاکتورهای دیگری است که این مقدار قابل توجه است. همچنین مقدار ضریب همبستگی (R)، بین متغیرها $0/475$ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (سلامت جسمانی) همبستگی متوسطی وجود

جدول شماره ۸: نتایج ضریب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل (محیطی) بر سلامت جسمانی

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients		t	Sig.
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	33.371	2.686		12.426	.000
	Environmental quality	-.030	.031	-.040	-.961	.337
	Visual quality	.126	.027	.209	4.678	.000
	Physical quality	-.142	.022	-.203	-6.454	.001

بخش‌های قبل از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شد تا مشخص شود در میان شاخص‌های محیطی کدام یک تأثیر بیشتری بر شاخص سلامت اجتماعی دارند. نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری به دست آمده در جداول زیر نشان داده شده است.

۵.۳. رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل (محیطی) و سلامت اجتماعی
آخرین بعد سلامت که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، بعد سلامت اجتماعی است که دارای ۱۲ گویه است. این بعد هم مانند

جدول شماره ۹: نتایج رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل (محیطی) و سلامت اجتماعی

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.421 ^a	.178	.174	3.73665

a. Predictors: (Constant), Environmental quality, Visual quality, Physical quality

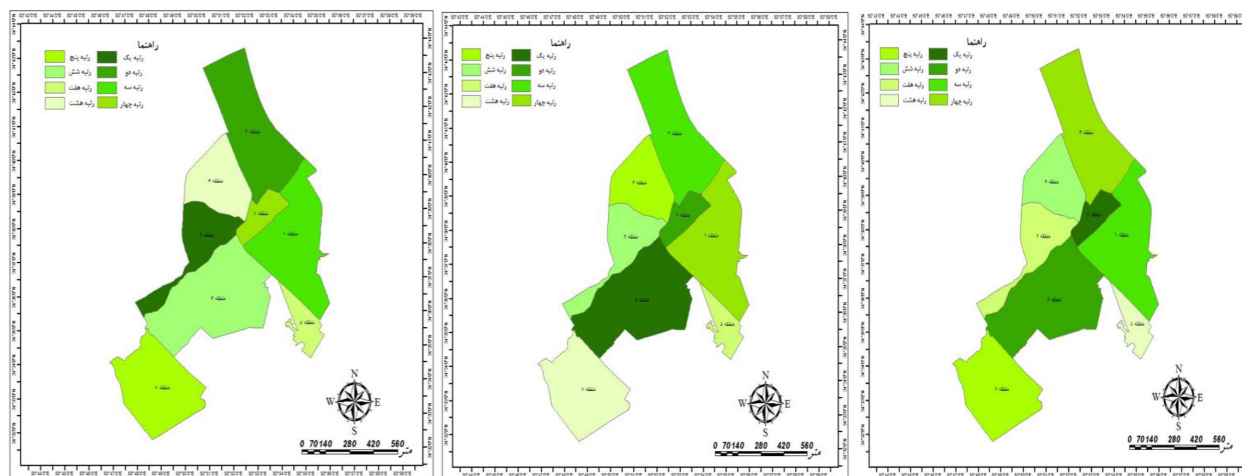
مقدار تأثیر قابل توجهی است. همچنین مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $0/421$ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (سلامت اجتماعی) همبستگی متوسطی وجود دارد. آمارهای موجود در جداول زیر نیز گویای این واقعیت است که در میان متغیرهای مستقل مورد بررسی، تأثیر متغیر کیفیت محیطی و بصری و کالبدی بر سلامت اجتماعی معنی دار است، زیرا سطح خطای مقدار t آن پایین تر از $0/01$ است. به طوری که متغیر کیفیت محیطی با بتای $0/199$ و کیفیت کالبدی با بتای $0/238$ - روی متغیر سلامت اجتماعی شهر قم تأثیر منفی داشته، در مقابل کیفیت بصری با بتای $0/450$ روی متغیر سلامت اجتماعی شهر قم تأثیر مثبت دارد.

داده‌های به دست آمده که در جدول آمده است، بیانگر این مطلب است که ضریب تعیین تعدیل شده^۱ به دست آمده برای همه متغیرهای مستقل برابر با $0/174$ است که بیانگر این مطلب است که تقریباً 17 درصد از واریانس و تغییرات سلامت اجتماعی در شهر قم توسط متغیرهای موجود در معادله (یعنی شاخص‌های محیطی، بصری و کالبدی) تبیین می‌شود. پس علاوه بر متغیرهای در نظر گرفته شده در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل، متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و مکانی دیگری هستند که بر شاخص سلامت اجتماعی در شهر قم تأثیر می‌گذارند؛ چرا که متغیرهای وابسته منتخب تنها 17 درصد تغییرات سلامت اجتماعی را پوشش می‌دهند و درصد باقیمانده در نتیجه تأثیر عوامل و فاکتورهای دیگری است که این

جدول شماره ۱۰: نتایج ضریب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل (محیطی) بر سلامت اجتماعی

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients		t	Sig.
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	14.010	1.815		7.721	.000
	Environmental quality	-.077	.021	-.139	-3.666	.000
	Visual quality	.199	.018	.450	10.920	.000
	Physical quality	-.112	.015	-.238	-7.466	.001

1 adjusted R Square



نقشه شماره ۱: وضعیت سلامت روانی شهروندان قم | نقشه شماره ۲: وضعیت سلامت جسمانی شهروندان قم | نقشه شماره ۳: وضعیت سلامت جسمانی شهروندان قم

۵.۴. سوال نخست

شهروندان شهر قم استفاده شد. آزمون فریدمن نشان داد که اهمیت و رتبه ویژگی‌های مطرح شده در مورد شاخص‌های سلامت با یکدیگر متفاوت است ($P < .001$, $df = 2$, 40.347 = مجذور کای).

چالش‌های مرتبط با ابعاد روحی سلامت، مهم‌ترین چالش پیش‌روی شهروندان شهر قم است. از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی چالش‌های سلامت پیش‌روی

جدول شماره ۱۱: آزمون فریدمن چالش‌های مرتبط با ابعاد سلامت

N	696
Chi-Square	40.347
Df	2
Asymp. Sig.	.000

است. در جدول بعد میانگین و انحراف استاندارد متغیرها ارائه شده است. دامنه میانگین از ۰ تا ۵ است. مقایسه میانگین زیرشاخص‌های سلامت شهری (روانی، جسمانی و اجتماعی) نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۲٫۵۷) متعلق به زیرشاخص سلامت اجتماعی و پایین‌ترین میانگین (۲٫۳۰) متعلق به زیرشاخص سلامت روانی است. در کل با توجه به میانگین‌های به دست آمده هیچ کدام از ابعاد سلامت در شهر قم وضعیت مناسبی ندارند؛ زیرا میانگین تمام زیرشاخص‌ها بسیار کمتر از حد متوسط (۳) است.

مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بهترین زیرشاخص از نظر شهروندان به ترتیب سلامت اجتماعی، جسمانی، روانی است. میانگین رتبه این زیرشاخص‌ها به ترتیب ۲٫۱۲، ۲٫۰۴ و ۱٫۸۴ است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۲٫۱۲) به زیرشاخص سلامت اجتماعی اختصاص دارد؛ بدین معناست که این زیرشاخص نسبت به دو زیرشاخص دیگر سلامت در شهر قم از وضعیت بهتری برخوردار است و در واقع مهم‌ترین چالش سلامت پیش‌روی شهروندان شهر قم سلامت روانی است. گفتنی است که میانگین رتبه با میانگین حسابی تفاوت دارد و نحوه محاسبه این دو میانگین متفاوت

جدول شماره ۱۲: میانگین رتبه زیرشاخص‌های سلامت شهری منطقه دو (روانی، جسمانی و اجتماعی)

Ranks	
	Mean Rank
mental health	1.84
Physical health	2.04
Social health	2.12

جدول شماره ۱۳: جدول توصیفی زیرشاخص‌های سلامت شهری منطقه دو (روانی، جسمانی و اجتماعی)

Descriptive Statistics					
	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
mental health	696	2.3075	.77756	1.00	4.00
Physical health	696	2.4483	.83463	1.00	5.00
Social health	696	2.5718	.74564	1.00	4.00

۵.۵. سؤال دوم و سوم

جدول شماره ۱۴: نتایج آثار شاخص های محیطی بر سلامت شهری و مهم ترین چالش های سلامت شهری در مناطق هشتگانه شهر قم

منطقه	تأثیر زیر شاخص های محیطی بر روانی	تأثیر زیر شاخص های محیطی بر جسمانی	تأثیر زیر شاخص های محیطی بر اجتماعی	ترتیب مهم ترین چالش
منطقه ۱	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۴۲) کالبدی: تأثیر مثبت (بتای ۰/۳۱۵)	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر مثبت (بتای ۰/۳۰۶)	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۲۱) بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر	اجتماعی روانی جسمانی
منطقه ۲	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۶۴) کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۹۷)	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۳۱۳)	روانی جسمانی اجتماعی
منطقه ۳	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۳۴۶) بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت (بتای ۰/۲۹۰) کالبدی: تأثیر مثبت (بتای ۰/۱۸۶)	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت (بتای ۰/۲۸۱) کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۷۹)	روانی اجتماعی جسمانی
منطقه ۴	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت (بتای ۰/۲۹۱) کالبدی: تأثیر مثبت (بتای ۰/۱۱۲)	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر مثبت (بتای ۰/۱۶۳)	اجتماعی روانی جسمانی
منطقه ۵	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۶۸) بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر... تأثیر منفی (بتای ۰/۲۲۶)	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۱۸۱) بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۱۸۲) بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۱۰)	روانی اجتماعی جسمانی
منطقه ۶	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر منفی (بتای ۰/۳۹۶) کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۴۴)	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: عدم تأثیر	اجتماعی روانی جسمانی
منطقه ۷	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت کیفیت بصری (بتای ۰/۳۳۲) کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت کیفیت بصری (بتای ۰/۱۹۸) کالبدی: عدم تأثیر	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر مثبت (بتای ۰/۱۸۶)	اجتماعی روانی جسمانی
منطقه ۸	محیطی: عدم تأثیر بصری: عدم کالبدی: تأثیر منفی کیفیت کالبدی (بتای ۰/۲۷۳)	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۵۰) کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۱۷)	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۶۳) بصری: عدم تأثیر کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۳۶)	جسمانی اجتماعی روانی
رک	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت (بتای ۰/۵۳۲) کالبدی: تأثیر مثبت کیفیت کالبدی (بتای ۰/۱۳۱)	محیطی: عدم تأثیر بصری: تأثیر مثبت (بتای ۰/۲۰۹) کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۰۳)	محیطی: تأثیر منفی (بتای ۰/۱۳۹) بصری: تأثیر مثبت (بتای ۰/۴۵۰) کالبدی: تأثیر منفی (بتای ۰/۲۳۸)	روانی جسمانی اجتماعی

مثبت (۰/۱۳۱) بر سلامت روانی و همچنین آثار منفی بر سلامت جسمانی و اجتماعی شهروندان شهر قم دارد. به طوری که تأثیر منفی (بتای ۰/۲۰۳) بر سلامت جسمانی و تأثیر منفی (بتای ۰/۲۳۸) بر سلامت اجتماعی شهروندان این شهر محرز است.

۶. بحث و نتیجه گیری

بشردر تاریخ شهرنشینی و شهرگرایی خود همواره به فضایی می اندیشده است که بتواند راحتی، آسایش، آرامش، زیبایی، بهداشت، پاکیزگی، نظم، انضباط، دل بستگی، امنیت، ایمنی، سلامت و حس رضایت از آن به ویژه در ارتباط با محیط را دریافت و توسعه دهد. اما با گذشت قرن ها و تغییر سبک زندگی بشری به سمت شهرنشینی و با مروری بر زندگی شهری و کیفیت محیطی امروز در برنامه ریزی شهری بسیاری از شهرها با تأکید بر شهرهای کشورهای جهان سوم از جمله ایران، بحران آشکار

جدول شماره ۱۴، ضمن این که نتایج آزمون اصلی این پژوهش در هر منطقه را به تصویر کشیده است، نشان می دهد که در مجموع، تنها شاخص های محیطی در حوزه سلامت روانی و جسمانی شهروندان بی تأثیر هستند. در حالی که همین شاخص با تأثیر منفی (بتای منفی ۰/۱۳۹) در حوزه سلامت اجتماعی شهروندان قم، به صورت مستقیم اثرگذار بوده است. همچنین شاخص های کیفیت بصری و کالبدی نیز به صورت مستقیم، مجموعه شاخص های سلامت روانی، جسمانی و در نهایت اجتماعی شهروندان شهر قم را تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که شاخص بصری تأثیر مثبتی (بتای مثبت ۰/۵۳۲) بر سلامت روانی، همچنین جسمانی (بتای مثبت ۰/۲۰۹) و در نهایت سلامت اجتماعی (بتای مثبت ۰/۴۵۰) بر روی شهروندان این شهر داشته است. همچنین شاخص کیفیت کالبدی مطالعه شده در شهر قم نیز نشان می دهد، این شاخص دارای تأثیر مثبت کیفیت کالبدی (بتای

و پنهانی از کیفیت محیط و سلامت شهری در فضاهای زیستی معاصر را می‌توان شاهد بود. این شرایط باعث شده تا در آغاز قرن ۲۱، تحت تأثیر بحران برنامه‌ریزی سلامت شهری، وعده آرمان‌شهر مدنی و تعالی انسان از طریق همکاری شرکت‌ها، دولت‌ها و مردم در جوامع سرمایه‌داری غرب به نتیجه نرسد و در بلوک شرق نیز وعده‌های ایدئولوژی کمونیسم در کسب جهان مادی و معنوی، در عمل توهمی بیش نباشد. به همین دلیل جایگاه و اهمیتی که شهر و شهرنشینی دارد، صاحبان قدرت و اندیشمندان همه اعصار را واداشته تا بر جنبه‌های مختلف جسم و روح شهر درنگ کنند و بکوشند قانونمندی‌های زندگی شهری را دریابند و بر پایه یافته‌های خود به برنامه‌ریزی شهری مناسب دست یازند. قانونمندی‌هایی که در مهم‌ترین بُعد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری خود، سلامت شهروندان را باید در اولویت خود قرار دهند. بُعدی که امروزه تحت تأثیر عوامل مختلف، دستخوش تغییرات بسیاری گشته و با مسائل و مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است. نگارنده با توجه به مطالعه صورت گرفته در حوزه سلامت شهری در ارتباط با کیفیت محیطی شهر قم، بر این اعتقاد است که شناسایی عوامل مؤثر بر میزان رضایت و ناراضیاتی از نواحی سکونت، یکی از کلیدی‌ترین معیارهای سنجش اقدامات و برنامه‌ها در حیطه اقدامات و برنامه‌ریزی مربوط به شهرهاست. چرا که یکی از ابزارهای رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شهرها، ارزیابی محیط‌های شهری بر مبنای نظرات ساکنان است. در واقع ارزیابی ساکنان از محیط‌های سکونت‌شان می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌ریزی‌های شهری از جمله طرح‌های مربوط به کیفیت محیط و سنجش سلامت شهری مطرح شود.

کیفیت محیطی، کالبدی و بصری، از تعیین‌کننده‌های مهم سلامت در ابعاد مختلف روانی، جسمانی و اجتماعی محسوب می‌شود که علم پزشکی هم بر نقش بی‌چون و و چرای نیروهای اجتماعی در تعیین الگوهای بیماری رایج در هر جامعه و ساختاردهی به آن تأکید می‌ورزد. اعتقاد بر آن است که هرگونه مداخله موفق به منظور ارتقای سطح سلامتی و بهداشت بدون شناخت شرایط محیط و مکانی امکان‌ناپذیر است. به منظور درک تفاوت‌های موجود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در زمینه توجه به مقوله سلامت شهری متأثر از عوامل محیطی، بیان این مهم به جاست که در حال حاضر، مطالعات پیوسته در خصوص آثار عوامل محیطی بر سلامت شهری، همواره به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در توسعه و پیشرفت کشورهای شمالی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ موضوعی که چندان در کشورهای در حال توسعه جایگاهی ندارد.

با توجه به موارد اشاره شده و مجموع مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایشی و مشاهدات و تحلیل‌های صورت گرفته از کیفیت محیطی و سلامت شهری در شهر قم به عنوان آفت مطالعاتی بسیار مناسب از سایر شهرهای ایران، می‌توان اذعان نمود که امروزه شهر قم (مستقیم و غیرمستقیم) درصدی از سلامت شهری خود را تحت تأثیر عوامل و شاخص‌های محیطی می‌داند. البته اگرچه در مواردی بر اساس اعتماد به داده‌های به دست آمده از دیدگاه و نظرات شهروندان می‌توان عنوان داشت که عامل محیطی، بصری و یا کالبدی در سلامت شهری شهروندان مناطق خنثی بوده است، اما مجموع آثار ارائه شده در

این خصوص، بیانگر تأثیرات شاخص‌های کیفیت محیطی بر سلامت شهری شهروندان قم است. به طوری که عوامل محیطی در ایجاد شاخص‌های محیطی مؤثر در سلامت شهری در مجموعه مناطق هشت گانه شهر قم، آثار مستقیم و غیرمستقیمی دارد. همچنین نتایج این مطالعه در خصوص این که ابعاد شاخص سلامت شهری، به نوبه خود تا چه اندازه متأثر از شاخص‌های کیفیت محیطی هستند، نشان دهنده این واقعیت است که امروزه در شهر قم و در تأیید برخی از مطالعات مشابه صورت گرفته در حوزه سلامت، بُعد روانی سلامت، پیشرو مسئله سلامت شهروندان این شهر است. به بیانی دیگر سلامت روانی شهروندان امروزه بیش از سایر عوامل در معرض خطر است و شهروندان مناطق مختلف این شهر به لحاظ روانی، بیشترین فشارها و چالش‌ها را در خصوص نوع و کیفیت محیطی اطراف خود احساس می‌کنند. به طوری که بهترین زیرشاخص سلامت شهروندان قمی، به ترتیب سلامت اجتماعی، جسمانی و روانی است. میانگین رتبه این زیرشاخص‌ها به ترتیب ۲/۱۲، ۲/۰۴ و ۱/۸۴ است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۲/۱۲) به زیرشاخص سلامت اجتماعی اختصاص دارد؛ بدین معناست که این زیرشاخص نسبت به دو زیرشاخص دیگر سلامت در شهر قم از وضعیت بهتری برخوردار است و در واقع مهم‌ترین چالش سلامت پیش‌روی شهروندان شهر قم سلامت روانی با گویه‌هایی همچون حس رضایت از محیط، احساس تعلق مکانی متأثر از عوامل محیطی، احساس سلامت روحی و روانی بیشتر متأثر از عوامل محیطی، آرامش و تمدد اعصاب متأثر از عوامل محیطی، تمرکز فکری متأثر از عوامل محیطی، کاهش استرس‌های روزانه متأثر از عوامل محیطی، احساس عدالت در برخورداری از کیفیت محیطی محلی و منطقه‌ای، احساس نشاط و سرزندگی متأثر از عوامل محیطی، خاطره‌های خوب از فضای عمومی محلی، احساس نبود تبعیض جنسیتی، حس رضایت از زندگی متأثر از عوامل محیطی، حس آرامش متأثر از عوامل محیطی، احساس تفاخر محلی متأثر از عوامل محیطی، خیال آسوده از رفت و آمد خانواده متأثر از عوامل محیطی، تندخویی و تحریک پذیری متأثر از عوامل محیطی، حس ناامنی، ترس و دلهره متأثر از عوامل محیطی، احساس یکنواختی و کسالت در فضاهای شهری، احساس القای ناخودآگاه نظم در اذهان متأثر از عوامل محیطی، احساس فشار و آزدگی روانی متأثر از عوامل محیطی، احساس عصبانیت، پرخاشگری و زودرنجی متأثر از عوامل محیطی، احساس انزوای اجتماعی متأثر از عوامل محیطی، احساس افسردگی متأثر از عوامل محیطی، احساس بی‌حوصلگی متأثر از عوامل محیطی، احساس پریشانی ذهنی متأثر از عوامل محیطی و احساس تشویش دیداری و خستگی چشم متأثر از عوامل محیطی است. در این زمینه مقایسه نتایج این مطالعه با سایر آثار این حوزه نتایج قابل تأملی را در پی داشته است.

به طوری که طبق مطالعات لاهو و گاله، ابعاد مطالعه سلامت شهری و مسائل کلان در حوزه سلامت، بررسی و تحلیل شده و نگاه نگارنده بسیار کلی از جنبه‌های اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی این حوزه است که نقش و آثار دولت بر نظام سلامت شهری را تحلیل و بررسی نموده است. در عین حال مطالعات اوکیبو نیز رنگ و بوی مطالعات جهانی در حوزه سلامت شهری با گذاری بر روند شهرنشینی به ویژه در

بصری بر سلامت شهری را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مقاله که قرابت موضوعی و روش تحقیقی بیشتری با مقاله حاضر دارد، نشان می‌دهد شاخص زیست‌محیطی بیشترین اهمیت را در توسعه سلامت شهروندان دارد.

در بخش ارزیابی سلامت روان شهروندان نیز مشخص شد که بین مؤلفه‌های مورد بررسی مرتبط با محیط و منظر شهری و سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد که این بخش از مطالعه ایشان در این مقاله نیز تأیید می‌گردد. در مجموع و جمع بندی این مقاله، طبقه بندی موضوعی و نتایج مطالعات این حوزه در موضوعاتی چون رشد جمعیت سریع در شهرهای کشورهای در حال توسعه، شواهد و چالش‌های سلامت شهری، سلامتی انسان و محیط بهداشت، طراحی شهری، سلامت و محیط درمانگر، کیفیت معماری محیط و سلامت روان، بررسی وضعیت عوامل زیست محیطی در ارتباط با سلامت منظر و کیفیت بصری شهری، برنامه‌ریزی شهری سالم، مدیریت شهری و سلامت، برنامه‌ریزی سلامت شهری، اکوسیستم شهری و محیط زیست شهری، کیفیت محیطی محلات مسکونی و سلامت شهری، برنامه‌ریزی سلامت شهری، شکل شهر بر سلامت شهروندان، طراحی فضاهای شهری و سلامت شهری قابل تقسیم بندی است که در قالب این موارد، کیفیت محیطی، منظر و کیفیت بصری از مؤلفه‌های اثرگذار بر شاخص‌های سلامت شهری است.

به صورت عینی نتایج این مطالعه در سطح شهر قم نشان می‌دهد که دغدغه‌های زیادی امروزه در مدیریت شهری این کلانشهر قابل مشاهده است که زیست‌پذیری و کیفیت محیط شهر و در نهایت سلامت شهری از مهم‌ترین دغدغه‌هاست که شناخت و تحلیل آنها نیازمند صرف زمان و مطالعات گسترده‌ای با هدف تبیین اثرگذاری شاخص‌های محیطی بر سلامت شهری است. رشد قارچ‌گونه پهنه‌های حاشیه‌نشین در طول سال‌های گذشته متأثر از عوامل یادشده با کیفیت محیطی و اجتماعی بسیار نازل و وضعیت نامناسبی به لحاظ شاخص‌های زیستی در آن، فضای سبز کم به لحاظ پراکنش و کمبود شدید آن/یک/ سوم استاندارد کشور، آب آشامیدنی نامناسب (این موضوع در سال‌های اخیر به وسیله ایستگاه‌های آب شیرین به صورت موقت مرتفع گردیده است)، مشکل ریگردها (که امروزه مناطق بیابانی شهر قم به یکی از کانون‌های اصلی تولید ریگردها تبدیل شده است)، آلودگی‌های صوتی و هوا به عنوان مسائل کلان محیطی و سلامت این شهر، در کنار کیفیت مسکن به ویژه در پهنه‌های فقیر و حاشیه‌نشین (محلاتی چون شیخ‌آباد، محمدآباد، قلعه کامکار، شهر قائم، شادقلی‌خان، شهرک فاطمیه، محله شلنگی‌ها، قلعه کامکار، اسماعیل‌آباد، سید معصوم، چاله کوره و ...)، ضعف تجهیزات آسایشی و بصری به ویژه در پهنه مرکزی و جوار حرم مطهر حضرت معصومه (س)، وجود بناهای متراکم، عرض نامناسب و غیراستاندارد کوچه‌ها، عدم هماهنگی ساختمان‌ها به لحاظ فرم، کیفیت روانی نامناسب شهری، رنگ آمیزی ناهمگن و گاه تند ظاهر شهری، دسترسی نامناسب به فضای بهداشتی - درمانی، بی‌توجهی به زیبایی محله، کمبود فضای مناسب برای سالمندان، کمبود فضای مناسب برای کودکان، مقوله احساس تعلق به محله، فضاهای بی‌دفاع، نشانه‌ها و المان‌های فرهنگی و جذاب محلی، پاکیزگی شهری، روان شناسی رنگ، اغتشاش بصری، آلودگی نور،

کشورهای جهان سوم دارد. به بیانی دیگر نتایج این مطالعه حاکی از این است که در سطح جهانی با روند رو به رشد شهرنشینی، روند رو به رشدی در توسعه بیماری‌ها را نیز شاهد بودیم. در سال ۲۰۱۵ مطالعات سوزان و آنتونی در قرابت موضوعی بیشتر با مقاله حاضر نشان می‌دهد که سلامت و کیفیت محلات ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند. نتایج این مقاله قرابت مفهومی و نتایج آن با این مقاله را نشان می‌دهد. مقاله سوزان و آنتونی ابعاد کوچکتری از سلامت شهری را چه در حوزه شهری و چه در حوزه سلامت مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. لاهو و گاله در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده اند که در ارتباط با سلامت شهری سه عامل محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و خدمات بهداشت و اجتماعی عوامل اصلی به شمار می‌روند. در حالی که نتایج مطالعات مقاله حاضر در سطح شهر قم، ابعاد وسیع‌تری از مؤلفه‌های محیطی و کالبدی و بصری در سه حوزه مطالعات سلامت روان، جسمی و سلامت اجتماعی شهروندان را بررسی و تبیین نموده است. مقاله حاضر با اذعان به قرابت موضوعی با مقاله داگلاس در سال ۲۰۱۲ (ارتباط اکوسیستم شهری و محیط زیست با سلامت) نشان از این مهم دارد که مجموعه عوامل زیست محیطی و اکوسیستم شهری، کاملاً بر سلامت شهروندان اثرگذار است.

تفاوت این دو اثر در این است که مقاله حاضر در سطح شهر قم با استفاده از دیدگاه شهروندان به مقوله سلامت شهری پرداخته در حالی که در مقاله داگلاس، این مهم کمزنگ‌تر است. در مقاله‌ای که ماتین و همکاران به رشته تحریر در آورده‌اند، شهر را عملاً یک محیط درمانگر معرفی نموده‌اند. مقاله حاضر نیز ضمن تأیید نتایج این مقاله در حوزه سلامت شهری، به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافته است. از نگاه دیگر، مقاله حاضر در سطح شهر قم با استفاده از مجموعه مطالعات پیمایشی به این نتیجه رسیده و مقاله مورد اشاره با استفاده از مجموعه مطالعات اسنادی و نظریه‌های موجود به این مهم دست یافته است. تاجدار در مقاله خود به این نتیجه رسیده که ارتباط مستقیمی بین سلامت شهری و شاخص‌های محیطی، کالبدی و اجتماعی - اقتصادی برقرار است. نتایج این مطالعه نیز در تأیید یافته‌های این مقاله، به صورت عینی ارتباط مستقیم بین شاخص‌های محیطی و سلامت شهری را انعکاس می‌دهد.

در این مقاله نگارندگان عملاً به بحث‌های قبل از برنامه‌ریزی شهری در حوزه سلامت شهری پرداخته‌اند. به بیانی دیگر تفاوت این مقاله در حوزه مطالعات سلامت شهری با مقاله حاضر نشان می‌دهد که این دو اثر عملاً مکمل یکدیگر بوده‌اند. به طوری که مقاله بحرینی و خسروی پیش درآمدی بر سلامت شهری از حیث محیطی و مقاله حاضر تحلیلی بر مطالعات سلامت شهری پس از برنامه‌ریزی و مطالعات شهری را دربر می‌گیرد. امامقلی در سال ۱۳۹۲ صرفاً به بررسی نقش معماری در سلامت شهری شهروندان پرداخته و نتایج این مطالعه نیز نشان می‌دهد که محیط کالبدی بر حس تندرستی و سلامت روان مورد توجه روان شناسان محیطی است و سلامت روان، پایه و اساس به زیستی و عملکرد مؤثر افراد در جامعه است. تفاوت این مطالعه با نتایج مطالعه حاضر در سطح شهر قم نشان می‌دهد که نگارنده این مقاله صرفاً ابعاد معمارانه را بر سلامت جسمی افراد مورد بررسی و سنجش قرار داده، در حالی که مقاله حاضر بسیاری از ابعاد محیطی، کالبدی و

References:

- Abrun, A. A. (2014). Developing principles for designing urban spaces based on enhancing citizens' mental health: Case study of Sabzevar city; Bahar and Enghelab neighborhoods (Master's thesis). Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26764164.1400.3.2.11.7> [in Persian]
 - Abdolmaleki, S. (2014). Effects of urban form on citizens' public health: A case study of Mashhad (Master's thesis). Faculty of Geography, Hakim Sabzevari University. [in Persian]
 - Alavi, P., Sabuti, H., & Shahbazi, M. (2021). Identification and prioritization of environmental quality criteria in peri-urban lost spaces: Case study of Bisim neighborhood, Zanzan. *Journal of Peri-Urban Space Development*, 3(2), 241-255. [in Persian]
 - Ayazi, S. M. H., & Damari, B. (2013). *Urban management and health*. Tehran: Tisa Publications. [in Persian]
 - Bahrini, S. H., & Khosravi, H. (2010). Physical health of citizens in new towns: The role of urban design in physical activity levels, case study of Hashtgerd new town. In *First Conference on Sustainable Urban Development*, Tehran. Available at: http://www.civilica.com/Paper-CSUD01-CSUD01_025.html [in Persian]
 - Cui, X. (2018). How can cities support sustainability: A bibliometric analysis of urban metabolism. *Ecological Indicators*, 93, 704–717. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2018.06.012>
 - Cui, X., Fang, C., Liu, H., & Liu, X. (2019). Assessing sustainability of urbanization by a coordinated development index for an Urbanization-Resources-Environment complex system: A case study of Jing-Jin-Ji region, China. *Ecological Indicators*, 96, 383–391. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2018.08.052>
 - Day, K., Alfonzo, M., Chen, Y., Guo, Z., & Lee, K. K. (2013). Overweight, obesity, and inactivity and urban design in rapidly growing Chinese cities. *Health & Place*, 21, 29–38. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2013.01.006>
 - Dempsey, S., Lyons, S., & Nolan, A. (2018). Urban green space and obesity in older adults: Evidence from Ireland. *SSM - Population Health*, 206–215. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2018.01.005>
 - Dhahri, S., & Omri, A. (2018). Entrepreneurship contribution to the three pillars of sustainable
- مراکز تجاری با انواع سلیقه و رنگ‌ها، فونت‌های نوشتاری غیرهمگن و آزاردهنده، مبلمان شهری، توسعه فضاهای پیاده‌روی، روشنایی پارک‌ها، وضعیت دسترسی و ارتباطات، کیفیت جوی‌های محلی، کنترل کاربری‌های ناسازگار و... به عنوان مسائل خرد محیطی این کلانشهر موجب گردیده تا مطالعات کیفیت محیطی در ارتباط با شاخص‌های زیستی مردم به یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های امروزی این شهر تبدیل گردد.

- development: What does the evidence really say? *World Development*, 106, 64–77. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.01.018>
- Douglas, L. (2012). Urban ecology and urban ecosystems: Understanding the links to human health and well-being. *Human Settlements and Industrial Systems*, 4(4), 385–392.
 - Duhl, L. J., & Sanchez, A. K. (1999). Healthy cities and the city planning process. WHO Regional Office for Europe.
 - Galea, S., & Vlahov, D. (2005). Urban health: Evidence, challenges, and directions. *Annual Review of Public Health*, 26, 341–365. <https://doi.org/10.1146/annurev.publhealth.26.021304.144708>
 - Galea, S., Freudenberg, N., & Vlahov, D. (2005). Cities and population health: A conceptual framework. *Social Science & Medicine*, 60(5), 1017–1033. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2004.06.036>
 - Garrido-Cumbrera, M., Gálvez Ruiz, D., Braçe, O., & López Lara, E. (2018). Exploring the association between urban sprawl and mental health. *Journal of Transport & Health*. <https://doi.org/10.1016/j.jth.2018.02.002>
 - Gray, C. L., Lobdell, D. T., Rappazzo, K. M., Jian, Y., Jagai, J. S., Messer, L., Patel, A., DeFlorio-Barker, S., Lyttle, C., Solway, J., & Rzhetskaya, A. (2018). Associations between environmental quality and adult asthma prevalence in medical claims data. *Environmental Research*, 166, 529–536. <https://doi.org/10.1016/j.envres.2018.06.004>
 - Ghorousi, S., & Shams-eddini, M. (2014). The impact of environmental quality of residential neighborhoods on residents' health in Kerman city. *Urban Sociological Studies Quarterly*, 4(12), 51-74. [in Persian]
 - Hadavi, S. (2004). Development of healing landscape concept in urban public spaces: Case study of Abrisham Park (Master's thesis). Faculty of Environment, University of Tehran. [in Persian]
 - Havizavi, H., Azani, M., & Ahmadi, F. (2024). The role of third places in enhancing urban environmental quality: A case study of eight districts in Ahvaz city. *New Ideas in Geographical Sciences Quarterly*, 6, 91-116. [in Persian]
 - Imamgholi, A. (2013). Architectural environment quality and its relationship with mental health. In *National Conference on Human-Centered Architecture and Urban Planning*, Qazvin. Islamic Azad University, Qazvin Branch. Available at: https://www.civilica.com/Paper-NCAU01-NCAU01_156.html [in Persian]
 - Kelly, K., & Davies, J. K. M. (1993). Healthy cities, research and practice. In J. K. Davies & M. P. Kelly (Eds.), *Healthy cities, research and practice* (pp. 1–13). Routledge.
 - Khalilabadi, H. (2013). *Urban health planning*. Tehran: Novavaran Sharif Publishing. [in Persian]
 - Lansing, J. B., & Marans, R. W. (1969). Evaluation of neighborhood. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(1), 22–31. <https://doi.org/10.1080/01944366908977992>
 - Lynch, K. (2002). *Good city form* (S. H. Bahrini, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. (Original work published 1981) [in Persian]
 - Lynch, K. (1997). *The image of the city* (M. Mazini, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
 - Mahdi, A. (2011). Assessment and analysis of environmental health and access to health indices in informal settlements: Case study of Shadgholi Khan neighborhood, Qom city (Master's thesis). Faculty of Geography, University of Tehran. [in Persian]
 - Martin, C. J., Evans, J., & Karvonen, A. (2018). Smart and sustainable? Five tensions in the visions and practices of the smart-sustainable city in Europe and North America. *Technological Forecasting & Social Change*, 133, 269–278. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.05.029>
 - Namani, P., & Arzanlou, N. (2023). The effect of environmental qualities on social relations among citizens in urban spaces: Case study of Golestan Garden, Tabriz. Presented at the Third International Conference on Architecture, Civil Engineering, Urbanism, Environment, and Islamic Art Horizons, Tabriz. [in Persian]
 - Okibo, C. C. (2014). *Strategic urban health communication*. Springer. <https://www.springer.com/gp/book/9781461493341>
 - Pour-Ebrahim, S. (2016). Evaluation of sustainability components' contribution to urban environmental health in the metropolis of Arak. *Human and Environment Quarterly*, 28, 63-73. [in Persian]
 - Pournajaf, A., Amarloo, A., Naseri-Far, R., Mohammadi Kalhari, E., & Mohammadi, H. (2007). Study of environmental factors related to urban community health in Ilam during 2004-2005. *Scientific-Research Journal of Ilam University*, 15(3),

- 49-54. [in Persian]
- Rahimi, A. (2023). Urban environmental quality assessment in urban planning. *Journal of Management and Entrepreneurship Studies*, 9(1), 497-520. [in Persian]
 - Rahimi Sadegh, G. (2015). The impact of physical-spatial health indices on organizing urban spaces in Punak neighborhood (Master's thesis). Urban Planning Department, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. [in Persian]
 - Rahighi Yazdi, M. (2014). The impact of physical and social environmental factors of neighborhoods on social health of residents: A comparison between old and new neighborhoods of Yazd city (Master's thesis). Faculty of Economics and Social Sciences, Yazd University. [in Persian]
 - Rahnama, M. R., & Mesgarani, N. (2014). Analysis of urban sidewalks' quality with emphasis on health components: A case study of 17 Shahrivar Street, Mashhad. *Urban and Regional Studies Journal*, 6(22), 43-66. [in Persian]
 - Sadick, A.-M., & Issa, M. H. (2018). Assessing physical conditions of indoor space enclosing elements in schools in relation to their indoor environmental quality. *Journal of Building Engineering*, 20, 520-530. <https://doi.org/10.1016/j.jobbe.2018.09.002>
 - Shama'i, A., & Pourahmad, A. (2005). Urban rehabilitation and renewal from a geographical science perspective. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
 - Shari'at, S. (2014). Social indicators of health equity in social environments (Dr. Zarabi, Trans.). Tehran: Elm Afarin Publishing. [in Persian]
 - Tajdar, V., Rafieian, M., & Taghvaei, A. A. (2010). Assessing health components in Mashhad metropolis from urban planning perspective. *Fine Arts Journal*, 41, 101-110. [in Persian]
 - Taheri, F., Nasrat, M., & Jalali, H. P. (2021). Assessment of urban environmental quality in Rasht city from a diversified urban planning perspective, focusing on four social groups: women, disabled, elderly, and children. *Human Geography Research Quarterly*, 9(3), 803-833. [in Persian]
 - World Health Organization. (1997). City planning for health and sustainable development. *European Sustainable Development and Health Series*: 2.
 - World Health Organization Centre for Health Development. (2016). Global report on urban health; Equitable, healthier cities for sustainable development. WHO Kobe Centre. https://www.who.int/kobe_centre/publications/global_report/en/
 - World Health Organization, & UN-Habitat. (2016). Global report on urban health: Equitable, healthier cities for sustainable development. Geneva: WHO. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/204715>
 - Wong, L. T., Mui, K. W., & Tsang, T. W. (2018). An open acceptance model for indoor environmental quality (IEQ). *Building and Environment*, 142, 371-378. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2018.06.002>

نحوه ارجاع به مقاله:

مهدی، علی (۱۴۰۴)، تبیین آثار شاخص‌های کالبدی، بصری و محیطی بر سلامت شهری در شهر قم، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۴)، ۷۷-۹۲.
10.22034/urbs.2024.142075.5078

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Methodology:

This study adopts a descriptive-analytical and survey-based approach to examine how environmental factors affect urban health in Qom. Data were collected through both library research and fieldwork. The field study included photography, on-site observations, citizen interviews, and standardized questionnaires administered to household heads.

The statistical population comprises households residing in various parts of Qom, particularly in informal settlements, where environmental degradation and health challenges are more acute.

Results and Discussion:

A key question of the study was to identify the major health-related challenges faced by Qom's residents. The findings reveal that psychological and social health issues are more pressing than physical ones. According to the Friedman test, these two dimensions rank higher in severity.

Visual and physical environmental quality emerged as critical factors influencing all dimensions of health. As shown in Table 14, visual quality positively affects mental, physical, and social well-being, whereas poor physical conditions have a negative impact on physical and social health.

In essence, urban environments with high visual quality can foster feelings of calm, satisfaction, and reduced stress. Conversely, chaotic and disordered environments can provoke stress, dissatisfaction, and a sense of instability.

Conclusion:

The analysis confirms that the quality of the urban environment significantly influences the physical and mental health of residents. Environments lacking visual and physical harmony are associated with elevated stress, anxiety, and discomfort. In Qom—especially in peripheral zones and around the Hazrat Masumeh shrine—these issues are especially visible. Urban disorganization, inadequate green spaces, pollution, and flawed urban design are among the most critical concerns. This study underscores the need for urban planning strategies that prioritize environmental quality and public health. Based on the research findings, efforts to improve visual and physical quality, expand green spaces, reduce pollution, and address residents' psychological and social needs are crucial to enhancing quality of life.

Therefore, urban design in Qom should be health-centered and environmentally responsive to ensure better living conditions for its citizens.

Keywords:

Urban health, environmental quality, psychological health, physical health, Qom

Acknowledgment:

I would like to express my sincere appreciation to Mr. Behrooz Farahnak, Mr. Nabi-Allah Bagheri, Mr. Mehdi Shabani, Mr. Reza Razagi, Mr. Saeed Razagi, Mr. Akbar Sadeghati, Mr. Siros Zaviyeh, and Mr. Mohammad Falahy for their outstanding cooperation and support during data collection. Their contributions were invaluable to the success of this project.

Citation: Mahdi, A. (2025). Explaining the impact of physical, visual and environmental indicators on urban health in the city of Qom, *Motaleate Shahri*, 14(54), 77–92. 10.22034/urbs.2024.142075.5078.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Explaining the impact of physical, visual and environmental indicators on urban health in the city of Qom

Ali Mahdi¹ - Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 05 September 2024

Accepted: 12 December 2024

Highlights

- Coordinated and aesthetically pleasing urban design and management enhance tranquility, psychological satisfaction, and positive social interactions among Qom's residents.
- Disordered spaces with inadequate infrastructure and multiple pollutants negatively affect the physical and mental health of residents in Qom's informal settlements.
- Pollution, high population density, and the lack of green spaces in the shrine area seriously threaten the health of citizens and pilgrims in Qom.

Extended abstract

Introduction:

One of the critical concerns in urban studies is understanding how environmental changes impact urban health. The growth of informal settlements and rapid transformations in urban areas often lead to challenges such as poor environmental quality, scarcity of green spaces, pollution, and inadequate housing—factors that collectively harm both the physical and mental well-being of citizens.

In Qom, especially in peripheral areas, these issues are particularly pronounced. Informal settlements suffer from environmental degradation, diverse forms of pollution, insufficient healthcare and sanitation facilities, and disorganized urban structures. These physical issues, coupled with socioeconomic difficulties, pose serious threats to public health.

As a religiously significant city in Iran, Qom faces unique urban health challenges. Beyond physical and architectural issues, psychological, social, and environmental dimensions substantially influence residents' quality of life. This study aims to assess how these environmental factors affect urban health and quality of life in Qom, while identifying key challenges across multiple dimensions of health.

Theoretical Framework:

Urban environmental quality is a multidimensional concept involving physical, social, economic, and psychological components. Research has consistently shown that the quality of the urban environment significantly influences public health. Lansing and Marans (1966) emphasized that a high-quality environment enhances residents' well-being and satisfaction, which directly contributes to their overall health.

Urban environmental quality is closely associated with indicators such as quality of life, citizen satisfaction, environmental perception, and urban livability—all of which affect health outcomes. Poor urban design can lead to a range of physical, psychological, and social problems.

In this context, the medical and social models of health offer distinct perspectives. The medical model focuses on individual clinical interventions, whereas the social model highlights the influence of socioeconomic, environmental, and cultural conditions. The Ottawa Charter (1989) identifies essential prerequisites for health, including peace, shelter, education, food, income, a stable ecosystem, sustainable resources, and social equity. These principles form the basis for evaluating environmental impacts on public health in Qom.

¹ Corresponding author: A.Mahdi@ut.ac.ir

Through a comprehensive literature synthesis, the study explores how these two frameworks intersect—uncovering synergies where biophilic strategies can enrich place-based urban design, especially in nature-adjacent and peri-urban contexts.

Methodology:

This study employs a qualitative meta-synthesis approach, based on the seven-step model introduced by Sandelowski and Barroso. This method facilitates the systematic aggregation and reinterpretation of qualitative findings from diverse case studies, aiming to generate new theoretical insights.

The literature review was conducted across major academic databases—including Web of Science, Scopus, and Semantic Scholar—focusing on peer-reviewed publications from 2017 to 2023. A total of 25 qualitative studies were selected using rigorous inclusion and exclusion criteria. Data analysis was performed through inductive coding using MAXQDA software. The extracted themes were then validated using the CASP checklist and reviewed by experts in urban design to ensure credibility and transferability.

Results and Discussion:

The analysis resulted in the identification of five main thematic dimensions—environmental, social, economic, functional, and physical—encompassing 12 subcategories and 28 indicators. These themes reflect how placemaking and biophilia converge across spatial and disciplinary scales to enhance urban quality.

- Environmental Dimension: Integration with nature enhances biodiversity, regulates microclimates, and improves air and water quality.
- Social Dimension: Biophilic public spaces strengthen community ties, promote inclusivity, and support psychological well-being.
- Economic Dimension: Green infrastructure contributes to increased land value, stimulates tourism, and reduces operational and maintenance costs.
- Functional Dimension: Biophilic design enhances usability through improved comfort, sensory engagement, and spatial adaptability.
- Physical Dimension: The use of natural aesthetics and materials reinforces place identity, emotional attachment, and cultural continuity.

These findings demonstrate that placemaking and biophilic design are not isolated frameworks but mutually reinforcing paradigms. Together, they form the conceptual foundation for biophilic placemaking—an integrated strategy for creating healthier and more sustainable urban environments.

Conclusion:

This study concludes that biophilic placemaking provides a compelling, multidimensional strategy for addressing the social, environmental, and psychological needs of urban populations. By bridging the divide between built environments and nature, this approach fosters the development of spaces that are not only sustainable and resilient but also restorative, inclusive, and culturally meaningful.

As an emerging theoretical framework, biophilic placemaking offers new possibilities for reimagining urban futures—through designs that are ecologically grounded, socially engaging, and deeply connected to human well-being.

Keywords:

Meta-synthesis, Naturalism, Biophilic Design, Urban Sustainability, Nature-Based Urbanism

Citation: Khalili, E., Seyedalhosseini, S., Hanaee, T., Saeedi Mofrad, S. (2024). A meta synthesis approach in the field of place making studies with a biophilic approach, *Motaleate Shahri*, 14(54), 63–76. 10.22034/urbs.2024.140601.5008.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



A meta synthesis approach in the field of place making studies with a biophilic approach

Elnaz Khalili - Depaertment of Urban Planning and Design, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Seyed Moslem Seyedalhosseini¹ - Depaertment of Urban Planning and Design, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Toktam Hanaee - Depaertment of Urban Planning and Design, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Sanaz Saeedi Mofrad - Depaertment of Urban Planning and Design, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 28 January 2024

Accepted: 10 September 2024

Highlights

- This article emphasizes the fundamental relationship between placemaking and biophilia.
- Biophilic placemaking indicators are categorized into five core dimensions.
- Natural peri-urban spaces are identified as key platforms for rebuilding the human–nature connection.
- The concept of “biophilic placemaking” is proposed as an emerging theoretical framework.

Extended abstract

Introduction:

Rapid and often unregulated urbanization has profoundly disrupted natural ecosystems, degraded green infrastructure, and weakened the physical and psychological bonds between humans and nature. These disturbances have exacerbated environmental issues such as air and water pollution, biodiversity loss, and the urban heat island effect. As a result, contemporary urban design is compelled to adopt strategies that address ecological degradation while also enhancing human health and well-being.

This study investigates how integrating biophilic design principles into placemaking processes can provide a nature-based framework for reshaping urban environments—enhancing livability, fostering environmental resilience, and supporting healthier communities. Specifically, it examines how nature-based solutions, grounded in ecological and psychological principles, can respond to pressing urban and planning challenges while encouraging citizens to reconnect both emotionally and functionally with their surroundings.

Placemaking is an interdisciplinary approach aimed at designing meaningful, inclusive, and sustainable spaces that foster a sense of belonging, identity, respect for nature, and social participation. While previous research has explored various social, cultural, economic, and environmental dimensions of placemaking, the incorporation of nature-centric design principles—often referred to as biophilic or nature-based urbanism—remains relatively underexplored.

Accordingly, the central research question is: How can nature-based design principles be effectively integrated into urban placemaking to enhance the quality of urban life and the built environment?

To answer this, the study conducts a qualitative meta-synthesis of global scholarly literature to explore the intersection between placemaking and biophilia. By synthesizing current research, this study seeks to uncover patterns, identify key findings, offer conceptual insights, and evaluate how the integration of these paradigms has evolved in recent years.

Theoretical Framework:

This research is anchored in two interrelated theoretical foundations: placemaking and biophilic design.

Placemaking is conceptualized as a holistic, people-centered approach to designing urban public spaces. It emphasizes the creation of meaningful environments that promote social interaction, inclusivity, cultural identity, and emotional attachment. In parallel, biophilic design builds on E.O. Wilson’s hypothesis of humans’ innate affinity for nature, asserting that integrating natural elements into built environments can enhance mental, emotional, and physical health.

¹ Corresponding author: seyedmoslem.seyedalhosseini@iau.ac.ir

This research does not aim to test a specific theory of social sustainability; rather, it seeks to fill a critical gap in the literature by examining how social sustainability is constructed and perceived by residents of Mehr housing through a qualitative, interpretative lens.

Methodology:

The study employed a qualitative ethnographic methodology to explore the social dynamics within Mehr housing complexes in Golman. Data were gathered through semi-structured interviews and field observations. A purposive sample of 22 participants—including residents and community managers—was selected based on theoretical saturation. The collected data were analyzed thematically, integrating both the emic (insider) perspectives of participants and the etic (outsider) analytical viewpoint of the researcher.

Results and Discussion:

Findings reveal pervasive social instability within Golman's Mehr housing. Key indicators include weak neighborhood identity, low levels of social capital, concentrated poverty, perceived social exclusion, cultural heterogeneity, spatial segregation, and dissatisfaction with the quality of life—despite nominal homeownership. Residents frequently cited issues such as delayed project delivery, contractor dishonesty, poor construction quality, lack of community cohesion, and insufficient experience with apartment living—particularly among migrant populations from rural areas. Furthermore, cultural disparities among residents have inhibited the development of a shared social fabric, undermining trust, cooperation, and a sense of place belonging. These findings suggest that the current trajectory of Golman's development risks transforming it into a zone of “modern marginalization”—a ghetto-like environment masked by formal homeownership but riddled with socio-spatial inequalities.

Conclusion:

From a sociological standpoint, the Mehr housing complexes in Golman are significantly distant from meeting the essential criteria of socially sustainable communities. These include equitable access to services and employment, safety, local participation, social cohesion, and a stable sense of community. Instead, residents experience social disorganization, cultural fragmentation, and a profound sense of exclusion and dissatisfaction.

Without proactive interventions to address these socio-cultural deficits—such as community engagement programs, mixed-income housing models, and infrastructural improvements—Golman is likely to devolve into a modern manifestation of poverty ghettos. Conversely, even modest improvements in quality of life without addressing structural inequalities may merely result in superficial inclusion, masking deeper patterns of marginalization.

Keywords:

Social sustainability, Mehr housing, Golman new city, concentration of poverty, modern marginalization

Citation: Kabiri, A; Jahangirzadeh, J (2025). Qualitative Analysis of the Social Sustainability of Mehr Housing in the New Town of Golman Urmia: Modern Marginalization, *Motaleate Shahri*, 14(54), 49–62. 10.22034/urbs.2025.142227.5086.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Qualitative Analysis of the Social Sustainability of Mehr Housing in the New Town of Golman Urmia: Modern Marginalization

Afshar Kabiri¹ - Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University.

Javad Jahangirzadeh - Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University.

Received: 28 September 2024

Accepted: 22 December 2024

Highlights

- The rapid growth of the urban population in recent decades has intensified the housing crisis, making it a critical concern for urban societies.
- The Mehr Housing Plan was introduced as a supportive social policy aimed at providing affordable housing for low-income households and stabilizing housing prices.
- Despite improving physical access to housing, the plan has resulted in residential complexes that are physically homogeneous but culturally diverse and socially fragile.
- Neglecting the issue of social instability in these communities may transform Golman into a modern ghetto, perpetuating cycles of poverty and marginalization.

Extended abstract

Introduction:

In the past few decades, the rapid urbanization of Iranian cities has escalated the demand for housing, transforming housing shortages into a fundamental challenge for urban governance. In response, a variety of housing policies have been implemented, such as urban regeneration, land provision, rental schemes, social housing, and more recently, the Mehr Housing Plan. This plan emerged as a flagship social policy initiative aiming to deliver low-cost housing to underserved urban populations while curbing speculative price increases.

Despite achieving quantitative progress in homeownership among low-income groups, the qualitative implications of the Mehr Housing Plan remain understudied, particularly in relation to social sustainability. In this context, the new city of Golman near Urmia has witnessed the rapid expansion of Mehr housing complexes, often lacking adequate consideration for social cohesion, infrastructure, and long-term community stability. This study aims to qualitatively examine the social sustainability of Mehr housing in Golman using an ethnographic approach grounded in residents' lived experiences.

Theoretical Framework:

Traditionally, housing was viewed narrowly as a physical shelter meeting basic physiological needs such as rest, protection, and food preparation (Pourmohammadi, 2014). However, contemporary interpretations expand this view, emphasizing housing as a comprehensive residential environment encompassing employment opportunities, educational facilities, health services, recreational spaces, and cultural integration (Mokhbar, 2013). In this broader context, housing becomes a multidimensional phenomenon essential to quality of life and social well-being.

In the 21st century, the discourse surrounding housing and urban development has evolved to include social sustainability as a core dimension. This concept—despite its conceptual ambiguity and lack of universally accepted definitions (Colantonio, 2009; Marta & Giulia, 2020)—has become a focal point in assessing the viability and inclusiveness of urban housing policies. Notably, prior studies on Mehr housing have predominantly emphasized physical and economic parameters, often neglecting the sociocultural and psychological dimensions of housing stability.

¹ Corresponding author: a.kabiri@urmia.ac.ir

Methodology:

This study employs a qualitative, phenomenological research design using an inductive interpretive method based on grounded theory. Due to the cyclical and evolving nature of the grounded theory process, theoretical sampling was used throughout data collection, with semi-structured interviews as the main tool. Sampling continued until theoretical saturation was achieved, resulting in a final sample of 45 mid-level managers and experts from 10 executive institutions with consistent inter-organizational interaction in Zanjan (e.g., Roads and Urban Development, Municipality, City Council, Governorate, Water, Electricity, Gas, Telecommunications, Engineering Organization).

Data collection included questionnaires and semi-structured interviews. Given limitations in recording due to participants' reluctance, efforts were made to establish trust and maintain participant anonymity. Data were analyzed through open coding, followed by axial coding and selective coding to identify core categories and concepts. A paradigmatic model was developed to explain causal, contextual, intervening, strategic, and consequential conditions. For validity assurance, a technical audit was conducted, and procedures were confirmed by two experts familiar with qualitative data analysis.

Results and Discussion:

The analysis revealed that managers at both middle and high levels, depending on their organizational roles, often operate within rigid administrative structures and prioritize institutional interests over collaborative engagement. This tendency, driven by fear of losing authority or being reprimanded, reflects a limited form of instrumental action as described by Habermas. Consequently, urban development becomes shaped by individualistic and monopolistic thinking, resulting in citizen dissatisfaction.

In contrast, successful instances of communicative action—such as those leading to the development of Sabzeh Maidan Complex, the pedestrianization of key streets, the reopening of Zainabiyeh Street, completion of the sewer network, expedited reviews of zoning change requests, active implementation of national housing programs, and reforms in the electrical grid—highlight the benefits of enhanced inter-agency cooperation.

Conclusion:

The findings indicate that the absence of communicative action leads to negative outcomes such as individualism, diminished specialization, weakened work commitment, reduced trust, declining social and organizational capital, short-term decision-making, and citizen dissatisfaction. Conversely, implementing communicative action in some administrative units has fostered a greater sense of belonging, strengthened social capital among staff, and reduced project implementation challenges through enhanced synergy and pluralism based on shared understanding.

Keywords:

Communicative Action; Urban Management; Grounded Theory; Zanjan.

Citation: Daviran, A. (2026). Communication action in the management of urban projects, case study: urban management in Zanjan, *Motaleate Shahri*, 14(54), 35–48. 10.22034/urbs.2024.142281.5089.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Communication action in the management of urban projects

case study: urban management in Zanzan

Alireza Daviran¹ - Department of Geography Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

Received: 06 October 2024

Accepted: 30 November 2024

Highlights

- The decline of social capital due to monopolization, the inability of urban management to advance urban projects, and citizen dissatisfaction are among the consequences of obstacles to communicative action.
- Strengthening the sense of belonging, promoting communicative action, enhancing institutional cooperation, fostering consultation-based expertise, encouraging pluralism, and achieving institutional synergy are identified as the most effective outcome conditions in urban project management.
- In certain administrations, communicative activism fosters a sense of belonging and enhances the social capital of managers and staff.
- Communicative activism mitigates challenges in managing and implementing urban projects by fostering synergy and pluralism rooted in shared understanding.

Extended abstract

Introduction:

Urban management today faces a wide array of physical, economic, social, and environmental challenges. Despite the development of various planning policies to address these issues, implementation often falters due to inter-departmental and inter-organizational functional problems. One effective approach to overcoming these challenges is achieving integrated thinking in the planning and execution of urban projects. Such integration stems from continuous communication and interaction among urban managers and experts within a transparent and pragmatic network—ultimately leading to action-oriented planning.

This research is grounded in the assumption that the primary challenge facing urban management lies not only in the formulation of plans but also in weak inter-organizational communication. Focusing on the case of Zanzan, the study investigates how communicative action impacts the preparation and implementation of urban management plans.

The central research questions are as follows:

- What are the main internal and inter-organizational challenges in the preparation and implementation of urban projects?
- How do urban management entities perceive one another's actions, and what role can communicative action play in improving project outcomes?

Theoretical Framework

One approach to achieving integrated planning is through communicative action, a concept rooted in the philosophy of Jürgen Habermas. Communicative action is a form of social behavior oriented toward mutual understanding. In this paradigm, a distinct form of rationality—relational rationality—is introduced, merging knowledge and values and framing spatial planning as a social construct.

Here, communication becomes the primary source of truth discovery, and human wisdom is seen as emerging through interpersonal interactions rather than as a product of political governance or isolated reasoning. Communication, in this context, is central to governance and policy development.

¹ Corresponding author: a.daviran@cfu.ac.ir

Business data were obtained from the Kazerun County Chamber of Guilds, covering 30 major streets and a total of 3,804 businesses.

To analyze the spatial patterns of specialization and diversity, the following indices were applied:

- Location Quotient (LQ): to measure the degree of specialization and identify localization economies.
- Herfindahl–Hirschman Index (HHI) and Shannon Diversity Index: to measure the level of economic diversity and identify urbanization economies.

The spatial results were visualized using thematic maps to illustrate how economic activities are distributed across different streets.

Results and Discussion

The Location Quotient (LQ) results reveal notable examples of specialization:

- Khorramshahr Beltway in vehicle services (LQ = 2.25)
- Imam Khomeini Street in computer-related services (LQ = 4.53)
- Pardis Boulevard in real estate services (LQ = 6.75)

Other streets and their respective LQ values are detailed in tabular form in the full study.

In terms of diversity, results from the HHI and Shannon indices indicate that streets such as Imam Khomeini, Qadamgah, North Shohada, North Hafez, and Saadi exhibit the highest levels of economic diversity. Conversely, streets like Salman Farsi, South Ferdowsi, and North Ferdowsi demonstrate high levels of specialization. These spatial patterns suggest that the interplay between pedestrian accessibility, street width, and proximity to the central business district significantly influences the emergence of economic specialization or diversity.

Conclusion

Although some previous studies have posited that large cities are more conducive to economic diversity, this study demonstrates that similar diversity can also emerge at the street level in small cities. The findings align with recent scholarship that emphasizes the spatial dispersion of agglomeration effects in the information age, beyond central business districts.

In Kazerun, the benefits of agglomeration economies manifest in both specialized and diverse clusters, often in linear formations along prominent streets. This reflects the influence of factors such as the nature of services provided, physical space requirements, levels of pedestrian and vehicular access, and proximity to dense population areas.

Examples include:

- Technical services (e.g., vehicle repair) clustering along major roadways like Khorramshahr Boulevard
- Agricultural services concentrated on wider, less walkable streets like Ferdowsi
- Real estate agencies locating in newer, developing areas (e.g., Pardis Boulevard)
- Medical services centralized within walkable zones in the urban core (e.g., Salman Farsi Street)
- Mixed-use, diverse streets such as North and South Shohada, Abuzar, and Imam Khomeini accommodating a variety of activities due to their narrower widths and central locations

These patterns underscore the relevance of intra-urban spatial analysis for understanding agglomeration dynamics in smaller urban settings.

Keywords:

Agglomeration economies; specialization; diversity; economic activities; intra-urban spatial analysis; Kazerun.

Citation: Moradi, GH., (2024). Spatial analysis of small-scale agglomeration economies: specialization and diversity of economic activities in Kazeroon city, Motaleate Shahri, 14(54), 21–34. 10.22034/urbs.2024.141197.5042.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Spatial analysis of small-scale agglomeration economies: specialization and diversity of economic activities in Kazeroon city

Gholamreza Moradi¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Engineering, Salman Farsi University of Kazerun, Iran .

Received: 04 May 2024 Accepted: 08 July 2024

Highlights

- Agglomeration economies are observable in small cities like Kazerun, not just in large metropolitan areas.
- Both specialized clusters and economic diversity emerge in a linear or ribbon-like form across the city.
- The formation of specialization or diversity is influenced by activity type and pedestrian accessibility.
- The intra-urban scale, particularly at the street level, is more effective for identifying localization and urbanization economies.

Extended abstract

Introduction:

The spatial distribution of economic activities within a city and their interrelations—along with the physical forms they take—have long been of interest to geographers, urban planners, and economists. Agglomeration economies, and their manifestations in the forms of localization and urbanization economies, not only provide functional benefits for businesses but also create distinct spatial patterns. These patterns—whether clustered, concentrated, or linear—hold significant implications for urban form.

While most previous research has focused on agglomeration economies at the regional or city-wide scale, emphasizing productivity, growth, and employment at the firm or industry level, such studies often overlook intra-city scales. In particular, little attention has been paid to how economic activities and businesses are spatially organized within neighborhoods and along individual streets, and how this distribution relates to the city's spatial structure.

This study aims to fill that gap by examining whether agglomeration effects, specifically localization and urbanization economies, occur in small cities such as Kazerun. The research investigates the spatial characteristics of specialized clusters (localization) and diverse activity patterns (urbanization) in relation to streets, business types, and forms of urban access.

Theoretical Framework

Agglomeration refers to the geographical clustering of firms and businesses, and the benefits that emerge from proximity are referred to as agglomeration economies. These external economies can be categorized into two types:

- Localization economies, which arise from the co-location of firms operating in the same industry, leading to specialized spatial clusters and enhanced productivity.
- Urbanization economies, which result from the general co-location of diverse industries within the same urban area, promoting innovation and service diversity.

Localization economies are sector-specific, while urbanization economies are cross-sectoral. Both types create externalities that foster knowledge spillovers and innovation. The spatial manifestations of these externalities are termed specialization (for localization) and diversity (for urbanization).

This study analyzes the spatial distribution of economic activities at the street level to identify these agglomeration patterns in a small-city context.

Methodology

Kazerun, a small city in southwestern Iran with a population of approximately 96,000, was selected as the study area.

¹ Corresponding author: gh.r.moradi@gmail.com

Keywords:

Visual management model; landscape framing; historic urban landscape; environmental affordances; Zandiyeh District, Shiraz.

Acknowledgment:

This article is derived from the doctoral dissertation in Urban Planning titled “Developing a Semantic Model of Urban Landscape: Case Study of the Urban Landscape of Shiraz”, completed by the first author under the supervision of the second and third authors at Art University of Isfahan.

Citation: Asadpour, H., Ghalehnoee, M., Bahramian, A. (2025). Explaining the Visual Management Process of the Historical Urban Landscape with an Emphasis on Environmental Affordances, Case Study: Zandiyeh Area of Shiraz, *Motaleate Shahri*, 14(54), 3–20. 10.22034/urbs.2024.139979.4985.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Theoretical Framework:

According to Bell (2008, 2019), landscape is a process occurring between physical and non-physical realms, forming an objective–subjective phenomenon. Landscape emerges from the interaction between humans and their environment, shaped by a meaningful relationship between the observer and the place (Mansouri et al., 2021). Within this framework, visual management focuses on organizing urban landscapes and offers structured criteria for evaluating their visual conditions.

This model serves to monitor visual coherence, strengthen visual identity, and enhance the relationship between symbolic elements, visual attractions, and public spaces (Pourjafar et al., 2009). A major obstacle in achieving effective visual management is the limited understanding of human-scale needs and environmental affordances by designers. These affordances can be categorized as “perceptual” and “cognitive,” or “overt” and “hidden,” depending on the level of user awareness and engagement.

Methodology:

This study employs an applied and analytical research approach using a combination of qualitative and quantitative methods. The Delphi technique was used to identify and prioritize the stages of visual management with input from experts in urban design, planning, and landscape architecture. The relative importance of each stage in the context of Shiraz was evaluated using the Friedman test.

The case study focuses on the Zandiyeh District of Shiraz, analyzed using the “Photo Grid” technique to examine visual framing and affordances. A visual questionnaire was distributed to 40 experts through snowball sampling, capturing expert assessments of environmental and perceptual affordances within different spatial networks of the area.

Results and Discussion:

The visual management process for historic urban landscapes includes seven stages:

1. Assessing the current situation
2. Identifying the needs of the landscape
3. Setting a visual framework
4. Formulating visual conservation goals
5. Planning the landscape
6. Organizing the landscape
7. Analysis and evaluation

Experts rated the first two stages—“assessing the current situation” and “identifying needs”—at an average of 2.65, indicating a moderate condition. However, the later stages were evaluated as weak or very weak: “setting a framework” (2.45), “planning” (2.35), “analysis and evaluation” (2.28), “formulating goals” (2.25), and “organizing the landscape” (2.23). These findings indicate systemic weaknesses across the visual management process.

Three primary areas of challenge were identified:

- Design and Planning Issues: fragmented spatial structure, lack of visual hierarchy
- Management Issues: limited coordination among institutions, absence of visual strategies
- Contextual Understanding: insufficient recognition of historical continuity and symbolic meaning

Conclusion:

For successful visual management of historic urban landscapes, the use of techniques like “Photo Grid” during the framing phase enables a more precise understanding of visual and environmental affordances. This research moves from general analysis to detailed contextual evaluation, offering practical insights for future interventions.

The results show that Zones 1 and 5 (especially near the Vakil Mosque and Bath) achieved the highest scores in environmental friendliness and imaginability. In contrast, Zone 2 (Divankhaneh area) received the lowest rating due to neglect, visual isolation, and poor readability. Zone 3 also requires attention, as it ranked second in terms of needed improvement. These findings can guide urban policymakers and designers in prioritizing areas for visual rehabilitation, particularly within historically sensitive contexts like Shiraz.

Explaining the Visual Management Process of the Historical Urban Landscape with an Emphasis on Environmental Affordances

Case Study: Zandiyeh Area of Shiraz

Hajar Asadpour - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Mahmoud Ghalehnoee¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Armin Bahramian - Department of Architecture, Faculty of Architecture & Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 31 October 2023

Accepted: 24 February 2024

Highlights

- The characteristics of the urban landscape, both objective and subjective, encompass perceptual and cognitive components.
- The historic urban landscape, as an objective–subjective phenomenon, reflects the meaningful connection between historical imagery and user perception. Given the large-scale nature of visual management in urban landscapes, coordination with local-level policies is essential.
- The current condition of Shiraz's historic fabric reveals three key categories of issues: design and planning challenges, management challenges, and challenges in contextual understanding.
- Within the visual management process, the stages of “formulating visual protection goals” and “organizing the landscape” are currently at the weakest levels and should be prioritized for intervention.

Extended abstract

Introduction:

The crisis of distorted and illegible urban landscapes in contemporary cities stems from rapid urban development coupled with neglect of perceptual dimensions in urban planning. This challenge is particularly evident in many Iranian cities, where historic urban areas have undergone extensive demolition and reconstruction, often lacking sensitivity to their visual identity (Mahmoudzadeh & Saheli, 2019; Roustaei & Nazeri, 2019). In this context, the implementation of a visual management model is essential. Such a model can improve the conditions of historic urban landscapes by evaluating and guiding restoration plans before execution, reducing the likelihood of visual degradation.

Given its historical significance and its role in forming urban identity and supporting the local economy, Shiraz requires special attention. Through the application of visual management strategies, it is possible to address perceptual deficiencies, allowing users to develop deeper visual and emotional connections with historical spaces. The research aims to address the following questions:

1. What are the components and steps of the visual management process for historic urban landscapes in Shiraz?
2. Which stages should be prioritized when managing Shiraz's historic landscape?
3. From the perspective of experts, which aspects of environmental affordances (with emphasis on framing) are most critical in the Zandiyeh District?

¹ Corresponding author: m.ghalehnoee@aui.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **Explaining the Visual Management Process of the Historical Urban Landscape with an Emphasis on Environmental Affordances**
Case Study: Zandiyeh Area of Shiraz | Hajar Asadpour, Mahmoud Ghalehnoee, Armin Bahramian
- **Spatial analysis of small-scale agglomeration economies: specialization and diversity of economic activities in Kazeroon city**
Gholamreza Moradi
- **Communication action in the management of urban projects**
Case Study: urban management in Zanjan | Alireza Daviran
- **Qualitative Analysis of the Social Sustainability of Mehr Housing in the New Town of Golman Urmia: Modern Marginalization**
Afshar Kabiri , Javad Jahangirzadeh
- **A meta synthesis approach in the field of place making studies with a biophilic approach**
Elnaz Khalili, Seyed Moslem Seyedalhosseini, Toktam Hanaee, Sanaz Saeedi Mofrad
- **Explaining the impact of physical, visual and environmental indicators on urban health in the city of Qom**
Ali Mahdi

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Kayoumars Irandoost, Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandiyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.54, Spring 2025